

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، کلید هر نوشته ای است.

مکتب الرسول ج ۱، ص ۵۴

راهبرد

انقلاب چرا بماندو چگونه بماند؟ | ۶

ترکیب جمهوریت و اسلامیت،

نخستین درخشش انقلاب | ۸

جوانان شانه‌های خود را به زیر بار

مسئولیت دهند | ۱۰

توازن آرمان‌گرایی و واقع‌بینی | ۱۲

نظریه نظام انقلابی | ۱۴

راه انقلاب برای ۴۰ سال آینده | ۱۶

نشانه‌های امیدبخش | ۱۷

تعیین قلّه‌ها | ۱۸

انقلاب اسلامی رویکرد تمدنی دارد

| ۲۰

رو به سوی آینده | ۲۲

اندیشه

سخن نقره‌است اما خاموشی طلا | ۲۴

غوغای هستی | ۲۷

عالمی را یک سخن ویران کند | ۲۸

بارگاه حکمت | ۳۱

مقام سکوت متعلق به عقل است | ۳۲

آواز رازآلود هستی | ۳۶

۸



محیط ساکت ناممکن است | ۳۸

خاموشی؛ جلای دل | ۴۰

درپرتو معنا

که یکی هست و هیچ نیست جز او | ۴۲

خامه توحید کش بر ورق انس و

جان | ۴۴

پادشاه ملک جان | ۴۶

جز او را نپرستید | ۴۸

میان دست‌های خدا | ۵۱

او | ۵۲

ما هیچ، شما چرا به فکر خودت

نیستی؟ | ۵۴

فرهنگ و هنر

فیلم‌هایی که سال آینده باید دید | ۵۶

عاشق چگونه با آتش برف می‌سوزد؟ | ۶۰

فردوسی ایران را سروده است | ۶۲

روئین تنی و چالش میان ارزش‌ها | ۶۴

مثل فردوسی شدن کار آسانی نیست | ۶۵

وقتی زال، زاغ می‌شود | ۶۶

۱۶



۳۱



۵۲



زیر نظر شورای سیاست‌گذاری

● سردبیر:

یاسرا احمدوند

● معاون سردبیر:

محمد مهدی بیگلری

● همکاران:

مجید صالحی، محمد جواد کسمایی، شایان ضیایی

محمد رضا بختیاری، فرناز رخشنده، حمید پورصمیمی

محمد جهان‌شاهی، نازنین رشید بیگی، محمود اورعی

مهتاب هاشم‌زاده، فریده خان محمدی، علی پورمحسنی

حمید جوادی، بهرام جلال‌وند، بهاره فرج‌پور



جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران
حوزه نمایندگی ولی‌فقیه

مروغان

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی با رویکرد دینی

شماره ۴۱. اسفند ۱۳۹۷. سال چهارم

جمادی‌الثانی - رجب ۱۴۴۰. فوریه - مارچ ۲۰۱۹

کتاب

رونمایی از «ان مع الصبر نصرا» در
بیروت | ۶۸

خاطرات رهبر انقلاب به زبان عربی
چگونه تدوین شد؟ | ۶۸

«گفتگو» در ترسیم آینده مطلوب، نقش
کلیدی دارد | ۷۰

رازهای دیدنی جهان | ۷۲

سفر پسر صحرا | ۷۳

نجوای عالمان با امام زمان (عج) | ۷۴

بازی رؤیا | ۷۵

شهر و سفر | ۷۶

گل‌های شوره زار | ۷۷

راننده بهشت | ۷۸

هلال

امانتدار اعتماد مردم هستیم | ۸۰

خدمت شما به مردم عبادتی بزرگ
است | ۸۱

برپایی نشست شورای رابطین
نماینده ولی فقیه جمعیت هلال احمر
استان قم | ۸۱

المپیاد فرصتی است که استعدادها را
کشف کنیم | ۸۲

۶۶



اهداف ورزش و هلال احمر هم سو
هستند | ۸۳

آموزش، بهترین روش برای پیشگیری
است | ۸۴

برگزاری دوره توانمندسازی رابطین
فرهنگی و ائمه جماعات استان
هرمزگان | ۸۴

۶۹



ارتباط انسان با خدا یکی از لوازم
ضروری مدیریت است | ۸۵

اردوی فرهنگی-آموزشی یاوران نماز
در نیشابور برگزار شد | ۸۶

هلال احمر ظرفیتی وسیع برای خدمت
به آحاد جامعه است | ۸۷

ترویج آرمان‌های فرهنگی و دینی | ۸۸

تولید محتوای کارشناسی در حوزه‌های
مختلف جمعیت هلال احمر | ۹۰

مانور زلزله در حوزه‌های علمیه با
کمک کانون طلاب | ۹۲

هلال احمر؛ خانه قهرمانان گمنام
است | ۹۴

۸۴



مصدوم تنها خدا را فریاد می‌زند | ۹۶

فعالیت ما می‌بایست مؤمنانه،
مجاهدانه و صادقانه باشد | ۹۸

دومین دوره آموزش علمی کاربردی
شیوهای نوین دعوت به نماز | ۹۹

۹۴



مهروماه از نوشته‌ها، پیشنهادهای و انتقادهای شما استقبال می‌کند.
لطفاً مطالب خود را به نشانی

mehromah.helal@gmail.com ارسال فرمائید.

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۶۶۴۴

تلفن: ۸۸۲۰۱۱۳۶

● مسئول پشتیبانی: فیروز شیخی

● مسئول توزیع: علی اصغر خلیج رحیمی

● باسپاس از همراهی:

حامد جبلی، فاطمه صادقی، فرزین صالحی

و مسئولان محترم دفاتر نمایندگی ولی فقیه

در جمعیت هلال احمر استان‌ها

● مدیر هنری:

روح اله یاقوتی

● صفحه‌آرایی:

دفتر مشکاة هنر

● ویراستار:

زهرا عزیزی

بیانیه گام دوم و وظایف هلال احمر خدمت‌رسانی، توسعه دانش و رشد معنویت و اخلاق

دهه فجر امسال با بیم‌ها و امیدهایش گذشت، بیم از دشمنی بی‌سابقه و تمام‌قد اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای با انقلاب اسلامی و امید به گذر از سال‌های ابتدایی و چشم‌داشتن به آینده درخشان ایران بزرگ. امسال مردم ایران اولین قله چهل‌سالگی را فتح کردند و استوارتر و مصمم‌تر پای در راه افتخارات بزرگ در سال‌های پیش‌رو گذارده‌اند. این راه پیش‌رو با نگاه به گذشته و عبرت از آنچه رفته و تحلیل و نگاه درست به مشکلات و چالش‌ها در مسیر طی خواهد شد. بسنده کردن به دستاوردها و بی‌توجهی به مشکلات و کمبودها و درنیافتن بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها گذر از گردنه‌ها را دشوار خواهد ساخت. در روزهای گذشته بیانیه گام دوم از سوی رهبر معظم انقلاب خطاب به مردم ایران صادر شد. این بیانیه مهم تحلیل جامع و دقیق از شرایط سال‌های گذشته برانقلاب ارایه می‌کند. در این بخش ایشان تاکید می‌کنند؛ همه چیز علیه ما بود. اما تقابل اسلام و استکبار پدیده برجسته جهان معاصر شد. تاکید بر ترکیب جمهوری و اسلامیت به -عنوان نخستین درخشش انقلاب از مهمترین محوذهای بخش‌های نخست بیانیه است. در ادامه برکات ناشی از انقلاب بر شمرده می‌شود؛ انقلاب امنیت و تمامیت ارضی را ضمانت کرد. کفه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و زیرساخت شد. مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رساند. عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه افزایش داد. ایستادگی در برابر مستکبران روزبه‌روز بیشتر شد. بینش سیاسی آحاد مردم را ارتقاء داد. اینها برکات ناشی از انقلاب اسلامی است. رهبر معظم انقلاب چالش‌های دیروز و امروز انقلاب با مستکبران را گوشزد و سپس به ظرفیت‌های مهم کشور برای گام دوم انقلاب اشاره می‌کنند. در این بیانیه نیروی مستعد و کارآمد با ویژگی‌های منحصر به فرد در کنار فرصت‌های مادی بی‌مانند مهمترین ظرفیت کشور دانسته شده است. مهمترین بخش این بیانیه اما توصیه‌ها برای آینده انقلاب و ترسیم نقشه و مسیر عبور در ادامه است. هفت محور مهم در اینجا مورد تاکید قرار گرفته است؛ علم و پژوهش، عدالت و مبارزه با فساد، معنویت و اخلاق، عزت ملی و روابط خارجی، اقتصاد، استقلال و آزادی و سبک زندگی. این‌ها مهمترین نکاتی است که باید فراروی حرکت در این مسیر دیده شود. جمعیت هلال احمر که همواره پیش‌رو در کار خدمت‌رسانی به مردم بوده است باید به برخی از بخش‌های این بیانیه به عنوان وظیفه و مأموریت توجه نماید. خطاب ویژه مقام معظم رهبری در این بیانیه با جوانان است. از این‌رو توجه سازمان جوانان و داوطلبان به نکات مهم این بیانیه ضروری می‌نماید. علاوه بر این توجه معاون آموزشی به توسعه و تولید دانش، توجه بخش‌های اداری و مالی به مبارزه با فساد و تقسیم عدالت محور امکانات، اهتمام بخش -های اقتصادی به عیوب‌ساختاری اقتصاد و راه‌حل‌های ارایه شده و نیز توجه بخش‌های فرهنگی به رشد اخلاق و معنویت و سبک زندگی می‌تواند چراغ پرفروغ برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در بخش‌های مختلف جمعیت باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بیانیه‌ای راهبردی تحت عنوان گام دوم منتشر فرمودند. در بخش راهبرد این شماره ضمن بازخوانی نکات کلیدی و برجسته این بیانیه، مطالب مختلفی درباره واکاوی جنبه‌های متفاوت آن را فراهم کرده‌ایم. مقاله‌ای تحلیلی درباره هفت لایه عقلانیت نهفته در بیانیه گام دوم انقلاب، بررسی راه انقلاب برای چهل سال آینده، نگاهی به مسئولیت‌های جوانان در نظریه نظام انقلابی، تعیین قله‌هایی که در آینده باید فتح شود و بحث درباره رویکرد تمدنی انقلاب بخش‌هایی از مطالب این پرونده را تشکیل می‌دهند.

« راهبرد



انقلاب چرا بماند و چگونه بماند؟

توازن آرمان‌گرایی و واقع‌بینی

راه انقلاب برای ۴۰ سال آینده



نگاهی به کلیدواژه‌های مهم پیام «گام دوم انقلاب»

انقلاب چرا بماند و چگونه بماند؟

انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی، تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.

شعارهای انقلاب

برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلائیّت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند.

پای‌بندی به اصول

جمهوری اسلامی، متجذّر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پای‌بند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند.

تمدن‌نوین اسلامی

جوانان عزیز! دهه‌های آینده، دهه‌های شماس است و شما باید که باید کارآموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن‌نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید.

عزت جمهوری اسلامی

صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت‌بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در

مطلب زیر جملات و کلیدواژه‌های اصلی بیانیه گام دوم انقلاب را بر اساس میزان کاربرد و اهمیت آن استخراج کرده است. با مطالعه این مطلب، به نکات کلیدی که در این بیانیه مورد تأکید رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌آقا... خامنه‌ای (مدظله العالی) بوده است، آشنا می‌شویم ■

انقلاب اسلامی ملت ایران

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دؤمین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.

آغاز عصر جدید

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست، کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید، دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام کرد. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجماع محتوم خود نزدیک‌تر شدند.

استقلال و آزادی

استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آورد صد‌ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمر شجره طیّبه انقلاب را با تاویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه نمی‌توان در خطر قرار داد. همه - مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی - موظف به حراست از آن با همه وجودند.

پیشرفت سریع

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت.





غرب آسیا و بازناب و وسیع آن در سراسر جهان سلطه؛ این ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است.

۴ استقرار عدالت

نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آن که این ارزش والا باید گهر بی همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره دیگر گذشته قابل مقایسه نیست.

۴ مدیریت جهادی

مدیریت های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می توانیم» که امام بزرگوار به همه ما موخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه ها رسانید.

۴ اندیشه امام خمینی^(ع)

انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریّت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی^(ع) به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

۴ پاسداری از انقلاب

در تمام این چهل سال، تسلیم ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب، و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته شده ایران و ایرانی، به ویژه جوانان این مرز و بوم به شماری رفته است.

۴ همت و هشیاری جوانان

راه طی شده فقط قطعه ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود.

۴ امید به آینده

نخستین توصیه من، امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل ها، هیچ گامی نمی توان برداشت. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی راز خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه ای ترین جهاد شماس است. رویش های انقلاب بسی فراتر از ریزش هاست.

۴ پیشرفت در علم و دانش

دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. مؤگداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می ورزیم. ما هنوز آله های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم ترین رشته ها عبور کنیم.

۴ جوانان انقلابی

مهم ترین ظرفیت امید بخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند.

۴ شعور معنوی و وجدان اخلاقی

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می آورد؛ این، بی گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت ها توفیق چندانی نخواهد یافت.

۴ دفاع از مظلومان

این انقلاب از آغاز تا امروز به بی رحم و خون ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است.

۴ اقتصاد قوی

اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذ ناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله ای است که بدون آن نمی توان به هدف ها رسید.

۴ راه حل مشکلات اقتصادی

عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. راه حل این مشکلات، سیاست های اقتصاد مقاومتی است. این که کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است.

۴ مبارزه با فساد

همه باید از شیطان حرص بر حذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه، بخش اثرگذاری است از تلاش همه جانبه ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

۴ محرومیت زدایی

عدالت در صدر هدف های اولیّه همه بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است. صریحاً می گویم آنچه تاکنون شده یا آنچه باید می شده و بشود، دارای فاصله ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت ها بنیاد و از شکاف های عمیق طبقاتی به شدت بیمناک باشد.

۴ مرزبندی با دشمن

سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آن ها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت کار، تعدادی از دولت های اروپایی را نیز خدعه گرو غیر قابل اعتماد می داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن ها با دقت حفظ کند؛ از ارزش های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد.

۴ مقابله با ترویج سبک زندگی غربی

تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبان های بی جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان هاست. □



سرگذشت چهل ساله انقلاب اسلامی

- ۱. همه چیز علیه ما بود.
- ۲. هیچ تجربه‌ای در برابر ما وجود نداشت.
- ۳. ترکیب جمهوریت و اسلامیت نخستین درخشش انقلاب بود.
- ۴. تقابل دوگانه «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر شد.
- ۵. عظمت پیشرفت‌های چهل ساله ایران آن‌گاه به درستی دیده می‌شود که با مدّت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی چون فرانسه و شوروی و هند مقایسه شود.
- ۶. انقلاب منشأ این برکات شد:

 ۱. امنیت و تمامیت ارضی را ضمانت کرد.
 ۲. موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و زیرساخت شد.
 ۳. مشارکت مردمی را در «مسائل سیاسی»، «حضور در صحنه‌های ملی» و «استکبارستیزی» به اوج رسانید.
 ۴. بینش سیاسی آحاد مردم را ارتقاء داد.
 ۵. کفّه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد.
 ۶. عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه افزایش داد.
 ۷. ایستادگی در برابر مستکبران روزه‌روز بیشتر شد.

تفاوت چالش‌های دیروز و امروز

انقلاب با مستکبران

- ۱. چالش آن روز بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود؛ امروز چالش بر سر حضور ایران در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن نفوذ آمریکا از منطقه و حمایت از مجاهدان فلسطینی و دفاع از حزب الله و مقاومت است
- ۲. مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است.
- ۳. آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی فائق آید، امروز برای مقابله، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند.

ظرفیت‌های مهم کشور برای گام دوم انقلاب

- نیروی انسانی مستعد و کارآمد
- ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه ۱۵ و ۴۰ سالگی
- حدود ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی
- رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی
- وجود انبوه جوانان با روحیه انقلابی و آماده تلاش جهادی
- وجود جوانان محقق مشغول به آفرینش‌های علمی، فرهنگی، صنعتی و ...
- فرصت‌های مادی کشور
- ۷۰ درصد ذخایر معدنی جهان با وجود یک درصد جمعیت جهان



مروری سریع بر بیانیه گام دوم انقلاب

ترکیب جمهوریت و اسلامیت، نخستین درخشش انقلاب

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷، بیانیه‌ای مهم و راهبردی صادر کردند. مهم‌ترین بخش‌های این بیانیه را در این جدول

مرور می‌کنیم. ■

۳. نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی
۴. استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور
۵. بودجه بندی معیوب و نامتوازن
۶. عدم ثبات سیاست های اجرایی اقتصاد
۷. عدم رعایت اولویت ها
۸. وجود هزینه های زائد و مسرفانه در بخش هایی از دستگاه های حکومتی

۱. مهم ترین راه حل ها:
۲. مولد شدن و دانش بنیان شدن
۳. مردمی کردن اقتصاد و تصدّی گری نکردن دولت
۴. برونگرایی با استفاده از ظرفیت ها
۵. سپردن کار به دست یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته های اقتصادی

- عدالت و مبارزه با فساد
- (عدالت و مبارزه با فساد، لازم و ملزوم یکدیگرند.
- (دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند.
- (نسبت فساد در میان کارگزاران جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از حکومت ها بسی کمتر است، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است.
- (آنچه تاکنون شده با آنچه باید می شده و بشود، دارای فاصله ای ژرف است. دل های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت ها بتپد.
- (کسب ثروت مورد تشویق است، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی به شدت ممنوع است.
- (غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، مورد قبول نیست.

- استقلال و آزادی
- (استقلال ملی به معنی آزادی ملت از زورگویی سلطه گران جهان است؛ ولی نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود باشد.
- (آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای افراد جامعه است؛ ولی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش های الهی و حقوق عمومی باشد.

- عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن
- (پدیده های جهانی که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند:
- ۱. تحریک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم
- ۲. شکست سیاست های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین گیر شدن همکاران خائن آن ها در منطقه
- ۳. گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه

- (وظایف دولت جمهوری اسلامی:
- ۱. مرزبندی خود را با آمریکا و تعدادی از دولت های اروپایی با دقت حفظ کند.
- ۲. از ارزش های انقلابی و ملی، یک گام هم عقب نشینی نکند.
- ۳. از تهدیدهای آنان نهراسد.
- ۴. عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد.

۵. حکیمانه و مصلحت جوانه و از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند.
۶. در مورد آمریکا، حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی نخواهد داشت.

- سبک زندگی
- (تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی، زبان های بی جبرانی به کشور و ملت زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد که چشم امید در آن، به جوان هاست. □

- (منابع عظیم زیرزمینی
- (موقعیت استثنایی جغرافیایی
- (بازار بزرگ ملی
- (بازار بزرگ منطقه ای (۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت)
- (سواحل دریایی طولانی
- (حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی
- (اقتصاد بزرگ و متنوع

□ توصیه هایی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی

و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (عج)

- علم و پژوهش
- (دانش، وسیله عزت و قدرت یک کشور است.
- (به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی کنیم.
- (هنوز از قله های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله ها دست یابیم.
- (با شتاب پیش می رویم، ولی این شتاب باید سال ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود.
- (این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید.

- معنویت و اخلاق
- (وجود معنویت و اخلاق، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند.

- (معنویت یعنی برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه.
- (اخلاق یعنی رعایت فضیلت هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و...

- (وظیفه حکومت ها برای رشد اخلاق و معنویت:
- ۱. منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند.
- ۲. زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند.
- ۳. به نهادهای اجتماعی در این باره کمک برسانند.
- ۴. با کانون های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند.
- ۵. با ابزارهای رسانه ای، برخورد هوشمندانه و مسئولانه کنند.

- اقتصاد
- (اقتصاد، هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله ای است که بدون آن نمی توان به هدف هارسید.
- (چالش های اقتصاد کشور:

۱. چالش بیرونی: تحریم و وسوسه های دشمن
۲. چالش درونی: عیوب ساختاری و ضعف های مدیریتی (در صورت اصلاح مشکل درونی، چالش بیرونی کم اثر یا بی اثر خواهد شد)

- (مهم ترین عیوب ساختاری:
- ۱. وابستگی اقتصاد به نفت
- ۲. دولتی بودن بخش هایی که در حیطه وظایف دولت نیست

مهم‌ترین مضمون بیانیه «گام دوم انقلاب»

در بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، یک مضمون سه بار تکرار شده است: «جوانان باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند.» به دلایلی که در این نوشتار توضیح داده خواهد شد، به نظر می‌رسد که این مضمون باید مهم‌ترین مضمون بیانیه به حساب آید. جمله «جوانان باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند.» دو بار عیناً در متن تکرار شده و یک بار هم مضمون آن در عبارت «اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید» تکرار شده است. از این رو، مهم‌ترین موضوع، «اعلام جهاد» و فراخوانی شانه‌هایی است که زیر بار مسئولیت بروند.

مفهوم «جهاد» در ادبیات انقلاب اسلامی

به باور من، مهم‌ترین جمله رهبر عالی ما، که سبک رهبری سیاسی و معنوی ایشان را به وضوح توضیح می‌دهد، جمله‌ای است که ۲۲ سال قبل در آبرسخنرانی مشهور به «عبرت‌های عاشورا / عوام و خواص» بیان شد: «بنده بیشتر سنگینی بارم این است که نگاه کنم بینم کجا شعله جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارم.» بی‌گمان، از دیدگاه تحلیلگران امروز دنیای سیاست، مهم‌ترین مفهوم سیاسی اسلام، «جهاد» است. حفظ جهاد، مهم‌ترین وزن و جذبه جهاد یک رهبر شاخص در انقلابیگری اسلامی شیعی را می‌سازد. نکته بعد آن است که جهاد، یک مفهوم عمیقاً فرهنگی است. ایشان در همان آبرسخنرانی در سال ۱۳۷۵، مفهوم جهاد را اینچنین تعریف فرموده‌اند: «یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداق‌های بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده می‌شود، فرهنگ رزمندگی و جهاد است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است که جهاد رزمی نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاست است که جهاد سیاسی نامیده می‌شود؛ یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به جهاد فرهنگی تعبیر می‌شود و یک وقت در میدان سازندگی است که به آن جهاد سازندگی اطلاق می‌گردد. البته جهاد، با عنوان‌های دیگر و در میدان‌های دیگر هم هست. پس، شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش این‌که در مقابل دشمن صورت گیرد.»

مشابه همین مضمون در میراث امام سید روح‌الله... موسوی خمینی (ره) نیز با تأکید بر مفهوم «جهاد اکبر» مشهود است؛ با این تأکید که جهاد، مسلک سازندگی معنوی انسان است. در تلقی امام خمینی (ره) «اساساً اسلام برای



جوانان شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند



دکتر حامد حاجی حیدری

رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، با مرور تجربه ۴۰ ساله انقلاب اسلامی اعلام کردند: انقلاب «وارد دؤمین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است». گام دومی که باید در چارچوب «نظریه نظام انقلابی» و با «تلاش و مجاهدت جوانان ایران اسلامی» به سوی تحقق آرمان «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ)» برداشته شود. آنچه در ادامه می‌آید یادداشت دکتر حامد حاجی حیدری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران است که به بررسی موضوع «اعلام جهاد» در متن این بیانیه و ریشه‌ها و ابعاد مسئله در فرهنگ برآمده از انقلاب اسلامی پرداخته است. ■



امروزه پیشرانی یک کشور نوآور، به هیچ عنوان ساده نیست. برای تحریک و برانگیختن نوآوری در یک کشور، با طیف متنوعی از موانع از درون و بیرون کشور، و آنچه نوآوری را در مسیری قرار می دهد که خودش را تقویت کند، مواجه خواهیم شد. فائق آمدن به این موانع، نیاز به آن دارد که یک تصمیم سازی منتشر و در عین حال هم گرا در همه عاملیت های سازمان، با تشخیص محلی و به هنگام، موانع را از جلوی پای سازمان بردارد و این، با مدیریت بوروکراتیک میسر نیست.

به رغم این دشواری آغازین، وقتی ارابه «سازمان فرهنگی - جهادی» به حرکت درمی آید، نوعی از سازمان چابک را رقم می زند که آهنگ حرکت آن، چندین برابر شتابناک تر، مؤثرتر، پرنفوذتر و کارآمدتر از یک «سازمان آهنگین بوروکراتیک» است؛ سز و دلیل آن هم این است که امروز، سازمان دهی و مدیریت، مبتنی بر مفهوم مهم «نوآوری» گردیده است. وقتی فرض ما در مورد سازمان جامعه، «انسانی» است نه «ماشینی»، فرایندهای نوآوری به جای آن که تنها در تارک دولت متمرکز باشد و سایر اجزای جامعه تنها مجری و عمل کننده باشند، در سرتاسر کشور منتشر است. بدین ترتیب هر یک از عاملیت های وطن در جای خود مشغول نوآوری در شیوه ها و عملکردها هستند و این اتفاق، سرزندگی، پختگی، و چابکی قابل ملاحظه ای به جمهوری اسلامی بخشیده و می بخشد.

❑ ایجاد یک مسیر نوآورانه

امروزه پیشرانی یک کشور نوآور، به هیچ عنوان ساده نیست. برای تحریک و برانگیختن نوآوری در یک کشور، با طیف متنوعی از موانع از درون و بیرون کشور، و آنچه نوآوری را در مسیری قرار می دهد که خودش را تقویت کند، مواجه خواهیم شد. فائق آمدن به این موانع، نیاز به آن دارد که یک تصمیم سازی منتشر و در عین حال هم گرا در همه عاملیت های سازمان، با تشخیص محلی و به هنگام، موانع را از جلوی پای سازمان بردارد و این، با مدیریت بوروکراتیک میسر نیست. سطح مناسب و مهمی از انعطاف نیاز است که در عین حال جهت گیری های کلی را نیز یادآوری کند. از این قرار، باید به مدیریت «فرهنگی - جهادی» به مثابه یک «فضای تنفسی نوآوری» نگاه کرد؛ فضای که افراد با تنفس در آن، به تشخیص و تحلیل و نوآوری برای برداشتن موانع اعمال مدیریت جهادی برانگیخته می شوند. با این فرض است که مهم ترین وظیفه رهبری، این خواهد بود که فضای تنفسی نوآوری را با مدیریت انسانی و اقلان گسترده زنده نگه دارد و «نگاه کند و ببیند کجا شعله جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارد». فضای تنفسی نوآوری شامل مجموع همه طرف ها و شرکای کنش اجتماعی است و با کوه نظری نمی سازد. در پیشرانی بوروکراتیک کشور، به فرایندهای تصمیم گیری و اجرا، به مثابه توسعه یک باره ایده و خط مشی سیاسی، از بالا به پایین نگاه می کنند. این در حالی است که در یک سازمان دهی چابک که درخور سیاست عمیقاً تحول یابنده امروز است، تلاش های نوآورانه منحصراً بر آینده و ایده و خط مشی سیاسی بعدی تمرکز دارند و باید داشته باشند. از این دیدگاه، ایجاد یک مسیر نوآورانه مستلزم فرایندهای وسیع و انتشار یافته ای است که طی آن، ایده ها در هر نقطه ای مجال طرح می یابند، به رسمیت شناخته می شوند، امتحان می شوند، به سمت اجرا می روند، باز خورد می گیرند، تصحیح می شوند و نهایتاً به فرمول های عملیاتی در سرتاسر کشور بدل می گردند و بدون توقف، به سمت مسیرهای آینده معطوف می شوند. در این میان نقش رهبری این است که همه تلاش ها را به سمت هدف معنوی معطوف دارد و در عین حال «ببیند کجا شعله جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارد». ❑

سازندگی آمده است و نظر اسلام به ساختن انسان است؛ جهاد برای سازندگی. سازندگی انسان، خودش مقدم بر همه جهادهاست. این است که رسول اکرم (ص) آن را جهاد اکبر نامیده اند؛ جهادی بس بزرگ است و مشکل. و همه فضیلت ها دنبال آن جهاد - جهاد اکبر - است؛ جهادی است که با نفس طاغوتی خودش، انسان انجام می دهد. اصل «جهاد» در تلقی امام خمینی (ره)، به عنوان پیش شرط «جهاد متکی بر حدید»، همین مضمون عمیقاً فرهنگی یعنی «جهاد اکبر» است. این، یک خط حائل مهم میان «مفهوم جهاد در انقلاب اسلامی» و «گروه های مخرب جهادی در اسلام آمریکایی و منحرف تکفیری» است.

مفهوم اخیر «مدیریت جهادی» را باید به اتکای این برداشت اصولی از جهاد نزد امام خمینی (ره) و آیت ا... خامنه ای درک کرد. در واقع مدیریت جهادی که خود را به ویژه در عملکردهای انقلاب اسلامی طی نبرد هشت ساله به خوبی نشان داد، حاکی از تمایز مهمی میان «شیوه بوروکراتیک» و «شیوه فرهنگی - جهادی» است. در شیوه بوروکراتیک، گونه ای انتظام از بالا به پایین، خواهان انضباط کامل شهروندان، تحت فرمان یک بوروکراسی آهنگین است. در مقابل روش بوروکراتیک، در شیوه فرهنگی - جهادی، ارزش های متعالی جمع است که جمع را با نرمی و تدریج، اما مؤثر و کوبنده، به هماهنگی در مقابل «دشمن» به پیش می راند. نظم اجتماعی در این شیوه، از طریق اتحاد فرهنگی در مقابل دشمن به دست می آید. در این معنا، وزن واژه «فرهنگ» به پیشوند «فر» بار شده است که به معنای «پیش»، «به سوی پیش»، و «به پیش» است و اشاره مستقیم به «ارزش» ها دارد. بدین ترتیب در اصطلاح و عبارت، نهایتاً «فرهنگ» به «ارزش» ها و قواعد پیشران جامعه اطلاق می شود و «مدیریت فرهنگی - جهادی» با توش و توان «ارزش ها» است که حرکت می کند.

❑ میراث نهادی انقلاب اسلامی

میراث نهادی انقلاب اسلامی ایران، برآور نحوی عبور از این دوگانه مفهومی بوده است؛ به گونه ای که شیوه فرهنگی - جهادی، در همه موقعیت ها جای شیوه بوروکراتیک را می گیرد؛ حتی در موقعیت هایی که همه به فکر اعمال بوروکراتیک و آهنگین نظم هستند، یعنی زمان جنگ. انقلاب اسلامی، صحنه قدرت و اهمیت فرهنگ است؛ از این قرار است که مفهوم «سیاست» و «قانون» در جمهوری اسلامی همواره مفهوم ویژه ای است که بار نیرومند «فرهنگی - جهادی» دارد و بر یک مبنا و پایه عقیدتی استوار است.

راه اندازی یک «جریان سازمانی فرهنگی - جهادی» همواره دشوارتر از یک «سازمان دهی آهنگین بوروکراتیک» است، چرا که مبتنی بر همفکری و اقلان و اتحاد عقیدتی در ارزش های پیشرو خواهد بود. این اتحاد عقیدتی همیشه به سهولت به دست نمی آید و نیاز به کار فرهنگی دارد.

آنچه باید باشد

درباره **هفت لایه** عقلانیت نهفته در بیانیه گام دوم انقلاب

توازن آرمان‌گرایی و واقع‌بینی

آن‌ها شکل گرفته و ادامه یافته و هرچه دستاورد و پیروزی داشته، حاصل کاشته‌ها و پایبندی‌اش به همان اصول است. البته «فاصله عذاب‌آور» میان آرمان‌ها و واقعیت‌ها در این رهیافت دیده می‌شود، اما این فاصله بایستادگی بر مبنای، «طی‌شدنی» است.

۲. نقدپذیری

انتظار انفعال و تجدیدنظر در مبنای‌ای که گنشگر خردمند طبق آن عمل می‌کند واقع‌بینانه نیست، اما انعطاف برای رسیدن به هدف‌ها انتظار معقولی است که واقع‌بینی آن را تأیید می‌کند. پس باید با «حساسیت مثبت» به استقبال نقد رفت و آماده اصلاح بود، اما اگر «مرجع نقد» گم شود، موجود زنده و بالنده از بیراهه سر درخواهد آورد. بر این پایه، هرگونه توصیه ولو دلسوزانه برای انصراف از الگوی «نظریه و نظام انقلابی» در واقع ارتجاع است، نه تصحیح؛ بازگشت است، نه پیشرفت.

۳. روشنفکری

جمهوری اسلامی به‌عنوان یک گنشگر خردمند، پایه‌های حاکمیت خود را بر توسعه روشنفکری و عقلانیت عمومی بنا کرده است. این امر، جلوه‌های گوناگونی دارد؛ از جمله ارتقای سطح ادراک و تحلیل جامعه از مسائل سیاسی داخلی و خارجی. در واقع آن نگرش انتقادی ارزشمند که در جهان فکری مدرن همواره به‌عنوان جریان حاشیه و عزلت‌نشین نسبت به جریان اصلی هوادار غرب محوری و سلطه‌گری بوده، در ایران پس از انقلاب به‌مثابه جریان اصلی و عمومی درآمده است.

البته توسعه و تعمیق جریان روشنفکری که نوعی عقلانیت انتقادی را تجویز می‌کند، در نگاه به خود نیز جاری است که برای نمونه در این پیام در مسائلی که محل مناقشات فکری در حوزه عمومی است، دیده می‌شود: «فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌هاست؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی تراز مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست.» یا

در این مطلب، دکتر مصطفی غفاری، پژوهشگر و دانش‌آموخته جامعه‌شناسی سیاسی، به بررسی عقلانیت حاکم بر متن بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته است. با تصور واژه «چهل سالگی» شاید هیچ واژه‌ای به اندازه «پختگی» به ذهن متبادر نشود. در واقع، فهم عمومی و عرفی ۴۰ سالگی را سن بلوغ عقلی و توازن آرمان‌گرایی - واقع‌بینی می‌داند؛ چه درباره یک انسان باشد و چه درباره یک نهاد. این پختگی معمولاً با مقولات زیر قرین است:

۱. دغدغه مسیری طی شده و سنجش گام‌ها
۲. تصویر جامع‌تر از مسئله‌های پیش‌رو
۳. شناخت دقیق تراز ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها
۴. واقع‌بینانه شدن امیدها و چشم‌اندازها
۵. کاهش هزینه‌های تصمیم و افزایش مقبولیت آن

از هنگامی که پیام رهبر انقلاب با عنوان «گام دوم انقلاب» در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب منتشر شده، در همین فاصله کوتاه، تحلیل‌های متنوع، مختلف و متضادی درباره متن و حاشیه آن ارائه شده است. بخشی از واکنش‌ها که عمدتاً از سوی اپوزیسیون سیاسی نظام جمهوری اسلامی به سبکی پریشان‌گویانه نشان داده شده، این پیام را فاقد «حرف تازه» دانسته‌اند! احتمالاً با این انتظار که تحت تأثیر فشارهای روانی - اقتصادی تشدید شده، رهبر انقلاب وادار به «تجدیدنظر» در خطوط اصلی مسیر انقلاب اسلامی امام (س) و مردم شود. آن‌ها ایستادگی بر آرمان‌ها و امید خوش‌بینانه به آینده که در این متن موج می‌زند را «لجاجت» ترجمه کرده‌اند و در خوش‌بینانه‌ترین وجه، از یاد برده‌اند که چهل سالگی برای موجود خردمند و پویا، هنگامه پختگی است. اما عقلانیت حاکم بر این متن را چگونه می‌توان دریافت و نشان داد؟ آنچه در ادامه می‌آید البته یک احصای کامل نیست، اما به زعم نگارنده، چهارچوب عقلانی و واقع‌بینانه‌ای است که از لابه‌لای تصریحات و اشارات متن برمی‌آید:

۱. مبنای گرو

آنچه موجب حساسیت و عصبانیت برخی کج‌اندیشان شده، دقیقاً «سنگ بنای عقلانیت» در پیام گام دوم است؛ یعنی تصریح مکرر مصرانه به ارزش‌ها و آرمان‌هایی که انقلاب بر اساس



طرفیت‌ها دست نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است.»

۶. اولویت‌سنجی

کُنشگر خردمند، دنیای واقعی اطراف خود را مجموعه درهم‌تنیده‌ای از محدودیت‌ها، امکان‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها می‌بیند، اما باید بتواند بر اساس مبانی و شاخص‌های خود، برای باز کردن کلاف‌های سردرگم و پیدا کردن راه برون‌رفت از معضلات و رسیدن به پیشرفت، دست به انتخاب میان اولویت‌ها بزند. نمونه برجسته این امر در پیام «گام دوم»، تمرکز رهبر انقلاب بر مکتب‌ها یا مخاطبه با جوانان است؛ چراکه هرگونه تداوم یا تغییر شایسته با محوریت آن‌ها بهتر به نتیجه می‌رسد و هرگونه آسیب در مورد آنان تبعات و مخاطرات بیشتری دارد.

۷. تعدیل‌گرایی

یکی از مهم‌ترین و جوه عقلانیت و واقع‌گرایی، تعدیل سطح انتظارات از خود و دیگران، مطابق با مبانی، امکانات و محدودیت‌هاست. برای موجود عاقل متحرک، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های چنین تعدیلی، داشتن تصویری دقیق از مبدأ و مقصد خود است. این مقوله دست‌کم در دو بخش از پیام «گام دوم» به روشنی بیان شده است: **الف)** مبدأ و نقطه آغاز برای یک نظام نوپدید: «انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر آغاز شد؛ اولاً: همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود - بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت‌های غربی، و چه وضع به شدت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هرفضیلت دیگر. ثانیاً: هیچ تجربه پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند.»

ب) مقصد و نقطه اوج برای نظامی که می‌خواهد پیرو حکومت علوی شناخته شود: «[عدالت] کلمه‌ای مقدس در همه زمان‌ها و سرزمین‌هاست و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد، ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای برعهده همه، به ویژه حاکمان و قدرتمندان است.» چنان‌که پیداست، این تعدیل انتظارات به معنای دست کشیدن از آرمان‌ها یا کوتاه آمدن از وعده‌هایی که در شعارهای انقلابی به مردم داده شده نیست؛ بلکه تصویر صادقانه‌ای از آغاز و اوج حرکت عمومی کشور در مسیر انقلاب اسلامی به دست می‌دهد که هم تحلیل‌ها را در چهارچوب پذیرفتنی تری قرار می‌دهد و هم نسخه‌های برون‌رفت و بهبود را کارآمدتر می‌سازد. □



کُنشگر خردمند،

دنیای واقعی

اطراف خود

را مجموعه

درهم‌تنیده‌ای از

محدودیت‌ها،

امکان‌ها، فرصت‌ها

و تهدیدها می‌بیند،

اما باید بتواند بر

اساس مبانی و

شاخص‌های خود

برای باز کردن

کلاف‌های سردرگم

و پیدا کردن راه

برون‌رفت از

معضلات و رسیدن

به پیشرفت، دست

به انتخاب میان

اولویت‌ها بزند.

نمونه برجسته این

امر در پیام «گام

دوم»، تمرکز رهبر

انقلاب بر مکتب‌ها یا

مخاطبه با جوانان

است

«اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.»

۴. تفکیک‌اندیشی

یکی از نشانه‌های پختگی و بلوغ عقلانی، توان کُنشگر در دو زمینه است:

الف) تفکیک خوب و خوب‌تر یا بد و بدتر که طبیعتاً دقت و ظرافتی افزون از شناخت خوب از بد می‌طلبد؛ مهم‌ترین نمونه این است که گذشته از تکیه بر مبانی، اساساً راه حل هیچ مشکلی در جمهوری اسلامی زانو زدن و گرنش در برابر نظام سلطه نیست؛ چیزی که در متن پیام با استعاره «پوسه بر پنجه گرگ» بیان شده است. اگر مشکلات و معضلات فعلی، مردم ایران را به خصوص از حیث معیشت در تنگنای بدی قرار داده، درمانش اعتماد به نسخه دشمن نیست که کار را حتی با معیار گرفتن وضعیت معیشتی، بدتر می‌کند.

ب) تفکیک مسائل با علل مختلف و متنوع از هم و در پیش گرفتن راه حل‌های متناسب با هر یک؛ مثال بارز این امر در متن اخیر، جدا ساختن نوع تعامل ایران اسلامی با اروپا و آمریکا در مرادوات بین‌المللی است. البته در هر دو مورد از ارزش‌های خود عقب‌نشینی نمی‌کنیم و از تهدیدهای آن‌ها نمی‌ترسیم، اما در حالی که حل هیچ مشکلی از طریق مذاکره با آمریکا را متصور نمی‌دانیم، برخی مشکلات با اروپا را از طریق مذاکره حکیمانه و مصلحت‌جویانه از موضع انقلابی قابل حل می‌بینیم.

۵. ظرفیت‌شناسی

انسان یا نهاد پخته در کوره حوادث و سوانح ایام، باید نسبت به ظرفیت‌هایی که به طور بالقوه دارد توجه بیشتری پیدا کند. این یک اصل اساسی مدیریت نیز هست که بتوان با شناسایی منابع بیشتر و توزیع بهتر، امکانات را توسعه داد و به موفقیت دست یافت. این نکته نیز از دید رهبر انقلاب پنهان‌نمانده است. درباره غفلت دست‌اندرکاران در استفاده از ظرفیت‌ها به اشاره کلی اکتفا نشده و اشاراتی هست تا برای جوانان خردمند، پرانگیزه و کاردانی که از این پس بارهای مدیریتی را در کشور برعهده می‌گیرند، «سرنخ» باشد: «ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است؛ منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از

نظریه نظام انقلابی

محمد مهدی محمدی



پیام بدیع، اندیشیده و پرمغز رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران مانیفست دوران دوم انقلاب اسلامی است که اگر چه همه ملت ایران را مخاطب قرار می‌دهد، اما در اصل بار را روی دوش جوانان می‌گذارد، یعنی کسانی که در همین متن از آن‌ها به عنوان اصلی‌ترین ثروت و دارایی ایران نام برده است. این پیام در نوع خود نمونه و بدیلی در تاریخ پس از انقلاب اسلامی ندارد. ما به یاد نداریم که عالی‌ترین مقام کشور، در پیامی تفصیلی، با جزئیات درباره اصلی‌ترین مسائل حال و آینده کشور سخن گفته و خط مشی‌های اصلی درباره روندهای آینده را معین کرده باشد. مهم‌ترین که این یک پیام آشکار است و در نهانخانه نظام خطاب به مسئولان بیان نشده، بلکه به طور علنی، خطاب به عموم مردم و در معرض قضاوت همگان طرح گردیده است.

و تمام تلاش دشمن نیز این است که این نظام انقلابی یا به تعبیر امام، نهضت را انقلاب زدایی کرده و آن‌گونه که هنری کیسینجر زمانی گفته، تبدیل به یک «کشور» ایستا و ساکن بکند.

ثالثاً، پیام کاملاً صادقانه نوشته شده و ابایی ندارد که بگوید در مواردی ضعف‌های مهم وجود دارد و تا آنچه هدف انقلاب اسلامی است، هنوز فاصله‌ای بزرگ مانده.

رابعاً در همه جای این پیام دشمن حضور دارد و این نشان دهنده این است که هیچ برنامه‌ریزی برای آینده نمی‌تواند بدون توجه به برنامه دشمن و فارغ از تدوین یک راهبرد متقابل باشد. و خامساً، این پیام آینده را وعده نمی‌دهد، بلکه پیش‌بینی می‌کند و این نشان از آن دارد که صاحب پیام، در واقع «صاحب‌خبر» است و از امری محتوم برای این ملت و کشور در آینده نوید می‌دهد، همچنان که از اجل محتوم برای دشمن هم سخن گفته است.

برخی تعابیر در این پیام چنان پخته و نیرومند است که من حدس می‌زنم سال‌های طولانی در ذهن مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی بالا

و پایین شده و به آن اندیشیده‌اند. نظریه نظام انقلابی یک تعبیر بدیع است که نظام‌سازی را که مستلزم ثبات و استقرار است، با تغییر و تحول دائمی که مقتضای انقلاب است، ترکیب می‌کند. کاملاً روشن است که در این باب باید بسیار تأمل کرد و سخن گفت. پیام می‌گوید برای انقلاب اسلامی مهم است که چرا بماند و چگونه بماند و این یعنی هدف و ارزش‌ها، پیش‌پای وضع موجود قربانی نخواهد شد و اصولی هست که بنا نیست از آن کوتاه بیاییم. صاحب پیام خبر می‌دهد که ایران هرگز هیچ گلوله‌ای را شلیک نکرده، اما وقتی گلوله‌ها شلیک شده همواره برنده جنگ بوده است. این یعنی در آینده هم ما هرگز شلیک‌کننده گلوله اول

یکم پیام بدیع، اندیشیده و پرمغز رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران مانیفست دوران دوم انقلاب اسلامی است که اگر چه همه ملت ایران را مخاطب قرار می‌دهد، اما در اصل بار را روی دوش جوانان می‌گذارد، یعنی کسانی که در همین متن از آن‌ها به عنوان اصلی‌ترین ثروت و دارایی ایران نام برده است. این پیام در نوع خود نمونه و بدیلی در تاریخ پس از انقلاب اسلامی ندارد. ما به یاد نداریم که عالی‌ترین مقام کشور، در پیامی تفصیلی، با جزئیات درباره اصلی‌ترین مسائل حال و آینده کشور سخن گفته و خط مشی‌های اصلی درباره روندهای آینده را معین کرده باشد. مهم‌ترین که این یک پیام آشکار است و در نهانخانه نظام خطاب به مسئولان بیان نشده، بلکه به طور علنی، خطاب به عموم مردم و در معرض قضاوت همگان طرح گردیده است.

دوم مهم‌ترین مضمون این پیام این است که انقلاب اسلامی از مجموعه گام‌هایی که تارساندن پرچم به دست صاحب اصلی انقلاب و صاحب ولایت عظمی باید بردارد، یک گام برداشته و اکنون در آستانه گام دوم است. این دارای پیامی مهم هم برای دشمنان و هم دوستان است. آنچه دشمنان باید بفهمند این است که نظام اسلامی از چنان استحکام و نیرومندی برخوردار است که برای آینده بلندمدت برنامه‌ریزی می‌کند و آنچه دوستان انقلاب را مخاطب قرار می‌دهد این است که در برداشتن این گام دوم باری سنگین بر دوش دارند، چرا که باید دستاوردهای گام اول را تکمیل کرده و از تکرار اشتباهات آن بپرهیزند.

سوم ویژگی‌های متن و فرامتنی این پیام بسیار ممتاز است. **اولاً**، این پیام بسیار امیدوارانه نوشته شده، در حالی که دشمن همه سعی خود را کرده است تا انقلاب اسلامی را بی‌آینده نشان بدهد. اتفاقاً آنچه در این پیام تحقیر شده، همین تلاش دشمن برای ناامید کردن مردم از انقلابی است که رهبران در حال برنامه‌ریزی برای یک گام بلند دیگر است و قصد دارد ده‌ها جشن پیروزی انقلاب دیگر هم برگزار کند.

ثانیاً، پیام انقلاب را به عنوان یک مفهوم جاری و مستمر در نظر می‌گیرد و از تفسیرهای ایستا درباره انقلاب که منجر به سکون و خمودگی می‌شود، عمداً پرهیز دارد. تئوری نظام انقلابی که در این پیام برای نخستین بار از آن سخن گفته شده، در واقع نظریه‌ای است در این باره که چگونه انقلاب هرگز نباید تمام شود و ویژگی مهم نظام اسلامی این است که هرگز انقلاب زدایی نمی‌شود، همه پیشرفت‌ها و حرکت‌ها هم وصل به همین اصل است





به هیچ می‌گیریم. این شاید راهبردی ترین پیام برای همه بازیگرانی است که امید بسته بودند فشارها و فضا سازی ها بر محاسبات رهبری در ایران تأثیر بگذارد، البته تأثیر گذاشته، منتها به این شکل که محاسبات انقلابی را تقویت و تشدید کرده است! پیام می‌گوید کسب ثروت خوب است، اما عدم فساد ملاک مشروعیت است. واژه مشروعیت کاملاً به دقت انتخاب شده و دارای بار فقهی است به این معنا که مسئول فاسد، غاصب و در حکم طاغوت است و اساساً اجازه امر و نهی از موضع حکومت ندارد. پیام تلویحاً می‌گوید بهشت به اختیار است، اما جهنمی‌ها اجازه نخواهند داشت به اجبار مردم را به جهنم ببرند و این شأن حکومت است که در این باره به وظیفه خویش در قبال جامعه عمل کند. و نهایتاً این که پیام می‌گوید آنچه اروپا و آمریکا می‌گویند نه پیشنهاد، بلکه اغلب فریب و خدعه است و بنابراین فریب نخوردن اصل مهم‌تری است تا توافق کردن، ضمن این که این جنس توافق‌ها هیچ گرهی از کار ملک و ملت نگشوده است.

پنجم اما پیام یک حرف مهم را نمی‌گوید. پیام در این باره که اگر این انقلاب این راه را آمده و چنین سرفراز و پر نشاط است، اگر به آینده امیدوار است و دشمن را خسته و ناامید کرده، اگر گام اول را با قهرمانی برداشته و در تدارک گام دوم است، همه به این سبب است که رهبری حکیم، امین، باتقوا، بنده خداوند و خادم بندگان خداوند، و تیزهوش و استثنایی بالای سر آن بوده است. صاحب پیام عمداً از کنار این نکته اصلی و بنیادین می‌گذرد، ولی ما دقیقاً همین جا باید توقف کنیم. رهبری حق هدایت و پیشگامی را برای این ملت تمام کرده و سهم خود را تمام و کمال به میدان آورده است، سؤال این است که آیا ما هم سهم خود را به تمامی انجام داده‌ایم؟ □



.....

صاحب پیام از وضعیت عدالت در کشور ناراضی است، اما بی‌انصافی درباره گذشته را هم بی‌عدالتی می‌داند. پیام انقلاب اسلامی را در برخی حوزه‌ها رکورد دار می‌داند و هیچ کشوری در جهان صاحب این همه رکورد باشد. پیام گله می‌کند که مشکلات کشوری نه ناشی از انقلابی بودن، بلکه ناشی از بی‌توجهی به مبانی و آرمان‌های انقلاب بوده است. این جمله کوتاه حقیقتی بلند در خود دارد و آن این است که هر کجا پیشرفتی بوده محصول انقلابی عمل کردن و پای بندی به اصول بوده و هر کجا به اصول عمل نشده، قطعاً خسارت به بار آمده است. درباره مصداق یابی این اصل پس از انقلاب حقیقتاً می‌توان کتاب‌ها نوشت و باید نوشت.

پیام آشکار و سرفراز می‌گوید امروز در آستانه مرزهای رژیم صهیونیستی ایستاده‌ایم، در قلب سرزمین‌های اشغالی به مجاهدان کمک می‌کنیم، به مقاومت سلاح‌های پیشرفته می‌دهیم و ائتلاف سازی‌های تبلیغاتی آمریکا را

نخواهیم بود، اما حق شلیک گلوله آخر همواره از آن ماست. پیام می‌گوید آنچه را گذشتگان تجربه کرده‌اند آیندگان هم خواهند دید، بنابراین کسی نباید گمان کند که از تجربه گذشته بی‌نیاز است و کسی هم نباید انتظار داشته باشد بدون درس گرفتن از گذشته وارد آینده شویم.

گذشته هم فقط شیرینی نیست، تجربه‌های تلخ فراوان دارد. پیام تأکید می‌کند حقیقت را از زبان دشمن نمی‌توان شنید. این درسی بزرگ و مهم است که به ما می‌آموزد حتی وقتی دشمن ظاهراً راست می‌گوید و خود را پی حقیقت نشان می‌دهد، در واقع در حال گفتن دروغی بزرگ تریه ماست و اساساً در نظام عمل دشمن، حقیقت هم ابزار دروغ است. صاحب پیام معتقد است انقلاب اسلامی یک قطب به قطب‌های موجود جهان افزود و در حالی که قطب دوم فروریخته، قطب انقلاب اسلامی روز به روز نیرومندتر شده است.

صاحب پیام از وضعیت عدالت در کشور ناراضی است، اما بی‌انصافی درباره گذشته را هم بی‌عدالتی می‌داند. پیام انقلاب اسلامی را در برخی حوزه‌ها رکورد دار می‌داند و من بعید می‌دانم هیچ کشوری در جهان صاحب این همه رکورد باشد. پیام گله می‌کند که مشکلات کشوری نه ناشی از انقلابی بودن، بلکه ناشی از بی‌توجهی به مبانی و آرمان‌های انقلاب بوده است. این جمله کوتاه حقیقتی بلند در خود دارد و آن این است که هر کجا پیشرفتی بوده محصول انقلابی عمل کردن و پای بندی به اصول بوده و هر کجا به اصول عمل نشده، قطعاً خسارت به بار آمده است. درباره مصداق یابی این اصل پس از انقلاب حقیقتاً می‌توان کتاب‌ها نوشت و باید نوشت.

پیام آشکار و سرفراز می‌گوید امروز در آستانه مرزهای رژیم صهیونیستی ایستاده‌ایم، در قلب سرزمین‌های اشغالی به مجاهدان کمک می‌کنیم، به مقاومت سلاح‌های پیشرفته می‌دهیم و ائتلاف سازی‌های تبلیغاتی آمریکا را

راه انقلاب برای ۴۰ سال آینده

دکتر فرشاد مهدی پور

آنچه توسط رهبری منتشر شد، هم کارکرد درون متنی و داخلی دارد، هم کارکرد خارجی. هم به ما می گوید چه باید بکنیم و هم به خارجی ها می گوید چه می خواهیم بکنیم و این بیانیه هر دوی این موضوع ها را به صورت همزمان شکل می دهد و این طور نیست که بگوییم این بیانیه صرفاً مصرف داخلی دارد و به همین خاطر لفظ بیانیه برای آن انتخاب شده است.

این بیانیه در جایی که وارد بحث توصیه ها، ارائه راهکارها و یا ارائه راهبردهایی برای گام دوم انقلاب می شود، اولین عنوانش را به علم و دانش و پژوهش اختصاص می دهد؛ یعنی زیربنای دانشی و علمی انقلاب اسلامی و ضرورت آن را دوباره یادآوری می شود. به این معنا که اگر انقلاب می خواهد توانا شود، باید دانا شود و بدون دانایی، آگاهی و شناخت امکان توانایی وجود ندارد. ولو این که اگر کشور به هر افقی دست پیدا کند و بدون آگاهی لازم باشد، ممکن است مسیر نادرستی را طی کند.

اولویت اول دانایی و آگاهی کشور است و بخش زیادی از این دو به عهده نخبگان و رسانه هاست؛ هم نخبگان دانشگاهی و حوزوی و هم اهالی رسانه؛ چه آن هایی که در فضای مجازی و چه سایرین که مشغول انجام فعالیتند.



چهل سال حاشی
چهل سال پیشگامان

نشانه‌های امیدبخش

■ عبدالطهر محمدخانی

رهبر فرزانه انقلاب در نامه بلندی به صورت مستقیم با جوانان ایران سخن گفتند. یک متن جامع که بیشتر به مانیفست اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران شبیه است. یک مانیفست کامل، روشن و صریح برای چهل سال آینده، درست به اندازه عمر انقلاب اسلامی تاکنون.

رهبر انقلاب در نیمه ابتدایی نامه به شیوایی از نحوه تأسیس، شکل‌گیری و رشد انقلاب اسلامی و سپس از دستاوردهای شاخص و محوری انقلاب در میان همه انواع متعدد و متنوع آن سخن گفته‌اند و در نیمه دوم نامه توصیه‌های بسیار مهمی را به فرزندان خود در سراسر ایران ابراز داشته‌اند. بخش اول با آن روایت شیوای رهبر انقلاب از نهضت اسلامی مردم ایران و آورده‌های تاریخی ارزشمند آن برای جوانان حاوی نکات بسیار مهمی است که می‌تواند سرلوحه برنامه تبیینی و اطلاع‌رسانی اهل فرهنگ، هنر و رسانه در ادای دین به این انقلاب مظلوم باشد که در جای خود باید بسیار بیشتر به آن پرداخت. از دیگر سو همه رسانه‌های کشور به صورت طبیعی در پیشانی خروجی‌های مکتوب و تصویری خود بیشتر به استقبال هفت توصیه رهبر انقلاب به جوانان رفته‌اند. هفت توصیه به علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی که ایشان از نسل نوین انقلاب اسلامی انتظار دارند آن‌ها را سرلوحه تکالیف انقلاب خود قرار دهند. با این حال ظاهر آن در همین ابتدای کار، یک فراز از این متن بلند می‌رود تا مورد غفلت قرار گیرد. مقدمه‌ای ضروری و شرطی لازم برای عمل به هفت توصیه مورد اشاره که رهبر حکیم انقلاب از آن به عنوان کلید اساسی همه قفل‌ها یاد می‌کند که بدون آن هیچ گامی نمی‌توان برداشت: «اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من، امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومی‌دی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم.»

این توصیه مهم اما تنها ناظر به یک برداشت کلی از هویت و دستاوردهای انقلاب نیست، بلکه ناشی از تحلیل و بالاتر از آن اطلاع رهبر انقلاب از برنامه و نقشه دشمنان ایران است: «در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشه هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها، در خدمت دشمن حرکت می‌کنند.

بر مبنای همین اطلاع، مطالبه ایشان از فرزندان انقلابی خود این است که: شما جوانان باید پیشگام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماست.

توصیه‌ای که بر یک باور قطعی و یک پیش‌بینی صریح استوار شده است: «نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آن‌ها اشاره شد - در برابر چشم شماست. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌هاست و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، به مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی، پایداری و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.» □

رسانه‌ها به خاطر ماهیت تعاملی که در این روزگار دارند محل اصلی گفتگو برای شکل دادن به نتایج این پیام هستند. در واقع نباید این بیانیه طوری باشد که در همین امسال با چند تیترو رسانه‌ای و سخنرانی ابتدایی رها شود. در این بخش لازم است که به نکته‌هایی اشاره کنیم. این بیانیه حاوی دستور کارهای روشنی است. مثلاً برای مبارزه با فساد، توسعه دانش و ارتقای اخلاق دستور کارهای روشنی داده‌اند که برای مسئولین مربوط مشخص می‌کنند که چه باید انجام دهند، مثلاً قانونی وضع کنند، مصوبه‌ای بگذرانند، سازمانی تأسیس کنند و...

نکته بعدی این است که گزاره‌های ارائه شده در این بیانیه نیازمند تبیین است؛ یعنی محققان علوم انسانی و اجتماعی و سایر اندیشه‌ورزان باید فصول مختلف این بیانیه را تبیین کنند. به این جهت که این‌ها می‌توانند مبنای کار آن‌ها قرار بگیرد و هم این‌ها باید در افکار عمومی جا بیفتد که لوازم داخل این بیانیه چیست و چگونه باید آن را پیگیری و محقق کرد؟ برای مثال بخش تمدن نوین اسلامی را در نظر بگیرید؛ این تمدن، هم ضوابط و لوازم سیاسی دارد و هم فرهنگی و اقتصادی و... و این مورد را هم باید محققان درباره آن صحبت کنند. نکته بعدی نقش رسانه‌هاست که بحث اول و اجرایی‌سازی بیانیه را باید محقق کند و بخش دوم این است که نخبگان را وادار کنند وارد عرصه تبیین شوند.

به طور طبیعی این بیانیه با سوء برداشت‌های گروه‌های مختلف مواجه خواهد شد، برای مثال در نظر بگیرید در همین بازه زمانی کوتاه، تلویزیون‌های ضد انقلاب و وابسته به خارجی سعی کردند تفسیرهای خودشان را درباره این بیانیه ابراز کنند. آن‌ها گفته‌اند که نظام خطاهای خودش را پذیرفته و با آزادی رسانه‌ها مخالف است و از این قبیل حرف‌ها.

نقش رسانه‌های ما این است که وارد بحث شده و پاسخی به این شبهات بدهند. این موارد دروغ است و مثل بهتانی است که به متن این بیانیه زده شده است. حتی یکی از این شبکه‌ها گفته که رهبری از شکل‌گیری فضای مجازی که در آن جوانان با یکدیگر گفتگو می‌کنند، ابراز ناراحتی کرده است که اصلاً چنین چیزی در بیانیه وجود ندارد و این رسانه وابسته به عربستان سعودی دروغ می‌گوید و این‌جا نقش رسانه‌های ما شناسایی این دروغ بزرگ و آگاه‌سازی مخاطب خود است.

به نظر می‌آید که مقطع انتشار این بیانیه با اهمیت است. راهپیمایی ۲۲ بهمن با قدرت برگزار شده و کشور در حال عبور از پیچ خطرناکی است، عزم خارجی برای مبارزه با جمهوری اسلامی به بالاترین حجم خود رسیده و جمهوری اسلامی اعلام کرده است که من برای چهل سال آینده دارم حرف می‌زنم نه برای آنچه که در گذشته داشتیم. زمانی که مقام معظم رهبری آرمان آتی را معرفی می‌کند و امید می‌دهد و می‌خواهد حرکت را به آن سمت ببرد، یعنی به همه هواداران انقلاب و حتی دشمنانش این پیام را می‌دهد که انقلاب ما درگیر این حواشی نخواهد شد. □



تعیین قله‌ها

تعیین قله‌هایی که در آینده باید فتح شوند

محسن مقصودی



در شرایطی هستیم که اخبار ناامیدکننده بسیاری از سوی رسانه‌های غربی و بعضاً داخلی پمپاژ می‌شود تا مردم را نسبت به آینده کشور و انقلاب مایوس کند. اما بیانیه «گام دوم» مانع این اقدامات می‌شود. در فضایی که رسانه‌های غربی این طور القامی کنند که انقلاب، ۴۰ سالگی خودش را نخواهد دید و عده‌ای نیز معتقدند که باید در همین سطح مقابله کنیم، رهبر انقلاب بیانیه‌ای صادر می‌کنند که این افق بسیار بلندی است. این بیانیه افق متفاوتی را در ۴۰ سالگی انقلاب نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که ایشان با نگاهی کلان، کل این مسیر را رصد می‌کنند. ■

بیانیه «گام دوم» رهبر انقلاب برای ما یادآور سبکی از پیام‌های حضرت امام (ره) بود که در میانه دعواهای سیاسی نظیر ترامپ، برجام، تحریم و... مطرح شده و برخی، حتی خودی‌ها هم در این فضاها ناامید می‌شوند، ایشان افق بلندی را دوباره تصویر می‌کنند و انتزاعی هم نیست و کاملاً واقع‌بینانه بر مبنای تجربه و مسیر آینده کشور و انقلاب است.

بیانیه «گام دوم انقلاب» به همه ما یادآوری می‌کند که ببینیم کجا هستیم و جبهه مبارزه را بهتر بشناسیم. این پیام برای ما مسیر گذشته را ترسیم می‌کند که بدانیم در حوزه صدور انقلاب چقدر محاصره بوده‌ایم و تک‌تک آن‌ها را شکست داده‌ایم. این آرمان‌هایی که در این بیانیه مطرح می‌شود، مبتنی بر تاریخی است که رهبر انقلاب هم با فسوس می‌گویند که اجاره ندادند خوب ارائه شود؛ البته کم‌کاری‌های زیادی در فضای رسانه‌ای ما بوده که در آینده باید جبران شود.

بسیاری از نکات بیانیه رهبر انقلاب عمدتاً صحبت‌هایی است که بارها در این ۱۰ سال اخیر تکرار کرده‌اند، اما این افقی که در ۴۰ سالگی انقلاب نظیر تکیه بر جوانان، مبارزه با فساد و علم و دانش و فناوری، اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مباحثی است که حدود ۱۰ سال است که حضرت آقا در بیاناتشان مطرح می‌کنند تا زمینه‌های آغاز دهه پنجم را فراهم کنند.

یکی دیگر از ابعاد بیانیه رهبر انقلاب، تعیین قله‌هایی است که در آینده باید فتح شود. مهم‌ترین پیام این بیانیه این است که فصل جدیدی پیش روی همه مردم و نیروهای انقلاب می‌گشاید و به تعبیری راه‌های نرفته در مسیر پیشرفت انقلاب را تبیین می‌کند. پیام رهبر انقلاب به ما می‌گوید که راه‌های نرفته زیادی داریم و مسیر طولانی را باید پیش ببریم و این راه‌ها نیز مبتنی بر دستاوردها، چالش‌ها و ضعف‌هایی است که در این سال‌ها داشته‌ایم.

رفاه‌طلبی و اشرافی‌گری دامن‌گیر بخشی از جامعه ما شده است و دستاوردهایی که باید داشته باشیم را در بعضی جاها نداریم و یا کمتر داریم و یا حتی به آرمان‌های مان در بعضی از حوزه‌ها کمتر توانسته‌ایم نزدیک شویم، این پیام به پیام‌های حضرت امام، مانند منشور روحانیت و قبول قطعنامه نزدیک است و دوباره افق بلندمدتی را تکرار و تبیین می‌کند؛ دشمن باید بداند که این انقلاب در مسیر خودش استوار است و کاستی‌ها را جبران می‌کند.

رهبر انقلاب خیلی صریح مطرح کردند که دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه عدالت با رژیم پهلوی قابل قیاس نیست. بنده اصلاً مقایسه انقلاب اسلامی با رژیم پهلوی را از لحاظ فنی توهین به انقلاب اسلامی می‌دانم، این همه شهید و این همه مجاهدت‌ها نباید با چنین رژیم فاسدی که بر مبنای بی‌عدالتی و وابستگی شکل گرفته، مقایسه شود لذا واقعاً رهبر انقلاب دقیق فرمودند که رژیم فاسد شاه با جمهوری اسلامی «اصلاً قابل مقایسه» نیستند.

انتظار ما از انقلاب اسلامی اصلاً با دوره پهلوی قابل مقایسه نیستند. همان طور که رهبر انقلاب فرمودند، باید

امروز در شرایطی قرار گرفته‌ایم که بسیاری از ما فعالان رسانه‌ای، اجتماعی و فرهنگی که در این میدان سربازی می‌کنیم، حواسمان به تک دشمن است و خیلی اوقات روزمره می‌شویم، اما بیانیه رهبر انقلاب باعث شد تا راه آینده را بشناسیم و بدانیم که مسیر آینده و افق بلندمدت ما چیست و چه مسیری را نیز در گذشته طی کرده‌ایم.

می‌توانیم بیانیه «گام دوم» رهبر انقلاب را با پیام قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی امام خمینی (ره) مقایسه کنیم. ظاهر پیام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی امام (ره) پیام صلح است، اما وقتی آن پیام را می‌خوانیم، می‌بینیم که تازه در آغاز مبارزه هستیم و امروز نیز جنگ حق و باطل، فقر و غنا و پابرهنگان و مرفهین بی درد آغاز شده است.



شاخص‌های انقلاب اسلامی را با حکومت علوی و نزدیک شدن به نگاه مهدوی و میزان زمینه‌سازی برای حکومت مهدوی مقایسه کنیم، وقتی با این حکومت‌ها مقایسه می‌کنیم، خیلی کارهای نکرده داریم.

بخشی از مسئولین با اشرافی‌گری و به دلیل سبک زندگی‌شان از قطار انقلاب پیاده می‌شوند، سبک زندگی برخی از مسئولان ما کاملاً آن‌ها را از قطار انقلاب پیاده کرده است، نمی‌توانیم بگوییم که این چنین مسئولی، مسئول انقلابی است.

متأسفانه در چپ و راست و جناح‌های مختلف سیاسی، اشرافی‌گری و مسئولانی که فضای دنیازدگی، رفاه‌طلبی، حقوق‌های نجومی، آقازاده‌ها و خانه‌هایشان در بالای شهر تهران و پنت‌هاوس است، وجود دارد، البته شاید خیلی زیاد هم نباشند، اما دیده می‌شوند. از طرفی نمی‌توانیم کتمان کنیم که بخشی از مسئولین ما از جناح‌های مختلف سیاسی، سبک زندگی مسئول جامعه اسلامی را اصلاً رعایت نمی‌کنند؛ این ضربه بزرگی به بحث عدالت و تبعیض‌هایی که در جامعه بوجود آمده، وارد کرده است.

مسئولی که سبک زندگی‌اش از مردم جدا شد، طبیعتاً نمی‌داند کارگری که در تهران یک میلیون تومان در ماه حقوق می‌گیرد، با چه شرایطی باید معیشت خود را تأمین کند، مسئولی که طبق قانون ماهی ۲۰ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کند، اصلاً متوجه معطلی مردم در صف گوشت نیست.

مسئولی که خودش در ۵ سال اخیر حتی خرید نکرده باشد، چه رسد به این‌که از صف‌های گوشت خبر داشته باشد، چنین مسئولی هر چقدر هم بگوید من انقلابی‌ام، اصولگرا و یا اصلاح‌طلب هستم، فقط شعار داده است، چنین مسئولی اصلاً درکی از مردم ندارد که بخواهد دلسوزی واقعی داشته باشد.

یکی از ضرورت‌های تأکید رهبر انقلاب بر عدالت‌محوری تغییر سبک زندگی مسئولان است و باید بدون تعارف عرض کنم که آفت‌هایی که به آن دچار شده‌ایم و نیاز به تحول جدی داریم در سبک زندگی مسئولین است که بخشی از آن هم به انتخاب‌های مردم برمی‌گردد، این با انتخاب‌های مردم اصلاح می‌شود.

جریان رفاه‌طلبی که در همه جناح‌های مختلف سیاسی داریم، توانسته ذائقه سیاسی مردم را هم تغییر دهد، با یک فضا سازی‌هایی توانسته‌اند در حوزه تبلیغات برای آزادی و یا مسائل دیگر و با بازو بندهایی در لیست‌های انتخاباتی در مناصب مختلف حضور داشته باشند.

جریان سرمایه‌داری در چپ و راست، لیبرال، غرب‌زده و امثال آن برای حذف نهج البلاغه و منطق امام و رهبری از مدیریت کشور، کار فرهنگی و رسانه‌ای کرده‌اند؛ علت این‌که در بعضی از انتخابات‌ها کسانی مطرح می‌شوند که بارها همکاری‌شان با مفسدان اقتصادی مطرح بوده و زندگی‌شان اشرافی است، همین است؛ علت این‌که چنین افرادی می‌توانند رأی بیاورند این است که ذائقه‌سازی شده است.

جریان مقابل جریان انقلابی در کشور ما توانسته در رسانه‌ها این طور جا بیندازد که مسئول باید حقوق نجومی خوب بگیرد و خوب هم کار کند، مردم هم می‌گویند اشکال ندارد، دلیل آن این است که این جریان، کار رسانه‌ای کرده و ده‌ها روزنامه داشته است و خودش را بازتولید می‌کند.

وقتی فرهنگ مصرف‌گرایی در جامعه نهادینه شود، می‌تواند در انتخابات‌ها رأی بیاورد؛ لویی در کشور ایجاد شده که جریان قدرت و ثروت سبک زندگی اشرافی را دارد نهادینه می‌کند؛ این لوپ دارد خودش را نهادینه می‌کند. جهاد سازندگی و فرهنگی که در جبهه‌ها داشتیم مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی اما می‌خواهند آن را از انقلاب جدا کنند؛ در متن مردم بودن، توجه به توان مردمی و بومی از دستاورد‌های انقلاب است که دارند از انقلاب جدا می‌کنند و این یک فرهنگ رسانه‌ای جدی قبل از انتخابات‌های سیاسی است. نگاه زندگی اشرافی در هر دو جناح سیاسی متأسفانه کم و بیش وجود دارد. این نگاه را باید از بین برد؛ این‌ها از مواردی است که در بیانیه رهبر انقلاب هم به آن‌ها اشاره شده است.

برگشتن به اصول مدیریت انقلابی و سبک زندگی جهادی یکی از پیام‌های بیانیه رهبر انقلاب است. مدیریت‌هایمان برگشتن به اصول نهج البلاغه باید مورد توجه قرار گیرد؛ آنچه که از شهید چمران‌ها، خرازی‌ها، بابایی‌ها، تهرانی مقدم‌ها به یادگار مانده همین مدیریت جهادی است، این‌ها برای کتاب‌ها نیست، این سبک مدیریت را از ما گرفته‌اند و فقط به یک نوستالژی در کتاب‌ها تبدیل شده است.

نقطه‌امیدی که وجود دارد و رهبر انقلاب هم بر آن تأکید کردند، این است که ما نسل جوان معتقد و آرمان‌گرای داریم که معتقد به همین سبک مدیریت و اصول جهادی است و این مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی است که بعد از ۴ دهه، نسلی داریم که انقلابی‌تر از گذشته و کاملاً معتقد به آرمان‌ها و سبک مدیریت جهادی است.

مردم از مدیریت‌ها و سبک زندگی‌های اشرافی‌گری برخی مسئولان خسته شده‌اند، بنابراین در این شرایط با انتخاب‌های خود می‌توانند روح تازه‌ای در این جان خسته بدمند و جوانان را وارد عرصه‌های مدیریتی کنند تا روحیه جهادی جایگزین مدیریت‌های اشرافی و تبعیض‌آمیز شود.

تجربه ۴۰ ساله انقلاب نشان داده که در هر حوزه‌ای از جمله صنایع موشکی، هوافضا، نانو تکنولوژی، جهاد علمی و دانشگاهی و حوزه دفاعی موفق بوده‌ایم، به مدد روحیه جهادی و از خودگذشتگی افرادی نظیر تهرانی مقدم، احمدی‌روشن و کاظمی‌آشتیانی‌ها بوده است. حُسن پیام رهبر انقلاب این است که مردم نقطه مقابل انقلابی‌گری که اعتماد به دشمن است را کاملاً طی کرده‌اند و در زمانی این پیام منتشر می‌شود که مردم در انتخاب سیاسی و روش تعامل با آمریکا در داخل و مقابله با آن در منطقه، این موضوع را لمس کرده‌اند. □

برگشتن به اصول

مدیریت انقلابی

و سبک زندگی

جهادی یکی از

پیام‌های بیانیه

رهبر انقلاب است.

در مدیریت‌هایمان

برگشتن به اصول

نهج البلاغه باید

مورد توجه قرار

گیرد؛ آنچه که از

شهید چمران‌ها،

خرازی‌ها،

بابایی‌ها،

تهرانی مقدم‌ها به

یادگار مانده همین

مدیریت جهادی

است، این‌ها

برای کتاب‌ها

نیست، این سبک

مدیریت را از ما

گرفته‌اند و فقط

به یک نوستالژی

در کتاب‌ها تبدیل

شده است





انقلاب اسلامی رویکرد تمدنی دارد

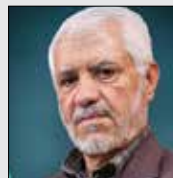
آیا عنصر رهبری در نظام اسلامی فراتر از مدیریت سیاسی جامعه و تدبیر امور در زمینه‌های گوناگونی چون پیشرفت کشور، مقابله با تهدیدات دشمن و... مسئولیتی در زمینه حرکت انقلاب به سوی افق تمدن‌سازی نوین هم بر عهده دارد؟ در صورت پاسخ مثبت، چرایی این موضوع نشأت گرفته از چیست؟

جایگاه رهبری در موضوع انقلاب اسلامی تعریف می‌شود و بدین لحاظ رهبر انقلاب با نظر به حفظ ایده‌ها و آرمان‌های انقلاب، مسئولیت تحقق تمدن اسلامی را به عهده دارند. وقتی بحث تمدن اسلامی به میان می‌آید، بدین معناست که انقلاب اسلامی از سطح یک امر سیاسی بالاتر است و بنیاد پس از دولت اسلامی و جامعه اسلامی، تمدنی بشری و جهانی مد نظر قرار بگیرد و بدین لحاظ، انقلاب اسلامی با طرح تمدن اسلامی بنا دارد از آرمان‌های خود عقب‌نشینی نکند.

رهبر انقلاب از طرفی مرحله تشکیل دولت اسلامی را قبل از شکل‌گیری جامعه اسلامی می‌دانند و از طرف دیگر سازوکارهای حکومتی جمهوری اسلامی بر پایه مردم‌سالاری و انتخابات است. جمع این دو گزاره چگونه ممکن است؟ به عبارت دیگر چگونه ممکن است جامعه‌ای که هنوز اسلامی نشده است، دولت اسلامی را شکل دهد؟

دولت اسلامی باید توسط کسانی تشکیل شود که مؤمن به آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی باشند و بر این مبناست که دولت اسلامی شکل می‌گیرد و در این راستا رابطه‌ای متقابل بین مردم‌سالاری دینی و دولت اسلامی برقرار می‌شود، و به همین جهت جایگاه شورای نگهبان معنادار است تا کسی که متعقد به آرمان‌های انقلاب نیست، تأیید نشود. از آن مهم‌تر انقلاب اسلامی سعی دارد اسلامیت مسلمانان را برجسته کند تا آن‌ها خود به خود به انتخاب کسانی سوق داده شوند که تراز دولت اسلامی هستند.

حضرت آیت‌الله... خامنه‌ای در بیانات خود «سبک زندگی» را به منزله «بخش نرم‌افزاری تمدن» قلمداد کرده‌اند. از سوی دیگر بعضاً در سبک زندگی جاری و به صورت کلی فرهنگ عمومی مان شاهد مواردی هستیم که فاصله معناداری با شاخص‌های اسلامی را تداعی می‌کند. در چنین وضعیتی برای برون‌رفت از این وضعیت و متناسب‌سازی سبک زندگی جاری مردم با افق جامعه و



انقلاب اسلامی هرچند در ابتدای کار، رژیم دیکتاتور پهلوی را ساقط کرد و در مراحل بعدی حرکت خود به نفوذ و سلطه مستکبرین در کشور مَهْر ابطال زد، اما با این همه، زنجیره حرکت تکاملی آن به این جا ختم نمی‌شود. این انقلاب با جهت‌گیری کلان برآمده از آموزه‌های اسلامی و شیعی و تحت زعامت ولی فقیه اساساً با افقی تاریخی ایجاد «تمدن نوین اسلامی» را هدف گرفته است. هدفی که تحقق آن از مسیر پنج‌گانه ترسیم‌شده از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی دنبال می‌شود. در مسیر طی شده در ۴۰ سال گذشته، پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام اسلامی با موفقیت توأم بوده و در مقطع فعلی، انقلاب در مرحله «دولت‌سازی اسلامی» قرار دارد. گام‌های بعدی این زنجیره، شکل‌گیری جامعه‌ی اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی خواهد بود. برای واکاوی «نسبت انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی نوین اسلامی» و تبیین مسائل پیش‌روی این حرکت گفتگوی صورت گرفته با آقای اصغر طاهرزاده، از اساتید و چهره‌های علمی و فرهنگی کشور و صاحب تألیفات متعدد در حوزه اندیشه و فرهنگ اسلامی را می‌خوانیم. ■

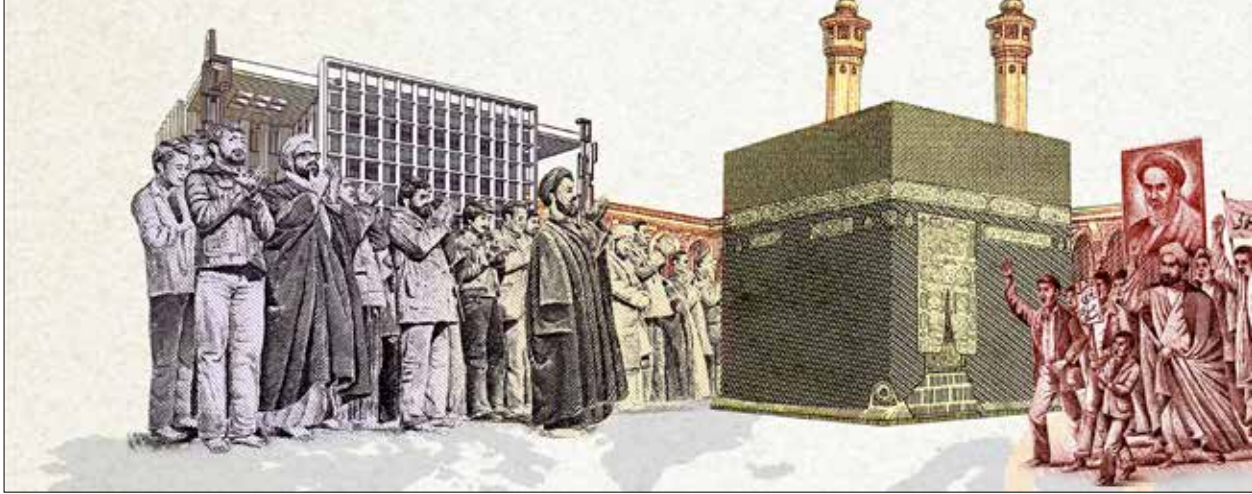
آیا به راستی چشم‌انداز ایجاد یک تمدن نوین اسلامی در امتداد حرکت انقلاب اسلامی ایده‌ای مبتنی بر واقعیات و شدنی است؟ در صورت پاسخ مثبت، چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی انقلاب اسلامی را تبدیل به یک انقلاب تمدن‌ساز کرده است؟

در انقلاب اسلامی نظر به ایده و آرمانی است که آن ایده و آرمان، رویکرد تمدنی دارد و چیزی است ماوراء یک حرکت سیاسی برای تشکیل یک نظام سیاسی، و آن عبارت است از ایده به ظهور آمدن انسانی که بنا دارد تعریف دیگری از زندگی را برای خود ترسیم کند؛ زندگی متعالی قدسی که تمام مناسبات شخصیت انسان در نسبت با خدا و رهنمودهای الهی شکل بگیرد. این جاست که می‌توان گفت انقلاب اسلامی از ابتدا به سوی تحقق تمدنی خیز برداشته که غیر از تمدن غربی است و بدین لحاظ نام آن را «تمدن نوین اسلامی» باید گذاشت.

به نظر جناب‌عالی معنای تمدن نوین اسلامی چیست؟ این تمدن با آنچه که به عنوان تمدن اسلامی یا تمدن مسلمین در قرون گذشته شناخته می‌شود دارای چه نقاط اشتراک و افتراقی است؟

در گذشته هنوز «شهر» به معنایی که در دو بیست ساله اخیر شکل گرفت، محقق نشده بود. بیشتر هسته‌هایی از مردم بودند که مطابق آموزه‌های دینی زندگی می‌کردند، هرچند «دین» به عنوان روحی فعال در بین همه این هسته‌ها جاری بود، ولی اراده‌ای که بخواهد به عنوان مثال نظام آموزشی یا بهداشتی، به صورتی که بعد از رنسانس در غرب شکل گرفت، به وجود آورد نبود و اگر هم دولت‌ها بعضاً نهادهایی مثل بیت‌الحکمه تشکیل می‌دادند، به قصد رقابت با تشکیلاتی بود که امامان شیعه به صورت «حکومت در حکومت» در حاشیه شکل داده بودند. ولی تمدن نوین اسلامی، صورتی از تمدن است که نظام اسلامی در مقابل تمدن غربی در صدد شکل دادن آن است تا در مقابل تمدن غربی که بنیاد انسان‌تراز تمدن غربی برای قوام تمدن غربی تربیت کند، انسانی تربیت کند جهت قوام تمدن اسلامی.





تمدن اسلامی چه گام‌هایی باید برداشته شود؟

از یک طرف ما شاهد افول روزافزون نفوذ استکبار در نظام جهانی هستیم که بر نوعی از زندگی تأکید دارد که انسان‌ها را گرفتار نیهیلیسم می‌کند، و از طرف دیگر شاهد حضور انقلاب اسلامی در این تاریخ در جهان هستیم که نوعی دیگر از زندگی را مد نظر انسان‌ها قرار می‌دهد. اگر کار به همین صورت جلو برود برعکس آنچه در ظاهر مشهود است، شاهد تغییر رویه‌های اساسی در سبک زندگی‌ها به سوی سبکی که به آرمان‌ها و ایده‌های انقلاب نزدیک است، خواهیم بود. متفکران در هر دوره تاریخی مسائل را در افاق عالم درک می‌کنند و تفاوت عالم و جاهل در هر تاریخی به این موضوع بستگی دارد که روی او به کدام طرف است. انقلاب اسلامی با حضور معنوی‌اش در سوریه و یمن و بحرین به مردم قدرت دیدن تاریخی را می‌دهد که معلوم شود خدا از عالم غایب نشده تا هر مظلومی بی سرو صدا قربانی سیطره روح استکبار شود.

یکی از نقش‌آفرینان اصلی و مهم حرکت کشور «نخبگان» و «دستگاه علمی و کارشناسی» است. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی حوزه و دانشگاه و بسیاری از نخبگان هنوز آمادگی و نقش‌آفرینی مؤثری در این زمینه ندارند. برای فعال‌سازی این جریان‌ها و نقش‌آفرینی مؤثر و کارآمد نخبگان در فرآیند نظام‌سازی و دولت‌سازی اسلامی چه باید کرد؟

عمده توجه دادن به آن عزیزان است به این‌که آنچه در حال ظهور است نقش تاریخی و تمدن‌ساز انقلاب اسلامی است و افول روزافزون تمدن غربی، امید به غرب باید از بین برود. بر پای نگاه داشتن انقلاب اسلامی، پاسداری از امر قدسی در این تاریخ است و چون گشوده شود، گشایش حضرت حق در آن طلب می‌شود و این است راه فهم‌رازی که شهدا در افاق تفکر ما قرار دادند. این نوعی ارج نهادن به درخشش خداست در آن حدّ که در تشییع بدن مبارک شهدا نیز آن درخشش احساس می‌شود، زیرا شهدا گوهر و ذات پنهان انقلاب اسلامی را به صورتی تاریخی به ظهور آوردند، از آن جهت که معنای انقلاب اسلامی آن است که عالمی را بگشاید و برپا کند تا سرآغاز تاریخی شود که بشر امروز به دنبال آن است. تذکر به این امر موجب به خود آمدن نخبگان خواهد شد.

در مسیر شکل‌دهی به دولت اسلامی به عنوان مقدمه جامعه و تمدن نوین اسلامی با جریانی تحت عنوان



.....

تمدن نوین اسلامی، صورتی از تمدن است که نظام اسلامی در مقابل تمدن غربی در صد شکل دادن آن است تا در مقابل تمدن غربی که بنیاد انسان تراز تمدن غربی برای قوام تمدن غربی تربیت کند، انسانی تربیت کند جهت قوام تمدن اسلامی

«جریان غرب‌گرای داخلی» روبه‌رو هستیم. این جریان از عقبه تئوریک دامنه دار و نیز حمایت سیاسی - رسانه‌ای غرب برخوردار است و در فضای علمی، کارشناسی و مدیریتی کشور نیز ریشه دوانده است. برای مقابله با این جریان و نشان دادن ناکارآمدی آن به عموم مردم چه باید کرد؟

این‌ها با امید زیادی کار را شروع کردند به گمان این‌که از یک طرف پشتوانه غربی‌شان توانایی حضور در انقلاب را جهت استحاله آن را دارد، و از طرف دیگر انقلاب اسلامی در ادامه خود ناتوان است؛ ولی پس از مدتی در هر دو گمان با شکست تحلیل‌های خود روبه‌رو شدند، و به همین جهت در حال حاضر بر آنچه قبلاً تأکید کردند، باقی نیستند در حدّی که بعضی چهره‌های این جریان که سخن از فروپاشی نظام می‌راندند اکنون انقلاب اسلامی را به عنوان هویت خود معرفی می‌کنند.

یکی از مسائلی که همواره مورد تأکید رهبر انقلاب بوده و هست پیشرفت در حوزه‌های گوناگون علم و فناوری و کسب قدرت و اقتدار علمی است. از سوی دیگر این علوم جدید عموماً دارای ریشه غربی و اوامینستی است. آیا در این جا بایک تناقض روبه‌رو نمی‌شویم؟ به بیان دیگر آیا می‌توان پیشرفت در علوم جدید و کسب فناوری‌های نوین را با افاق تمدن‌سازی نوین اسلامی جمع کرد؟ اگر آری، چگونه و یاد رک چه نکات و ملاحظات؟

انقلاب اسلامی در حال حاضر به لحاظ تئوریک از چنان توانایی برخوردار شده که می‌تواند جهت سکولار این نوع فعالیت‌های علمی را تغییر دهد و به جای آن‌که با ورود در این علوم در گردونه آن‌ها قرار گیرد، می‌تواند آن علوم را از آن خود کند.

توصیه و پیشنهاد شما به جریان انقلابی و به خصوص «جوانان مؤمن انقلابی» برای نقش‌آفرینی صحیح در این مسیر و کمک به رهبری نظام برای حرکت به سوی دولت اسلامی و شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی چیست؟

عمده «فهم شرایط تاریخی» است که در آن قرار داریم. شرایطی که انقلاب اسلامی توانسته است ایده‌ها و آرمان‌های خود را در مقابل نظام استکباری قوت ببخشد، و نه تنها با همه دام‌هایی که برایش پهن کردند، از سخن خود کوتاه نیامد، بلکه جدّی‌تر از قبل بر کلام خود پافشاری کرد، و وظیفه ماست که این شرایط را درست درک کنیم. □



رو به سوی آینده

■ حجت الاسلام علی مهدیان

گفتمان ناامیدی در کشور به زبان‌های مختلف در حال بروز و ظهور بود. همه گفتگوهای نخبگانی طعم تلخ ناامیدی داشت. دقیقاً در چنین شرایطی رهبرانقلاب آغاز دوران تاریخی جدیدی را اعلام کرد. پیام رهبر نه یک پیام سیاسی و نه امنیتی و نه اقتصادی و امثالهم بود، بلکه یک پیام در ساحت حرکت تاریخی و تمدنی جبهه اسلام بود.

در یک کلام می‌توان گفت دوران انقلاب دیگری آغاز شد. انقلاب بر بستر استقامت. در حالی که همه نگاه‌ها به گذشته بود این نگاه آینده را هدف گرفته بود. در حالی که خیلی‌ها به فکر دفاع بودند، این پیام حمله و حماسه را آغاز می‌کرد. «الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا» ماجرای حرکت چهار ساله جبهه حق است. شاید تنها اتفاقی که در این بستر این چنین سخن از امید می‌گفت، حرکت اعتقادی مردم در جشن ۲۲ بهمن بود. مردم و نه تحلیلگران تحت تأثیر دشمن این پیام را با حضورشان داده بودند و امام و رهبر ترجمه این رخداد معنوی را در ساحت جریان تاریخی و تمدنی انقلاب ارائه کرد. «تنزل علیهم ملائکه» یعنی همه قوای عالم در خدمت این جامعه‌اند «الاتخافوا و لاتحزنوا» روح پیام رهبری است که ترجمه این پیام الهی ملائکه به مردم است که ترسید و ناامید نباشید و «ابشروا بالجنه» یعنی سخن از یک بشارت و گشایش جدید.

و این بار انقلابی با طعم خامنه‌ای آغاز شد. مخاطب پیام جوانان هستند؛ آماده‌ترین قشر برای قیام و انقلاب، چرا که دست‌هایشان به ملکوت ساده‌تر و نزدیک‌تر می‌رسد، کسانی که محل بروز آینده‌اند در جان یک ملت، کسانی که برای اشاره به هویت فردای انقلاب بهترین نشانه‌اند.

انقلاب ۹۷ با انقلاب ۵۷ فرق‌هایی دارد. این انقلاب بر بستر استقامت مردم سوار است و آن انقلاب در بستر گم‌گشتگی و بی‌هدفی. این انقلاب با نظام انقلابی شکل یافته پیش می‌رود و آن انقلاب نظام‌ها را شکست و استبداد را تبدیل به مردم‌سالاری کرد. این انقلاب آغاز یک نهضت علمی را فریاد می‌کشد و آن انقلاب، آغاز یک نهضت سیاسی است. این نهضت ظرفیت‌هایی را می‌بیند که استفاده نکردیم و آن قیام ظرفیت‌هایی را می‌بیند که می‌بردند و می‌دزدیدند و در اختیار استکبار می‌گذاشتیم. این قیام رسماً مقابل آمریکا در مبارزه است با همه بازوهایش و آن قیام بعد از زدن یک بازوی آمریکا در ایران تازه بعد از دو سال در داستان لانه جاسوسی به نحو فراگیر نشان داد که دریافته است که دشمن اصلی آمریکاست.

این انقلاب بناست عدالت را بر پیشانی انقلاب بنشانند و آن انقلاب به رفع ظلمی که بر پیشانی جامعه نشست بود می‌اندیشید. انقلاب در انقلاب. قیامی بر بستر استقامت و مقاومت چهل ساله. نور علی نور. اگر مختصات حقیقی دوران خود را می‌خواهیم بدانیم خوب است پیام رهبری را دوباره و دوباره مرور کنیم و به خاطر بسپاریم و تدریس کنیم. یک رسالت تاریخی جدید متناسب با دوران تاریخی جدید برگرد امت قرار داده شده. همه ماموریت‌های ما باید در این چارچوب ترسیم شود. □





در دنیای پر تلاطم امروز، شتاب زندگی آمیخته با تکنولوژی فرصت تأمل و تعمق را از انسان‌ها گرفته است. بخش اندیشه این شماره از «مهر و ماه» به بحث درباره فضیلت خموشی و سکوت اختصاص یافته و سعی شده با نگاهی به جنبه‌های مختلف این کیمیای زمانه، تلنگری به سبک و سیاق زندگی پر آشوب انسان مدرن زده شود. مقاله «سخن نقره‌است اما خموشی طلا» درباره چیستی، فواید و فضیلت سکوت و سکوت‌های غیرجایز سخن می‌گوید. سکوت عارفانه در مثنوی معنوی مولوی، سکوت و سخن در آینه روایات و ادبیات، تفاوت سکوت و سخن نگفتن و نسبت میان سکوت، تأمل و بینش بخش‌های دیگری از این پرونده هستند.

« اندیشه



عالمی رایک سخن ویران کند

مقام سکوت متعلق به عقل است

آواز رازآلود هستی



سخن نقره‌است اما خاموشی طلا

■ علی قنبریان

۱ چستی سکوت

کلمه سکوت در کتب مختلف لغوی ذکر شده و تمامی معانی‌ای که برای این کلمه استعمال شده، تقریباً یک مفهوم را می‌رسانند و آن خاموشی و عدم اظهار عقیده درباره یک موضوع است. برای مثال، حسن انوری در کتاب فرهنگ فشرده سخن آورده است که سکوت به معنای بازگو نکردن احساسات، نظر و عقیده یا اطلاعات و ذات‌هاست.^۱

۲ فواید سکوت

سکوت دارای آثار و فواید بسیاری است و در کتب مختلف حدیثی، بیشتر احادیثی که در باب سکوت وارد شده از فضیلت، ثواب و فایده سکوت بحث می‌کنند. البته در برخی موارد نیز احادیثی در باب ذم سکوت به میان آمده که درباره آن‌ها سخن گفته خواهد شد. در فایده سکوت همین بس که امام صادق (ع) می‌فرمایند که حضرت لقمان (ع) به پسرش فرمودند: «یا بنی‌ان کنت زعمت ان الکلام من فضه فإن السکوت من ذهب؛ پسرم! اگر تو پنداری سخن از نقره است، به راستی که خاموشی از طلاست».^۲

با توجه به این حدیث گهربار و آیات و احادیث دیگری که در این باره بیان شده است، فواید زیادی که در سکوت نهفته است آشکار می‌شود. برخی از این فواید عبارتند از:

سکوت امری است دارای فضیلت عظیم، و در کتب معتبر حدیثی نیز احادیث بسیاری در باب فضیلت آن آمده است. اگر کسی بتواند سکوت را سرلوحه کار خود قرار بدهد، از بسیاری شرها و بدبختی‌هایی که زندگی در سرراه او قرار می‌دهد نجات می‌یابد. البته هر سکوتی موجب خیر نیست، بلکه سکوتی می‌تواند به انسان خیر و برکت برساند که با تفکر و تعقل باشد. اگر انسان بدون اندیشه و تفکر و تعقل، سکوت اختیار کند سرانجام، آه و حسرت بردلش نقش می‌بندد و چیزی جز پشیمانی و اندوه بر سر راهش باقی نمی‌ماند. در باب تفکر در سکوت نیز احادیث بسیاری داریم. همچنین اگر انسان نسبت به ظلمی که مقابل چشمانش صورت می‌گیرد سکوت کند، چه بسا که در عمل شخص ظالم نیز شریک باشد، چرا که همین سکوت و خاموشی او، عمل ظالم را تأیید کرده و او بر عمل خود مصرّتر می‌شود. در مقاله پیش رو درباره چستی، فواید و فضیلت سکوت و سکوت‌های غیرجایز سخن گفته شده است. ■

پیامبر اکرم (ص) در این باره به ابوذر می‌فرماید: «بر تو باد که جز در خوبی سکوت کنی، که این کار، شیطان را از تو براند و در کارهای دین یاری ات دهد.»^۷

● هم‌مایه سلامت انسان

اگر انسان بتواند در موضوعی که آگاهی کافی درباره آن ندارد سکوت کند، از سخنان بیهوده دور می‌شود و سخنی به زبان نمی‌آورد که مخاطب را بیازارد، و این امر سلامتی انسان را از هر حیث تضمین می‌کند؛ از جهت سلامتی بدن، سلامتی عقل و سلامتی آبرویش در میان مردم. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «سکوت اللسان سلامه الإنسان؛ خاموشی زبان مایه سلامت انسان است.»^۸

● (و) پرده‌ای ساتر برای شخص جاهل

همان‌طور که قبلاً گفته شد، وقتی کسی در جمع درباره موضوعی خود را صاحب نظر می‌داند و در مورد آن اظهار عقیده می‌کند، اما در حقیقت علم کافی درباره آن امر ندارد، موجب می‌شود که مردم به جهل او پی ببرند، چرا که ممکن است در میان مردم افرادی باشند که درباره آن امر اطلاعات کافی داشته باشند و به جاهل بودن آن شخص یقین کنند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «سکوت برای شخص جاهل پرده ساتر و برای عالم زینت است.»^۹

□ فضیلت سکوت

سکوت دارای فضایل عظیمی است و در باب آن احادیث فراوان آمده است. فضیلت سکوت، در فواید آن نهفته است. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «هر که به خدا و آخرت مؤمن باشد، مهمان را گرمی می‌دارد و هر که به خدا و جهان دیگر ایمان دارد، یا سخن نیکو گوید و یا سکوت کند.»^{۱۰} همچنین پیامبر اکرم (ص) در حدیثی دیگر به ابوذر می‌فرماید: «هر که سکوت کند نجات یابد. بر تو باد به راستگویی و هرگز کلمه‌ای دروغ از دهانت خارج نشود.»^{۱۱} تمامی این احادیث و احادیث دیگری که در این باب وجود دارد، دلالت بر فضیلت بالای سکوت دارد.

□ سکوت‌های غیرجایز

تا به حال درباره فواید و فضیلت‌های سکوت مطالبی بیان شد، اما سکوت در برخی موارد نه تنها فضیلتی ندارد، بلکه ممکن است این سکوت، در آن لحظه، گناه باشد و حتی ممکن است آن گناه آن قدر بزرگ باشد که آخرتش را به تباهی بکشاند. در این جاسه مورد از مواردی که سکوت در آن‌ها روا نیست بیان می‌شود:

● الف) سکوت بی‌تفکر

اگر انسان در انجام هر کاری اندیشه و تفکر کند، موفق می‌شود، چرا که به سبب اندیشه و تأملی که در آن کار به خرج داده، راه رسیدن به هدف را یافته است. سکوت نیز همین‌گونه است. اگر بناست انسان در مورد موضوعی سکوت کند، ابتدا باید به عواقب سکوت خود فکر کند تا بعدها آه و حسرت بردلش نقش نبندد. برای مثال، مردم کوفه در دعوت خود از امام حسین (ع) تفکر نکردند و خطری که از جانب دولت یزید متوجه آن‌ها بود را از همان



کسی که ساکت

است و از

بیهوده‌گویی حذر

می‌کند، طبیعتاً

همیشه در حال

تفکر و تعقل است

و به جای سخن

بیهوده گفتن و

وقت خود را تلف

کردن، به مطالعه

می‌پردازد تا سطح

آگاهی خود را

بالا ببرد و به

معلوماتش بیفزاید

که مبدا شبهه‌ای

ناچیز او را از راه

به در کند. لذا این

شخص کمتر در

تله‌های شیطان

گیر می‌افتد و کمتر

به راه کج منحرف

می‌شود

● الف) عدم انحراف انسان از راه راست

گاهی اوقات انسان برای این‌که در میان مردم خودی نشان دهد، حاضر است حتی در اموری که درباره آن‌ها علمی ندارد و جاهل است اظهار نظر کند و این امر موجب می‌شود که نظرش اشتباه از آب درآید و خلاف اصل باشد. پس برای این‌که در میان مردم رسوا نشود و آبرویش نریزد، بر خود لازم می‌داند که از نظرش دفاع کند و برای این‌که مردم حرفش را قبول داشته باشند، به ناچار باید که خودش هم این عقیده را قبول کند و چه بسا برخی مردم نیز حرف او را قبول کنند و این امر باعث تباهی اعمال آن‌ها شود، چرا که عقیده غلط و نادرست را به خورد مردم می‌دهد. بنابراین انسان باید در موضوعی که علم کافی درباره آن ندارد سکوت کند تا مجبور نشود برای دفاع از حرف خود آخرتش را بسوزاند.

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «شخصی که سکوت می‌کند از خطا و لغزش و اشتباه محفوظ می‌ماند.»^{۱۲}

● ب) جزو برترین عبادات

پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «الا اخبرکم بایسر العباده و اهلونها علی البدن؟ الصمت و حسن الخلق؛ می‌خواهید شما را به عبادتی که از همه عبادت‌ها بر بدن آسان‌تر است خبر دهم؟ سکوت و خوش اخلاقی.»^{۱۳}

پیامبر اکرم (ص) در حدیث گهربار دیگری در این باره خطاب به ابوذر می‌فرماید: «چهار چیز است که غیر از مؤمن به آن نمی‌رسد: سکوت که اول عبادت است، فروتنی برای خدای سبحان، در هر جا به یاد خدای متعال بودن و کمی ثروت.»^{۱۴}

این احادیث و احادیث دیگری که با این مضمون در کتب مختلف حدیثی وجود دارد، دلالت بر این دارد که سکوت جزو برترین عبادت‌هایی است که انسان می‌تواند با آن به پروردگار متعال نزدیک‌تر شود.

● ج) آسایش عقل

کسی که خود را به اظهار عقیده درباره چیزی که علم و آگاهی درباره آن ندارد مجبور می‌کند، به مغز و اعصاب خود فشار می‌آورد تا سخنی سرهم کند و تحویل مخاطبش دهد تا خجل نشود. اما اگر شخص عاقل باشد، این کار را انجام نمی‌دهد که هم مردم را منحرف کند و هم خود را به تکلف بیندازد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «النوم راحة للجسد والنطق راحة للروح والسکوت راحة للعقل؛ خواب، آسایش تن و نطق، آسایش روح و سکوت، آسایش عقل است.»^{۱۵}

● د) دوری شیطان از انسان

کسی که ساکت است و از بیهوده‌گویی حذر می‌کند، طبیعتاً همیشه در حال تفکر و تعقل است و به جای سخن بیهوده گفتن و وقت خود را تلف کردن، به مطالعه می‌پردازد تا سطح آگاهی خود را بالا ببرد و به معلوماتش بیفزاید که مبدا شبهه‌ای ناچیز او را از راه به در کند. لذا این شخص کمتر در تله‌های شیطان گیر می‌افتد و کمتر به راه کج منحرف می‌شود، چرا که او به راه راست آگاه است و راه راست را از غیر آن تشخیص می‌دهد.

ابتدا در نظر نگرفتند و بعداً که خود را در تنگنا دیدند، امام را تنها گذاشتند و در برابر جنایات ابن زیاد ملعون سکوت کردند، بدون آن که عواقب سکوت خود را بسنجند و شد آنچه که نباید می شد.

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در باب سکوت بی تفکر و تعقل در حدیثی زیبا می فرماید: «همه نیکی ها در سه خصلت جمع شده است: نگرستن، سکوت و سخن گفتن. پس هر نگاهی که همراه با عبرت گرفتن نباشد، اشتباه است و هر سکوتی که همراه با اندیشیدن نباشد، غفلت است و هر سخنی که همراه با ذکر خدا نباشد، بیهوده و لغو است. خوشا به حال کسی که نگاهش عبرت و سکوتش تفکر و کلامش ذکر باشد و بر گناهش گریه کند و مردم از شر او ایمن باشند.»^{۱۲} پس هر چند سکوت فضیلت دارد، اما نه هر سکوتی، بلکه آن سکوتی که همراه با تفکر و تدبیر باشد.

● (ب) روزه سکوت

روزه سکوت روزه ای است که در کتب مختلف فقهی به حرمت آن تصریح شده است. برای مثال در کتاب «لمعه دمشقیه» که یکی از کتب معتبره فقه شیعیه است و در حال حاضر در حوزه های علمیه تدریس می شود درباره روزه سکوت چنین آمده است: «روزه سکوت به این صورت که نیت کند در روزه خود سخن نگوید، چنین روزه ای در شریعت ما حرام است، نه روزه داشتن در حال سکوت، بی آن که سکوت را در نیت، صفت [وقید] روزه قرار داده باشد.»^{۱۳} حضرت علی (ع) می فرمایند: «روزه وصال (روزه را بدون افطاری و سحری به هم وصل نمودن) و روزه سکوت، در اسلام وجود ندارد.»^{۱۴}

پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) در باب روزه های حرام می فرماید: «یا علی روزه عید فطر و قربان حرام است و روزه وصال [متصل کردن روزه ها به هم بی افطار شب] حرام است و روزه صمت [همراه با سکوت] و روزه ای که برای گناه نذر شده باشد و روزه تمام سال حرام است.»^{۱۵}

● (ج) سکوت بر باطل

گاهی اوقات ممکن است که انسان با صحنه هایی مواجه شود و ببیند که شخصی مورد ظلم قرار گرفته و افرادی به زور حق او را غصب می کنند. اگر انسان شجاعت داشته باشد، نباید در این موارد سکوت کند و باید به یاری مظلوم بشتابد و حق او را از ظالم بگیرد. اما ساکت بودن انسان در این مواقع، نشانه ضعف و ترس و یا بی اهمیت بودن این مسئله نزد اوست.

قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَإِنْ اسْتِضَوْكُمْ فِي الَّذِينَ عَلَيْنَكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ يَمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ اگر از شما در راه دین نصرت بخواهند، شما باید یاری شان کنید، مگر این که بخواهند با قومی بجنگند که میان شما و آن قوم پیمانی باشد و خداوند به آنچه می کنید بیناست.»^{۱۶} این آیه شریفه دلیلی بر جایز نبودن سکوت در برابر ظلم و جور است. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: «کلام فی حق، خیر من سکوت علی باطل؛ سخن گفتن به حق، بهتر از سکوت بر باطل است.»^{۱۷}



گاهی اوقات ممکن است که انسان با صحنه هایی

مواجه شود و ببیند

که شخصی مورد

ظلم قرار گرفته

و افرادی به زور

حق او را غصب

می کنند. اگر انسان

شجاعت داشته

باشد، نباید در

این موارد سکوت

کند و باید به یاری

مظلوم بشتابد و

حق او را از ظالم

بگیرد. اما ساکت

بودن انسان در

این مواقع، نشانه

ضعف و ترس و یا

بی اهمیت بودن

این مسئله نزد

اوست

۱. حسن انوری، فرهنگ فشرده سخن، ج: ۱، ص: ۱۳۱۳

۲. الکافی (ط - الإسلامیه)، ج: ۲، ص: ۱۱۴

۳. مصباح الشریعه / ترجمه مصطفوی، ص: ۱۱۸

۴. ابوالقاسم باینده، نهج الفصاحه، ص: ۲۴۱

۵. مکارم الاخلاق / ترجمه میرباقری، ج: ۲، ص: ۴۸۰

۶. من لایحضره الفقیه، ج: ۴، ص: ۴۰۲

۷. مکارم الاخلاق، ترجمه میرباقری، ج: ۲، ص: ۴۹۱

۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج: ۹، ص: ۳۰

۹. مصباح الشریعه، ترجمه مصطفوی، ص: ۱۱۸

۱۰. مکارم الاخلاق، ترجمه میرباقری، ج: ۱، ص: ۲۵۴

۱۱. همان، ج: ۲، ص: ۴۸۱

۱۲. الخصال شیخ صدوق، ترجمه جعفری، ج: ۱، ص: ۱۵۳

۱۳. زین الدین العاملی، لمعه، ج: ۱، ص: ۲۳۴

۱۴. النوادر اوردندی، ترجمه صادقی اردستانی، ص: ۲۵۴

۱۵. مکارم الاخلاق، ترجمه میرباقری، ج: ۲، ص: ۴۰۰

۱۶. انفال / ۷۲

۱۷. من لایحضره الفقیه، ج: ۴، ص: ۳۹۶

مولانا در این مرحله به اوج سلوک خود نزدیک می‌شود و می‌گوید: روح من لباس تن را افکند و هستی مطلق او نیز لباس «خیال» را - که تجلی صوری او بود - رها کرد و اکنون من خود را برای همیشه پیوسته به دریای هستی مطلق می‌یابم.

این همان مقام سکوت است که مولانا می‌فرماید از این پس، هیچ مرحله‌ای را نمی‌توان به زبان آورد یا درباره آن توضیح داد. برخی این مقام را چنین تبیین کرده‌اند: هنگامی که تجربه عرفانی دست می‌دهد، به کلی مفهوم ناپذیر و بنا بر این به کلی بیان ناپذیر است. باید هم همین طور باشد. در وحدت بی تمایز نمی‌توانی مفهومی از هیچ چیز بیایی؛ چرا که اجزا و ابعاضی در آن نیست که به هیئت مفهوم درآید.

مفهوم فقط هنگامی حاصل می‌شود که کثرتی از اجزا و ابعاض مشابه می‌توانند به صورت صنف درآیند و از سایر گروه‌ها متمایز شوند. آن‌گاه می‌توانیم «مفاهیم» و به تبع آن، «الفاظ» داشته باشیم. بنابراین نمی‌توانیم در همان حال آن را در رده خاصی بگنجانیم و عنوان «نامتمایز» به آن بدهیم؛ زیرا لازمه‌اش آن است که آن را در رده‌ای غیر از رده «متمایز» بگذاریم. همچنین نمی‌توانیم از آن به عنوان «وحدت» یا «واحد» سخن بگوییم؛ چه لازمه‌اش این است که فاصله‌ای بین آن و کثرت قائل شویم.

□ سکوت معرفت شناسانه

پس از آن که آشکار شد در مقام مدهوشی امکان استفاده از زبان نیست، این پرسش به ذهن می‌رسد که پس از آن چطور؟ زمانی که: سالک از مقام مدهوشی به درمی‌آید و هشیاری می‌شود، حال در مقام گزارش دهی و صورت بندی زبانی آن چیزی است که ترجمان احوال خوش عرفانی و روحانی وی است.

در این جاست که سالک طریق درمی‌یابد که نمی‌تواند تمامی ادواق و مواجید خویش را چنان که اتفاق افتاده است، در قالب زبان بریزد و دیگران را از آن بهره‌مند سازد. تمامی آنچه که تحت عنوان شکوه عرفا از تنگنای زبان عنوان شده، متعلق به این مقام است. کمیت زبان در این جالنگ می‌شود؛ چرا که تاب کشیدن این حقایق معنوی بلند را ندارد و در انتقال آن‌ها کامیاب نیست. بر پایه این دیدگاه، عارف در دو حیطه نمی‌تواند از زبان بهره گیرد و منویات و تجارب عرفانی خویش را بازگوید. مولانا سکوت در این مقام را از سر ناچاری می‌داند. به بیانی دیگر، زبان یارای بازگویی این حالات عرفانی را ندارد.

کاشکی هستی زبانی داشتی / تا ز هستان پرده‌ها برداشتی هر چه گویی ای دم هستی از آن / پرده دیگر بر او بستی بدان اما چرا این مراحل ناگفتنی است؟ به بیانی چرا خود انسان‌ها که دمی از نفحات هستی‌اند، نمی‌توانند از راز هستی پرده بردارند؟ در پاسخ باید گفت به واقع هر چه در این راه، حال و قالی به آن‌ها دست دهد، دامنه خود هستی بوده و شأنی از شئون آن است. اما برخی بین این دو مقام تفکیک قائل شده و معتقدند: گرچه در مقام فنا، امکان به کارگیری زبان وجود خویش را بیان نماید. □

سکوت عارفانه در مثنوی معنوی مولوی

غوغای هستی

□ الیاس عارف زاده

سالک پس از طی مراحل اولیه سلوک و عبور از مرحله سکوت سالکانه، به مقام سکوت عارفانه می‌رسد. از این رو، سکوت سالکانه مرکبی است که سالک با آن به مقصد می‌رسد، اما سکوت عارفانه، حال آن سوار مرکب است. به سخنی دیگر، مقام سالک قبل از رسیدن به مرتبه سکوت عارفانه، مقام خوف و رجاست که نسبت به مقام معرفت در مرتبه پایین تری است. سکوت عارفانه را می‌توان سکوت مقام حقیقت وجودی عارف در تجربه دیدار نیز دانست، زیرا عارفی که به مقام مشاهده برمی‌آید و به دیدار محبوب می‌رسد، به ناچار خموشی پیش می‌گیرد. برخی این سکوت را از لحاظ فلسفی - نظری، بردو قسم می‌دانند: «سکوت وجودشناختی» و «سکوت معرفت شناسانه» □

□ سکوت وجودشناختی

این سکوت مربوط به «بی‌کرانگی و بی‌صورتی هستی» است. به بیانی دیگر، سالک هنگامی که در سلوک «عرفانی - وجودی» است، به مرحله‌ای قدم می‌نهد که در آن هیچ‌گونه تکثری نیست و حتی خود را نمی‌بیند و فانی در حقیقت می‌شود که بدان مقام مدهوشی و فنا گویند. سکوت در این مقام را که حکایتگر اتحاد سالک با حقیقت است، سکوت وجودشناختی نامیده‌اند. در حقیقت این مقام در چنگ لفظ نیست و چون در این مرتبه، کثرتی وجود ندارد، زبان نیز بی‌کاربرد است: من شدم عریان ز تن اواز خیال می‌خرامم در نهایات الوصال این مباحث تا بدین جا گفتنی است هر چه آید زین سپس بنهفتنی است



سکوت و سخن در آینه روایات و ادبیات عالمی رایک سخن ویران کند

مهدی شهبازی

شاید هیچ عضوی از اعضای بدن انسان به اندازه زبانش پرکار نباشد، و این پرکاری بالطبع لغزش‌هایی را خواه ناخواه در پی خواهد داشت. اکثراً لب به سخن می‌گشاییم و آسمان به ریسمان می‌بافیم و در هر موضوعی اعم از زمینی و آسمانی داد سخن می‌دهیم، ولی وقتی منصفانه به گفته‌های خود می‌اندیشیم، درمی‌یابیم که چیز زیادی برای گفتن نداشته‌ایم و فقط بیش از حد به موضوع محقر خود شاخ و برگ داده‌ایم و با افزودن به کمیت و طول جمله‌های خود، به کاهش کیفیت و ارزش گفته‌های خود پرداخته‌ایم.

امام علی (ع) در نم پرگویی می‌فرماید: «... من اکثر اهلجر... پرگو هرزه‌گو می‌شود.» و به قول معروف «کم گوی و گزیده‌گویی چون در» اما همین کم و گزیده نیز اگر به صواب و برخاسته از اندیشه منبع آدمی نباشد، ای بسا فساد آن به صلاح آن بچربد و نعمتی را به نقیمت بدل کرده و به قول مولوی عالمی را ویران کند.

عالمی رایک سخن ویران کند / روبه‌ان مرده را شیران کند

هستند که از شنیدن و گفتن حرف حق کرو لاند و اصلاً در آیات خدا تعقل نمی‌کنند. «پس، از ارباب سخن و اهل دانش و بینش تقاضا داریم که با سکوتشان، طنین انداز صدای تحجرو انحراف در این مرزو بوم نباشند.

وقتی همه خاموشند، چه فرق میان عالم و جاهل و اصلاً چه فرق میان انسان و حیوان. مگر نه این‌که: «به نطق آدمی بهتر است از دواب» در کلام امیرالمؤمنین (ع) نیز آمده است که: «سخن بگویند تا شناخته شوید، که مرد در زیر زبانش پنهان است» و اصلاً:

تا مرد سخن نگفته باشد

عیب و هنرش نهفته باشد

باری از علما انتظار می‌رود که در این تاریکی شکایات و ترافیک شبهات تا آن‌جا که امکان دارد، به روشنگری پردازند و به محک و وجود خود زرق‌لب را از زرنیکو، و سره را از ناسره باز شناسانند. البته ذکر نکته‌ای خالی از فایده نیست و آن این‌که علما بیش از هر قشر دیگری باید مراقب اقوال و افعال خود باشند، چرا که گفته ایشان به نزد عوام، حجت تلقی شده و بی‌چون و چرا از آن تبعیت می‌کنند و اگر خدای ناکرده قول آنان ناصواب و خطا باشد، موجب فتنه و تباہکاری نه افراد معدود، بلکه عده کثیری از اقشار مختلف جامعه خواهد شد. از همین روست که امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند: «سخن اهل دانش و بینش اگر درست باشد، (برای دردهای دنیا و آخرت) داروست و اگر نادرست باشد، درد است.» بی‌سبب نیست که می‌گویند: «زلة العالم زلة العالم؛ لغزیدن دانشمند، لغزش جهان است.»

❑ اصول کلی سخن

تا این‌جا سخن از سکوت بود و از این‌جا به بعد، به سخن و اصول و اسلوب آن به‌طور اجمال خواهیم پرداخت. در سخن گفتن همواره باید سه اصل کلی را مدنظر داشت: اندیشه صواب، تأمل و ایجاز. حال به شرح اصل اول یعنی اندیشه صواب می‌پردازیم.

● اندیشه صواب

در اولین وصف متقین از زبان امام علی (ع) آمده است که: «... سخن آنان صواب است...» یا سخن نگویند جز به صواب. سعدی نیز یکی از وجوه ممیز بین انسان و حیوان را که ملاک برتری آدمیزادگان بر حیوانات است را قوه ناطقه می‌داند، ولی در همان‌جا تصریح می‌کند که اگر از این حسن انسانی کسی به صواب و صلاح استفاده نکند، از حیوان هم بدتر است.

به نطق آدمی بهتر است از دواب

دواب از تو به گرنگویی صواب

در واقع ناطق بودن زمانی ارزش دارد که صواب و صلاحی در آن باشد، و ذاتاً آن را ارزشی نیست. سخن چون کالبدی است که اندیشه صواب به منزله روح آن است، در نتیجه سخن بدون اندیشه صواب چون جسمی است که فاقد روح است. و هرگاه اندیشه صواب شد، سخن نیز به تبع آن صواب خواهد شد.

برای تبیین این مطلب به ابیات ذیل توجه فرمایید:



ناطق بودن زمانی

ارزش دارد که

صواب و صلاحی

در آن باشد، و

ذاتاً آن را ارزشی

نیست. سخن

چون کالبدی

است که اندیشه

صواب به منزله

روح آن است،

در نتیجه سخن

بدون اندیشه

صواب چون

جسمی است که

فاقد روح است.

و هرگاه اندیشه

صواب شد،

سخن نیز به تبع

آن صواب خواهد

شد

❑ سکوت جاهلانه، سکوت عالمانه

و اما سکوت، سکوت معمولاً از دو پستان تغذیه می‌کند: یکی جهل و دیگری علم. مثلاً گاهی شخص نسبت به مسئله‌ای جاهل و از فهم آن قاصر است، پس چون نمی‌داند، جبراً سکوت می‌کند و به عبارت دیگر چون حرفی برای گفتن ندارد، ساکت است. پس هر سکوتی ممدوح نیست و بین سکوت جاهلانه و جبری، تا آن سکوت ممدوح عالمانه که گاه بعضی از علما از سر تواضع یا حکمتی بدان روی می‌آورند، فرقی است ژرف:

هر دو صورت گر بهم ماند رواست

آب تلخ و آب شیرین را صفاست

جاهل ساکت و عالم ساکت، هر دو ساکتند اما این کجا و آن کجا، در فواید سکوت نیز بحث بسیار رفته است. به قول سعدی: اعدادت ذکر آن ناکردن اولی. اما گرچه سکوت چون لباسی زیبا و فاخر، ساتر عیوب جاهل است و سکوت اختیار کردن نادان غایت دانایی است، اما علما را که صاحبان جمال معنوی و حسن خداداد هستند، به روپوش و رنگ ماشطه‌ای چون سکوت نیازی نیست و آن به که ایشان فواید سکوت را برای نادانان و انهند و به ارشاد و تدریس و روشنگری همت گمارند، چرا که سکوت علما یعنی غریب تحجرو واپس‌گرایی که از دور به گوش می‌رسد. سکوت علما یعنی صدای بسط تصب و جهل، یعنی توقف، و توقف در جهان مدرن و عصر ارتباطات به معنای سکون و درجا زدن نیست، بل به معنای عقب‌نشینی است، و به بیان ساده:

چو می‌بینی که نابینا و چاه است

اگر خاموش بنشین گناه است

به این فرمایش امیرالمؤمنین توجه فرمایید: «خبر و نیکی نیست در خاموشی با حکمت و دانش، چنان‌که نیکی نیست در گفتار با جهل و نادانی.» و یکی از مشکلات جامعه ما که مسبب پس‌رفت این جامعه است، همین عدم تخصص درباره موضوعی و اظهار نظر و ارائه فضل درباره آن است. آنان که باید بگویند و ارشاد کنند، همه طریق خامشی پیش گرفته‌اند و آنان که باید خامشی گزینند، در کمال وقاحت به سخنرانی و غزلسرایی در هر مورد و موضوعی می‌پردازند. به این سبک، بی‌مغزان پر جوش که از علم فقط حرفی و قاجاق لغات و اصطلاحات فرنگی را استنباط کرده‌اند، و به قول مولوی با اقوال خود عالمی را ویران کرده‌اند، صاحب‌نظر شده‌اند. جز این چه می‌توان گفت که:

زبان بریده به کنجی نشسته صمُّ بکم

به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم

و برفحوای، «آن‌که نمی‌داند و دست به کار می‌برد، بیش از آن‌که اصلاح نماید، تباہ می‌کند» می‌توان گفت آن‌که نمی‌داند و لب به سخن می‌گشاید بیش از ارشاد، اضلال می‌نماید و یا:

اول اندیشه وانگهی گفتار / پای بست آمده است پس دیوار
و نیز به یاد آن دانایان خموش که رسالت خویش را از یاد برده‌اند می‌آوریم که: «انْ شَرُّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُونَ.» «بدترین جنبندگان نزد خدا کسانی



معنای مورد نظر، بیان کند و با سخنان طولانی خود مستمع را ملول نگرداند تا محیط به قول خود و مسلط به مفهومی باشد که در پس آن کلام می جوید و به قول سعدی، پیش از آن که به او بگویند بس کن، خود بس کند.

بیاندیش و آن که برآور نفس
وزان پیش بس کن که گویند بس
(کلیات سعدی، ص ۹)

و در آخر برای حسن ختام این مقال، به این حدیث پیامبر (ص) بسنده می کنیم که فرمود:

«... لا يستقيم ايمان عبد حتى يستقيم قلبه و لا يستقيم قلبه حتى يستقيم لسانه؛ هیچ بنده ای ایمان راستین را تجربه نکند، مگر قلبش راستی آموزد و قلب هیچ کس راستی نیاموزد، مگر آن که زبانش راست شود.»
(نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵، ص ۵۷۱)

این زبان، هم آتش و هم خرمنی
چند این آتش در این خرمن زنی
در نهان، جان از تو افغان می کند
گرچه هرچه گویی اش آن می کند

ای زبان، هم گنج بی پایان، تویی
ای زبان، هم رنج بی درمان، تویی
هم صغیر و خدعه مرغان تویی

هم انیس و وحشت هجران تویی
(مثنوی معنوی، دفتر اول، ابیات ۱۷۰۴)
و یا:

این زبان چون سنگ و هم آهن و ش است
و آنچه بجهد از زبان چون آتش است
سنگ و آهن را مزن بر هم گزاف

که ز روی نقل و گاه از روی لاف
زان که تاریخ است و هر سو پنبه زار
در میان پنبه چون باشد شرار
ظالم آن قومی که چشمان دوختند
زان سخن ها عالمی را سوختند
عالمی را یک سخن ویران کند
روبهان مرده را شیران کند

(همان، ابیات ۱۵۹۷-۱۵۹۳) □

سخن و زبان
مثل تیر و کمان
است، چون تیر
از کمان جست،
دیگر کماندار قوت
ضبط آن را ندارد؛
سخن نیز چون
از دهان جست
دیگر باز نخواهد
گشت. با این
تفاوت که: «بسا
تیر تیر انداز به خطا
می رود، اما تیر
سخن باطل، به
هر ترتیب، اثری بر
جای می گذارد،
هر چند اثر باطلش
در روند تباهی
باشد.»

این سخن و آواز از اندیشه خاست
تو ندانی بحران دیشه کجاست
لیک چون موج سخن دیدی لطیف
بهر آن دانی که باشد هم شریف
چون زدانش موج اندیشه بناخت
از سخن و آواز او صورت بساخت
از سخن صورت بزاد و باز مرد
موج خود را باز اندر بحر برد
سخن صواب آن است که موجبات قربت و رضای
حق تعالی را فراهم آورد.

● تأمل

با استمداد از فرمایش امام علی (ع) به شرح اصل دوم یعنی تأمل می پردازیم: امام علی (ع) می فرماید: «مؤمن چون آهنگ سخن کند، ابتدا در اندرون خویش نگاهش می دارد و می اندیشد، اگر نیکش یافت، بر زبان می آورد و اگر بد، پنهانش می دارد.» در نگاه ایشان، آنان که می گویند و سپس می اندیشند، احمق، و آنان که می اندیشند و سپس می گویند، خردمند هستند. به قول شاعر:

سخندان پرورده پیر کهن / بیان دیشد آن که بگوید سخن
در این جا ذکر حکایتی از گلستان بی خزان سعدی در تبیین معنای تأمل خالی از فایده نیست: «طایفه ای از حکمای هندوستان در فضیلت بوذرجمهر سخن می گفتند. به آخر جز این عیبش ندانستند که بطیء است، یعنی درنگ بسیار می کند و مستمع را بسی منتظر باید بود تا تقریر سخنی کند. بوذرجمهر بشنید و گفت: اندیشه کردن که چه گویم، به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم.»

مزن تا توانی به گفتار دم

نکو گوی، اگر دیر گویی چه غم

شرح اصل دوم را با بیانی از امیرمؤمنان (ع) تکمیل می کنیم که در قسمتی از وصیتش به امام حسن (ع) می فرماید: «جبران زبان خموشی و دم فرو بستن، بسی آسان تر است از باز یافت آنچه با گفتار نابجا از دست می رود.»

و به راستی، سخن و زبان، مثل تیر و کمان است، چون تیر از کمان جست، دیگر کماندار قوت ضبط آن را ندارد؛ سخن نیز چون از دهان جست دیگر باز نخواهد گشت. با این تفاوت که: «بسا تیر تیر انداز به خطا می رود، اما تیر سخن باطل، به هر ترتیب، اثری بر جای می گذارد، هر چند اثر باطلش در روند تباهی باشد.» و این اصل را با این ابیات به پایان می بریم که:

نکته ای کان جست ناگه از زبان

همچو تیری دان که آن جست از کمان

و انگر دد از ره آن تیرای پسر

بند باید کرد سیلی را ز سر

چون گذشت از سر، جهانی را گرفت

گر جهان ویران کند نبود شگفت

● ایجاز

قبلاً اشاره کردیم که «کم گوی و گزیده گوی چون در» و اکنون می افزاییم: دانا کسی است که کلام خود را در نهایت ایجاز و اختصار و البته ایجازی بدون لطمه خوردن به



سکوت در روایات اسلامی بارگاه حکمت

آیت‌ا... العظمی ناصر مکارم شیرازی

سکوت محبت می‌آورد به خاطر این است که بسیاری از رنجش‌ها و عداوت‌ها از نیش زبان زدن و تعبیرات نامناسب درباره اشخاص حاصل می‌شود، و سکوت انسان را از آن نجات می‌دهد.

۷. سکوت سبب نجات از بسیاری گناهان می‌شود و در نتیجه کلید ورود بهشت است. چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم: که مردی نزد آن حضرت آمد (و طالب سعادت و نجات بود) پیغمبر (ص) فرمود: آیا تو را به چیزی راهنمایی کنم که خدا به وسیله آن تو را وارد بهشت می‌سازد؟ عرض کرد آری ای رسول خدا! سپس دستور به انفاق و یاری مظلوم و کمک از طریق مشورت فرمود، و بعد دستور به سکوت داد و فرمود: «سکوت اختیار کن جز از نیکی‌ها، و در پایان افزود: «هرگاه یکی از این صفات در تو باشد، تو را به سوی بهشت می‌برد.»

۸. بی‌شک یکی از آثار مثبت سکوت، آراسته شدن به زیور و قار است. همان‌گونه که در حدیثی از امیرمؤمنان علی (ع) می‌خوانیم: «سکوت، لباس و قار بر تو می‌پوشاند و مشکل عذرخواهی را از تو برمی‌دارد.» شخصی که زیاد سخن می‌گوید؛ اشتباهات فراوانی دارد که هم از ابهت او می‌کاهد، و هم او را وادار به عذرخواهی مکرر می‌کند.

۹. همین معنی به شکل گویاتری در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است، فرمود: «اگر در سخن گفتن بلاغت باشد، در سکوت سلامت از لغزش‌هاست!» از این حدیث استفاده می‌شود که سکوت حتی بر سخنان بلیغ گاهی برتری دارد!

۱۰. این بحث را با حدیث دیگری از امام حسن (ع) پایان می‌دهیم، هرچند در این زمینه احادیث فراوان دیگری باقی مانده که ذکر همه آن‌ها ما را از روشی که در این مباحث داریم دور سازد؛ فرمود: «سکوت یاور خوبی است در بسیاری از موارد، هرچند سخن‌گویی فصیح باشی.» □

«صمت» (سکوت) در روایات اسلامی بازتاب بسیار گسترده‌ای دارد و نکته‌های دقیق و ظریفی درباره آن بیان شده، و آثار و ثمرات آن با تعبیرات جالبی تشریح شده است که به بخشی از آن اشاره می‌شود.



۱. در زمینه تأثیر سکوت در تعمیق تفکر و استواری عقل، از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود: «هنگامی که مؤمن را خاموش ببینید به او نزدیک شوید که دانش و حکمت به شما القا می‌کند، و مؤمن کمتر سخن می‌گوید و بسیار عمل می‌کند، و منافق بسیار سخن می‌گوید و کمتر عمل می‌کند.»

۲. در حدیث دیگری در همین زمینه از امام صادق (ع) می‌خوانیم که فرمود: «نشانه عاقل فکر کردن و نشانه فکرمندان، سکوت است.»

۳. امام امیرالمؤمنین (ع) فرموده است: «بسیار خاموشی برگزین تا فکرت زیاد شود و عقلت نورانی گردد، و مردم از دست (و زبان) تو سالم بمانند.»

از این روایات به خوبی استفاده می‌شود که رابطه دقیقی میان بارور شدن فکر و اندیشه، و سکوت وجود دارد، دلیل آن هم روشن است: زیرا قسمت مهمی از نیروهای فکری انسان در فضول کلام و سخنان بیهوده از میان می‌رود. هنگامی که انسان سکوت پیشه می‌کند، این نیروها متمرکز می‌شود و فکر و اندیشه را به کار می‌اندازد، و ابواب حکمت را به روی انسان می‌گشاید. به همین دلیل مردم سخن گفتن بسیار را دلیل کم‌عقلی می‌شمردند و افراد کم‌عقل سخنان بیهوده بسیار می‌گویند.

۴. از بعضی از روایات استفاده می‌شود که یکی از مهم‌ترین عبادات سکوت است؛ از جمله در مواظب پیامبر اکرم (ص) به ابوذر می‌خوانیم: «چهار چیز است که تنها نصیب مؤمن می‌شود، نخست سکوت است که سرآغاز عبادت است.»

۵. از بعضی احادیث استفاده می‌شود که پرگویی مایه قساوت و سنگدلی است. در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «حضرت مسیح (ع) می‌فرمود، جز به ذکر خدا سخن زیاد مگویند، زیرا کسانی که در غیر ذکر خدا سخن بسیار می‌گویند، دل‌هایی پر قساوت دارند ولی نمی‌دانند.»

۶. در حدیث دیگری از امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌خوانیم: سکوت نه تنها از اسباب علم و دانش است، بلکه راهنما به سوی هر خیر و نیکی است؛ فرمود: «سکوت دری از درهای دانش است، سکوت محبت می‌آورد، و دلیل و راهنمای همه خیرات است. این‌که می‌فرماید



تفاوت سکوت و سخن نگفتن

مقام سکوت متعلق به عقل است

■ دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی

در باره سکوت، نباید سکوت کرد، زیرا سکوت، معنی دار است. سکوت با حرف نزدن فرق دارد. همچنین سکوت با سخن نگفتن و مکث مقداری تفاوت دارد. ممکن است وقتی حرف می‌زنم، وسط حرفم مکث کنم و درنگ داشته باشم. این درنگ بسیار معنی دار است، یا ممکن است وسط حرف زدنم، یک دفعه سکوت کنم. این جاست که تفاوت سکوت و سخن نگفتن آشکار می‌شود. سکوت کردن در وسط کلام هم معنی دار است. سکوت از شنون آدمی است. ما درباره درخت که هیچ وقت حرف نمی‌زند، کلمه «ساکت» را به کار نمی‌بریم. سکوت در واقع بازماندن از سخن به دلیلی است. پس سکوت عبارت است از: به دلیلی دم از سخن فرو بستن؛ اگر من به دلیلی دم از سخن بندم، سکوت کرده‌ام، چون ما غالباً برای سخن نگفتن دلیلی داریم، چنانچه وقتی سخن می‌گوییم، دلیلی برای سخن گفتن داریم. ■



.....

وقتی لفظ نمی‌گویید و زیباتان نمی‌چرخد، در واقع سخن می‌گویید. منتها این سخن به قول متکلمین اسلامی که به اشاعره معروف شده‌اند، کلام نفسی است. اشاعره قائل به کلام نفسی بودند، به این معنا که انسان زمانی که لفظ نمی‌گوید و زیباتان حرکت نمی‌کند، باز لفظ می‌گوید. یعنی انسانی که می‌اندیشد، سخن می‌گوید. سخن، همان اندیشه است، منتها گاهی جنبه بیرونی و ظاهری دارد که با صوت بیان می‌شود و به صورت الفاظ و کلمات؛ گاهی ممکن است که با الفاظ بیان نشود

۴. تعریف لوگوس

لوگوس یعنی سخن عقلانی. همچنین می‌توانیم بگوییم: لوگوس یعنی سخن، چون سخن اساساً عقلانی است. تا عقل نباشد، نمی‌توان سخن گفت. هیچ‌کس نمی‌تواند بدون عقل سخن بگوید. از این روست که حیوانات سخن نمی‌گویند. آن‌ها احتیاجات خودشان را از روی غرایز همدیگر منتقل می‌کنند، بلکه می‌توان گفت: همه موجودات به نوعی با همدیگر ارتباط دارند. اما سخن باری دیگر دارد. سخن غیر از ارتباط است. در سخن نیز ارتباط نهفته است، ولی ارتباط که در سخن است، کاملاً ویژه است. هر حیوانی با حیوان هم جفت و هم نوع خودش ارتباط برقرار می‌کند و چنین است هر گیاهی. گیاهان به هر صورت با همدیگر ارتباط دارند، ولی سخن نیست. بله، سخن نیز ارتباط است، ولی ارتباطی ویژه، که ویژه انسان است. اصل سخن، عقل است. یعنی «لوگوس» به همین جهت کلمه «لانگ» فرانسوی و «لنگویج» انگلیسی از لوگوس گرفته شده است. لانگ یا لنگویج، همان تحول یافته لوگوس است. واژه «لوژی» هم که پسوند علوم است، باز به لوگوس برمی‌گردد، مثل تئولوژی، ژئولوژی، بیولوژی، پسیکولوژی، پس لوژی، همان لوگوس است، یعنی دانش و عقل و خرد. بنابراین، چون انسان بالذات عقلانی آفریده شده است، می‌توان گفت: اصل در انسان لوگوس است. لوگوس نیز سخن است. سخن گاهی صامت است، گاهی غیر صامت است. سخن گاهی به صوت می‌آید، گاهی به صوت نمی‌آید.

«سخن گاهی به صوت نمی‌آید» همان کلام نفسی نیست؟

بله، همان است. یعنی شما وقتی لفظ نمی‌گویید و زیباتان نمی‌چرخد، در واقع سخن می‌گویید. منتها این سخن به قول متکلمین اسلامی که به اشاعره معروف شده‌اند، کلام نفسی است. اشاعره قائل به کلام نفسی بودند، به این معنا که انسان زمانی که لفظ نمی‌گوید و زیباتان حرکت نمی‌کند، باز لفظ می‌گوید. یعنی انسانی که می‌اندیشد، سخن می‌گوید. سخن، همان اندیشه است، منتها گاهی جنبه بیرونی و ظاهری دارد که با صوت بیان می‌شود و به صورت الفاظ و کلمات؛ گاهی ممکن است که با الفاظ بیان نشود.

خب، وقتی که اندیشه با کلمات بیان نمی‌شود، باز هم سخن است؟

بله، باز هم سخن است. به همین جهت است که اگر کسی

الفاظ را بیاموزد و سخن به گوشش نخورد، در واقع معنایش این نیست که او فکر نمی‌کند، چون فکر انسان از راه‌های دیگر نیز فعال می‌شود و فکر زمانی که فعال بشود، به صوت می‌آید و در زبان جاری می‌شود. بنابراین، انسان همیشه سخن می‌گوید، ولی گاهی سخن خودش را بر اساس مصلحتی بر زبان نمی‌آورد، ولی انسان وقتی هم که سخن خودش را به زبان نمی‌آورد، باز هم ناطق است.

می‌توان گفت: سکوت به حسب اصطلاح در جایی است که شما آنچه در درونتان هست را، با الفاظ بیان نکنید، ولی معنای این سخن این نیست که الفاظ در درون شما نیست. الفاظ و کلام نفسی در درون شما وجود دارد. من به کلام نفسی باور دارم. اجازه بدهید این مسئله را از راهی دیگر مطرح کنم و اصلاً به صورتی دیگر طرح موضوع کنم. خداوند به طور مسلم ناطق است: هو یناطق عن الحق. یعنی: یناطق بالحق.

یعنی خداوند به حق سخن می‌گوید. شما می‌دانید که خدا با پیغمبران تکلم کرده است. صریح قرآن این است که: «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» خداوند با حضرت موسی (ع) تکلم نمود و صحبت کرد. خداوند با حضرت عیسی (ع) نیز تکلم کرد، بلکه عیسی (ع) «کلمه خداوند» بود. خداوند با موسی (ع) سخن گفت، ولی در مسیحیت گفته می‌شود، خود حضرت عیسی (ع) «کلمه الله» است.

در روایات ما نیز آمده است که حضرت صادق (ع) فرمود: «نحن کلمات الله التامات؛ ما کلمات تام خداوندیم.» چیزی که مسلم است تکلم خداوند است، یا به صورت تکلم با حضرت موسی (ع) و یا چنانچه گفته شده است، خود حضرت موسی (ع) یا حضرت عیسی (ع) «کلمه خداوند» است و یا سخن گفتن با حضرت ختمی مرتبت که به صورت وحی صحبت کرده است، اگرچه واسطه جبرئیل بوده است.

در حال این خداست که حرف می‌زند، منتها با بیان جبرئیل و جبرئیل است که پیام را می‌آورد. نمی‌خواهم وارد این وادی بشوم. خداوند با پیامبرش یا به صورت مستقیم سخن می‌گوید: «یوحی الیه» و یا با واسطه فرشته سخن می‌گوید و پیام وحی را توسط او می‌فرستد. هر دو کلام خداوند است.

آیا خداوند تنها در برخی لحظه‌ها و مقطع‌ها سخن گفته و بعد از آن خاموش مانده است؟ چنین چیزی نمی‌توان قائل شد، چون خداوند دارای صفت تکلم است.

کاملاً درست است. متکلم بودن از صفات خداوند است: «ان الله هو المتکلم» متکلم بودن یکی از صفات هفتگانه‌ای است که در کتب اصول عقاید برای خداوند ذکر کرده‌اند و تکلم را از صفات قطعی خداوند دانسته‌اند. خداوند «حی» است، «مرید» است، «مدرک» است و «متکلم» است.

آیا شما در کتب آسمانی و یا در متون اسلامی، در روایات و در قرآن دیده‌اید که «ساکت» از صفات خداوند ذکر بشود؟ این بحث به مسئله اسماء و صفات برمی‌گردد.

بله، این مسئله از فروع بحث صفات است. من تا حالا ندیده‌ام خداوند با اسم «یا ساکت» خوانده شود. من نشینده‌ام کسی چنین سخن بگوید. آیا خداوند هیچ‌وقت سکوت کرده است؟ در پاسخ باید چنین نتیجه‌گیری کنیم که: خداوند به یک معنی، همیشه در حال



سکوت بگویند، ولی من در واقع به سکوت به معنای مطلق و به معنای عدم گفتگو و عدم اندیشه، قائل نیستم. انسان همیشه در حال نوعی گفتگوست، یا با خودش که از آن به مونولوگ تعبیر می‌شود، که به نظر من دیالوگی مخصوص است و یا با غیروارد گفتگو می‌شود که دیالوگ معمولی است. نقطه جدایی و تفاوت سکوت و سخن نگفتن را می‌توان در مونولوگی دانستن سکوت هم دانست.

۱ | **فرق سکوت از سر مصلحت با سکوت از سر حیرت**

سکوت از سر حیرت هم مصلحت است. حیرت هم نوعی مصلحت است و شخصی که حیرت زده است، تأمل می‌کند و از سر حیرت سکوت می‌کند و نمی‌خواهد بی‌خودی حرف بزند. سکوتی که از ناحیه حیرت بر انسان عارض می‌شود، معنایش عدم تصمیم‌گیری برای سخن گفتن است. صاحب حیرت، در واقع تأمل می‌کند تا از حیرت خودش به نوعی خارج شود و به نتیجه‌ای برسد.

در استغراق در دریای حیرت که امواج حیرت ما را از این سو به آن سو می‌کشد، سکوت برای رسیدن به یک ساحل است، تا شخص وارد سخن بشود. چه بسا چنین کسی یا هر کسی نخواهد وارد سخن بشود. این وارد نشدن به سخن و نخواستن وارد شدن به سخن، به دلیل است: این دلیل یا خارج است، به این صورت که انسان مانعی برای گفته خود می‌بیند و یا عدم اقتضا از درون است و از این روست که الآن حرف معینی برای گفتن ندارد و از این رو سخن نمی‌گوید. پس وقتی حرف معینی نمی‌یابد که گفتنش لازم باشد، صبر می‌کند تا وقت سخن گفتنش برسد.

سکوت عرفانی هم از این دسته است، چون عارف نمی‌خواهد خودش را به غیر مشغول کند، حرف نمی‌زند و سکوت می‌کند، ولی اگر وارد درون او بشویم، خواهیم دید در درون عارف غوغاست. ما عارف را ظاهر آساکت می‌بینیم، ولی حتماً درونش غوغاست؛ «وتری الجبال تحسبها جامده و هی تمر مر السحاب» سکوت عارف، سخن درونی اوست. عارف همیشه در درون سخن می‌گوید.

عده‌ای پایان علم یا معرفت را سکوت می‌دانند. آیا شما این موضوع را قبول دارید؟

پایان علم و معرفت سکوت است، معنایش این است که شخص عالم یا عارف، گوشه‌ای برای شنیدن پیدا نمی‌کند. این در مواردی است که انسان آنچنان ارتقا و ارتفاع می‌یابد و به چنان رفعت و بلندی می‌رسد که بی‌مخاطب می‌شود و مخاطب ندارد. به عبارت دیگر: سکوت آن جاست که من مخاطبی برای خود نیستم. وقتی مخاطب نداشته باشیم، سکوت حاصل می‌شود.

با این حال در این موارد هم خودش با خودش حرف می‌زند و خودش، مخاطب خودش می‌شود. کسی که با دیگران سخن نمی‌گوید و به اصطلاح سکوت می‌کند، خود، مخاطب خودش است و این همان مونولوگی است که به یک معنی دیالوگ است.

ما مونولوگ

حقیقی نداریم و

همیشه دیالوگ

داریم، اما به

حسب اصطلاح

دیالوگ در جایی

است که مخاطب

داریم و او طرف

گفتگوی ماست و

مونولوگ آن جایی

است که من

خودم می‌اندیشم

و در درون خودم

و در خلوت خودم

سخن می‌گویم.

این اصطلاح

ظاهری است، اما

من فکر می‌کنم

آن چیزی که

مونولوگ است،

خودش یک

دیالوگ دیگر

است، ولی در آن

مخاطبم خودم

هستم

کلام است. منتها همان‌گونه که گفتیم، کلام گاهی ظاهر می‌شود و به گوش حضرت موسی و گوش حضرت عیسی یا به گوش حضرت ختمی مرتبت می‌رسد و گاهی هم ظاهر نمی‌شود و به گوش کسی نمی‌رسد.

سکوت به معنای حرف نزدن است و ارتباط برقرار نکردن با دیگران به صورت صوتی، اما انسان همیشه حرف می‌زند و همیشه لوگوس دارد و می‌اندیشد و اگر می‌اندیشد، حرف هم می‌زند.

انسان مظهر حق تبارک و تعالی است. انسان موجودی است که لوگوس دارد و بالوگوس مربوط است، بنابراین انسان بالذات ناطق است و نه بالعرض. در «انسان، حیوان ناطق است» نطق را جزو ذاتیات انسان دانسته‌اند که هنوز هم به نظر من محکم‌ترین تعریف برای انسان است.

می‌دانید که تعریف‌های زیادی از انسان شده است، ولی همه تعریف‌ها در «حیوان ناطق» مندرج می‌شود. پس انسان همیشه حرف می‌زند؛ این حرف زدن گاهی به زبان می‌آید و مصوت است و شما می‌شنوید که به صورت لفظ ظاهر می‌شود، گاهی چنین نیست. از این رو، یک حکیم ممکن است چنین مصلحت ببیند که یک عمر ساکت باشد. بعضی از عرفا، همواره سکوت اختیار کرده‌اند. از این رو ما روزه صمت داشته‌ایم که می‌توان آن را به روزه سکوت ترجمه کرد. روزه‌ای که حضرت مریم نذر کرد، آن را به جا بیاورد، روزه سکوت بود. بدین ترتیب سکوت به معنای حرف نزدن است و ارتباط برقرار نکردن با دیگران به صورت صوتی، اما انسان همیشه حرف می‌زند و همیشه لوگوس دارد و می‌اندیشد و اگر می‌اندیشد، حرف هم می‌زند.

از این مسئله به این صورت تعبیر می‌آورند که: سخن انسان گاه مونولوگ است و گاهی دیالوگ. دیالوگ این است که با همین الفاظ و اصوات و کلمات ارتباط برقرار می‌کنیم. گفتن و شنیدن از دیگران، یا ارتباط برقرار کردن به صورت طرفینی، دیالوگ است، اما مونولوگ زمانی است که من با خودم صحبت می‌کنم. منم و خودم. من بر این باورم که مونولوگ هم نوعی دیالوگ است.

۱ | **مونولوگ حقیقی وجود ندارد**

ما مونولوگ حقیقی نداریم و همیشه دیالوگ داریم، اما به حسب اصطلاح دیالوگ در جایی است که مخاطب داریم و او طرف گفتگوی ماست و مونولوگ آن جایی است که من خودم می‌اندیشم و در درون خودم و در خلوت خودم سخن می‌گویم. این اصطلاح ظاهری است، اما من فکر می‌کنم آن چیزی که مونولوگ است، خودش یک دیالوگ دیگر است، ولی در آن مخاطبم خودم هستم، بر خلاف موردی که مخاطب من و طرف گفتگوی من غیر است، مثل حسن، زید، تقی و نقی.

وقتی خودمان با خودمان صحبت می‌کنیم و وقتی داریم می‌اندیشیم، از خودمان می‌پرسیم و خودمان را مخاطب خودمان قرار می‌دهیم و خودمان به خودمان جواب می‌دهیم. این اگرچه به حسب اصطلاح مونولوگ است، ولی نوعی دیالوگ هم هست. اصطلاحاً ممکن است به مونولوگ

انسان گاهی در شأن نطق است و گاهی در شأن سکوت است. سکوت نه در بیرون است که بروید و به آن برسید و یا به گونه‌ای نیست که از جایی سرازیر شود و به ما برسد. سکوت و نطق از شئون شماسست و نه در بیرون از شما.

این شما هستی که یا در حال سکوت هستید و یا در حال نطق. این دو در خود آدم است، نه در بیرون که برویم و برسیم و نه از بیرون که آن بیاید و به ما می‌رسد. پس پاسخ من به سؤال شما این است که: هیچ کدام.

در مجموع فکر نمی‌کنید سکوت ارجمندتر از کلام است؟

بسیاری از اوقات چرا؛ ولی نه در همه اوقات و نه در همه جا. این مسئله بستگی به موارد مسئله دارد و این که حکمت چه چیزی را اقتضا کند. حکمت در مواردی اقتضای سکوت می‌کند. این بسیار بالاست. گاهی هم اقتضای سخن می‌کند که آن هم بالاست. به صورت مطلق نمی‌توان گفت: همیشه سخن یا همیشه سکوت. قضیه مطلق نیست. سکوت در جای خودش خوب است و کلام در جای خودش.

فکر می‌کنم شیخ اجل سعدی به این نکته اشاره کرده است که این بیت حکیمانه را سروده است: دو چیز تیغه عقل است، دم فرو بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی. در جایی که ضرورت اقتضای سخن کند، سخن حکمت است و زمانی که دلیلی برای گفتن نباشد، اقتضای حکمت سکوت است. در واقع سکوت و سخن، تابع حکمت و به حسب حکمت است. اگر مسئله بر اساس حکمت باشد، هم سخن معنی دار است و هم سکوت. اگر پشتوانه حکمی در کار نباشد، نه سخن انسان معنی دارد و نه سکوت او. تفاوت سکوت و سخن نگفتن نیز دقیقاً در همین مسئله است.

عقل آن جا که حرف نزند، به سکوت می‌رسد و سکوت مال عقل است. یکی دیگر از معیارهای تفاوت سکوت و سخن نگفتن در این است که مقام سکوت، متعلق به عقل است. سکوت متعلق به چیزی غیر از عقل نیست. عقل است که ساکت می‌شود یا سخن می‌گوید. هم سخن، متعلق عقل است و هم سکوت متعلق به عقل است و هر دو از شئون عقل است و دو چیز نیستند، تا شما رابطه آن دو را با هم دیگر بسنجید. سکوت و سخن از شئون عقل آدمی است و مال خود عقل است. عقل است که ساکت یا سخنگو می‌شود.

سخن و سکوت از شئون عقل است؛ عقل گاهی سخن می‌گوید و گاهی سکوت می‌کند. این سکوت، نوعی دیگر از سخن است. سکوتی که عقل آن را برگزیند، نوعی دیگر از سخن گفتن و در واقع سخن گفتن است. □

□ سکوت یعنی گفتگوی انسان با خودش

به نظر من، سکوت در جایی است که انسان مخاطبی برای خودش نمی‌یابد و از این رو با خودش حرف می‌زند. به عبارت دیگر: انسان به هر دلیلی، زمانی که مخاطب شایسته‌ی نداشته باشد، سکوت اختیار می‌کند ولی در عین حال با خودش صحبت می‌کند و حرف می‌زند. این دلیل ممکن است یا از درون باشد، یا از بیرون. ممکن است از خارج باشد و ممکن هم هست از داخل باشد. در هر حالت، انسان خودش مخاطب خودش است و با خودش می‌اندیشد. تفاوت سکوت و سخن نگفتن را می‌توان در ظاهر و باطن نیز دانست.

انسان ظاهراً سخن نمی‌گوید، اما در باطن و درون خود در حال سخن گفتن است. سخن گفتنی که هیچ امر بیرونی نمی‌تواند از فعالیتش بازدارد.

آیا گفتگوی انسان با خودش را می‌توان بالاترین علم دانست؟

بعضی از اقسام سکوت چنین است. اگر سکوت مانع خارجی داشته باشد، نمی‌تواند بالاترین باشد، ولی اگر کسی به مرحله‌ای برسد که مخاطب شایسته‌ای برای خودش نبیند، حد او بسیار بالاست. کسی که از سر نداشتن مخاطب شایسته سکوت می‌کند، سکوت او سکوتی بزرگ و پر بهاست و جایگاه او طبیعتاً بالاست.

آیا سکوت به ما می‌رسد یا ما باید به طرف سکوت حرکت کنیم و به سکوت برسیم؟

سکوت چیزی نیست که از بیرون بیاید، چنانچه سخن نیز از بیرون نمی‌آید. هم سکوت و هم سخن، هر دو از شئون نفس است. این، دو حالت و دو شئون از شئون آدمی است.





است. آیا ویتگنشتاین می‌توانست اهل راز و رمز باشد؟ این سخن با توجه به عبارت متعددی که وی درباره موضوعات کاملاً غیررزمی نوشته است، صحیح به نظر نمی‌رسد. ویتگنشتاین در عباراتی قبل تر از جمله فوق‌الذکر، بیان می‌دارد که بعضی امور «نمی‌توانند به واژه درآیند، آن‌ها خود را آشکار می‌سازند. آن‌ها امور رازآلود هستند.»

وی سپس ما را ترغیب می‌کند که «جز آنچه که می‌تواند گفته شود، چیزی نگوییم؛ یعنی گزاره‌هایی درباره علوم طبیعی، امری که هیچ سروکاری با فلسفه ندارد» و بیان می‌دارد که ما می‌توانیم رویکرد شخصی را که تلاش می‌کند به شیوه‌ای متافیزیکی سخن بگوید، با این دلیل که «وی در دادن معنا به نشانه‌های معنی که در گزاره‌هایش وجود دارد، ناکام مانده است» اصلاح کنیم. چنین شخصی ممکن است از کار ما ناراضی باشد و احساس کند که ما «در کار تعلیم فلسفه به وی موفق نبوده‌ایم؛ اما این شیوه تنها راه درست و دقیق است.»

به نظر من معنای عبارت پایانی تراکتاتوس را باید با جدیت تمام مدنظر قرار داد. اگرچه کار فلسفی مستلزم تحلیل واژگان است، اما انجام غایی این وظیفه، تجربه‌ای است که در حالتی رازورزانه، واژگان متوقف می‌مانند و نوعی آگاهی از سکوت عاری از کلمه به جای آن می‌نشیند.

ویتگنشتاین درست قبل از جمله مشهور و پایانی تراکتاتوس بیان می‌دارد: «او باید از این گزاره‌ها فراتر رود؛ یعنی گزاره‌های فلسفه ویتگنشتاین، گزاره‌هایی که قصد آن‌ها به نحوی پارادوکسیکال، ایجاد نوعی آگاهی از ناتوانی فلاسفه در حصول هرگونه معرفت از امور متافیزیکی بود، هنوز شآن و منزلتی جز «متافیزیکی» ندارد! بنابراین او عالم را به درستی درخواهد یافت». در این جا ویتگنشتاین بیان می‌دارد که نتیجه مورد نظر از این گونه جدید متافیزیک (درمقایسه با متافیزیک کلاسیک) حصول معرفت نیست، بلکه ایجاد نوعی معین از تجربه است. این تجربه، و نه خود واژگان، مقوم غایت قصوای فلسفه ورزی است.

بسیاری از فلاسفه قبل از ویتگنشتاین، برای سکوت نقشی بیشتر از صرف فاصله‌ای که ما باید بین واژگان قرار دهیم تا گفتارمان مفهوم شود، قائل بودند. به عنوان مثال، کانت تقریباً در انتهای کتاب «درباره ساختار عالم» می‌گوید: «در سکوت جهان شمول طبیعت و در سکون احساسات و مفاهیم، قوه پنهان معرفت در روح جاودان، با زبانی وصف ناشدنی سخن می‌گوید و به ما مفاهیم دست ناخورده‌ای را عرضه می‌دارد که اگرچه حس می‌شوند، اما به خود رخصت وصف شدن نمی‌دهند.»

کانت این عبارت را در سال ۱۷۷۵م نگاشت؛ زمانی که ۳۱ سال داشت و هنوز هیچ یک از آثارش که وی را بدل به فیلسوفی مشهور ساخت، ننوشته بود. کانت در بسط فلسفه نقادی خود نسبت به مفاهیمی همچون «قوه پنهان معرفت» بدگمان می‌شود؛ زیرا وی دریافت که «نومن» به واسطه ضرورت معرفت شناختی، امری ناشناختنی است. کانت در نقد اول آشکاری می‌سازد که وی به دنبال انکار واقعیت این قلمرو وصف ناشدنی نیست؛ بلکه وی (همانند

نسبت میان سکوت، تأمل و بینش آواز رازآلود هستی

استفان پالم کوئیست
ترجمه سید سروش هاشم‌زاده

اشاره تأمل برانگیز ویتگنشتاین در انتهای رساله تراکتاتوس مبین آن است که اگرچه تحلیل واژگان، درست‌ترین شیوه فلسفه ورزی است، اما غایت آن می‌تواند تجربه سکوت باشد. در حالی که ویتگنشتاین هرگز منظور خود را از این سخن شرح نمی‌دهد، کانت سرخ‌های عدیده‌ای را برای فهم موارد مشابه به شیوه مفکی و نظام‌مندتر به دست می‌دهد. تمایز میان معنای «سکوت»، «همهمه» و «صدا»، طریقه‌ای مثمر‌تر برای فهم تلاش فلاسفه برای تحلیل واژگان - حتی اگر پژوهش‌های ایشان در نهایت انجامی جز سکوت نداشته باشد - به دست می‌دهد. ■

«شخص درباره چیزی که از آن هیچ نمی‌داند، بیشتر می‌تواند سخن بگوید تا از امری که چیزی از آن می‌داند.» (درس گفتارهای کانت درباره روانشناسی ص ۷۸)

فلسفه، تلاشی است برای فهم واژگان و طریقه معنادار شدن آن‌ها. بنابراین، بسیاری از بهترین تأملات و نوشته‌های فلسفی، به ویژه در قرن بیستم، با تحلیل زبان و با استکمال صنعت و وضوح و سازگاری منطقی، سروکار داشته است. با این وجود، یکی از تأثیرگذارترین فلاسفه زبانی در قرن بیستم، یعنی لودویگ ویتگنشتاین، کتاب نخست خود را با عبارت رمزگونه: «آنچه را که ما نمی‌توانیم درباره اش سخن بگوییم، باید با سکوت از آن چشم‌پوشی کنیم»، به پایان می‌رساند.

این تک جمله رازآلود و وسوسه‌انگیز مندرج در بخش پایانی کتاب که به منظور تبیین دقیق و منطقی قدرت واژگان در انتقال معانی نگاشته شده بود، به طرق گوناگونی تفسیر شده



لحظه‌ای که نسبت میان سکوت و تأمل و بینش، بر ما آشکار شود، می‌توانیم تصدیق کنیم که چگونه ممکن است مبتدیان در فلسفه در بعضی مواقع، غایت پژوهش فلسفی را تا عمیق‌ترین سطحش تجربه کنند و اساتید حرفه‌ای فلسفه در تجربه سکوت مایوس و سرخورده شوند. تبیین این پدیده چنین خواهد بود که بینش و تفکر بیشتر بر استعداد شخص در تجربه سکوت بستگی دارد تا بر نبوغ منطقی وی

مواردی این چنین نشان می‌دهد آن نوعی از سکوت که به مثابه غایت پژوهش فلسفی مدنظر است، تجربه‌ای درونی است و نه حالتی از امواج صوتی که وارد گوش شخص می‌شود و به لحاظ علمی قابل اندازه‌گیری است. به خصوص فلسفه‌ورزی چگونه می‌تواند در این مسیر ما را پیش ببرد به جای آن که ما را به سوی همه‌همه‌های توان فرسای پرسش‌های بی‌پاسخش رهنمون شود؟

این پرسش‌ها پیچیده‌تر از آن هستند که در این نوشتار پاسخی بیابند و منظور این مقاله نه پایان بردن این تحقیق که فهم چستی موضوع مورد بحث است. البته حتی بعد از آن که ما به این فهم رسیدیم که فلسفه‌ورزی ما معطوف به آگاهی از سکوت است، باید واژگان رادراستای خود فلسفه به کار ببریم. لحاظ سکوت به مثابه امری غایی متضمن این معناست که در فلسفه، واژگان به واقعیتی اشاره می‌کنند که از آن اساساً و ذاتاً نمی‌توان سخن گفت، و تنها هنگامی که با مواجهه‌ای توأم با سکوت آن را تجربه کنیم از ژرفای آن می‌توانیم معرفتی کسب کنیم. چنین تجاربی از خصوصیات مهم و یگانه هر فلسفه «خوبی» است؛ و این از آن روست که تأملات متعارف ما ممکن است نادرست باشند. ما باید تفکرات و بینش‌های خود را در معرض چاقوی جراحی نقد قرار دهیم، تا از این طریق دلایل و براهینی که برای دفاع و حمایت از آن‌ها به کار می‌بریم قبل از آن که برای داوری به دیگران عرضه شود، به دقت محک بخورند.

امروزه بسیاری از فلسفه‌ها به این نوع نقادی تحلیلی که در آن تجربه سکوت بر کل جریان تفکر تأثیر بگذارد و به آن غنا بخشد، توجهی ندارند. لحظه‌ای که نسبت میان سکوت و تأمل و بینش، بر ما آشکار شود، می‌توانیم تصدیق کنیم که چگونه ممکن است مبتدیان در فلسفه در بعضی مواقع، غایت پژوهش فلسفی را تا عمیق‌ترین سطحش تجربه کنند و اساتید حرفه‌ای فلسفه در تجربه سکوت مایوس و سرخورده شوند. تبیین این پدیده چنین خواهد بود که بینش و تفکر بیشتر بر استعداد شخص در تجربه سکوت بستگی دارد تا بر نبوغ منطقی وی.

این تلقی از فلسفه (یا تأمل فلسفی) به مثابه آگاهی بی‌کلام از «طریقه بودن اشیا» در بسیاری از سنت‌های فلسفی غیر غربی امری شایع است. به عنوان مثال در فلسفه هندی، هنگامی که ما آموختیم «معنای عالم غیبی را آن گونه که هست به طور محض تصدیق کنیم» دیگر «واژه و کلام امری زائد خواهد بود.»

چنین باورهایی، این ظن را در ذهن بسیاری از فلاسفه غربی برانگیخته است که این دعاوی همان دین است در جامه‌ای مبدل؛ اما اگر چنین باشد چگونه مشابَهت دیدگاه ویتگنشتاین (و حتی کانت) با طریقت فوق‌الذکر قابل توجیه است؟ جمله‌ای از کانت که در آغاز این مقاله بدان اشاره شد، معنای مشابهی را عرضه می‌دارد. در یک سطح، این جمله راجع است به امری که مردمان اغلب تمایل دارند درباره موضوعاتی صحبت کنند که کمتر نسبت به آن آگاهی دارند. این خصوصیت به یک پدیده روانشناختی صرف برای «جبران» دلالت می‌کند.

به عبارت دیگر ما غفلت خود را با تلاش برای آشکار ساختن امر شناختی پنهان می‌کنیم. اما در سطحی عمیق این جمله می‌تواند بدین معنا باشد که اگر ما قادر به داشتن دانشی مطلق بودیم، یا اگر دانشی اصیل از «واقعیت غایی» داشتیم، آن‌گاه بنا بر تعریف درمی‌یافتیم که چنین دانشی می‌تواند وجود داشته باشد، اما به نحوی پارادوکسیکال هیچ واژه یا مجموعه‌ای از واژگان نمی‌تواند آن را برای شخص دیگر بازگو کند. □

ویتگنشتاین) می‌خواهد متافیزیک را در جایگاه مناسب قرار دهد؛ با آشکار کردن این که هر تلاش یا ادعایی مبنی بر حصول معرفت از این قلمرو، حاصلی جز ابهام نداشت و تصویری باطل است. وی در جدل استعلایی بیان می‌دارد که تمایل ما برای تحقیق و پژوهش چنین دانشی، از طرفی ناگزیر است و از سوی دیگر حاصلی در پی نخواهد داشت.

اما این سخن چه نسبتی با سکوت یا با غایت پژوهش فلسفی دارد. در این جا به نظر می‌رسد که کانت هشدار می‌دهد که این نیاز در تحقیق فلسفی آن نتیجه‌ای را که مدعی‌اش بود، در پی ندارد. اگر ما بروفق کانت و ویتگنشتاین دوره اول بیندیشیم، متافیزیک، نمایی از واقعیت را به ما نشان می‌دهد که هر چند دیده می‌شود اما به فهم در نمی‌آید؛ بدین معنا که بتوان آن واقعیت را به گزاره‌های علمی فروکاست.

اگر کانت و ویتگنشتاین محق باشند و سکوت فی الواقع غایت پژوهش فلسفی باشد، آن‌گاه این سؤال برای ما پیش می‌آید که: سکوت چیست؟ و نقش آن دقیقاً در پژوهش فلسفی برای تفهم چیست؟

باید از دادن پاسخ ساده‌انگارانه به چنین پرسشی اجتناب کنیم؛ زیرا هر تلاش برای پاسخ‌گویی به این پرسش -باتوجه به این که پاسخ خود در قالب واژگان بیان می‌شود- تأثیر پارادوکسیکال داشته و راه فراخوانی همین واقعیتی (سکوت) را که ما به دنبال آن هستیم، سد می‌کند. اگر بخواهیم با نگاهی سطحی دروازه «سکوت» تأمل کنیم، ظاهر این واژه به مبنای غیبت و فقدان صداست.

بنابراین به عنوان مثال اگر دانش‌آموزان کلاس با صدایی بلند در هنگام تدریس معلم با هم حرف بزنند، معلم ممکن است بگوید: «لطفاً ساکت!» این عبارت چیزی شبیه این معناست که: «لطفاً این سروصداها را تمام کنید.» اما به نظر می‌رسد که واژه «سکوت» در حالت طبیعی معنایی بیشتر از این را افاده می‌کند؛ چرا که برخی از انواع صدا وجود دارند که سکوت ما را برهم نمی‌زنند؛ برای مثال، انواع خاصی از موسیقی هستند که آن نوع آگاهی ژرف و متأملانه‌ای را که سکوت به دنبال آن است، تعالی می‌بخشند.

بنابراین می‌توان بیان داشت که سکوت فقدان صدا نیست، بلکه خود (به نحوی پارادوکسیکال) نوعی آواست. اما «نویز» در برابر سکوت، می‌تواند به مثابه صدایی که توسط گوش‌های جسمانی ما شنیده شود، نباشد؛ چرا که یک اندیشه متمرد و سرکش نیز می‌تواند کارکردی همچون نویز داشته باشد، در حالی که جیک جیک پرندگان در نزدیکی یک درخت، هر چند که در حال ایجاد صدایی بلند هستند، می‌تواند ترفیع سکوت باشد.

اما اگر موسیقی توجه ما را از صفحه نمایشی که در آن حادثه‌ای در حال اتفاق افتادن است، منحرف سازد، در این جاست که کارکردی بیشتر شبیه به نویز پیدا می‌کند. موسیقی می‌تواند به طریقی مشابه موجب افزودن و تعمیق گفتگوی میان دوستان شود؛ اما اگر همان موسیقی در حالی که یکی از آن‌ها مشغول کوک کردن گیتارش است پخش شود، احتمالاً کارکردی همچون نویز خواهد داشت.

محیط ساکت ناممکن است

تجربه فرار از صدا در اتاق «بی پژواک»

آلکسی زگورانی
ترجمه عطیه کشتکاران

ساکت‌ترین مکان‌های روی زمین باشد. با این حال کیج مدعی بود که هنوز دو صدای متمایز در گوشش طنین‌انداز می‌شد: صدایی بلند ناشی از سیستم عصبی و صوتی آهسته که از گردش خون او به گوش می‌رسید.

مطالعه روایت کیج از اتاقک بی‌پژواک از همان دوران نوجوانی چشمم را گرفته بود. نه فقط من، که بسیاری افراد دیگر هم در پی تکرار تجربه بدیل او بوده‌اند. برخی مدعی کیج را از آنچه می‌توانست بشنود به دیده تردید نگریسته‌اند، حال آن‌که عده‌ای اظهار داشتند مواجهه با سکوت محض آن‌ها را به جنون - حتی به مرز توهم - کشانده است.

تصمیم گرفتم خودم به این قضیه پی ببرم. لذا بازدیدی از اتاقک بی‌پژواک، واقع در آزمایشگاه «ارتعاش و صوت شناسی کوپریونیون» برترین دانشگاه علوم و فنون نیویورک، ترتیب دادم. تنها همین یک نمونه از اتاقک بی‌پژواک در این شهر وجود دارد.

دکتر مارتین لاس، پژوهشگر پاسخ‌های احساسی مغز به آکوستیک سالن‌های کنسرت، آن‌جا را با مهربانی به من و دوستم نشان داد. هرچند در مقایسه با [اتاقک] سابق هاروارد - که در حال حاضر تخریب شده - بسیار کوچک‌تر است، اما اتاقک بی‌پژواک در کوپریونیون نیز به دلیل تأثیرات فایبرگلاس با این ورقه‌ها پوشانده شده است.

اطراف شما و زیر شبکه فلزی‌ای که روی آن ایستاده‌اید، این ورقه‌ها به صورت مجزا قرار داده شده‌اند تا مانع از بازگشت امواج صوتی به منابع خود شوند. افزون بر آن، نه تنها اتاقک به طور کامل در مقابل صداهای خارجی عایق شده، بلکه دیوارهای ضخیمی دارد که در فضای خلأ معلق‌اند، به نحوی که افرادی که داخل اتاقک باشند حتی امکان شنیدن زنگ هشدار آتش را نخواهند داشت.

با بیست‌هزار ورقه فایبرگلاس می‌شود اتاقی ساخت که ساکت‌ترین نقطه جهان باشد، جایی که هیچ صدایی در آن منعکس نشود. تجربه این اتاق همه را وسوسه می‌کند، اما جان کیج که صبح و شبش را با صدای سازهای موسیقی می‌گذراند، طور دیگری نگاه می‌کند: «امکان ندارد در جایی سکوت را پیدا کنید. حتی در ساکت‌ترین اتاق هم صدای جریان خون و سیستم عصبی به گوشتان خواهد خورد.» گرچه حرف کیج بیراه نیست، اما در «اتاق بی‌پژواک» می‌توان صدایی شنید که حتی گوش کیج هم آن را نشنیده است. ■

علی‌رغم آن‌که در حال حاضر بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرهای کوچک و بزرگ زندگی می‌کنند، مردم بیش از پیش در جستجوی سکوت هستند. آلودگی صوتی دائماً در صدراخبار است و به خاطر افرادی که در پی آرامش و سکوت هستند، صنایعی به وجود آمده‌اند که هر چیزی را، از هدفون صداگیر گرفته تا یک کنج ساکت، می‌فروشند.

نویسندگان نیز این فرصت را غنیمت شمرده‌اند. کتاب راهب بودایی تیک نات هن با عنوان «سکوت: قدرت سکون در جهان پرسروصدا» در زمره آثار پرفروش ۲۰۱۶ بوده و اثر پژوهشگر نروژی اریلینگ کاگ با عنوان «در جستجوی سکوت در جهانی از سروصدا» نیز در سال ۲۰۱۷ به‌عنوان یکی از کتب پرفروش شناخته شده است.

به هر حال مطمئن نیستم که جستجوی سکوت فایده زیادی داشته باشد. جنگل با وزوز حشرات به همه می‌افتد، دامنه کوه‌های بایر به ضعیف‌ترین صداهای ضریب می‌دهد و سواحل بیابانی هیچ‌گاه خالی از غریب موج‌های اقیانوس نیستند. شاید اصلاً سکوتی وجود نداشته باشد.

جان کیج، آهنگساز تجربی، بارها درباره این موضوع سخن گفته است. کیج مدعی بود که در زمان بازدیدش از اتاقک بی‌پژواک دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۵۱ به این واقعیت پی برده است. این اتاقک به فرمان نیروی هوایی ارتش آمریکا در خلال جنگ جهانی دوم ساخته شده بود و دراصل، هدف از طراحی آن این بود که خستگی خلبان‌های بمب‌افکن، که ناشی از سروصدای زیاد موتورهای پیستونی این هواپیماها بود، برطرف شود.

اتاقک هاروارد قرار بود با جدار ضخیمی از بتن در سمت خارجی، در برابر اصوات بیرون عایق شود، به کمک بیست‌هزار ورقه فایبرگلاس برای فروکاستن از پژواک درون اتاقک، یکی از



.....

صدا، تجربه‌ای
مشارکتی است
که پیدایش آن
به یک میزان،
هم توسط
محیطی صورت
می‌گیرد که در آن
زندگی می‌کنیم
و هم توسط هر
رخدادی که در
درجه اول آن را
تولید می‌کند

اما، به جای صداهایی که معمولاً انتظار شنیدنش را دارد، صداهای دوبله شده جدیدی را بشنود. نتیجه آن مانند داستان‌های تصنعی حملات و توهمات هراسناکی که درباره‌شان خواننده بودم به آن صورت ترسناک نبود، اما عجیب و قطعاً غریب بود.

فرصتم در اتاق بی‌پژواک یادآوری مؤثر بود تا دریا به بیشتر اصواتی که می‌شنویم به‌طور غیرمستقیم به ما رسیده و به وسیله اشیا و انسان‌های پیرامون به گوش ما بازتاب داده می‌شود.

صدا، تجربه‌ای مشارکتی است که پیدایش آن به یک میزان، هم توسط محیطی صورت می‌گیرد که در آن زندگی می‌کنیم و هم توسط هر رخدادی که در درجه اول آن را تولید می‌کند. اتاقک بی‌پژواک به ما نشان می‌دهد که زندگی در جهانی خالی از انعکاس چگونه خواهد بود: جهانی غریب که صداها بی‌هیچ بازگشتی زایل می‌شوند.

دقایقی پس از خروج از اتاق، خودم را در میدان کوپرو در منهن جنوبی یافتیم. دوباره در صدای شهر غرق شدم؛ اما دیگر مانند گذشته ملتفت آن‌ها نبودم. با شنیدن غرش یک کامیون به سمت پایین خیابان، به طنینی گوش سپردم که به وسیله ساختمان‌های هر دو سمت جاده به سمت من بازمی‌گشت.

در خیابانی فرعی صحنه دل‌پذیرتری چشمم را گرفت؛ به جیک جیک آرام پرندگانی پی‌بردم که به وسیله سطوح سخت سنگ‌فرش و نمای سنگ‌خانه‌ها منعکس می‌شد. کیچ حق داشت بگوید که جستجوی سکوت غیرممکن است. اما اتاقک بی‌پژواک به ما می‌آموزد چگونه از بازتاب‌هایی لذت ببریم که بی‌وقفه به ادراک ما از مناظر شهری شکل تازه‌ای می‌بخشند. □

ما نتوانستیم از آزمون عایق صوتی چشم‌پوشیم. هر کدام به نوبت بیرون اتاق ایستادیم و فریادهای گوش‌خراشی سر دادیم، اما هیچ چیز قابل شنیدن نبود. تا در اتاق مستقر شدیم، طولی نکشید که تجربه من مدعای کیچ را تأیید کرد که در واقع سکوت خصلت آشکار اتاق نبود. بی‌درنگ من هم مانند او متوجه اصواتی شدم که به صورت معمول نمی‌توانستم دریا به، وزوزی در گوش‌هایم و صدای تنفس دوستم.

کیچ از کشف محال بودن سکوت، به عنوان مبنایی برای کل زیبایی‌شناسی موسیقایی بهره برد. در احتمالاً معروف‌ترین قطعه هنری اش، نوازندگان به مدت چهار دقیقه و ۳۳ ثانیه در سکوت محض به سر می‌برند. با وجود طعن و تمسخر منتقدان محتاط موسیقی، این چهار دقیقه و ۳۳ ثانیه تعلیقی هوشمندانه بر عرف کمابیش نوظهور استماع موسیقی «هنری» در سکوت احترام آمیز است. این قطعه با تشویق مخاطبان به تمرکز بر سکوت، به جای موسیقی‌ای که انتظارش را دارید، شما را قادر می‌سازد، حتی با وجود سروصدای بیرون سالن کنسرت یا سرفه‌های فرد کناری تان، سمفونی تازه‌ای از اصوات زیبا بیابد.

اما به گمان من کیچ از مهم‌ترین نکته درباره اتاق بی‌پژواک غفلت کرده بود. او، بیشتر از تمرکز بر آنچه آن‌جا وجود داشت، بر چیزی که نتوانست پیدا کند - یعنی سکوت - دقت نظر داشت: وقتی پژواکی وجود نداشته باشد، صداها دستخوش تغییر قابل توجهی می‌شوند. جرینگ جرینگ آشنای ساییده شدن فلز بر روی فلز به صورت تاپ تاپ خفه‌ای منتشر شد، تقریباً مثل صدای گرفته چوبی که بر قطعه‌ای نم‌ضربه می‌زند. صدای کف‌زدن هم به همان اندازه بی‌رمق بود.

این تجربه مثل این بود که آدم یاد فیلمی سورئال بیفتد،



خاموشی؛ جلای دل

■ عبدالرزاق گیلانی

و نیز در صمت عفت است از ارتکاب مناهی؛ و نیز در صمت مرؤت است چرا که معنی مرؤت، عمل کردن است به آنچه لایق و سزاوار باشد، و لایق به زبان چنان که مذکور شد، تنطق (سخن گفتن) به ضروریات است؛ خواه ضروری دنیا و خواه عقبی. و نیز کم گویی مورث حُسن خلق است؛ چه بسیار گفتن و بسیار شنیدن، خُلق را تنگ می‌کند.

■ نجات یا هلاک؟

به درستی که نیست هلاکت خلائق و نجات ایشان مگر در حرف زدن و خاموش بودن، یعنی هلاکت در حرف زدن و نجات در خاموشی. خوشحال کسی که راه برده است و تمیز کرده است میان کلام معیوب و کلام درست؛ دانسته است که کلام معیوب کلامی است که مشتمل باشد بر غیبت مسلمانان یا هجو، لغو، دروغ و مثل این‌ها و کلام درست، کلامی است که گفتنش ضروری باشد و ضرر دینی براو مترتب نشود و خوشحال کسی که راه برده است بر فواید صمت و خاموشی که هر که راه بر او برد، البته اختیار صمت می‌کند و از ردیله پرگویی نجات می‌یابد. چرا که صمت از اخلاق پیغمبران است و شعار اصفا و برگزیدگان است. هر که دانست قدر کلام را و راه به نقایص او برد، البته اختیار می‌کند صمت را و لب به تکلم نمی‌گشاید مگر به ضرورت. هر که دانست قدر کلام را که چه جوهر لطیفی است، او را به هزّه خرج نمی‌کند و بی ضرورت از مخزن دهن بیرون نمی‌کند.

■ عبادت

صمت، عبادتی است که مطلع نیست براو مگر حضرت باری عزّاسمه، به خلاف سایر عبادات از نماز و روزه و حج و غیر این‌ها از فرائض و سنن که چون بودن این‌ها عبادت، امری است مشهور و معروف به خلاف صمت که صامت را کسی نمی‌گوید که عبادت می‌کند با وجود آن که آن از اهمّ عبادت‌هاست و غیر حق باری به او اطلاع ندارد، پس مرتبه او کامل‌تر از عبادت‌های دیگر است. ■

حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید: صمت و خاموشی طریقه اهل تحقیق است و شعمار (لباس و پوشش) کسانی است که به چشم بصیرت در احوال گذشته‌ها نظر کنند و تغییرات و تبدیلات که بر انبیای سابقین، لاحقین، ملوک جبارین، اشقیاء و سعدای ماضین واقع شده، تفکر نمایند. چه معلوم است که نظر این چنین موجب حیرت است و حیرت موجب صمت و سکوت، و نیست سبب سکوت مگر این و بس. و از اسباب و علل صمت زاید بر این از طاقت بشری بیرون است. ■

■ کلید آسایشی

صمت و خاموشی، کلید راحت است؛ هم راحت دنیا و هم راحت آخرت و نیز کم‌گویی موجب حفظ و حراست از خطاها و لغزیدنی‌هاست؛ چرا که اکثر گناه و خطا از زبان ناشی می‌شود؛ هرگاه او محبوس شد، البته از اکثر گناهان محفوظ است. به تحقیق که گردانیده است خداوند عالم، خاموشی و کم‌گویی را بسترو حجاب از برای جاهل و زینت از برای عالم؛ چرا که چون جاهل علم و معرفت ندارد، هرگاه ملازم صمت شد حالش نزد مردم پوشیده است و رسوا نمی‌شود و عالم چون هر چه می‌گوید، از دانش می‌گوید و در گفتگو خجالت نمی‌کشد و مع هذا ملازم صمت و خاموشی است، پس خاموشی زینت است از برای او.

■ دوری از خواهش

خاموشی و کم‌گویی باعث دوری است از خواهش‌های نفسانی؛ چرا که نفس آدمی بالذات میل دارد به شنیدن لغو، و اختیار صمت با وجود میل به نقیض موجب بازداشتن نفس است از خواهش‌های او، و حبس نفس از خواهش‌ها با وجود میل، ریاضت است و نیز از جمله فواید خاموشی ادراک کردن لذت عبادت است و زایل شدن قساوت دل؛ چرا که نفس آدمی به مثابه آینه است، چنان که آینه با تماس نفّس، چرکین و تیره می‌شود، با وجود کثافت جرم آینه محسوس، آینه باطن که نفس است، با وجود تجرّد و صفای فطری چرا چرکین و کثیف نشود از بسیار گفتن؟! و این وقتی است که گفتن مشتمل بر مناهی نباشد که اگر باشد، با وجود قساوت، موجب عذاب و عقاب نیز خواهد بود.



مطالب این بخش از مجله با نگاهی به مسأله توحید انتخاب شده‌اند. مطلب نخست به توحید در نهج البلاغه اختصاص دارد و برگرفته از نوشتار علامه محمد تقی جعفری است. زندگی و نگاه موحدانه به هستی در دومین مطلب به بحث و بررسی گذاشته شده است. مطلب سوم نیز با بازخوانی داستان هدهد، بلقیس و حضرت سلیمان نبی در قرآن کریم به توحید نهفته در دل این ماجرا اشاره دارد. مراتب توحید و اقسام آن به قلم آیت‌الله جعفر سبحانی، تفسیر کوتاه سوره توحید در بیان امام موسی صدر و نکته‌ای از زندگی موحدانه عالم برجسته آخوند خراسانی مطالب دیگر این بخش از «مهر و ماه» هستند.

در پرتو معنا



که یکی هست و هیچ نیست جز او

پادشاه ملک جان

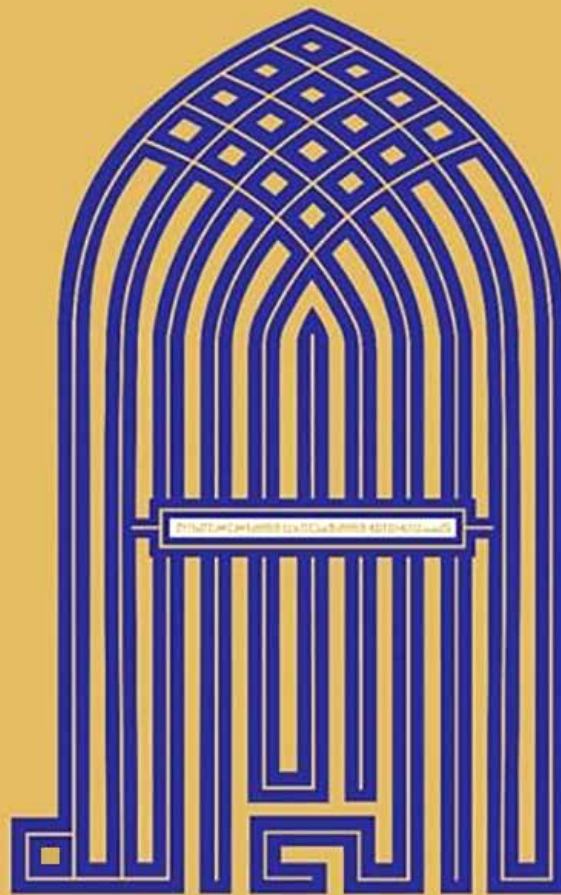
میان دست‌های خدا

همه کائنات، علامات آشکار و خدایوندی هستند. برای توضیح و تفسیر این جمله، مقدمه‌ای را متذکر می‌شویم: خداوند سبحان این قدرت را به انسان عطا فرموده است که هم می‌تواند جهان هستی را با ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار بدهد، مانند بعد ریاضی، بعد زیبایی، بعد طبیعی، و هم می‌تواند خود را بر کنار از موجودات جهان هستی تلقی نموده و اشراف به آن داشته باشد. جهان بینی از ابعاد گوناگون را در مباحث مربوط به خطبه‌های گذشته، مخصوصاً در مسائل شناخت مطرح نموده و دیدیم که نگرش يك بعدی به جهان هستی، چیزی جز معرفت ابتدایی و محدود نتیجه نمی‌دهد، لذا تردید نمی‌توان کرد در این که برای به دست آوردن يك معرفت قابل توجه در جهان بینی، هیچ يك از دانش‌های محدود به تنهایی، بلکه حتی به ضمیمه چند دانش محدود دیگر نیز کافی نبوده و ورود به جهان بینی با در دست داشتن دانش یا دانش‌های محدود، جز روشنائی‌های ناقص و گاهی هم غرور انگیز و فریبنده نتیجه‌ای نخواهد داد. همین غرور و فریبندگی دانش‌های محدود بوده است که در دو قرن اخیر موجب بی‌اعتنایی ارباب دانش به چهره‌های دیگری از جهان هستی شده و این حقیقت را به کلی فراموش کردند که انسان‌ها هر اندازه هم از اقتدار فکری برخوردار باشند، دانش‌های آنان از ناحیه سه عامل محدود می‌شود:

عامل یکم: هدف‌هایی که برای شناخت انتخاب می‌کنند، بدیهی است که هدف‌گیری خاص، حواس و ذهن و دیگر ابزار شناخت را به سوی خود جلب می‌کند و نمی‌گذارد تعقیب کننده هدف به آنچه که در خارج از حیطه مسیر هدف می‌گذرد توجه کند.

عامل دوم: مختصات حسی و ذهنی و ابزاری است که به وسیله آن‌ها برای تحصیل واقعیات به راه می‌افتیم، و معلوم است که این مختصات نوعی موضع‌گیری خاص برای انسان به وجود می‌آورد که موجب بازیگری او در صحنه واقعیاتی می‌گردد که می‌خواهد شناخت آن‌ها را به دست بیاورد. این همان عامل شیء برای ما برابرشیء برای خود است که معرفت ما را محصولی از بازیگری و تماشاگری می‌کند. این مسئله در مباحث شناخت مورد بررسی قرار گرفته است.

عامل سوم: وجود مجهولات فراوان در ارتباط با جهان هستی، حتی اگرچه ما بیش از يك مجهول نداشته باشیم، بدان جهت که همه اجزا و نمودها و روابط جاریه میان آن‌ها در جهان هستی بایکدیگر مرتبط هستند، کافی است که ما از ادعای علم به همه اجزا و ابعاد جهان خودداری کنیم. برای توضیح محدودیت علم ناشی از محدودیت هدف‌گیری يك مثال ساده را مورد توجه قرار می‌دهیم. تصور کنید که يك عده خارکن برای کندن و جمع کردن خار به طرف يك کوه می‌روند، ولی در آن کوه خاری وجود ندارد، اینان بدون این که به هدف خود برسند، برمی‌گردند، در مسیر خود عده‌ای را می‌بینند که به طرف همان کوه که اینان از آن برمی‌گردند، می‌روند، این عده دوم که برای پیدا کردن آب به کوه می‌روند از آنان که در حال برگشتن‌اند، می‌پرسند



توحید در نهج البلاغه

که یکی هست و هیچ نیست جز او

علامه محمدتقی جعفری

در فرازی از خطبه ۴۹ نهج البلاغه، امیرالمومنین علی (ع) می‌فرمایند: «و دلت علیه اعلام الظهور؛ و همه نشان‌ها و آثار آشکار به وجود او دلالت می‌کند.» مطلب زیر برگرفته از تفسیر علامه محمدتقی

جعفری در خصوص این فراز از نهج البلاغه است. ■



.....

وجود مجهولات فراوان در ارتباط با جهان هستی حتی اگرچه ما بیش از يك مجهول نداشته باشیم بدان جهت که همه اجزا و نمودها و روابط جاریه میان آن‌ها در جهان هستی با یکدیگر مرتبط هستند، کافی است که ما از ادعای علم به همه اجزا و ابعاد جهان خودداری کنیم



البته این شعر میرفندرسکی خود قانون وابستگی ما بالغیر را به ما بالذات بیان می‌کند، نه این که خداوند از مقوله جوهر است و ما آن را بر خدا قابل تطبیق می‌دانیم. به هر حال احساس وابستگی جهان به يك موجود برین با آن شرطی که متذکر شدیم، يك احساس اصیل و بدیهی است. از آن‌دوره ژید عبارت بسیار زیبا و عالی نقل شده است که می‌گوید: بی‌ایمانی به خدا کار آسانی نیست، برای داشتن چنین حالتی بایستی به طبیعت ننگریم یعنی يك نگرش صاف و ناب بر طبیعت همان، و احساس ارتباط آن با خالق توانا همان. البته این احساس غیر از معرفت خالق به وسیله دلایلی است که از معلول پی به علت بردن است. خلاصه ما دوشادوش ارتباطات علمی با جهان، يك ارتباط مشرفانه را که توضیح دادیم، داریم و شك و تردید یا انکار این گونه احساس ناب با اصطلاح بافی‌های حرفه‌ای، چشم بر هم گذاشتن عمدی است که رویدادهایی که موجب احساس تعهد و تکلیف در زندگی است، دیده نشوند. □

که آیا در کوه چیزی بود یا نه؟ اگر آن عده اول که برای پیدا کردن خار رفته بودند و اکنون با دست خالی برمی‌گردند، پاسخ بدهند که نه خیر، چیزی نبود، آیا منطقی است که این عده دوم به پاسخ منفی آنان قناعت ورزیده و از رفتن به کوه منصرف شوند و برگردند؟! یا باید بپرسند که شما به آن کوه برای به دست آوردن چه هدفی رفته بودید، با پاسخی که از آنان خواهند شنید (برای پیدا کردن خار رفته بودیم) اینان که برای پیدا کردن آب رهسپار کوه شده‌اند، راه خود را به طرف کوه ادامه خواهند داد، تا ببینند آیا به هدفشان که پیدا کردن آب است می‌رسند یا نه.

فرض کنیم این جویندگان آب هم پس از جستجوی آب، با دست خالی برمی‌گردند، زیرا آبی در کوه وجود نداشته است، با گروه دیگری مواجه می‌شوند که برای پیدا کردن معدن با ارزش به طرف کوه در حرکتند، اگر از هر يك از آن دو گروه که به کوه رفته و به هدف خود نرسیده‌اند، بپرسند که آیا در کوه چیزی بود یا نه؟ و آنان در پاسخ گروه معدن شناس بگویند: نخیر، چیزی در کوه نبود، و معدن شناسان بدون این که بپرسند مقصود از چیز چیست، به پاسخ منفی آنان قناعت کنند و برگردند، بدون تردید از عقل و خرد محرومند. بدین ترتیب ممکن است صدها گروه به طرف کوه برای تحقیق درباره هدفشان رهسپار شوند و هیچ يك از آن گروه‌ها به هدف خود در آن کوه نرسند، با این حال، چون فرض این است که هدف‌های آن گروه‌ها با یکدیگر مختلفند، لذا چنان که پاسخ منفی هر يك از آنان به دیگری نمی‌توانست عامل انصراف از رفتن به کوه برای هدف خود بوده باشد، همچنان گروه دیگری که غیر از آن صدها گروه به طرف کوه راه افتاده و هدف خاصی غیر از هدف‌های متنوع آن گروه‌ها دارد، نمی‌تواند با شنیدن پاسخ منفی آن صدها گروه درباره هدف خود به نتیجه منفی برسد، بلکه حتی پاسخ‌های منفی آنان در صورتی که هدف خاص این گروه به هیچ وجه ارتباطی با هدف‌های آنان نداشته باشد، نمی‌تواند آنان را درباره هدف و کوشش برای وصول به آن، به شك و تردید بیندازند.

پس از این مقدمه، می‌گوییم:

اگر انسان این اعتدال فطری خود را محفوظ داشته باشد که معلومات به دست آورده محدود خود را که نمودها و صورت‌هایی از واقعیات است، به شکل عینکی در نیابد که به روح خود نصب نموده، با موضع‌گیری خاصی که آن معلومات و حواس و ذهن و ابزار درونی به وجود آورده‌اند، ننگرد، یعنی استقلال و اشراف روح را به طور صاف و ناب نگه داشته باشد و با آن فطرت پاک و معتدل و بدون فرورفتن در نمودها و آمیزش با آن‌ها در جهان بنگرد، بدون تردید وابستگی جهان را به يك موجود برین به نام خدا احساس خواهد کرد. این گونه نگرش و نظاره ناب بر هستی، وجود آن خداوندی که موجود بالذات است و این جهان وابسته به آن است را واقعاً با پداهت کامل اثبات می‌کند. به قول میرفندرسکی:

هر چه عارض باشد آن را جوهری باید نخست عقل بر این دعوی ما شاهد گویاستی

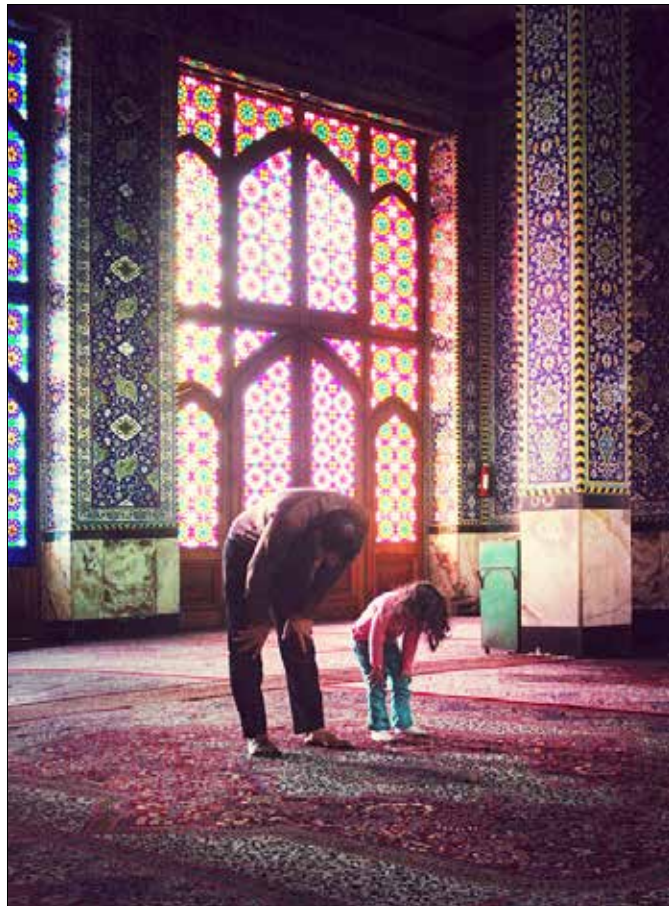
فیلسوفان و حکما هدف از زندگی هرانسانی را رسیدن آن فرد به سعادت می دانند. هرانسانی به دنبال کسب سعادت بوده و هر عمل و شیوه و منشی که در زندگی انجام می دهد و به کار می بندد، برای رسیدن و دست یافتن به سعادت است که او در ذهن برای خود تصور کرده است؛ به عبارتی فلسفی، می توان گفت علت غایی انسان ها در زندگی، دست یافتن به سعادت بوده؛ با توجه به آنچه می اندیشد که سعادت او در آن است؛ آن گاه که هر انسانی طبق آنچه می اندیشد زندگی خود را تنظیم می کند و رسیدن به سعادت خود را پیوسته در گرو اعمال و رفتاری می داند که از او سر می زند. بنابراین مبنای ترین اندیشه های انسان اساسی ترین تفکرات او منشأ کوچک ترین و بزرگ ترین رفتارها و عملکردهای وی است. سعادت و خوشبختی هرانسان در حقیقت کمال آن انسان محسوب می شود. بنابراین کمال و سعادت با هم قرین و ملازم هستند.

□ موقعیت های اجباری و اختیاری

از یک منظر کلی، انسان دارای دو نوع موقعیت است؛ موقعیت هایی که بدون خواست خود و احتمالاً، اجباراً در آن قرار گرفته؛ مثل این که در چه زمانی و چه مکانی به دنیا آمده است. می توان به صورت کلی ترین شرایط را این گونه بیان کرد که بودن در هستی و جهان هستی اختیاری نیست. هیچ انسانی نمی تواند اختیار کند که چیزی به نام جهان هستی وجود داشته یا نداشته باشد. از این رو مهم ترین و تأثیرگذارترین درکی که می توان از هستی به دست آورد، وجود یا عدم مبدئی برای خود و جهان است. البته قطعاً منظور از هستی شناسی و جهان شناسی همیشه به معنای فلسفی و حکمی و دقیق آن نیست، بلکه حتی علوم تجربی نیز می توانند انسان را به وجود آن مبدأ یا چگونگی آن راهنمایی کند.

نوع دوم این موقعیت ها و شرایط را انسان خود می سازد و این ساختن، بستگی به اراده و اختیار و منش او دارد. همان گونه که گفته شد، این ساختن ها از جهان بینی و هستی شناسی او نشأت می گیرد. هر کسی سعادت و خوشبختی خود را بسته به این می داند که شرایط و موقعیت هایی را که بناست خود بسازد، مطابق با شرایط پیش ساخته یا شرایط خود ساخته به شرایط پیش ساخته یا اولیه نزدیک کند. پس، سعادت هر کسی باید مطابق با آن چیزی باشد که خود فکر می کند مبدأ و منشأ او بوده است؛ یعنی آن شرایط خود ساخته باید به شرایط و موقعیت اولیه برسد. به نظر می رسد که این یک امر فطری باشد که هر کسی سعادت خود را در آن ببیند که آینده خود را به گذشته اصیل خود پیوند زند و به نوعی به همتایی و تطابق با گذشته خود دست یابد. در این جا هنوز برای اثبات یا رد عقیده یا آموزه هایی از منظر دین و متافیزیک تلاشی نکرده ایم، فقط می گوییم هرانسانی سعادت خود را در گرو ساختن زندگی ای می داند که نزدیکی و همسویی با گذشته اش را تضمین و تعیین کند.

با توجه به آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که انسان



زندگی و نگاه موحدانه به هستی

خامه توحید کش بر ورق انس و جان

■ محمد امین اسماعیلی

هر انسانی بر اساس نوع نگرش خود به هستی، رفتار و منش خویش را سامان می بخشد. بر این اساس، انسانی که هستی را سراسر تجلی خدایی واحد می بیند، خواه ناخواه در رفتار و کردار خویش رو به قبله وحدت دارد. چنین انسانی کل هستی را در دست قدرت خداوندی می بیند که سعادت تنها در اذعان به یگانگی او میسر می شود. از این جاست که توحید عبادی پدید می آید و آدمی ستایش واحد را در تمام شئون زندگی خویش پاس می دارد. این گونه است که در اسلام بر توحید عبادی تأکید زیادی شده است. مطلبی که از پی می آید، تلاش دارد تا پیامدهای چنین نگره ای را هم به لحاظ هستی شناسی و هم معرفت شناسی به بحث بگذارد. ■

نباشد. پرستش نحوه پیوند عابد با معبود خویش است. همان طور که گفته شد هر انسانی فطرتاً متمایل به بازگشت به اصل و ریشه خویش است و دوست دارد به نوعی به وحدت با پیشینه خویش دست یابد.

□ هويت حقيقي

در دیدگاه اسلامی و توحیدی نیز پرستش را باید نحوه ارتباط و پیوند با خالق و رب دانست. انسان موحد، سعادت را در این می‌داند که طبق روش و منشی زندگی کند که او را به اصل و خالق خود متصل کرده و به وسیله این اتصال هویت حقیقی خود را به دست آورد. دیدگاه توحیدی باید انسان را به وحدت نزدیک کرده و از کثرت‌انگاری و کثرت‌بینی نجات دهد تا با پرستش معبود واحد به وحدت اصیل و حقیقی نزدیک شود. چنین انسانی با چشم توحید به همه جا و همه چیز نظر می‌کند که در این باب فرموده‌اند: «المؤمن ينظر بنور الله» وقتی انسان با پرستش و اظهار عبودیت به خالق و معبود خویش که همه چیز و همه جا را بنا بر اصل توحید الوهی و ربوبی پر کرده است نزدیک شد، او نیز با دیده وحدت عالم و آدم را می‌نگرد و این دیده وحدت‌بین در تمام جان او نهادینه شده و خود را تمام و کمال تحت عبودیت خالق یکتا می‌بیند.

همان طوری که امام‌الموحدين علی(ع) در دعای کمیل هنگام درخواست از خداوند خود می‌فرماید: «آن تجلّل اوقات من الیل و النهار بذكرک معمره و بخدمتک موصوله و اعمالی عنک مقبوله حتی تکون اعمالی و اورادی کلها و رداً واحداً»؛ در این جا امام(ع) از خداوند درخواست دارند که همه لحظات روز و شب خویش را به ذکر خداوند آباد کنند و در خدمت او باشند و تمام اعمال خود را از نماز خواندن گرفته تا خوردن و خوابیدن و جنگیدن و سخن گفتن قبول کنند تا جایی که عمل و سخن شان تماماً سخنی واحد و یکسان باشد.

یعنی سخن و عمل ایشان بیانگر و نشانگر یک معنا و مفهوم باشد و همیشه و لحظه به لحظه در عبودیت خداوند تجربه وحدت‌بینی و واحدانگاری را کسب کنند. دیدگاه و بینش توحیدی اساسی‌ترین و نقش‌آفرین‌ترین مسئله در زندگی انسان موحد است به شرطی که انسان آن را به معنای واقعی تحقق بخشد. توحید برای موحد فقط یک نظریه و یک اعتقاد ذهنی و زبانی نیست. هنگامی که انسان موحد می‌خواهد به معبود خویش نزدیک شود، به توحید و وحدت نزدیک شده و پرستش معبود و عبودیت را فقط در قایقی با ساعاتی خلاصه و محدود نمی‌بیند، بلکه علاوه بر وحدت و توحیدی که در عبادت خود مورد توجه قرار داده همه اجزای زندگی خود را تحت امر واحدی می‌بیند و سعی دارد هر چه بیشتر به آن وحدت مطلق با عبودیت و عبادت نزدیک شود. انسان‌هایی که به توحید عینی نزدیک می‌شوند به درک وحدت خود و خدا و جهان هستی نائل شده‌اند. چنین انسان‌هایی آنچه با عقل خود دریافته‌اند همان است که قلب آنان نیز آن را تصدیق کرده و در واقع به مرحله عشق رسیده‌اند. □



در اعتقادی

سطحی و عامیانه

تلقی انسان‌ها از

توحید، اعتقاد

زبانی و در نهایت

ذهنی، به تک

بودن خداوند

و یکی بودن

او در الوهیت

است. متکلمین

و فلاسفه با

موشکافی‌های

دقیق انحای

مفهومی دیگر

توحید را در اقسام

صفات مخصوص

به واجب

تعالی سریان

داده‌اند و توحید

در خالقیت،

فاعلیت، ربوبیت

و صفات دیگر

الهی را اثبات

کرده‌اند. در همه

این‌ها یکی بودن

و مبدئیت خداوند

متعال را ثابت

کرده و به توحید

عمیق و ژرفی

دست یافته‌اند

ذاتاً و فطرتاً میل به وحدت دارد و این میل را در گره زدن زندگی اکنون خویش با گذشته‌ای که برای آغاز همه چیز قائل است، نشان می‌دهد. در واقع، تفکری که هیچ مبدأ اصیلی برای انسان و هستی قائل نیست به هیچ هدف و نهایت حقیقی و غایی نمی‌تواند ملزم و پایدار باشد. بنابراین، هراندیشه‌ای دارای آغازی است و هر آغازی دارای هستی‌ای، و نمی‌توان گفت اندیشه و تفکر آغازش از عدم مطلق و هیچ بوده است؛ چون در این صورت اصلاً آغازی نداشته و آنچه آغازی نداشته یا به عبارتی آغازش در عدم است را نمی‌توان دارای هستی و ثبات دانست و صد البته که نمی‌توان بدون آغاز، به پایان چیزی رسید، به عبارتی می‌توان گفت هیچ آینده‌ای نیست که گذشته‌اش در نیستی غوطه‌ور باشد. چه این‌که کسی که از مبدأ و منشأ و گذشته حقیقی خویش بی‌اطلاع بوده از آینده خود نیز بی‌اطلاع است و احتمالاً کمال و سعادت حقیقی برای خود متصور نیست.

□ پیوند با مبدأ

اصل توحید و انسان از آن قاعده‌ای که پیش از این گفته شد مستثنا نیست. کسی که به اندیشه تک‌مبدایی برای جهان هستی قائل بوده و طبق مبانی دین اسلام آن (توحید) را پذیرفته و به آن پای بند و ملزم است. شناخت و درک توحید الزام و پای‌بندی عمیق و دقیقی را برای اشخاص به همراه می‌آورد. آن کسی که گذشته خود را مبدئی واحد برای جهان هستی دریافته و او را دارای بهترین صفات و کامل‌ترین خیرات می‌داند، پیوندی ناگسستنی با آن مبدأ برای خود ایجاد کرده و دائماً به فکر حرکت و تکاپو به سوی آن مبدأ است تا وحدت میان خود و اصل خود را تحقق بخشد.

توحید، اساسی‌ترین و مبنایی‌ترین اصل دین است و رسالت پیامبران الهی آگاهی و بیداری انسان‌ها به توحید بوده و با توجه به این اصل، جهت بخشی به زندگی انسان‌ها را در قالب آموزه‌ای به نام معاد تحقق بخشیده است. نظام متقن دین الهی با محوریت این موقعیت یعنی توحید، نظام و سازمان یافته است. البته در اعتقادی سطحی و عامیانه تلقی انسان‌ها از توحید اعتقاد زبانی و در نهایت ذهنی، به تک بودن خداوند و یکی بودن او در الوهیت است. متکلمین و فلاسفه با موشکافی‌های دقیق انحای مفهومی دیگر توحید را در اقسام صفات مخصوص به واجب تعالی سریان داده‌اند و توحید در خالقیت، فاعلیت، ربوبیت و صفات دیگر الهی را اثبات کرده‌اند. در همه این‌ها یکی بودن و مبدئیت خداوند متعال را ثابت کرده و به توحید عمیق و ژرفی دست یافته‌اند.

حکما و عرفاً نیز به توحید دیگری غیر از آنچه برای واجب‌الوجود اثبات می‌کنند، پی برده‌اند و آن مرحله‌ای است که پرستشگر، یعنی انسان، آن را باید اجرا و اعمال کند. از این توحید می‌توان به توحید عبادی یاد کرد. توحید عبادی بدین معناست که انسان در عبادات خود فقط خداوند را مورد توجه قرار دهد و پرستند چیز دیگری



خالی او نور خورشید به نزدیک تخت سلیمان بتابد. سلیمان دید روزنه‌ای از نور خورشید به کنار تخت تابیده، سرش را بلند کرد و به پرندگان نگریست دریافت هُدْهُد غایب است. پرسید: «چرا هُدْهُد را نمی بینم، او غایب است. به خاطر عدم حضورش او را تنبیهی شدید کرده یا ذبح می کنم مگر این که دلیل روشنی برای عدم حضورش بیاورد.»

چندان طول نکشید که هُدْهُد به محضر سلیمان (ع) آمد، و عذر عدم حضور خود را به حضرت سلیمان (ع) چنین گزارش داد: «من از سرزمین سبأ، (واقع در یمن) یک خبر قطعی آورده ام. من زنی را دیدم که بر مردم (یمن) حکومت می کند و همه چیز مخصوصاً تخت عظیمی را در اختیار دارد. من دیدم آن زن و ملتش خورشید را می پرستند و برای غیر خدا سجده می کنند، و شیطان اعمال آن ها را در نظرشان زینت داده و از راه راست باز داشته است و آن ها هدایت نخواهند شد، چرا که آن ها خدا را پرستش نمی کنند...! آن خداوندی که معبودی جز او نیست و پروردگار و صاحب عرش عظیم است.»

حضرت سلیمان (ع) عذر غیبت هُدْهُد را پذیرفت، و بی درنگ در مورد نجات ملکه سبأ و ملتش احساس مسئولیت کرد و نامه‌ای برای ملکه سبأ (بَلْقِیس) فرستاد و او را دعوت به توحید کرد. نامه کوتاه اما بسیار پرمعنا بود و در آن چنین آمده بود: «به نام خداوند بخشنده مهربان - توصیه من این است که برتری جویی نسبت به من نکنید و به سوی من بیایید و تسلیم حق گردید.»

سلیمان (ع) نامه را به هُدْهُد داد و فرمود: «ما تحقیق می کنیم تا ببینیم تو راست می گویی یا دروغ؟ این نامه را ببر و برکنار تخت ملکه سبأ بیفکن، سپس برگرد تا ببینیم

ماجرای هُدْهُد، بَلْقِیس و سلیمان

پادشاه ملک جان

حضرت سلیمان (ع) با تمام حشمت و شکوه و قدرت بی نظیر بر جهان حکومت می کرد. پایتخت او بیت المقدس در شام بود. خداوند نیروهای عظیم و امکانات بسیار در اختیار او قرار داده بود، تا آن جا که رعد و برق و جن و انس و همه پرندگان و چرندگان و حیوانات دیگر تحت فرمان او بودند و او زبان همه آن ها را می دانست. ■

هدف حضرت سلیمان (ع) این بود که همه انسان ها را به سوی خدا و توحید و اهداف الهی دعوت کند و از هرگونه انحراف و گناه باز دارد و همه امکانات را در خدمت جذب مردم به سوی خدا قرار دهد. در همین عصر در سرزمین یمن، بانویی به نام «بَلْقِیس» بر ملت خود حکومت می کرد و دارای تشکیلات عظیم سلطنتی بود. ولی او و ملتش به جای خدا، خورشید پرست و بت پرست بودند و از برنامه های الهی به دور بوده و راه انحراف و فساد را می پیمودند. بنابراین لازم بود که حضرت سلیمان (ع) با رهبری ها و رهنمودهای خردمندان خود آن ها را از بیراهه و کجروی ها به سوی توحید دعوت کند.

روزی حضرت سلیمان بر تخت حکومت نشسته بود. همه پرندگان که خداوند آن ها را تحت تسخیر سلیمان قرار داده بود با نظمی مخصوص در بالای سر سلیمان کنار هم صف کشیده بودند و پر در میان پر نهاده و برای تخت سلیمان سایه ای تشکیل داده بودند تا تابش مستقیم خورشید، سلیمان را نیاززد.

در میان پرندگان، هُدْهُد (شانه به سر) غایب بود، و همین امر باعث شده بود به اندازه جای

و برای حفظ و سلامت خود و جامعه هیچ راهی جز پیوستن به امت سلیمان ندارد. به دنبال این تصمیم با جمعی از اشراف قوم خود حرکت کردند و یمن را به قصد شام ترک گفتند، تا از نزدیک به تحقیق بیشتر بپردازند.

هنگامی که سلیمان از آمدن بلقیس و همراهانش به طرف شام مطلع شد، به حاضران فرمود: «کدام يك از شما توانایی دارید، پیش از آن که آن‌ها به این جا آیند، تخت ملکه سبأ را برای من بیاورید.» عفریتی از جنّ (یعنی یکی از گردنکشان جنیان) گفت: من آن را نزد تو می‌آورم، پیش از آن که از مجلست برخیزی. اما «اصف بن برخیا» که از علم کتاب آسمانی بهره‌مند بود گفت: من آن تخت را قبل از آن که چشم برهم زنی، نزد تو خواهم آورد.

لحظه‌ای نگذشت که سلیمان، تخت بلقیس را در کنار خود دید و بی‌درنگ به ستایش و شکر خدا پرداخت و گفت: «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ؟ این موهبت، از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می‌آورم، یا کفران می‌کنم.» سپس سلیمان (ع) دستور داد تا تخت را اندکی جابه‌جا کرده و تغییر دهند تا وقتی که بلقیس آمد، بینند در مقابل این پرسش که آیا این تخت توست یا نه، چه جواب می‌دهد. طولی نکشید که بلقیس و همراهان به حضور سلیمان آمدند. شخصی به تخت او اشاره کرد و به بلقیس گفت: «آیا تخت تو این‌گونه است؟!» بلقیس دریافت که تخت خود اوست و از طریق اعجاز، پیش از ورودش به آن جا آورده شده است. او با مشاهده این معجزه، تسلیم حق شد و آیین حضرت سلیمان را پذیرفت. او قبلاً نیز نشانه‌هایی از حقانیت نبوت سلیمان را دریافته بود، به هر حال به آیین سلیمان پیوست و به نقل مشهور با سلیمان ازدواج کرد و هر دو در ارشاد مردم به سوی یکتاپرستی کوشیدند.

۱ ایمان

قبل از ورود بلقیس به قصر سلیمان، سلیمان (ع) دستور داده بود صحن یکی از قصرها را از بلور بسازند، و از زیر بلورها آب جاری عبور دهند. (و این دستور به خاطر جذب دل بلقیس، و يك نوع اعجاز بود)

هنگامی که ملکه سبأ با همراهان وارد قصر شد، یکی از مأموران قصر به او گفت: «داخل صحن قصر شو!»

ملکه هنگام ورود به صحن قصر گمان کرد که سراسر صحن را نهر آب فراگرفته است، از این روتا ساق، پاهایش را برهنه کرد تا از آن آب بگذرد، در حالی که حیران و شگفت‌زده شده بود که آب در این جا چه می‌کند؟ اما به زودی سلیمان (ع) او را از حیرت بیرون آورد و به او فرمود: «این حیاط قصر است که از بلور صاف ساخته شده است، این آب نیست که موجب برهنگی پای تو شود.»

پس از آن که ملکه سبأ نشانه‌های متعددی از حقانیت دعوت سلیمان (ع) را مشاهده کرد و از طرفی دید که با آن همه قدرت، او دارای اخلاق نیک مخصوصی است که هیچ شباهتی به اخلاق شاهان ندارد، از این رو با صدق دل به نبوت سلیمان (ع) ایمان آورد و به خیل صالحان پیوست. □



حضرت

سلیمان (ع) عذر

غیبت هُدهد

را پذیرفت، و

بی‌درنگ در مورد

نجات ملکه سبأ

و ملتش احساس

مسئولیت کرد و

نامه‌ای برای ملکه

سبأ (بلقیس)

فرستاد و او را

دعوت به توحید

کرد. نامه کوتاه

اما بسیار پرمعنا

بود و در آن چنین

آمده بود: «به نام

خداوند بخشنده

مهربان - توصیه

من این است

که برتری جویی

نسبت به من

نکنید و به

سوی من بیایید

و تسلیم حق

گردید.»

آن‌ها در برابر دعوت ما چه می‌کنند؟! هُدهد نامه را با خود برداشت و از شام به سوی یمن ره سپرد و از همان بالا نامه را کنار تخت بلقیس انداخت.

۱ رَدْ هَدِيه

بلقیس در کنار تخت خود نامه‌ای یافت که پس از خواندن آن دریافت که نامه از طرف شخص بزرگی برای او فرستاده شده است و مطالب پرازشی دارد. بزرگان کشور خود را به گردهم آورد و با آن‌ها در این باره مشورت کرد. آن‌ها گفتند: «ما نیروی کافی داریم و می‌توانیم بچنگیم و هرگز تسلیم نمی‌شویم.» ولی بلقیس اتخاذ طریق مسالمت‌آمیز را بر جنگ ترجیح می‌داد و این را دریافته بود که جنگ موجب ویرانی می‌شود، و تاراه حلی و وجود دارد نباید آتش جنگ را برافروخت. او پیشنهاد کرد که: هدیه‌ای گرانبها برای سلیمان می‌فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می‌آورند. بلقیس در جلسه مشورت گفت: من با فرستادگان هدیه برای سلیمان، او را امتحان می‌کنم. اگر او پیامبر باشد میل به دنیا ندارد و هدیه ما را نمی‌پذیرد، و اگر شاه باشد، می‌پذیرد. در نتیجه اگر دریافتیم او پیامبر است، قدرت مقاومت در مقابل او را نخواهیم داشت و باید تسلیم حق گردیم. بلقیس گوهر بسیار گرانبه‌ایی را در میان خُقه (ظرف مخصوصی) نهاد و به فرستادگان گفت: «این گوهر را به سلیمان می‌رسانید و اهدا می‌کنید.»

فرستادگان ملکه سبأ به بیت المقدس و به محضر حضرت سلیمان (ع) آمدند و هدایای ملکه سبأ را به حضرت سلیمان (ع) تقدیم کردند، به گمان این که سلیمان از مشاهده آن هدایا، خشنود می‌شود و به آن‌ها شاد باش می‌گوید.

اما همین که با سلیمان روبه‌رو شدند، صحنه عجیبی در برابر آنان نمایان شد. سلیمان (ع) نه تنها از آن‌ها استقبال نکرد، بلکه به آن‌ها گفت: «آیا شما می‌خواهید مرا با مال خود کمک کنید در حالی که این اموال در نظر من بی‌ارزش است، بلکه آنچه خداوند به من داده از آن چه به شما داده برتر است. مال چه ارزشی در برابر مقام نبوت و علم و هدایت دارد، این شما هستید که به هدایای خود شادمان هستید. «فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ» آری این شما هستید که مرعوب و شیفته هدایای پرزرق و برق می‌شوید، ولی اینها در نظر من کم ارزشند.

سپس سلیمان (ع) با قاطعیت به فرستاده مخصوص ملکه سبأ فرمود: «به سوی ملکه سبأ و سران کشور بازگرد و این هدایا را نیز با خود ببر، اما بدان ما به زودی با لشکرهایی به سراغ آن‌ها خواهیم آمد که توانایی مقابله با آن‌ها نداشته باشند، و ما آن‌ها را از آن سرزمین آباد (یمن) خارج می‌کنیم در حالی که کوچک و حقیر خواهند بود.»

۱ پیوستن بلقیس به سلیمان

فرستاده مخصوص سلیمان با همراهان به یمن بازگشتند و عظمت مقام و توان و قدرت سپاه سلیمان و نپذیرفتن هدیه را به ملکه سبأ گزارش دادند. بلقیس دریافت که ناگزیر باید تسلیم فرمان سلیمان (که فرمان حق و توحید است) گردد



مقصود از توحید

صفاتی این

است که صفات

خدا مانند علم

و قدرت، قدیم

است نه حادث،

و عین ذات

اوست نه زاید بر

ذات، برخلاف

علم انسان و

قدرت وی، که هم

حادث و هم زاید

بر ذات او هستند

به گواه این که در

دوران کودکی از

علم و قدرت او

خبری نبود بعداً

به مرور زمان هر

دور را دارا شد. این

بخش از توحید

از آن پیروان اهل

بیت است



.....

جمع این دو گروه از آیات این است که آفرینش‌گری مستقل بدون استمداد از کسی و مقامی منحصر به خداست، ولی در عین حال آفرینش‌گری وابسته به خدا و مستمد از قدرت او، از آن بندگان است و لذا خود را «احسن الخالقین» می‌خواند. که مفاد آن این است که دیگران هم از آفرینش‌گری بهره‌ای دارند، اما نه به آن شیوه‌ای که خدا دارا است.

از این بیان نتیجه می‌گیریم: عالم آفرینش، عالم اسباب و مسببات است هر سببی پدید آورنده مسببی است مثلاً نوشیدن آب عطش را برطرف می‌کند، آتش پنبه و کاغذ را می‌سوزاند این‌ها آثار طبیعی این دو پدیده است که خلاق متعال این نوع رابطه و سببیت را در وجود آن دو قرار داده است و همگی از سنت‌های الهی به شمار می‌روند. و توحید در خالقیّت مورد پذیرش عرب جاهلیت بود. و قرآن این عقیده را از آنان در برخی از سوره‌ها نقل می‌کند چنان‌که می‌فرماید: «وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لِيُقُولُوا خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ»؛ هر گاه از آنان بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ مسلماً می‌گویند: خداوند قادر و دانایان‌ها را آفریده است!»

توحید ربوبی

با مراحل سه‌گانه توحید به صورت فشرده آشنا شدیم. این مرحله از توحید ناظر به اداره جهان آفرینش است، یعنی خدا هم خالق و آفریننده جهان، و هم مدیر و مدبر آن است. توضیح این‌که «رب» در لغت عرب به معنی خالق نیست، بلکه به معنی صاحب است که بی‌بسته به کلمه‌ای اضافه می‌شود می‌گویند رب الدار، رب الدابة، رب الضیعة در همه این موارد از شنیدن واژه «رب» تدبیر مضاف‌الیه تداعی می‌شود. یعنی صیانت خانه از ویرانی، و رسیدگی به اسب از نظراب و علف و یا رسیدگی به مزرعه از نظر محصول، و این‌که همگی بر عهده «رب» است.

تأکید قرآن بر توحید ربوبی

بسیاری از آیات قرآن که در نقد اندیشه مشرکان وارد شده است ناظر به تثبیت توحید ربوبی و نقد شرك در آن است اینک دو آیه را یادآور می‌شویم:

۱. «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ»؛ هرگاه در زمین و آسمان‌ها خدایانی جز خدا بود جهان آفرینش دچار فساد و دگرگونی می‌گشت منزّه است پروردگار عرش از آنچه که او را با آن می‌ستایند.»

این آیه بر خلاف برخی از اندیشه‌ها، ناظر به توحید در خالقیّت نیست زیرا مشرکان در این مسئله با موحدان عقیده یکسان داشتند، بلکه ناظر به توحید ربوبی است و واژه «آلهة» جمع «اله» به معنی خداست. البته خدای اعم از حق و باطل. نتیجه این‌که آفرینش‌گری و تدبیر هر دو از آن خداست و مفاد آیه این است که تعدد مدیر و مدبر سبب اختلال در آفرینش است. زیرا تعدد مدیر، آن هم به صورت دو ذات متباین، موجب تعدد در شیوه اداره است، و مسلماً دو نوع مدیریت مختلف، مایه اختلال است و تفصیل آن را در کتاب «منشور جاوید» می‌توانید بخوانید.

۲. «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذْ أَذَّنَ لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ»؛ هرگز خدا فرزندی برای خود نگرفته و هرگز خدایی با او نیست و اگر چنین بود هر خدایی به تدبیر آفریده خود همت می‌گماشت در این صورت برخی از خدایان بر برخی دیگر برتری پیدا می‌کرد. خدا از آنچه او را توصیف می‌کنند منزّه است.»

توضیح این‌که عالم آفرینش از عوالم کوچک و کوچک‌تر و بزرگ و بزرگ‌تر تشکیل یافته، و عوالم کوچک‌تر در بقای خود، به عوالم بزرگ‌تر نیاز مندند، و هكذا... مثلاً انسان و سایر جانداران که عالم کوچکی را تشکیل می‌دهند در بقای خود به آب و هوا و نور نیاز مندند که از آن عالم بزرگ‌تر است و به همین ترتیب منظومه شمسی ما به عالم برتر به نام کهکشان تعلق دارد.

هرگاه هر عالمی برای خود «رب» و کارگردان خاصی داشته



بالای سرت قرار می‌گیرد آسمان است. اگر واقعاً اسباب طبیعی نقشی در پیدایش میوه‌ها ندارند و خداوند خودش مستقلاً تدبیر می‌کند پس معنای «به» در آیه فوق چیست؟ در آیه دیگری فرماید: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِّ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ؟ آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمین‌های خشک می‌رانیم و به وسیله آن زراعت‌هایی می‌رویانیم که هم چهارپایان‌شان از آن می‌خورند و هم خودشان تغذیه می‌کنند آیا نمی‌بینند؟!»

و حرف «ب» در «به» به معنی سببیت است، بنابراین قرآن تأثیر پدیده‌های طبیعی را در نظایر خویش کاملاً تصدیق می‌کند. کسانی که همه پدیده‌ها را فقط فعل مستقیم و مابشری خدا می‌دانند و در صفحه هستی فقط به یک علت معتقدند علاوه بر این که با وجدان و فطرت خود مخالفت می‌کنند آیات قرآن را نیز در نظر نمی‌گیرند و این يك نقطه ضعفی است در کلام اشاعره که بین خالق مستقل و غیر مستقل فرقی نمی‌گذارند.

توحید در حاکمیت

حاکم واقعی برندگان خداست و حکومت دیگران به اذن او صورت می‌گیرد. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْخُكْمَ لِلَّهِ آمَرَ الْأَعْيُنُ وَالْإِنْيَاءُ؛ حکم تنها از آن خداست. فرمان داده که جز او را نپرستید.» و حاکمیت پیامبران و اولیای الهی به اذن خدا صورت می‌پذیرد، و توحید در تشریح و تقنین، بخشی از توحید در کمیت است، یعنی هیچ‌کس حق قانون‌گذاری ندارد، جز خدا، و حکم هیچ‌کس بر کسی نافذ نیست مگر، حکم خدا.

توحید در طاعت

مطاع بالذات خداست و اطاعت دیگران به امر اوست قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ؛ کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده.»

توحید در شفاعت

شفاعت پذیر جز خدا کسی نیست و شفاعت دیگران در باره گنهکاران به اذن او خواهد بود. چنان‌که می‌فرماید: «مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ؛ هیچ شفاعت‌کننده‌ای، جز با اذن او نیست.»

توحید در عبادت

توحید در عبادت و پرستش به معنای این است که ستایش و پرستش فقط از آن خداست، چنان‌که می‌فرماید: «إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ تَسْتَعِينُ» این نوع توحید مورد اتفاق همه موحدان است و اصولاً تفاوت موحد با مشرک بیشتر در این بخش است؛ آنان پرستش خدا را کرده، بت‌ها را می‌پرستیدند، در حالی که پرستش، حق الهی است و دیگران سهمی در این حق ندارند. در این جا یادآوری شویم اصل ضابطه (ستایش و پرستش از آن خداست) جای گفتگو نیست، چیزی که لازم است مرزبندی عبادت از تکریم است. □

عالم آفرینش
مجموعه‌ای از
اسباب است که
هر سببی، مسیبی
به دنبال دارد
نکته‌ای که باید
به آن اشاره کرد
این است که آیا
خداوند شخصاً
مدیریت جهان را
بر عهده دارد؟!
یا برای تدبیر
جهان اسبابی
را برمی‌انگیزد و
از طریق آن‌ها
تدبیر جهان انجام
می‌گیرد. مثلاً میوه
دادن يك درخت
ارتباطی به آسمان
و زمین ... ندارد
و فعل بلاواسطه
خداست یا
اسباب دیگری
غیر از اراده خدا
در این پدیده مؤثر
است؟

باشد، طبعاً رب عالم جانداران مقهور و نیازمند عالم بالاتر خواهد بود و همچنین رب منظومه شمسی مقهور رب کهکشان و در این صورت گفتار حق تعالی «وَلَعَلَّا يَعْصُهُمْ عَلَى بَعْضٍ»، «تحقق می‌پذیرد و چاره‌ای جز این نیست که بگوئیم رب یکی است و جز او مربوبی هستند.»

و هابیان توحید در ربوبیت را با توحید در خالقیت یکی گرفته‌اند در حالی که این دو نوع توحید در طول هم قرار دارند مقام آفرینش‌گری، مقام خالقیت، ولی تدبیر عالم و حفظ نظام از تباهی مقام ربوبیت است و لذا قرآن کراراً کلمه تدبیر را از لوازم ربوبیت است بعد از خلقت یادآوری می‌شود. مثلاً می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا؛ خدا همان کسی است که آسمان‌ها را، بدون ستون‌هایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت.»

سپس در آخر آیه می‌فرماید: «يَذَرُ الْأَمْزَرَ.» فقره نخست حاکی از خالقیت و فقره دوم حاکی از ربوبیت است. بنابراین هر موقع در نوشته‌های و هابیان به کلمه «رب» و یا ربوبیت برخورد نمودید مقصود آنان آفرینش‌گری است و این اشتباهی است که به سرتاسر کتاب‌های آنان راه یافته است.

چیزی که می‌تواند موضوع را که ربوبیت غیر از خالقیت است روشن تر کند این است که مشرکان عصر رسالت در عین اعتقاد به توحید در خالقیت، در امر ربوبیت کاملاً مشرک بودند و آیات زیادی در قرآن بر این مطلب گواهی می‌دهد هم اکنون دو آیه را یادآوری می‌شویم که حاکی از شرك آنان در امر ربوبیت است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُبْصِرُونَ؛ بت‌ها را به خدایی گرفتند که در جنگ‌ها آنان را کمک کنند.» و در آیه دیگری فرماید: «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا؛ و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزتشان باشد! (چه پندار خامی)» مشرکان مکه پیروزی در جنگ و عزت در دنیا را در دست خدایان دروغین خود می‌دانستند و پیروزی در لشکرکشی و عزت در زندگی نوعی تدبیر حیات انسانی است.

جهان اسباب و مسببات

عالم آفرینش مجموعه‌ای از اسباب است که هر سببی، مسیبی به دنبال دارد نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که آیا خداوند شخصاً مدیریت جهان را بر عهده دارد؟ یا برای تدبیر جهان اسبابی را برمی‌انگیزد و از طریق آن‌ها تدبیر جهان انجام می‌گیرد. مثلاً میوه دادن يك درخت ارتباطی به آسمان و زمین ... ندارد و فعل بلاواسطه خداست یا اسباب دیگری غیر از اراده خدا در این پدیده مؤثر است؟

قرآن بیانگر دومی است و آن این‌که پدیده‌ها در پرتو اسباب خاصی پدید می‌آیند. اما اشاعره و وهابیان برخلاف قرآن این اسباب را انکار می‌کنند. در حالی که قرآن به اسباب و ابزار طبیعی اشاره می‌کند و همه این مدبرات را جنود خداوند می‌داند: «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ؛ از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد.»

در این آیه «سما» به معنای نقطه بلند است ابن عباس می‌گوید «كُلُّ مَا عَلَكَ فَهُوَ سَمَاءٌ» یعنی هر چیزی است که

ما باید نگاه توحیدی به حقوق داشته باشیم، حقوق و وظایف از هر جهت انسان را احاطه کرده‌اند، اما اصل حقوق، حق خداوند است و سایر حقوق شعبه‌هایی از حقوق پروردگارند. بزرگ‌ترین حق خداوند در رساله حقوق امام سجاد(ع) این است که او را بپرستید. در رساله حقوق امام سجاد(ع) ابتدا حق خداوند، پس از آن حق النفس یعنی حق خود انسان بیان شده، بعد از آن نیز هفت حق را به عنوان حقوق اعضا و جوارح و هفت حق را به عنوان حقوق افعال بر شمرده‌اند و سپس حقوق دیگران را بیان می‌فرماید.

حق اول و اولین حقوق، حق اختصاصی پروردگار است و آن حق این است که او را بپرستیم و به او شرک نوزیم. انسان باید یقین داشته باشد که همه چیز دست خداست و خودش را در تصرف و در میان دست‌های خدا ببیند. همان‌طور که در بیان رهبر حکیم درباره سبک زندگی مطرح است سبک زندگی ناشی از جهان بینی است و اگر این جهان بینی و نگاه، توحیدی بشود، زندگی رنگ خدایی می‌یابد و به رنگ خدا می‌شود و جلوه این رنگ در بندگی ظاهر خواهد شد.

مسئله اول، مسئله بندگی است؛ یعنی پرستش خداوند و مسئله بعدی نیز شرک زدایی است. مخاطب رساله حقوق امام سجاد(ع) مؤمنان هستند که قرار است بندگی را، هم به صورت عمیق و هم به صورت فراخ به جا آورند.

توحید و منطق توحید و جلوه‌های بدیع و آثار شیرینش با بیان قرآن، آن چنان زیبا توصیف شده که ما از گفتنش قاصریم و این زیبایی‌ها را درک نمی‌کنیم؛ مگر این که با قرآن انس داشته باشیم. از جمله معارف قرآنی که صدرنشین است همین تصویر ممتاز و دلپذیری است که از پروردگار در دل انسان مؤمن قرار می‌دهد یعنی معرفتی که از پروردگار معرفی می‌کند، بر معارف دیگر امتیاز دارد و به این طریق راه دلپذیری که پراز مناظر پرشکوه و جذاب است به انسان نشان داده می‌شود.

ما باید به اصل توحید که هویت ما، کمال ما و جامعه ما وابسته به اوست بپردازیم، اما متأسفانه در این مسئله کوتاهی‌های زیادی داریم و هم از منظر شناخت کم گذاشته‌ایم و هم از عمل. در صورتی که مسئله توحید باید جز بخش‌هایی که انسان دائماً در زندگی‌اش به آن می‌پردازد باشد.

جلوه‌های قرآنی در «اسماء الحسنی» است و اسم «الله» اسم جامع خداوند است که در ذیل این اسم یک فهرست طولانی و بسیار جذاب از اسماء الهی معرفی می‌شود. این اسماء باب معارف را به روی انسان باز می‌کند و این معارف نیز به شما کمک می‌کند تا ارتباط خودتان را در قلب و با شخصیت و با محیط پیرامونتان در رابطه با خداوند حفظ کنید.

چون خداوند خالق است، به همین دلیل مالک نیز هست و این نگاه، نگاه توحیدی است و به انسان می‌آموزد که تدبیر و مهندسی زندگی انسان به دست خداوند است و وقتی که انسان به حاکمیت و ولایت خداوند اعتقاد و باور دینی داشته باشد، جلوه‌های بندگی در زندگی‌اش آغاز می‌شود. زیباترین جلوه‌های بندگی نیز حالت رکوع و سجود است. □

میان دست‌های خدا

حجت‌الاسلام و المسلمین حاج علی اکبری

❏ خدای احد

«هُوَ اللهُ أَحَدٌ»، پروردگار من «الله» است، همان کسی که از نَسَبِ او می پرسید. معنای «أحد» چیست؟ أحد معنایی ژرف تر از واحد دارد. واحد در برابر دو است. واحد یعنی فرد در برابر گروه، و خداوند واحد هم هست، اما معنای أحد بیش از واحد است. احدیت یعنی خداوند افزون بر این که یک فرد است، جزء هم ندارد. اگر به خود توجه کنیم، متوجه می شویم هر کدام از ما با ویژگی ها و مشخصات خود واحد است، اما أحد نیست. انسان از اجزای خارجی از قبیل سر، دست، پا و اجزای عقلی که در علم منطقی ذکر شده، تشکیل شده است. افزون بر این، خورد و خوراک، دانش، فرهنگ و تجربیات او نتیجه تلاش هزاران هزار انسانی است که در پیشرفت او نقش داشته اند. بنابراین، آدمی از اجزای بسیاری ساخته شده است، اما خداوند أحد است؛ نه جزئی دارد و نه نَسَبی. ما به پدر و مادر، قبیله، عشیره، مردم و سرزمین خاصی منسوبیم. هر کدام از ما به اشیای بسیاری منسوب است، اما خداوند أحد است و با هیچ کس نسبتی ندارد: «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ».

در این باره نکته دیگری هم وجود دارد که برخی مفسران بدان اشاره و آن را بیان کرده اند. بدون شک أحد از ریشه «وحد» گرفته شده است و همزه بدل از «واو» است. پس أحد به معنای وحد است. مقصود این است که خداوند فقط واحدی نیست که جزئی ندارد، بلکه او «وحد» است؛ در برابرش چیزی نیست، نه موجودی و نه اثربخشی و نه قائمی. هر آنچه در هستی می بینیم، سایه ای از اوست، اثری از اوست، اشعه ای از نور اوست، او به تنهایی وجود دارد و موجودی غیر از او نیست. بی شک، این معنا از أحد دقیق تر و ژرف تر است. اما در اعتقادات ما معنای «أحد» همان است که گفتیم، یعنی خداوند نه جزئی دارد و نه نَسَبی.

❏ خدای صمد

«اللهُ الصَّمَدُ»؛ برای «صمد» دو معنا گفته اند؛ نخست این که صمد به معنای «مقصود» است و خداوند مقصود است، یعنی برای هر نیازی او را می طلبیم. به هر سوی که رویم خداوند مقصود ماست، یعنی خداوند بی نیاز است. ای مردم، شما نیازمند و خداوند بی نیاز است. خداوند به هیچ کس نیازی ندارد. معنای دومی نیز در اصطلاح برای این واژه وجود دارد، که به همین معنای نخست بازمی گردد. اصطلاحاً وقتی می گوئیم «صمد» یعنی «ایستاده ایم» در برخی از تفاسیر صمد به معنای «ملیء» (پُر، سرشار) آمده است. چرا خداوند ملیء خوانده شده است؟ زیرا او بی نیاز است، غنی است، به کسی نیاز ندارد. نیاز، خلأ و کمبود است و آدمی به اندازه نیازش فقیر و ضعیف است. کسی که از دیگران بی نیاز است، «صمد» و «صامد» است. هیچ کس، غیر از خدا، از دیگران بی نیاز نیست. خداوند بی نیاز است. به هر دو معنایی که برای «صمد» گفتیم، خداوند به چیزی نیاز ندارد؛ نه خوراک، نه پوشاک، نه مکان، نه زمان، نه انسان و نه یارانی.



او

تفسیر کوتاه سوره توحید

■ امام موسی صدر

این سوره مبارک یکی از مهم ترین سوره های قرآن است، تا جایی که در بسیاری از روایات، معادل ثلث قرآن خوانده شده است. علت این مسئله، معنای اعتقادی، فرهنگی، علمی و اخلاقی ای است که در این سوره آمده است و آن را یکی از ارکان یا بازگوکننده بخش مهمی از ارکان اسلام قرار داده است. درباره شأن نزول آن آمده است که برخی از علمای یهود درباره نَسَبِ خداوند از پیامبر پرسیدند. این پرسش یهودیان دسیسه چینی و سوءاستفاده از منطق عرب ها بود، زیرا آنان برای هر چیزی نَسَبی قائل بودند. افراد و قبایل و اسب ها در نزد آنان نَسَب داشتند. همچنین، برای خداوندانی که می پرستیدند، نَسَب هایی ذکر می کردند. پس از چند روز که پیامبر در تأمل و انتظار به سر می برد، این سوره نازل شد؛ با این مضمون که خداوندی که پیامبر می پرستد و به عبادت او دعوت می کند، نَسَبی ندارد، همانا او یکتا و بی نیاز است، نه می زاید و نه زاییده شده است و او همتایی ندارد. پیامبر این گونه به پرسش ایشان پاسخ گفت. سوره اخلاص، ایمان اسلامی به خداوند را به صورت کوتاه و مفید در خود دارد. از همین رو، ثلث قرآن دانسته شده است، زیرا قرآن، کتاب شریعت است و بنیان شریعت نیز توحید و نبوت و معاد است. توحید شرط بنیادین و نخستین شریعت است. اکنون به تفسیر این سوره می پردازیم. ■



بر دیگر مردمان برتری دهد، مگر آن که خود بخواهند؛ اگر پیشرفت خواستند، عقب خواهند ماند. این معنا از توحید، روحیه و واقع بینی آدمی را تقویت و او را فعال ترمی کند تا بداند به هر جا که رسد، نتیجه اعمال و اقدامات خودش است، بنابراین، جوامع عقب مانده، چه دانسته و چه ندانسته، خود این گونه خواسته اند و جوامع پیشرفته، خود جامعه خود را ساخته اند. خداوند یکتاست و نسبتی با مکان و زمان و شبی ندارد.

توحید در زندگی

بدین سان می بینیم که احدیت و صمدیت خداوند از معنای انتزاعی خود درمی گذرند و به درون زندگی ما راه می یابند. ما در عالم اسباب و در جهانی عقلانی به سر می بریم که همه هستی برای ما خلق شده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» و «وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ» همه چیز برای ماست و کلیدی دارد، و کلید اشیا علم است و عمل. باید تلاش کنیم تا به آنچه می خواهیم برسیم. در غیر این صورت، به اهدافمان نخواهیم رسید. پس، همه چیز و همه کس، همه زمان ها، همه مکان ها و همه حالت ها در برابر خداوند مساوی اند و در میان آن ها سعد و نحس و دور و نزدیک وجود ندارد، مگر به اندازه ای که برای آن تلاش می کنیم. نمی توانیم برای پیشرفت به تاریخ یا اجداد خود تکیه کنیم.

«قُلْ هُوَ اللَّهُ» جامع همه کمالات و اسماء حسنی و امثال علیاست. او احد و صمد است که نه زاده شده و نه می زاید. برای او همتایی نیست. این معنا از خداوند اصل و اساس است. او ما را آفریده و راه ما به سوی اوست و هر که، در هر زمان و مکان و شرایطی، خود تلاش کند، مقرب او خواهد شد: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» هیچ کس بر دیگری برتری ندارد، مگر در تقوا و جهاد و عمل و دانش، چنان که قرآن این چهار مورد را صراحتاً ذکر می کند. این معنای «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» است. این سوره را مخلصانه با زبان و قلب و عقل می خوانیم و با آن حقیقتاً زندگی می کنیم تا احساس اعتماد به نفس را در ما تقویت کند و اعتماد به نفس به این معنا، اعتماد به خداوند است. ما فقط بر اعمال خود تکیه می کنیم و خدا را از رگ گردن به خود نزدیک ترمی دانیم. مسائلی که گفتیم اندکی از معنای «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» است که تصویری از خداوند برای ما ترسیم می کند؛ تصویری که باید بدان معتقد باشیم و با عقل و دل بشناسیم و آن را در زندگی عادی خود وارد کنیم. □

همچون دانه های شانه

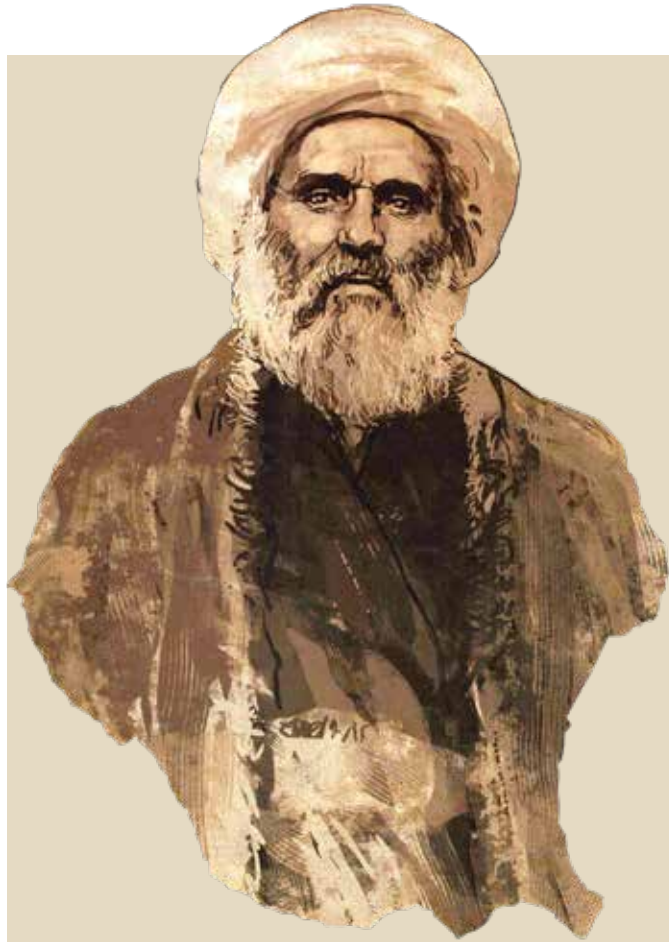
«لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»؛ او فرزندی ندارد، پس نوه، داماد، عروس و خویشاوندی هم ندارد. زاده هم نشده است، یعنی نه پدری دارد و نه مادری. وقتی پدر ندارد، عمو، عمه و عموزاده ندارد. و وقتی مادر ندارد، دایی، خاله و دایی زاده ای ندارد. پس هیچ کس را با خداوند قرابتی نیست، نه از سوی فرزندی و نه از سوی پدری. او عشیره ندارد، زیرا پیوند ما به عشیره از طریق ولادت است. «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»؛ او همتایی ندارد. در گذشته بر آن بودند که هر موجودی نظیر و مثلی دارد. «كُفُوًا» به معنای همسر به کاری رفت، یعنی او نه شوهر یا زن دارد و نه مانند و نظیری. این مسئله هم به بی نیازی خداوند تفسیر می شود.

در تفسیری دقیق تر از آنچه گفتیم، می گویند «ولادت» به معنای فرزند داشتن و زاییدن، نوعی ولادت است. در لغت هر چیزی که از چیز دیگری پدید می آید، زاییدن خوانده می شود. اما خداوند نه از چیزی زاییده شده است و نه چیزی از او خارج می شود، مانند جوشیدن آب از زمین یا رویدن میوه از درخت. آنچه از خداوند صادر می شود این گونه نیست. این بیان معنایی سطحی از آیه است. اندکی ژرف در این آیه می اندیشیم تا پیوند این آیه را با عقیده توحید دریابیم؛ توحیدی که در اسلام بسیار بدان پرداخته شده است. همه ادیان و خصوصاً اسلام بر توحید و تعمیق اثرات توحید بر زندگی خصوصی و اجتماعی ما تأکید دارند. به این آیه می اندیشیم تا اثر این مفهوم را در باره خدا دریابیم. گفتیم که خداوند نه می زاید و نه زاییده شده است. نه عشیره ای دارد و نه خانواده و خویشاوندانی. بر این اساس، همه مردم برای خدا یکسان اند، همچون دندانه های شانه. هیچ کس بر اثر خویشاوندی یا نسبتی خاص به او نزدیک نیست. از سوی دیگر، گفتیم خداوند صمد است، یعنی بی نیاز از مردم است و همه به او نیازمندند. او به چیزی نیاز ندارد، اما همه چیز به او نیازمند است.

به زمان و مکان نیازی ندارد، اما زمان و مکان به او نیاز دارد. بنابراین، همه آدمیان در برابر او مساوی اند، او به کسی برای کمک یا تقسیم کار نیاز ندارد و همه در برابرش مساوی اند. این تساوی برای ازمنه، امکان، اشیا، حالات و همه چیز صادق است. همه چیز در برابر خدا مساوی است، زیرا او به کسی یا چیزی نیاز ندارد. ما انسان ها برخی از انواع خوراکی را بیشتر دوست داریم، زیرا بدان نیازمندتریم. برخی از پوشاک ها را دوست داریم، چون به آن ها نیاز داریم. برخی میوه ها را بیشتر می پسندیم، چون محتاج آن ها هستیم. اما خداوند از هر چیزی بی نیاز است. هر خوراک، پوشاک، نوشیدنی، کوه، رود و خانه ای برای خدا یکسان است. همه مکان ها و زمان ها برای خدا یکی هستند. نکته اساسی این است که در مجموعه بشری هیچ کس بر دیگری برتری ندارد، مگر به علم و تقوا.

پس همه آدمیان در یک خط قرار دارند و کسی به سوی خدا پیش نمی رود، مگر به اندازه عملی که انجام داده است. این معنای توحید است و آن را احدیت و صمدیت و نسب نداشتن خداوند گرفته ایم. خداوند نمی خواهد مردمی را

همه آدمیان در یک خط قرار دارند و کسی به سوی خدا پیش نمی رود، مگر به اندازه عملی که انجام داده است. این معنای توحید است و آن را احدیت و صمدیت و نسب نداشتن خداوند گرفته ایم. خداوند نمی خواهد مردمی را بر دیگر مردمان برتری دهد، مگر آن که خود بخواهند؛ اگر پیشرفت می کنند، و اگر عقب ماندگی خود بخوانند؛ اگر پیشرفت می کنند، و اگر عقب ماندگی خود خواهند ماند



نکته‌ای از زندگی عالم بزرگ، آخوند خراسانی

ماهیچ، شما چرا به فکر خودت نیستی؟

■ عبدالحسین مجید کفائی

آن سید هم چیز مختصری نوشت و به آخوند داد. وقتی آن را خواندند کاغذ را پاره کردند، همه آن پول‌ها را درآوردند و به آن سید دادند و آن سید هم پول‌ها را برداشت و تشکرکنان رفت.

شیخ احمد دشتی می‌گفت: ما که ناظر این صحنه بودیم، نمی‌دانستیم جریان چیست، حس کنجکاوی مان نیز سخت برانگیخته شده بود. همه می‌خواستیم سرازیر این ماجرا در بیاباورییم. رفقا جرأت نمی‌کردند سؤالی بپرسند و چون من رویم به ایشان بازتر بود با اشاره رفقا سؤال کردم و عرض کردم: حضرت آقا ممکن است بفرمایید داستان از چه قرار است؟ فرمودند: کدام داستان؟ عرض کردم: این که این دو نفر آمدند و یکی پولی داد و شما پس از خواندن نوشته آن سید آن پول را به او دادید. معنای این مطلب را ما نفهمیدیم.

آخوند فرمودند: خیلی چیزها توی دنیا هست معنایش فهمیده نشده و ما نمی‌فهمیم، این هم یکی از آن‌ها. شیخ احمد می‌گفت من موضوع را دنبال کردم و یکی دو نفر از حاضرین هم تأیید و اصرار کردند که اگر ممکن است ایشان توضیحی بدهد.

آخوند فرمودند: حالا که اصرار دارید پس بدانید آن مرد زائر آمد و چهارصد لیره پول برایم آورد. من گرفتم. آن سید به من گفت: دو پسر دارد و می‌خواهد هر دو عروسی کنند اما پول ندارد. من به او گفتم بنویس ببینم چه مقدار پول احتیاج داری؟ خواستم کسی متوجه نشود. او نوشت صد لیره. من دیدم این مبلغ برای عروسی دو پسر کافی نیست، هر چهارصد لیره را به او دادم.

شیخ احمد گفت: وقتی آخوند این مطلب را فرمودند میان شاگردان قیل و قال افتاد و گفتند آقا شما که خودت احتیاج داری و وضع مالی ما را هم که می‌دانی خراب است. ماهیچ، شما چرا به فکر خودت نیستی؟ چطور چهارصد لیره را به یک سید دادید و حال آن که ما می‌دانیم بچه‌های شما در مضیقه هستید؟

ما که داشتیم این اعتراض‌ها را می‌کردیم ناگهان دیدیم آخوند گریه کرد. ما همه ساکت شدیم و از ایشان معذرت خواستیم، آن‌گاه آخوند فرمودند: ناراحتی من از این نیست که مرتکب جسارتی نسبت به من شده‌اید، افسردگی من از این جهت است که می‌بینم زحمتی را که در عرض سال‌ها برای شما کشیدم، همه به هدر رفته، زیرا مشاهده می‌کنم که شماها در رکن اول سلام که توحید است مانده‌اید و از آن غافلید و نمی‌دانید که رزق و روزی را خدا می‌دهد نه بنده خدا. اگر منظورتان از این حرف‌ها این است که من این قبیل پول‌ها را برای خود بردارم و پس‌انداز کنم، من احتیاج به پس‌انداز ندارم. وقتی که از خراسان آمدم با چند کتاب آمدم و چیز دیگری نداشتم. خداوند این همه نعمت و عزت به من بخشیده است. اگر منظورتان بچه‌های من است، که آن‌ها هم وضعشان خوب است و خدا رزاق آن‌هاست. شما همه باید به خداوند اتکا داشته باشید و امید به او ببندید نه به کس دیگر. من متأثرم از این که می‌بینم شماها خدا را فراموش کرده و به بنده او چشم دوخته‌اید. □

در زمانی که وضع مالی آخوند خوب نبود، یک شب که آخوند مجلس درس خصوصی داشت و در آن مجلس شاگردان مبرزی مثل میرزای نائینی، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی، شیخ عبدا... گلپایگانی و عده‌ای دیگر حضور داشتند. وقتی مجلس درس تمام شد ما دیدیم سیدی به اتفاق یک نفر دیگر آمدند خدمت ایشان و آن مرد زائر مقداری وجوهات درآورد و به آخوند داد و ایشان هم پول‌ها را گذاشتند زیر تشک.

ما که ناظر جریان بودیم و سخت هم بی‌پول، خوشحال شدیم که عن قریب استاد چیزی به همه ما خواهد داد، اما به زودی امید ما مبدل به یأس شد زیرا دیدیم بعد از آن که آقای آخوند پول‌ها را زیر تشک گذاشت، آن مرد سید بلند شد و رفت در گوش آخوند آهسته چیزی گفت. آقای آخوند قلم و دواتی دم دستش بود، به سید اشاره کرد بنویس.



با پایان یافتن جشنواره فیلم فجر، پرونده سینمای سال آینده ایران پیش روی ما گشوده شد. ما با انتخاب فیلم‌های برگزیده این جشنواره که تا یک سال آینده مهمان پرده‌های سینما هستند معرفی کوتاهی از آن‌ها را در اولین مطلب از بخش فرهنگ و هنر تدارک دیده‌ایم. نمونه‌ای از اشعار شاعران ایرانی و خارجی درخصوص زمستان، نگاهی به اشتباهات در کتاب‌های فارسی دانش آموزان و چند مطلب درباره فردوسی مطالب دیگر این بخش هستند. برگزیده بیانات رهبر معظم انقلاب درخصوص فردوسی و شاهنامه، گفتاری از آیت‌الله جوادی آملی درباره حماسه پروری و بررسی چالش میان ارزش‌ها در شاهنامه مطالبی هستند که به مناسبت روز فردوسی برای این شماره انتخاب شده‌اند.

« فرهنگ و هنر



فیلم‌هایی که سال آینده باید دید
عاشق چگونه با آتش برف می‌سوزد؟
فردوسی، ایران را سروده است

سیمرغ‌ها روی‌شان سینما فیلم‌هایی که سال آینده باید دید

سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر مانند جشنواره‌های دیگر فیلم با افتتاحیه و اختتامیه‌های همیشگی برگزار شد. این جشنواره نویدبخش آن است که در سال آینده فیلم‌های جدید و متنوعی را در سینماهای سراسر کشور شاهد خواهیم بود. کلاسیک جنایی، اجتماعی درام، دفاع مقدس، کمدی اجتماعی، دینی، تاریخی، مقاومت، حادثه‌ای، روانکاوی و اکشن از جمله ژانرهای فیلم‌های سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر ۹۷ هستند که به اعتقاد کارشناسان حوزه سینما این جشنواره یکی از متنوع‌ترین جشنواره‌ها از لحاظ ژانری بوده است. از آن جایی که فیلم‌های جشنواره امسال سال آینده اکران می‌شوند، در ادامه این مطلب به معرفی تعدادی از بهترین فیلم‌های سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر می‌پردازیم تا اگر فرصت نکردید این فیلم‌ها را در دهه فجر ببینید، برای تماشای آن‌ها در سال آینده برنامه‌ریزی کنید. ■

۱ «متری شش و نیم» جدال دزد و پلیس

متری شش و نیم بهترین فیلم از نگاه تماشاگران شد، فیلمی خوش ساخت که مسائل اجتماعی متعددی از جمله صنعت مواد مخدر را به چالش می‌کشد. این فیلم همچنین سیمرغ بلورین سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر برای بهترین صدابرداری و جایزه بهترین تدوین را به نام خود زد. متری شش و نیم فیلمی به کارگردانی و نویسندگی سعید روستایی، کارگردان اثر موفق «ابد و یک روز» است؛ این فیلم دومین همکاری سعید روستایی با نوید محمدزاده، پریناز ایزدیار و پیمان معادی محسوب می‌شود. کهن روایت دزد و پلیس در «متری شش و نیم» یک تقابل درجه یک دارد که در سینمای ایران کمترروایتی با این کیفیت از آن دیده‌ایم. روستایی در فیلم جدیدش دوباره به مقوله اعتیاد پرداخته است. در این فیلم، نوید محمدزاده در نقش یکی از سرکردگان توزیع مواد مخدر، پیمان معادی در نقش پلیس و پریناز ایزدیار در این فیلم در نقش همسر سابق نوید محمدزاده نقش آفرینی می‌کنند. نوید محمدزاده و ایزدیار بازی متفاوتی از خود نشان نمی‌دهند، اما نقش آفرینی معادی قابل توجه است. «متری شش و نیم» تأثیر مستقیم عاطفی ندارد. اشکی نمی‌گیرد، اما بسیار تلخ است. نیشتر به دلمی چرکین می‌زند و نشان می‌دهد زیر پوست این شهر چه معضل هیولواروی خوابیده و تا چه حد درمان‌ناپذیر است. خرده فروش، قاچاقچی بزرگ، معتاد به ته خط رسیده، کودک، مأمور پلیس، دادگاه و دادسرا... همه و همه به هم گره خورده‌اند و انگار راه گریزی نیست. شخصیت پلیس فیلم در پایان وقتی تازه عازم خانه می‌شود، سر چهارراه با یکی از همین معتادین چشم در چشم می‌شود و خسته از استدلال و مقاومت حرفش را می‌خورد و شیشه را پایین می‌آورد و یک اسکناس پنج هزار تومنی به شیشه پاک‌کن معتاد می‌دهد. انگار پذیرفته به رغم تمام تلاش‌های او، اعتیاد بخشی از چهره این جامعه است. این فیلم حواشی متعددی برای پخش در جشنواره داشت و چند مورد اصلاحیه روی فیلم اعمال شد. از این روزمان اکران آن در جشنواره تغییر کرد، سعید روستایی کارگردان فیلم «متری شش و نیم» که پس از دریافت سیمرغ بهترین فیلم از نگاه مردم به خواست تهیه‌کننده فیلمش به روی صحنه آمده بود گفت: پشت دستم راداغ می‌کنم که پلیس نه از جلوی دوربین که از پشت دوربین هم رد نشود.

۲ «رد خون» در عملیات مرصاد

قسمت اول «ماجرای نیمروز» که به ماجرای ترورهای سال ۶۰ توسط منافقین می‌پردازد، حضور موفقی در جشنواره سی و پنجم فیلم فجر داشت و توانست جایزه‌هایی چون سیمرغ بلورین بهترین فیلم جشنواره، سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه ملی و سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را از آن خود کند. این فیلم در اکران هم با اقبال تماشاگران مواجه شد. با این حال معمولاً به جز استثنا ناتی در سینمای جهان، دنباله‌سازی‌ها و قسمت‌های بعدی یک فیلم موفق، نتیجه مثبتی نداشته است. از این نظر مهدویان سراغ چالش سختی رفته است، موضوع ملتهد عملیات مرصاد هم به دشواری‌های این آزمون سخت اضافه می‌کند. فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز ۲» با نام اصلی «رد خون» ساخته شده است. جواد عزتی، بهنوش طباطبایی، هادی حجازی‌فر، محسن کیایی، هستی مهدوی، مهدی زمین‌پرداز و حسین مهری از جمله بازیگرانی هستند که در «رد خون» ایفای نقش کرده‌اند.

۱ «ماجرای نیمروز ۲»

رد خون

کارگردان: محمدحسین مهدویان



۱ «شبی که ماه کامل شد»

ماه کامل شد

کارگردان: نرگس آبیاری



۱ «بیست و سه نفر»

بیست و سه نفر

کارگردان: مهدی جعفری



۱ «متری شش و نیم»

متری شش و نیم

کارگردان: سعید روستایی



۱ «قسم»

قسم

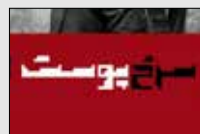
کارگردان: محسن تنابنده



۱ «سرخ پوست»

سرخ پوست

کارگردان: نیماجاویدی



۱ «قصر شیرین»

قصر شیرین

کارگردان: رضامیرکریمی



۱ «تختی»

تختی

کارگردان: بهرام توکلی



«ماجرای نیمروز ۲» در دل سازمان منافقین و اردوگاه اشرف روایت می‌شود. برای مخاطب نسل جوان وارد شدن به جزئیات عقاید و رفتارهای تشکیلاتی منافقین بسیار جذاب است تا کاملاً درک کند که در این اردوگاه جهنمی چه برسر جوانان فریب خورده این مملکت آمده است. مهدویان در اقدامی هوشمندانه با روایت داستان سیما (بهنوش طباطبایی) با نام سازمانی خواهر لیلیا - خواهر کمال و همسر افشین - نگاه ویژه‌ای به زنان سازمان دارد. در حقیقت در سینمای ایران مخاطب برای اولین بار تا این حد آشکار و بی‌پرده با عقاید این گروهک تروریستی و زنان منافق آشنا می‌شود. زنانی چون زهره و سیما که برخلاف القاتلات سازمان نمی‌توانند حس مادری خود را فراموش کنند. سازمانی که با نام اسلام جوانان را فریب داده، اما اعتقادی به ازدواج بر اساس اصول اسلامی ندارد و ازدواج را ابزاری سازمانی می‌داند تا زنان انرژی خود را آزاد کرده و بهتر در خدمت خواهر مریم باشند. سیمیرغ بلورین برای بهترین جلوه‌های ویژه میدانی و جایزه بهترین صداگذاری سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر به رد خون رسید.



«شبی که ماه کامل شد» روایتی عاشقانه زیر سایه ظلم

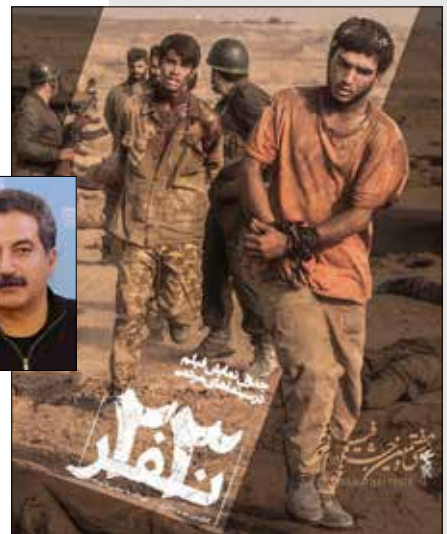
فردای اختتامیه جشنواره فیلم فجر ۹۷ اکثر رسانه‌ها بر این باور بودند که در شب اختتامیه فیلم «شبی که ماه کامل شد» با درو کردن ۷ سیمیرغ در واقع کامل شد. نرگس آبیاری با ساخت فیلم «نفس» نشان داد کارگردانی است متفاوت و با شیبی که ماه کامل شد این موضوع را اثبات کرد. این فیلم برای سیمیرغ بهترین چهره‌پردازی، بهترین طراحی لباس، بهترین نقش مکمل زن، بهترین بازیگر نقش اول مرد، بهترین بازیگر نقش اول زن، بهترین کارگردانی و بهترین فیلم را از آن خود کرد.

شبی که ماه کامل شد، یک عاشقانه در دل خشونت افراطی است. یک داستان پرتنش از یک ماجرای ملتهب معاصر. آبیاری قصه‌اش را روان روایت می‌کند و توانسته به لحنی متناسب با ماهیت قصه دست یابد. این فیلم روایت واقعی از ازدواج عبدالحمید ریگی با فائزه منصوری است که پس از ازدواج به پاکستان فرار می‌کنند و طی ماجراهایی برادر فائزه، شهاب منصوری، توسط عبدالمالک به قتل می‌رسد. انتخاب چنین سوژه پیچیده‌ای توسط نرگس آبیاری به عنوان نویسنده و کارگردان، شجاعتی می‌خواهد که تنها از کارگردان‌های بزرگ سینما برمی‌آید. نرگس آبیاری در «شبی که ماه کامل شد» با وجود پیچیدگی‌ها و سختی‌هایی که چنین اثری با خود به همراه دارد، اما جلوتر از دیگر آثار خودش قرار گرفته است. آبیاری توانسته یکی از مهم‌ترین پرونده‌های امنیتی - تروریستی جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر را با نگاهی زنانه روایت کند. نگاهی از دید زن یک خانواده به عنوان نماد آرامش بر منطق یک تروریست که به نام دین برای جهاد اشک می‌ریزد و به راحتی سربگی‌گناهی را از تن جدا می‌کند. موفقیت شبی که ماه کامل شد تا حد زیادی به بازی قابل تحسین هوتن شکیبا و الناز شاکردوست وابسته است. شخصیت پردازی جالب این دو کاراکتر و بازی‌های خوب آن‌ها باعث شده با یکی از متفاوت‌ترین زوج‌های سینمای ایران در چند سال اخیر روبه‌رو باشیم که چه در بحث عاشقی و چه در مشکلاتشان، تفاوت‌های زیادی با سایر زوج‌ها دارند.



«بیست و سه نفر» حس غرور را زنده می‌کند

فیلم سینمایی بیست و سه نفر، فیلم جدید مهدی جعفری به تهیه‌کنندگی مجتبی فرآورده است. این محصول جدید در حوزه دفاع مقدس توسط مرکز فیلم و سریال سازمان هنری، رسانه‌ای اوج ساخته شده و فیلمبرداری این فیلم در شهرک چهاردانگه تهران بوده است. بیست و سه نفر، روایت گروهی از رزمندگان نوجوان ایرانی است که در جریان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای عراقی درآمدند. مهدی جعفری پیش از این مستند ۲۳ نفر و آن یک نفر را تولید کرده بود که جزو اولین آثار در معرفی نوجوانان حاضر در جنگ بود. مهدی جعفری متولد ۱۳۴۸ در اهواز است. فیلم با یک عملیات آغاز می‌شود، عملیاتی که در آن نیروهای ایرانی، عراقی‌ها را شکست می‌دهند و تعدادی از آن‌ها را به اسارت می‌گیرند. اسارت نیروهای عراقی و تحویل آن‌ها به نوجوانان برای بازگشت به عقب، شروع شخصیت‌پردازی و مواجهه مخاطب با نوجوانان در داستان است. نوجوانانی که فقط گریم و سن آن‌ها در فیلم گویای کم سن و سال بودن آن‌ها نیست،



بلکه فیلمساز با طرح کشمکش آن‌ها بر سر روشن کردن کامیون تانوع برخورد با اسرای عراقی، نوجوان بودن آن‌ها را برای مخاطب می‌سازد. شروعی که بدون اضافه‌گویی و سکانسی زائد با کاتی درست از صحنه بمباران تانک‌ها به صحنه داخل کامیون عراقی‌ها و تصاویر بسته نوجوانان اسیر شده ایرانی، گردشی در داستان ایجاد می‌کند. فیلم از صحنه جدا کردن ۲۳ نوجوان در استخبارات تبدیل به تجربه منحصر به فردی می‌شود؛ تجربه‌ای که با بازی خوب نابازیگران این فیلم مخاطب را با شوخی‌ها، غم‌ها، سختی‌ها و... همراه می‌سازد و بیش از پیش این سؤال را در ذهن مخاطبش تکرار می‌کند که چرا با وجود چنین قهرمان‌های واقعی، سینمای ایران تبدیل به روایت زندگی شخصیت‌هایی خاکستری، آپارتمان‌نشین، خسته و بی‌آرمان شده است. ۲۳ نفر جدای حظی که از خلوص نوجوانان قهرمان و پهلوان ایرانی به ما می‌دهد و جدای فیلمنامه، کارگردانی، موسیقی کار خوب آریا عظیمی‌نژاد و بازی زیبایی نابازیگرانش، تلنگری برای سینمای ایران است. تلنگری که در بین دیالوگ‌های ملاحظه‌شده می‌شود، آن جایی که در زندان بعد از تصمیم به اعتصاب غذا رو به بچه‌ها می‌گوید: «خوش به حال کشوری که بچه‌هایی مثل شما دارد». فیلم ۲۳ نفر فیلم ساده و خوبی است؛ فیلمی که هم حس غرور را در مخاطبان‌ش زنده می‌کند و هم ۹۰ دقیقه مخاطب را راضی نگه می‌دارد. همچنین توانست سیمیرغ زرین بهترین فیلم از نگاه ملی را از آن خود کند.



«قسم» و مراسم قسامه

اصغر رفیعی جیم، فیلمبردار با سابقه کشورمان، بعد از تماشای فیلم «قسم» محسن تنابنده آن را در سینمای ایران شاهکار توصیف کرده و عنوان داشته ساخت آن از عهده هر کسی بر نمی‌آید. داستان فیلم «قسم» بر اساس یک حکم فقهی - حقوقی شکل گرفته است. تنابنده در این فیلم قسامه را مبنای درام قرار داده و داستان را بر اساس آن پیش برده است. قسامه در لغت به معنی سوگند و سوگند خوردگان است. از لحاظ فقهی و حقوقی نیز روشی است که با استفاده از آن، در موارد وجود لوث (شک قوی)، شاک و متهم یا اقوام و خویشاوندان مرد که پیوند خونی با آن‌ها دارند، می‌توانند با سوگند خوردن موجب محکومیت یا برائت کسی از اتهام ارتکاب جنایت شوند. «قسم» یک فیلم جاده‌ای و تک لوکیشن است. تمام فیلم به جز چند سکانس محدود، در اتوبوسی اتفاق می‌افتد که همه خانواده در آن جمع هستند. مهناز افشار و حسن پورشیرازی تنها چهره‌های مطرح «قسم» در صحنه‌های طولانی داخل اتوبوس هستند. کارگردان در این سکانس‌ها از بازیگران ناشناخته استفاده کرده که ریسک بزرگی است. تنابنده، اما استفاده‌ای بهینه از وجه نمکین شخصیت‌ها کرده است و طولی نمی‌کشد که مخاطب با شوخی‌های آن‌ها می‌خندد و کاراکترها را می‌پذیرد. «قسم» گام بلند تنابنده در کارگردانی بعد از «گینس» است؛ فیلمی که در بازه اکران عمومی حتماً محل بحث و نظر خواهد شد. مهناز افشار برای بهترین بازیگر نقش اول زن کاندیدا شد، اما او را و او را شایسته دریافت سیمیرغ ندانستند.



«سرخ پوست»، بازی بارنگ و نور

سرخ پوست ماجرای یک زندان را در حدود سال ۱۳۴۶ روایت می‌کند که قرار است تخریب شود و زندانیان به زندان دیگری منتقل شوند. در این بین، مشخص می‌شود که یک زندانی گم شده است و ماجرا آغاز می‌شود. نوید محمدزاده نقش اصلی این فیلم را بر عهده دارد و برخلاف فیلم‌های گذشته‌اش خود را در سرخ پوست تکرار نکرده در واقع کاراکتر «نعمت جاهد» به طور کلی با همه کاراکترهایی که تا به حال بازی کرده متفاوت است. شخصیت «نعمت جاهد» مثل همه افراد نظامی، یک فرد آرام، خونسرد و البته بسیار جدی است که در لایه‌های درونی شخصیت‌اش نشانی از عاطفه و مهربانی پیدا می‌شود و با آن شخصیت به اصطلاح کله خرابی که از کاراکترهای او سراغ داریم، هیچ نسبتی ندارد. هرچه بازی پربینا از دیدار در این فیلم تماشاگر را غافلگیر نمی‌کند، در عوض نوید محمدزاده آن روی دیگر توانایی‌اش در بازیگری را به مخاطب ثابت می‌کند. «سرخ پوست» فیلم بازی بارنگ و نور است و هر پلان‌ش شبیه یک تابلو نقاشی است، به شدت سینمایی است و با یک فیلمنامه منطبق بر انسجام روایی در آرامش مطلق، با خلق میزانشن‌ها و حضور اصولی کارگردانش، حرفش را می‌زند و قصه می‌گوید. این‌که یک کارگردان در دومین



صحنه‌های دستگیری او از مردم نمایش داده می‌شود. او هیچ چیز را برای خود نمی‌خواهد. در قسمت‌هایی از فیلم نیز به جدال ساواک و حکومت با مردم و اندیشه‌های غلامرضا تختی اشاره می‌شود. ارتباط او با آیت‌الله کاشانی و ارادتش به دکتر مصدق برایش دردسرسازی می‌شود. آن‌ها او را از کشتی محروم می‌کنند، حقوقش را قطع می‌کنند و سرانجام این بی‌مهری‌ها و شایعات ریز و درشت روزنامه‌ها، شرایط بد اقتصادی، مشکلات خانوادگی و اختلاف با همسرش او را به اتاق بیست و سه هتل آتلانتیک می‌کشاند. این فیلم به کارگردانی بهرام توکلی و تهیه‌کنندگی سعید ملکان راهی جشنواره فیلم فجر سال ۹۷ شد و محسن تختی، شاه‌رخ شهبازی، علیرضا گودرزی، حمیدرضا آذرنگ، فرهاد آنیش، ماهور الوند، بهنوش طباطبایی، ستاره پسیانی در آن ایفای نقش کردند. همچنین سیمیرغ بلورین بهترین طراحی صحنه به کیوان مقدم برای فیلم غلامرضا تختی اهدا شد. □



فیلمش بدانند که چه کاری خواهد انجام دهد در جانزند، اتفاق مهمی است، فیلمساز زیبایی‌شناسی را بلد است و نمی‌خواهد که با فرم کارهای عجیب و غریب کند، در این جا محتوا در خدمت فرم است و ساده و بی‌آلایش بدون ادا و اطوار و اضافه کاری‌های بی‌هوده با زبان سینما از مبداء به مقصد حرکت می‌کند و با خلق موقعیت‌های پرفراز و نشیب در دل قصه‌اش و شخصیت پردازی‌های مناسب، همه چیز به طرز شگفت‌انگیزی پیش می‌رود. این فیلم بر اساس فیلمنامه‌ای که جاویدی به نگارش درآورده، ساخته شده است. هومن بهمنش، مدیریت فیلمبرداری «سرخ پوست» را برعهده گرفته تا برای بار دوم همراه نیما جاویدی باشد. محسن نصراللهی، طراحی صحنه این اثر سینمایی را انجام می‌دهد. نوید محمدزاده، پریناز ایزدیار، ستاره پسیانی، آتیلا پسیانی، مانی حقیقی و حبیب رضایی بازیگران این پروژه سینمایی هستند. با وجود این که نوید محمدزاده وجه دیگری از بازی تکنیکال خود را به رخ کشید و جادو برای این فیلم نامزد دریافت سیمرغ بهترین بازیگر مرد شد، اما تنها برداشت سرخ پوست از جشنواره جایزه ویژه هیئت داوران بود.

□ «قصر شیرین»، خیلی دور، خیلی نزدیک

فیلم سینمایی «قصر شیرین» توسط رضا میرکریمی در یاسوج ساخته شده است، میرکریمی، در «قصر شیرین»، بار دیگر به سراغ طبقه کارگر جامعه می‌رود و گرچه انتقادات اجتماعی مختلفی را هم مطرح می‌سازد، اما این انتقادات شالوده اثرش را نمی‌سازد. «قصر شیرین»، بیش از همه رجعت میرکریمی، به فضای قصه‌گوی اثر محبوب جاده‌ای اش، «خیلی دور، خیلی نزدیک» است. مسعود فراسی در نقد فیلم قصر شیرین گفته است که قصر شیرین جزو معدود فیلم‌های است که نگاه سالم دارد و رضا میرکریمی ادا در نمی‌آورد. خیلی سال بود که دو کودک در یک فیلم این قدر به خوبی نقش بازی نکرده بودند. «قصر شیرین» رضا میرکریمی، فیلمی جاده‌ای با مایه‌های ملودراماتیک است در مورد مردی به نام جلال (با بازی خوب حامد بهداد) که مردی تندخو، خشن و لجباز است که همسری را که از او جدا شده از دست داده و فیلم از جایی شروع می‌شود که او برای فروش اتومبیل همسرش به سراغ خانواده او می‌رود و مجبور می‌شود بچه‌هایش را که نزد مادرشان زندگی می‌کرده‌اند بردارد و با آن‌ها راهی سفری دراز در جاده شود. سکانس جریحه‌شدن جلال در جاده، به خاطر داشتن سرعت زیاد و سکانس دعوا و زد و خورد او با برادران شیرین در جاده، از بهترین سکانس‌های فیلم‌اند. این فیلم سیمیرغ بلورین جشنواره فجر ۹۷ در بخش بهترین موسیقی متن و بهترین فیلمنامه را به نام خود ثبت کرده است.

□ «تختی» برای دومین بار ساخته شد

همواره پرداختن به قهرمانان برای سینمایی‌ها و سازندگان فیلم جذاب بوده از این رو برای دومین بار در سینمای ایران، زندگی جهان پهلوان تختی به نمایش کشیده شده است. وقتی از غلامرضا تختی صحبت می‌کنیم، انگار هاله‌ای غم همه جا را فرا می‌گیرد. غمی که همه کس و همه چیز را فلج می‌کند و مثل طعمی تلخ زیر زبان می‌دود. تختی، با همه قهرمانی‌ها و پهلوانی‌هایش، روزهای آخر عمر را در تنهایی، دور از کشتی و به دور از مردم سپری کرد و مرگش با همه راز و رمزهایش شد زخمی بر سینه همه ایرانیان؛ چه آن‌ها که با او زندگی کرده بودند و او را می‌شناختند و چه نسلی که هیچ‌گاه او را روی تشک کشتی ندید. نسلی که فقط شنیده هنگام زلزله بوئین زهرا، یک تنه در خیابان‌ها راه افتاد و کمک جمع کرد، نسلی که بیشتر از یک قهرمان، تختی را به عنوان یک پهلوان می‌شناسد. این فیلم نه درباره مرگ مرموز جهان پهلوان تختی که درباره زندگی اش بود. فیلم از قرائت وصیت‌نامه جهان پهلوان شروع می‌شود، سکانس بعد «آقا تختی» در اتاق بیست و سه هتل آتلانتیک مشغول به هم زدن قرص در لیوان آب است که به گذشته و «چاله آب سیاه» بیغوله‌های جنوب تهران پرتاب می‌شود، به کودکی تلخ و فقرو پدر آس و پاس شده که پول دستی می‌خواهد و نمی‌دهندش، به کتک‌کاری‌های خشن توی پسله‌ها و آلونک‌ها، به باربری در شرکت نفت مسجد سلیمان. به مادرش، به دست‌های مادرش و نیکم‌چوبی پدر نیمه دیوانه و صدای تق و تق چکش و میخ روی چوب‌های پاره پاره. روی اعصاب. بقیه فیلم روایت خبرنگاری است که از نزدیک تختی را می‌شناخته و چندین بار با او مصاحبه گرفته است. تمرکز فیلم بر جنبه مردمی شخصیت جهان پهلوان تختی است. در فیلم مدام از

□ حسین منزوی

لخوشم با کاشتن هر چند با آن داشتن نیست
گریندی برداشت کارم جز به خیره کاشتن نیست
سرخوش از آواز مستان در زمستانم که قصدم
لانه را مانند مورا ز دانه ها انباشتن نیست
حرص محصولی ندارم مزرع عمر است و این جا
در نهایت نیز با هر کاشتن برداشتن نیست
سخت می گیرد جهان بر سختکوشان و از آن روز
چاره آزاده ماندن غیر سهل انگاشتن نیست
گر به خاک افتم چو شب پایان چه یک از آن که کارم
چون مترسک قامت بی قامتی افراشتن نیست
از تودل کندن نمی دانم که چون دامن ز عشق است
چاره دست همتم را جز فرونگذاشتن نیست
سر به سجده می گذارم با جبین منکسر هم
در نماز ما شکستن هست اگر نگذاشتن نیست

عاشق چگونه با آتش برف می سوزد؟

زمستان و حال و هوای منحصر به فرد آن چه در وجه واقعی و عینی آن
چه از لحاظ کارکرد کنایی و استعاری از دیرباز در آثار شعرا حضور پررنگی
داشته است. به مناسبت بدرقه این فصل زیبا، نمونه‌هایی از اشعار



دلنشین درباره زمستان را مرور می‌کنیم. ■

□ محمد علی بهمنی

آن بهاری باغ‌ها و این بیابانی زمستان
ناگهان دیدم که دور افتاده‌ام از هم‌راهانم
مانده با چشمان من دودی به جای دودمانم
ناگهان آشفته کابوسی مرا از خواب کهفی
دیدم آو خ قرن‌ها راه است از من تا زمانم
ناشناسی در عبور از سرزمین بی نشانی
گرچه ویران خاکش اما آشنا با خشت جانم
ها... شناسم این همان شهر است شهر کودکی‌ها
خود شکستم تک چراغ روشنش را با کمانم
می‌شناسم این خیابان‌ها و این پس کوچه‌ها را
بارها این دوستان بستند بر دشمنانم
آن بهاری باغ‌ها و این زمستانی بیابان
ز آسمان می‌پرسم آخر من کجای این جهانم؟
سوز سردی می‌کشد شلاق و می‌چرخاند و من
در در احس می‌کنم در بند بند استخوانم
می‌نشستم از زمین سرزمین بی گناهم
مشت خاکی روی زخم خونفشانم می‌فشانم
خیره بر خاکم که می‌بینم زکرت زخم‌هایی
می‌شکوفد سرخ گل‌هایی شبیه دوستانم
می‌زنم لبخند و برمی‌خیزم از خاک و بدینسان
می‌شود آغاز فصل دیگری از داستانم

□ محمد کاظم کاظمی

ای ابر سردکوش زمستان! در کیسه دریده چه داری؟
باز آمدی چه سرب و چه سنگی بر شهر بی سبیده بهاری؟
ای ماه محرم شب این شهر! یک دم نقاب ابر بر افکن
تا شهریان خفته به بخ را در کوچه و گذر بشماری
بخ بسته شد نفس به گلو هم، خون کسان به کوچه و جو هم
آن سوی کوه ساکت و سنگی، ای آفتاب! گرم چه کاری؟
کودک نشست و اسپیک چوبی سوزانده اجاق تهی شد
مردان هنوز بر سر چالش، مردان هنوز گرم سواری
گفتند «برف شعر سپید است، یا نقل آستانه عید است
این هابه‌یمن خون شهید است» زن گفت «خون شوهرم، آری!»
می‌گفت «جای برف چه می‌شد ای آسمان! ستاره بیاشی
تا یک بغل ستاره بریزم یک امشب میان بخاری
تا یک بغل ستاره روشن، مرگ لجوج را بفریب
تا خواب نان گرم ببینند این کودکان خفته به خواری
تا خواب روز عید ببینند، تصویر یک شهید ببینند
در جشن بی سرود گل سرخ، در دشت لاله‌های بهاری»
رفتار سرد برف شب و روز، برخورد گرم سرب نهان سوز
این است تار سیدن نوروز تقدیر شهر سوخته، باری

۴ پروین اعتصامی

به ماه دی، گلستان گفت با برف
بسی باریده‌ای بر گلشن و راغ
بسی گلبن، کفن پوشید از تو
شکستی هر چه را، دیگر نپوست
هزاران غنچه نشکفته بردی
چو گستردی بساط دشمنی را
بگفت ای دوست، مهر از کینه بشناس
هزاران راز بود اندر دل خاک
بهر بی توشه ساز و برگ دادم
بهار از دکه من حله گیرد
من آموزم درختان کهن را
مرا هر سال، گردون می فرستد
چمن یکسر نگارستان شد از من
به گل گفتم رموز دلفریبی
ز من، گل های نوروزی شب و روز
چو من گنجور باغ و بوستانم
مرا با خود ودیعت هاست پنهان
هزاران گنج را گشتم نگهبان
دل و دامن نیالودم به پستی
سپیدم زان سبب کردند دربر
قضایس کار بشمرد و به من داد
برای خواب سرو و لاله و گل
به خیری گفتم اندر وقت سرما
به بلبل گفتم اندر لانه بنشین
چو نسیرین اوفتاد از پای، گفتم
شکستم لاله را ساغر، که دیگر
فشردم نرگس مخمور را گوش
چو سوسن خسته شد گفتم چه خواهی
ز برف آماده گشت آب گوارا
بهار از سردی من یافت گرمی
نه گندم داشت برزبرگ، نه خرمن
اگر یک سال گردد خشکسالی
از این پس، باغبان آید به گلشن
روان آید به جسم، این مردگانرا
درختان، برگ و گل آرند یکسر
بچهر سرخ گل، روشن کنی چشم
نثارم گل، ره آوردم بهار است
عروس هستی از من یافت زیور
خبرده بر خداوندان نعمت

۴ سید حسن مبارز

ماییم و انتظار فراوان، بدون برف
آیا شنیده اید زمستان، بدون برف؟
دی ماه رفت و بهمن و اسفند این چنین
دارند می رسند به پایان بدون برف
ای ابرهای سربه هوا لحظه ای درنگ
هرگز میاد کوچه، خیابان بدون برف!
صبح بدون سرزدن عشق، غربت است
هرگز میاد کوه و بیابان بدون برف
سخت است درتهاجم عصیان قدم زدن
در کوچه های سرد خراسان بدون برف

۴ حمید درویشی

تورا شیرین ترین لیلای دوران، دوستت دارم
چنان فرهاد مجنون از دل و جان دوستت دارم
تو ای سلطان قلبم، بامن درویش درآلود
چه خوش سرکرده ای بالقمه ای نان، دوستت دارم
انیس روزهای تلخ و شیرین در کنار من
دمی بنشین و این تشویش بنشان دوستت دارم
مرا با آفتاب بودند دلگرم خواهی کرد
تویی بر این شب شوریده پایان دوستت دارم
برای لحظه های قهر نه، یک لحظه بعد از آن
برای لحظه های بوسه باران دوستت دارم
در این فصل پراز نیرنگ مثل تو نخواهم یافت
گل روییده در برف زمستان دوستت دارم
کم است این شعر عشق من فراتر از نوشتن هاست
فراوان در فراوان در فراوان دوستت دارم

۴ نزار قبانی

وقتی باد پرده های اتاق را به اهتزاز درمی آورد
و مرا عشق زمستانی ات را به یاد می آورم
آن هنگام، به باران پناه می برم تا به سرزمین دیگری بیارد
به برف، تا شهرهای دیگری را سفید پوش کند
و به خدا، تا زمستان را از تقویمش پاک کند
چون نمی دانم بی تو، چگونه زمستان را تاب آورم
ای که چون زمستانی
و من دوست دارم
دستت را از من بگیر
برای بالاپوش پشمینات
از بازی های کودکانم مترس
همیشه آرزو داشته ام
روی برف، شعر بنویسم
روی برف، عاشق شوم
و دریا بم که عاشق
چگونه با آتش برف می سوزد □

که ما را چند حیران می گذاری
چه خواهد بود گرزین پس نیاری
بسی کردی به خوبان سوگواری
زدی هر زخم، گشت آن زخم کاری
نوید برگ سبزی هم نیاری
هزاران دوست را کردی فراری
زمانا بد به جز تیمار خواری
چه کردستیم ما جز رازداری
نکردم هیچ که ناسازگاری
شکوفه باشد از من یادگاری
گهی سرسبزی و گه میوه داری
به گلزار از بی آموزگاری
چرا نقش بد از من می نگاری
به بلبل، داستان دوستاری
فرا گیرند درس کامکاری
درین گنجینه داری هر چه داری
زدوران بدین بی اعتباری
بدین بی پای و ناپایداری
بری بودم زنگ بد شعاری
که باشد جامه پرهیزکاری
هزاران کار کردم گر شماری
چه شب ها کرده ام شب زنده داری
که میل خواب داری؟ گفت آری
که ایمن باشی از باز شکاری
که باید صبر کرد و بردباری
ننوشد می به وقت هوشیاری
که تا بیرون کند از سر خماری
بگفت ار راست باید گفت، یاری
گوارائی رسد زین ناگواری
منش دادم کلاه شهر یاری
نمی کردیم گر ما پرده داری
زبونی باشد و بد روزگاری
مرا بگذشت وقت آبیاری
ز باران و ز باد نو بهاری
بدل برف بر بهی گردد نزاری
نه بیهوده است این چشم انتظار
ره آورد مرا هرگز نیاری
تو اکنون از منش کن خواستگاری
که ما کردیم این خدمتگزاری

فردوسی یک حکیم است

خوشبختانه ادبیات سلف ما همه‌اش در جهت ارزش‌های الهی و اسلامی است؛ از جمله همین شاهنامه که شما به آن اشاره کردید. اول انقلاب عده‌ای از مردم با اخلاص بی‌اطلاع رفته بودند قبر فردوسی را در توس خراب کنند! وقتی من مطلع شدم، چیزی نوشتم و فوراً به مشهد فرستادم؛ که آن را بردند و بالای قبر فردوسی نصب کردند؛ نمی‌دانم الان هم هست یا نه. بچه‌های حادی که به آن جامی رفتند، چشمشان که به شهادت بنده می‌افتاد، لطف می‌کردند و می‌پذیرفتند و دیگر کاری به کار فردوسی نداشتند! حقیقت قضیه این است که فردوسی یک حکیم است؛ تعارف که نکردیم به فردوسی، حکیم گفتیم. الان چند صد سال است که دارند به فردوسی، حکیم می‌گویند. حکمت فردوسی چیست؟ حکمت الهی اسلامی.

شما خیال نکنید که در حکمت فردوسی، یک ذره حکمت زردشتی وجود دارد. فردوسی آن وقتی که از اسفندیار تعریف می‌کند، روی دینداری او تکیه می‌کند. می‌داند که اسفندیار یک فرد متعصب مذهبی مبلغ دین بوده که سعی کرده پاکدینی را در همه جای ایران گسترش بدهد. تیپ اسفندیار، تیپ حزب‌اللهی‌های امروز خودمان است؛ آدم خیلی شجاع و نترس و دینی بوده است؛ حاضر بوده است برای حفظ اصولی که به آن معتقد بوده و رعایت می‌کرده، خطر بکند و از هفت خان بگذرد و حتی با رستم دست و پنجه نرم کند. وقتی شما شاهنامه را مطالعه می‌کنید، می‌بینید که فردوسی روی این جنبه دینداری و طهارت اخلاقی اسفندیار تکیه می‌کند. با این‌که فردوسی اصلاً بنا ندارد از هیچ‌یک از آن پادشاهان بدگویی کند، اما شما ببینید گشتاسب در شاهنامه چه چهره‌ای دارد، اسفندیار چه چهره‌ای دارد؛ این‌ها پدرو پسر هستند. فردوسی بر اساس معیارهای اسلامی، به فضیلت‌ها توجه دارد؛ در حالی که بر طبق معیارهای سلطنتی و پادشاهی، در نزاع بین گشتاسب و اسفندیار، حق با شاه است. «به نیروی یزدان و فرمان شاه» یعنی چه؟ یعنی هر چه شاه گفت، همان درست است؛ یعنی حق با گشتاسب است؛ اما اگر شما به شاهنامه نگاه کنید، می‌بینید که در نزاع بین اسفندیار و گشتاسب، حق با اسفندیار است؛ یعنی اسفندیار یک حکیم الهی است. فردوسی از اول با نام خدا شروع می‌کند - «به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگردد» - تا آخر هم همین‌طور است؛ فردوسی را با این چشم نگاه کنید. فردوسی، خدای سخن است؛ او زبان مستحکم و استواری دارد و واقعاً پدر زبان فارسی امروز است؛ او دلباخته و مجذوب مفاهیم حکمت اسلامی بود؛ شاهنامه را با این دید نگاه کنید.

البته بعضی‌ها زردشتی مسلکند، بعضی‌ها هم زردشتی مسلک نیستند. آن‌هایی که زردشتی مسلکند، خوششان می‌آید که به زردشتی‌گری تظاهر کنند و چیزی درباره‌ی فردوسی بگویند؛ اما حقیقت قضیه که این نیست. این شاهنامه فردوسی در مقابلمان است. شما خیال می‌کنید که اگر در شاهنامه فردوسی چیزی برخلاف



دیدگاه رهبر معظم انقلاب درباره فردوسی و شاهنامه

فردوسی ایران را سروده است

فردوسی شاعر حماسه‌سرا با اثر ستیغ خود علاوه بر خلق یک اثر ادبی، تاریخ پهلوانی ایرانیان را از دریچه خرد و حکمت بازگو کرده است. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در مناسبت‌های مختلف به جنبه‌هایی از این اثر و خالق آن اشاراتی داشته‌اند که در این مطلب گزیده‌هایی از آن را مرور می‌کنیم. ■



.....

اکنون احساس من آن است که دولت موظف است با همت به کار در این بخش بپردازد و آن چه تاکنون شده بسی کمتر از اندازه بایسته است. (یادداشت رهبرانقلاب در بازدید از آرامگاه فردوسی در روز ۱۹ تیرماه سال ۷۵)

۱. فردوسی در قلعه است

من موافقم که از «فردوسی» تجلیل شود، شاهنامه تحلیل شود و حکمت فردوسی استخراج گردد تا همه بدانند که این حکمت، اسلامی است یا غیراسلامی. این بزرگداشتی هم که برگزار شد، اصلاً به دستور و خواست من بود؛ منتها چون اواخر ریاست جمهوری ام بود، به آقای مهندس «حجت» گفتم که دنبال نمایید و فردوسی را بزرگ کنید. فردوسی باید هم بزرگ شود. فردوسی در قلعه است. امیدواریم کم کاری - که دوستان اشاره کردند - گریبان ما را نگیرد تا حکمت فردوسی را بیان کنیم. ما هستیم که اسم او را «حکیم ابوالقاسم فردوسی» گذاشتیم؛ دشمنان دین که این اسم را گذاشته اند. خوب؛ این حکیم چه کسی است و حکمت او چیست؟ آیا حکمت زردشتی است، حکمت بی دینی است، حکمت پادشاهی است یا حکمت اسلامی؟ این را می شود در آورد. اگر کسی به شاهنامه نگاه کند، خواهد دید که یک جریان گاهی باریک و پنهان و گاهی وسیع، از روح توحید، توکل، اعتماد به خدا و مجاهدت در راه حق در سرتاسر شاهنامه جاری است. این را می شود استخراج کرد، دید و فهمید. مخصوصاً بعضی از شخصیت های شاهنامه خیلی برجسته هستند که این ها را باید شناخت و استخراج کرد. من یک وقت گفتم که «اسفندیار»، مثل این بیجه حزب الهی های امروز خود ماست؛ در فرهنگ شاهنامه یک حزب الهی غیور دین خواه مبارز وجود دارد. بله؛ این کارها را شما بکنید تا دیگران نکنند. شما که نکردید، دیگران می کنند. (سخنان حضرت آیت... خامنه ای در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم در روز هشتم بهمن سال ۸۱)

۱. داستان سرایی

روح داستان سرایی در ایران ضعیف نیست؛ دلیلش هم داستان های فردوسی و مولوی است. (سخنان رهبری در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون در روز ۲۳ خرداد سال ۸۵)

۱. معارف ناب دینی

اگر بخواهید به لوازم بسوه بودن والگو بودن عمل کنید، بایستی معرفت دینی و معرفت اسلامی خودتان را عمق ببخشید؛ و این در گذشته شعرما وجود داشته. شما نگاه کنید، شاعران برجسته ما اغلب - حالا نمی گویم همه - اینجورند؛ از فردوسی بگیرند تا مولوی و سعدی و حافظ و جامی. فردوسی، حکیم ابوالقاسم فردوسی است. به یک آدم داستان سرا، اگر صرفاً داستان سرا و حماسه سرا باشد، حکیم نمی گویند. این «حکیم» را هم ما نگفتیم؛ صاحبان فکر و اندیشه در طول زمان او را حکیم نامیدند. شاهنامه فردوسی پراز حکمت است. او انسانی بوده برخوردار از معارف ناب دینی. (سخنان رهبر فرزانه انقلاب در دیدار جمعی از شعراء در روز ۲۴ مرداد ماه سال ۹۰) □

اگر کسی به شاهنامه نگاه کند، خواهد دید که یک جریان گاهی باریک و پنهان و گاهی وسیع، از روح توحید، توکل، اعتماد به خدا و اعتماد به حق و مجاهدت در راه حق در سرتاسر شاهنامه جاری است. این را می شود استخراج کرد، دید و فهمید. مخصوصاً بعضی از شخصیت های شاهنامه خیلی برجسته هستند که این ها را باید شناخت و استخراج کرد. من یک وقت گفتم که «اسفندیار» مثل این بیجه حزب الهی های امروز خود ماست

مفاهیم اسلامی وجود داشت، این قدر در جوامع اسلامی جامی افتاد؟ شما می دانید که در این نسل های گذشته، مردم ما چه قدر دینی بوده اند. در کدام خانه و کدام مدرسه و کدام محله، شاهنامه نبود یا خوانده نمی شد؟ همه جا می خواندند و منافاتی هم با مفاهیم اسلامی نمی دیدند. (سخنان رهبری در دیدار اعضای گروه ادب و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران در پنجم اسفند سال ۷۰)

۱. نمی توانم تا آخر رستم و سهراب را بخوانم

خدایم داند تا به حال بارها این داستان را در شاهنامه نگاه کرده ام، ولی نتوانسته ام آن را تا آخر بخوانم، باور می کنید؟ داستان رستم و سهراب به شکل های مختلف تحریر شده؛ به صورت نثر هم نوشته شده. اما من نثرش را هم نتوانستم بخوانم. خلاصه، نمی توانم تا آخرش را بخوانم. (سخنان رهبرانقلاب در دیدار گروه نمایش صدا در روز ۲۹ دی ماه سال ۷۰)

۱. حکمت قرآنی

نمی دانم شما آقایان چقدر با شاهنامه مانوسید. من با شاهنامه مانوسم. حکمت شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، حکمت اوستایی نیست؛ حکمت قرآنی است. اگر کسی به شاهنامه دقت کند، خواهد دید فردوسی ایران را سروده، اما با دید یک مسلمان؛ آن هم یک مسلمان شیعه. بیان زندگی قهرمان ها و پهلوان ها و شخصیت های مثبت مثل رستم و اسفندیار در شاهنامه، در اندیشه های اسلامی ریشه و ظهور و بروز دارد. عکس آن، شخصیت های منفی مثل تورانی ها یا بعضی از سلاطین، مثل کیکاووس شخصیت هایی هستند که در تفکر اسلامی به وضوح کوبیده شده اند. اما تفکر اوستایی چیست و چیزی که می تواند حکمت اوستایی را به ما نشان دهد، کجاست؟ زمان فردوسی هم پیش از الان نبوده. این طور نیست که ما خیال کنیم زمان فردوسی تفکر اوستایی آشکارتر بوده؛ خیر، آن وقت هم پیش از آنچه الان مادر اختیار داریم، نبوده است. لذا حکمت قرآنی، همان حکمت ملی بومی و ایرانی ماست. (سخنان رهبری در بازدید از نمایشگاه مینیاتور و نگارگری، در حسینیه امام خمینی در روز دهم شهریور سال ۷۲)

۱. بزرگ و نامدار

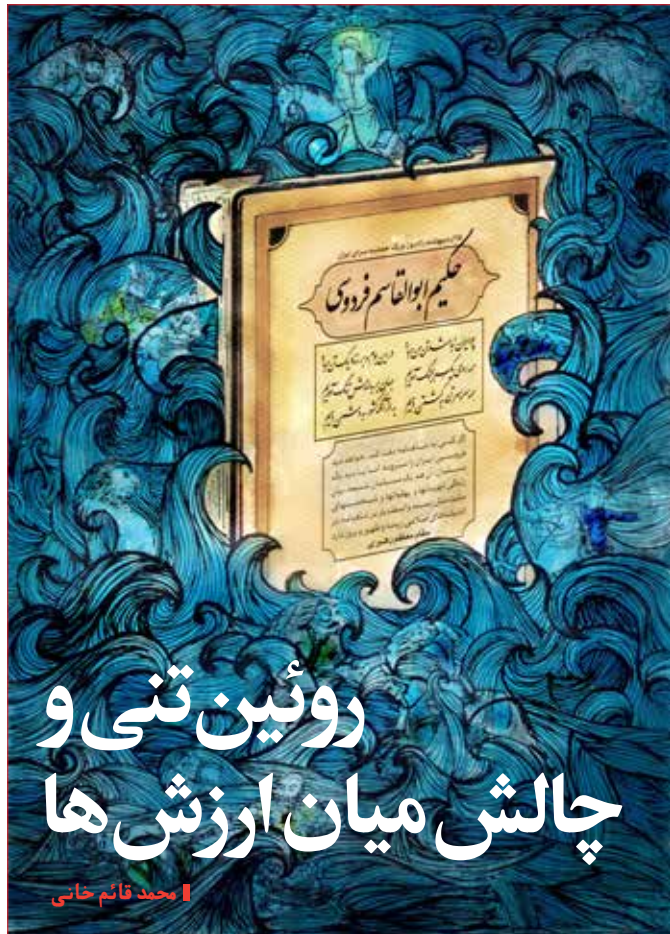
خدا را شکر که در حاشیه زیارت تابستانی مشهد مقدس رضوی علیه آلاف التحیه توفیق بازدید از مقبره فردوسی بزرگ و نامدار در شهر تاریخی و پر قصه توس نیز دست داد. اگرچه در گذشته آن مقبره و برخی یادگارهای تاریخی دیگر موجود در آن جا رادیده بودم، اما این بار هم به خاطر اهتمام به جانب مهم فرهنگ و تاریخی آن، و هم به خاطر کارهای خوب آبادانی و زیباسازی که در آن انجام شده است، و هم نیز به خاطر خبرهای اسف انگیزی که از غارت ذخیره کم نظیر موجود در این منطقه به من رسیده بود، آن را با دقتی بیشتر و با انگیزه و میل و شوری مضاعف نگاه کردم، و

حکومت دینی را در دست بگیرد. پدر هم به لیاقت او اذعان دارد، اما نمی‌خواهد قدرت را تحویل بدهد. این کشمکش ادامه دارد تا این که شاه پیشنهاد می‌دهد اسفندیار بعد از آخرین مأموریت، بر تخت بنشیند.

اما این مأموریت، سرنگونی فلان شورشی یا جنگ با نیروی خارجی نیست، بلکه دربند کردن رستم است که در سیستان به حکمرانی خویش مشغول است و اظهار نوکری به حکومت تازه نمی‌کند. از همین جا چالش بین ارزش‌ها درون نفس اسفندیار آغاز می‌شود. او می‌فهمد که پدر تنها به دنبال بهانه است ولی از طرف دیگر مخالفت با پادشاه را هم مخالف عقاید خود می‌داند، که «چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه». نوع فرمان پدر به گونه‌ای است که اسفندیار در عاقبت در گرفتار جنگ با رستم شک نمی‌کند. که همان طور هم شد و رستم زیر بار خفت دست بسته به درگاه شاه رسیدن نرفت و بعد از همه نصیحت‌ها، تا پای جنگ ایستاد. اسفندیار با اصل جنگ هم مخالف است، جنگ دو پهلوان نامدار ایرانی که نتیجه‌ای جز تضعیف ایران، و البته تمديد چند صباح حکومت پدر ندارد. اما او چه باید بکند؟ او که دین جدید و حکومت دینی جدید، قائم به رشادت‌های اوست، چه تصمیمی باید بگیرد؟ در درون به رستم حق می‌دهد که زیر بار نرود، ولی در بیرون و ظاهر، کاملاً از فرمان شاه حمایت می‌کند. موقعیت اسفندیار این است؛ حمایت از بالاترین مقام حکومت دینی و عمل به دستوری که او صادر کرده ولی شخص اسفندیار درستی آن را قبول ندارد.

همین موقعیت است که همه طرح و توطئه‌های اسفندیار و رستم را برای پیشگیری از وقوع جنگ، نقش بر آب می‌کند. هر دو می‌خواهند از این جنگ ناخواسته فرار کنند، اما تعهداتشان اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. اسفندیار دل به آیینی دارد که امروز با حکومت پدر نالایش رونق و شکوت گرفته، و رستم روح جوانمردی و عزت نفسی دارد که «تسلیم شدن و خوار گشتن» را به او اجازه نمی‌دهد. هر دو پیشنهادهایی به طرف مقابل می‌دهند تا کار به نقطه درگیری نرسد، ولی فایده‌ای ندارد. از نظر فردوسی تقدیر بر آن است که اهل غرور را به سعادت و فلاح راهی نباشد، هر چند بر مسیر حق باشند و مجاهدت‌ها در راه آن کرده باشند، و هدف درستی را در پیش گرفته باشند. با آن که فردوسی کشته شدن آن چنانی اسفندیار را تقدیری ناگزیر می‌داند، اما تصمیم خود او را هم در چنین سرانجامی مقصر می‌شناسد. با آن که در هنگام ارائه داستان، در زمان تصمیم‌گیری اسفندیار مبنی بر رفتن به سیستان یا نرفتن، ماجرا را به گونه‌ای روایت می‌کند که سرپیچی اسفندیار از فرمان شاه را غیرممکن نشان می‌دهد، اما باز هم در آخر کار، انجام این امر محال را از اسفندیار توقع می‌کند و انجام ندادنش را بر او نمی‌بخشاید، هر چند می‌داند که اسفندیار راهی جز آن چه انجام داد، نداشته است.

تسلیم شدن در برابر خیره‌سری و غروری که جای حق طلبی و پاک‌دینی را اشغال کرده است، نتیجه‌ای جز هلاکت و پشیمانی ندارد. چه بسا خون اسفندیارانی که فدای جاه‌طلبی دنیاخواهان شود. ■

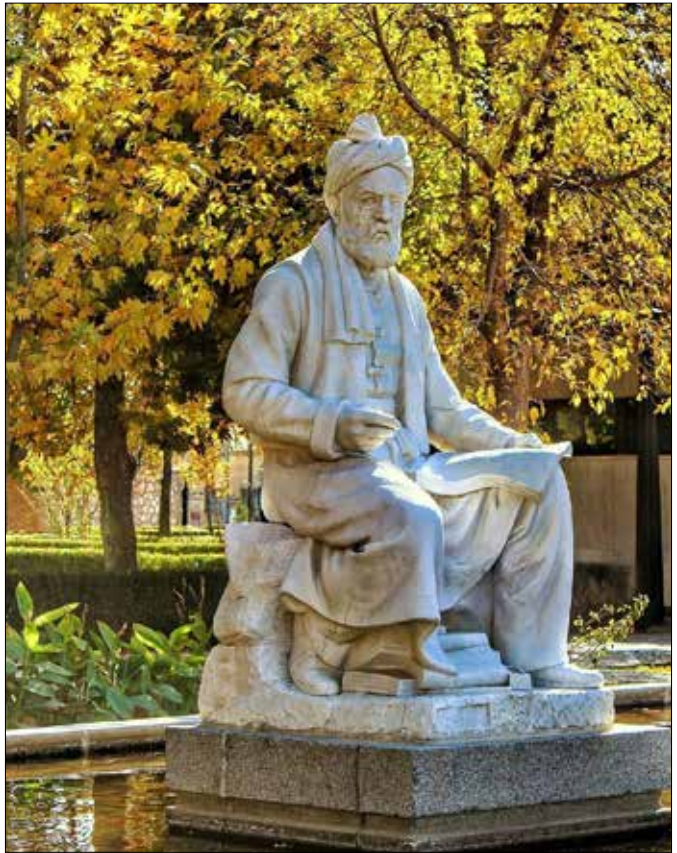


روئین‌تی و چالش میان ارزش‌ها

محمد قائم‌حانی

یکی از کارهایی که باید در تحلیل تراژدی‌ها انجام شود، جستجوی «موقعیت» مرکزی روایت است. دقت شود که جستجوی موقعیت یک «کار» اعلام شده که باید به تحلیل اصل تراژدی بازگردد، پس یقیناً منظور نمی‌تواند تنها بررسی توالی «صحنه»‌های داستان باشد. «موقعیت» هر تراژدی، وضعیت خاص جهان پهلوانان و قهرمانان آن قصه در نسبت با همدیگر و نیز اراده خدا(یان) است. بنابراین در فهم موقعیت باید به دنبال کلیت بود و نه بی‌بوسه‌تار روایت. برای این که چنین کاری در مورد تراژدی رستم و اسفندیار انجام شود، باید عالم اسفندیار و رستم و وضعیت ایران را شناخت. محوریت این شناخت هم با شخص اسفندیار است. شناخت اسفندیار می‌تواند کلید فهم این تراژدی باشد. ■

اسفندیار «پهلوانی است در خدمت حکومت پاک‌دینی». به نظر می‌رسد این ترکیب، بهترین نمایاننده موقعیت اسفندیار در تراژدی مقابل به رستم است. اسفندیار به آیین زردشتی اعتقاد دارد، و برای گسترش اصول آن می‌جنگد. او ایران را برای بسط آرمان‌های زردشت می‌خواهد و برای رسیدن به آن آرمان‌ها، از فدا کردن هیچ‌کس خود ابا ندارد. از آن طرف، به او روئین‌تی بخشیده شده تا در برابر نیروی زمینی آسیب‌ناپذیر شود. در اثر رشادت‌های بسیاری از مؤمنان به زردشت از جمله خود اسفندیار، حکومت دینی بر ایران حاکم شده و پیام دین پاک به همه جارسیده است. اما مشکل کوچکی پیش روی اسفندیار وجود دارد. او با پدری روبه‌روست که شاه است و فره ایزدی دارد، اما لیاقت نشستن بر تخت حکومتی این چنین را ندارد. برای همین مدعی نشستن بر جای پدر است، تا شخصی لایق، زمام امور



۱ با حماسه مشکل حل می شود

ایشان با تأکید بر این که با گریه مشکل حل نمی شود، با حماسه مشکل حل می شود، ادامه دادند: ما فردوسی کم داریم البته باید دانست که مثل فردوسی شدن کار آسانی نیست؛ او حکیم، فیلسوف و ادیب نام آوری بود. وی بیان کرد: صدرالمتهالین برای کسی حساب باز نمی کرد و یادم نمی آید جایی از شاعران نامی بیاورد، فقط یک جانم حافظ را می آورد تا برای بحث نبوت و اثبات این که نبوت با کار و کسب و تلاش و درس به دست نمی آید، شاهد مثال بیاورد: «دولت آن است که بی خون دل آید به کنار / ورنه با کسب و عمل باغ جهان این همه نیست.»

ایشان با تأکید بر این که فردوسی می خواهیم تا این انقلاب را تبیین کند، عنوان کرد: دومین شاعری که او نامش را ذکر می کند مرحوم فردوسی است. حتماً می دانید که مقام علمی او چنان بلند بود که می توانست چنین بیتی را بسراید و جرأت نکنند به او گزندی برسانند: «درست این سخن گفت پیغمبر است / که من شهر علمم علی ام دراست» نام مبارک حضرت امیر در آن دم و دستگاه جرمی نابخشودنی بود فقط به دلیل عظمت فردوسی، این گفته اش را تحمل کردند.

ایشان با بیان این که فردوسی در توحید الهی، شعری عظیم و فیلسوفانه دارد، اظهار داشت: به همین دلیل است که مرحوم صدرالمتهالین به عنوان سند آن را ذکر می کند: «خداوند بالا و پستی تویی / ندانم چه بی هر چه هستی تویی» تفسیر درست این شعر این است که «همه حقیقت هستی تویی»

مثل فردوسی شدن کار آسانی نیست

۱ آیت ا... العظمی جواد آملی

۱ با شعرای آیینی نمی توانیم شرف ایران را حفظ بکنیم

آیت ا... جواد آملی با تأکید بر این که فردوسی با آن عظمت، ایران را با دست خالی رستم و اسفندیار حفظ کرد، گفت: ما صدها رستم تربیت کردیم. رستم کجا و این عزیزان ما کجا؟ اما امروز ما فردوسی ای می خواهیم که عظمت انقلاب را تبیین کند. ما با شعرای آیینی نمی توانیم شرف ایران را حفظ بکنیم، نه آن ها چنین درکی دارند و نه از آن ها می توانیم متوقع باشیم و نه اصولاً از چنین راهی مقدور است. ایشان با بیان این که پیروزی در جهاد مقدس هشت ساله و ۱۰ ساله اهمیتی ندارد، تأکید کرد: پیروزی دیگری مهم است که نیاز به فردوسی دارد. یادمان هست که پس از پذیرش قطع نامه و حمله صدام به عراق، ما می توانستیم به رژیم بعثی ضربه بزنیم و بخشی از خاک شان را تصرف کنیم چون طبق قطع نامه ما از آن ها طلبکار بودیم اما ما چنین کاری نکردیم، و گفتیم که ما قطع نامه را امضا کردیم.

ایشان تأکید کرد: مردانگی این است که طبق خواسته دین، پای امضای خودمان بنامیم. چنین عظمت و شرفی را در کجا سراغ داریم؟ این مردانگی نیاز به فردوسی دارد تا آن رابه شعر در آورد. □



با توجه به حمله های مختلفی که در قرون متمادی بر ایران وارد می شد، بسیاری از اهالی ادب بر این باورند که اگر شاهنامه فردوسی نبود، زبان و دین مردم ایران زمین امروز متفاوت بود از آنچه که امروز هست؛ از این رو نخستین روز بهمن ماه به مناسبت زادروز این شاعر به نام فردوسی در تقویم ثبت شده است. آیت ا... جواد آملی در بخشی از این سخنرانی خود در همایش ملی فرهنگ دفاعی - امنیتی به اهمیت حماسه پرور پرداخته و می فرمایند: در این مملکت، ما گریه زیاد می کنیم و کار خوبی هم هست، شعرهای آیینی زیادی داشتیم و داریم و سرودن شعر آیینی هم کار خوبی است. اما این مملکت همه اش گریه نیست، جای مرحوم فردوسی خالی است و حتماً امثال شما باید به فکر باشید که شعرای فردوسی منش تربیت کنید تا حماسه را در این کشور زنده نگه بدارند. ■



برای نخستین بار ملک الشعرا بهار ثابت کرد این ابیات اشتباهی به همراه چهار بیت دیگر در مجله آینده به مدیریت محمود افشار در آذرماه ۱۳۲۳ به نام فردوسی به چاپ رسیده است.

آبی تراز آتیم که بی رنگ بمیریم

در کتاب پایه یازدهم باز هم اشتباه دیگری قابل مشاهده است. در صفحه ۸۲ این کتاب و در درس روان خوانی، دو بیت شعر آورده و آن را به شخصی به نام «اصغر رباط» نسبت داده‌اند، در صورتی که این شعر برگرفته از غزلی است از «محمد عبدی بابل‌سری».

انتساب اشتباهی شعری به سهراب

چند وقت پیش تصویری در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد؛ تصویری در صفحه ۴۹ کتاب درسی پایه یازدهم با شعری که زیر آن نام سهراب سپهری به عنوان شاعر درج شده بود، اما شعرا سهراب سپهری نبود، بلکه از شاعری به نام کیوان شاهی‌دانی بود که شعرش را به سبک سهراب سپهری سروده بود. نکته این جاست که این شعر چطور به کتاب درسی راه یافته است؟ یعنی نویسندگان کتاب‌های درسی برای نمونه به دنبال شعری می‌گشته‌اند و با جستجویی دروب، به این شعر سهراب رسیده‌اند؟

نسبت دروغ به مولانا

در صفحه ۳۱ کتاب درسی فارسی نهم دو بیت زیر را به مولانا نسبت داده‌اند، این در حالی است که این اشعار از مولوی نیست.

تاتوانی می‌گریز از یارید / یار بدتر بود از یار ما
یار بد تنها تو را بر جان زند / یار بد بر جان و بر ایمان زند

پای عطار هم به این اشتباهات باز شد

در درس ستایش کتاب ادبیات فارسی پایه دهم، ابیاتی را به عطار نسبت داده‌اند که در الهی‌نامه نسخه فؤاد روحانی نیامده است. جالب این‌که مؤلفان کتاب درسی در بخش منابع، منبع این ستایش را الهی‌نامه عطار به تصحیح فؤاد روحانی، ذکر کرده‌اند! دکتر شفیع کدکنی هم در تصحیح «الهی‌نامه» معتقد است این ابیات از عطار نیست. دو بیت از این ابیات الحاقی را در ادامه خواهید خواند.

چو در وقت بهار آبی به دیدار
حقیقت پرده بردارد ز رخسار
فرخ رویت اندازی سوی خاک
عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

وقتی زال تبدیل به زاغ می‌شود

تصویر دیگری که در شبکه‌ها دست به دست شد، تصویر یکی از صفحات کتاب درسی پایه پنجم چاپ سال ۱۳۹۶ بود که داستان «زال و سیمرغ» را به اشتباه نوشته بود: «زاغ و سیمرغ». این اشتباه را می‌توان یک اشتباه نگارشی ساده دانست، اما آیا ویراستاران، کتاب‌های درسی را به درستی بازمینی نمی‌کنند؟ □

نگاهی به اشتباهات در کتاب‌های فارسی دانش‌آموزان وقتی زال، زاغ می‌شود

بی‌تردید کتاب‌های درسی قدر و منزلتی هم‌ارز دایره‌المعارف‌ها، سندها و متن‌های قانونی و رسمی دارند، برای همین باید از هرگونه خطا و اشتباهی مبرا باشند. علت با اهمیت بودن آن‌ها این است که دانش‌آموزان در سال‌های کودکی و نوجوانی، اولین جرقه‌های آشنایی‌شان با ادبیات کشور توسط این کتاب‌ها زده می‌شود و هرگونه اشتباهی می‌تواند در ذهن کودکان و نوجوانان نقش ببندد که تصحیح آن در سال‌های آینده بسیار دشوار خواهد بود. در این بین، در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی که مبنای آموزش زبان فارسی و آشنایی با ادبیات این مرز و بوم است، اشتباه‌هایی به چشم می‌خورد که احساس می‌شود هنگام تألیف آن‌ها فقط بر اساس جستجو در گوگل و به استناد آن در کتاب‌های درسی اضافه شده‌اند و هیچ تلاشی برای بررسی درستی و نادرستی آن‌ها نشده است. در این گزارش «خراسان» به بهانه انتساب شعری به فردوسی در کتاب ادبیات نهم متوسطه، چند نمونه از این اشتباهات را مرور کرده است. ■

«چو ایران نباشد تن من مباد» سروده فردوسی نیست

محسن احمدوندی، از دبیران زبان و ادبیات فارسی، در یادداشتی که به تازگی توسط خبرنگار گروه آموزش زبان و ادب فارسی فرهنگستان زبان منتشر شده، به انتساب اشتباه یک سروده معروف به فردوسی در کتاب ادبیات فارسی پایه نهم پرداخته است که ما نیز در ۶ مرداد به آن اشاره کرده بودیم. در درس هشتم کتاب فارسی پایه نهم، با عنوان «همزیستی با مام میهن» به قلم فریدون اکبری شلدره از اعضای هیئت تألیف کتاب‌های درسی، وی شعر زیر را به فردوسی نسبت می‌دهد.

ندانی که ایران نشست من است / جهان سر به سر زیر دست من است
همه یک دلانند و یزدان شناس / به گیتی ندارند در دل هراس
همه سر به سرتن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم
دریغ است ایران که ویران شود / کنام پلنگان و شیران شود
چو ایران نباشد تن من مباد / در این بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سرتن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم



« کتاب

گفتگوی اختصاص مهر و ماه با نویسنده هلال احمری کتاب «دستان خدا»، گزارشی از رونمایی کتاب خاطرات رهبر انقلاب به زبان عربی در بیروت، گفتگو با نویسنده مجموعه داستان «نعلین‌های آلبالویی»، نقدی درباره معنا و مفهوم هستی در همین اثر مطالب ابتدایی این بخش هستند. سپس به معرفی چند اثر پرداخته‌ایم: رمان «فرار از شب» که روایت داستان زندگی زن و مردی است که یکی از بادیه و دیگری از شهر به رسم عشق با هم آمیخته‌اند و ادامه روزهای عاشقانه‌شان مصادف است با آخرین روزهای حضور رسول خدا در مکه، نجواهای شاعرانه عالمان دین با امام عصر (عج)، رمان سه‌شنبه که در جریان سفر شخصیت اصلی داستان به شهرهای اصفهان، شیراز، اهواز، آبادان و بوشهر روایت می‌شود و به گفته نویسنده‌اش در آن تجربه شهر و سفر در کنار هم قرار گرفته‌اند، رمان «خلوت مدیر» که به دردهای یک مدیر مدرسه پسرانه در جنوب شهر تهران در میانه سال‌های ۵۵ تا ۵۷ می‌پردازد و کتاب «آبولانس پنج ضلعی» که خاطرات داستانی حمید بوربور را از امداد رسانی در عملیات کربلای پنج روایت می‌کند.



رونمایی از «ان مع الصبر نصرا» در بیروت

«گفتگو» در ترسیم آینده مطلوب، نقش کلیدی دارد

سفر پسر صحرا

خاطرات رهبرانقلاب به زبان عربی منتشر شد

رونمایی از «ان مع الصبر نصراً» در بیروت

ایشان همواره سرمنشأ تحقق دستاوردهای زیادی به ویژه در مرحله‌ای که امت ما با چالش‌ها و فشارهای فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کند، بوده است.

معرفی توسط سید حسن نصر...

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصر... دبیرکل حزب... لبنان، در مراسم جشن ۴۰ سالگی انقلاب در مجمع سیدالشهدا(ع) ضاحیه جنوبی بیروت، به معرفی کتاب



خاطرات مبارزات رهبرانقلاب از زبان خودشان که به عربی گفته شده است، پرداخت. وی در پایان سخنرانی خود گفت: «اکنون دوست دارم توجه شرکت‌کنندگان در این مراسم را به وجود کتابی تحت عنوان «ان مع الصبر نصراً» جلب کنم. این کتاب شامل روایت‌هایی است که به طور مستقیم توسط امام خاتمه‌ای و به زبان عربی نقل شده است. در این کتاب می‌توان با زبان عربی امام خاتمه‌ای به خوبی آشنا شد؛ زبانی که زیباتر، بلیغ‌تر و رساتر از زبان بسیاری از کسانی است که خود را رهبران جهان عرب می‌دانند. ایشان در این کتاب خاطرات خود از زمان کودکی تا پیروزی انقلاب اسلامی را به زبان عربی نقل کرده‌اند.

آیین رونمایی از کتاب «ان مع الصبر نصراً» که شامل خاطرات حضرت آیت‌ا... خاتمه‌ای از دوران مبارزه علیه رژیم پهلوی است و توسط خود ایشان به زبان عربی گفته شده، در بهمن ماه در بیروت برگزار شد.



در این مراسم دکتر محمدعلی آذرشب، استاد دانشگاه تهران که مسئولیت گردآوری این کتاب را بر عهده داشت، در سخنانی با اشاره به اهمیت انتشار این کتاب گفت: «ان مع الصبر نصراً» شامل مقدمات رویدادهایی است که در انقلاب اسلامی اتفاق افتاد و پیام‌های بسیار زیادی به ویژه برای جوانان دارد و آن‌ها را به ایستادگی، مقاومت و صبر دعوت می‌کند. محمدعلی شریعتمداری رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لبنان نیز با اشاره به تصویری که از شخصیت آیت‌ا... خاتمه‌ای که در کتاب منعکس شده است، تأکید کرد: راوی کتاب یعنی آیت‌ا... سیدعلی خاتمه‌ای همچون یک فرد عادی و مبارز به بیان خاطراتش در این کتاب پرداخته است، چرا که ایشان به تجربه خود در مراحل پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران اشاره نکرده‌اند و با ادبیات یک رهبر سخن نگفته‌اند. در بخش دیگری از این مراسم، خانم آلاء موسی، پیام جوانان عرب خطاب به رهبرانقلاب اسلامی راقرائت کرد که در آن بابت توجه و اهتمام ویژه ایشان، قدردانی به عمل آمده است. وی گفت: سخنان و رهنمودهای آیت‌ا... خاتمه‌ای همواره در ذهن و قلب ماست و هرگاه که دستان ظلم، عرصه را بر ماتنگ کنند، با سخنان ایشان خود را قوی می‌سازیم. همچنین شیخ علی دیموش، نایب رئیس شورای اجرایی حزب... نیز در بخش دیگری از مراسم رونمایی کتاب، با تأکید بر لزوم معرفی شخصیت آیت‌ا... خاتمه‌ای برای جهانیان، گفت: مسئولیت ما اقتضا می‌کند که شخصیت آیت‌ا... خاتمه‌ای را به امت اسلامی و جهان عرب و همچنین نسل‌های دیگر معرفی کنیم و بشناسانیم. حکمت، صبر و شجاعت

گفتاری از دکتر محمدعلی آذرشب

خاطرات رهبرانقلاب به زبان عربی چگونه تدوین شد؟

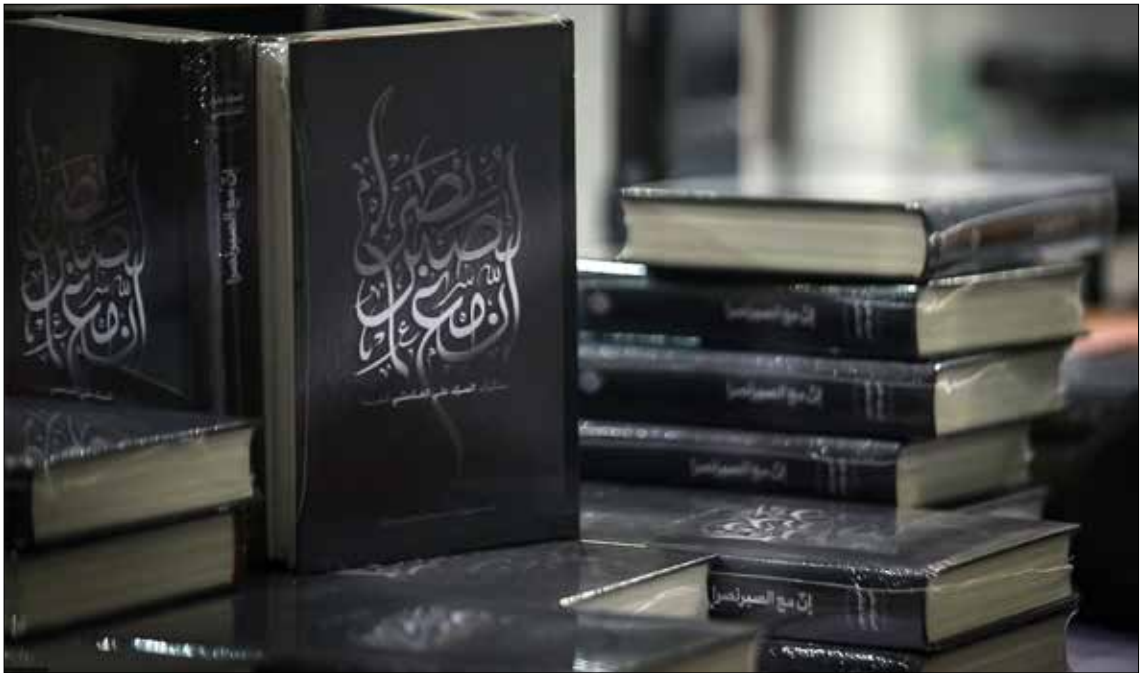
حضرت آیت‌ا... خاتمه‌ای یک فقیه و ادیب و بیک ناقد ادبی هستند. معمولاً فقهای بزرگ جهان اسلام - چه سنی و چه شیعه - ارتباطشان با ادبیات عرب و با زبان عربی بسیار گسترده است و هرچه ذوق ادبی‌شان بیشتر شود، ذوق فقهاتی‌شان هم بیشتر می‌شود. امکان ندارد یک کسی ذوق فقهی خوبی داشته باشد، بدون این که ذوق ادبی هم داشته باشد، خصوصاً در ادبیات عرب و در زبان عربی.

زبان فقه و زبان تمدن اسلامی

حضرت آیت‌ا... خاتمه‌ای نیز با ادبیات عرب آشنایی کاملی دارند، به خاطر این که شخص فقیه، باید آشنایی کامل با زبان عربی داشته باشد. استناد فقیه به قرآن و سنت است و قرآن و سنت در درجه بالای زبان و ادبیات عرب است. بنابراین فقیه نه تنها باید به طور کامل به زبان عربی آشنا باشد، بلکه ذوق ادبی عربی هم باید داشته باشد. ادبای ایران نیز - چه ادبای قدیم و چه بسیاری از ادبای معاصر - با زبان عربی آشنایی کامل دارند و ذوق ادبی عربی هم دارند. دیوان حافظ را که با می‌کنید، غزل «الا یا ایها

«ان مع الصبر نصراً» عنوان کتاب خاطرات خودگفته حضرت آیت‌ا... خاتمه‌ای از دوران مبارزه علیه رژیم پهلوی به زبان عربی است که طی مراسمی در بیروت رونمایی شد. این کتاب توسط دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا... العظمی خاتمه‌ای، همزمان با ایام دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی منتشر شده و ترجمه فارسی آن نیز به زودی روانه بازار خواهد شد. دکتر محمدعلی آذرشب استاد دانشگاه تهران که مسئولیت گردآوری این کتاب را بر عهده داشته است در گفتاری به شرح چگونگی تهیه این کتاب می‌پردازد:





انقلاب از رهگذر نگارش این کتاب قصد دارند با زبان خود جوانان و ملت‌های جهان عرب، با آن‌ها سخن بگویند. این کتاب همان‌طور که در ابتدا گفتم، مشتمل بر تجربه‌ها و خاطرات شخصی امام خامنه‌ای از فداکاری‌های بزرگ، مظلومیت‌ها و درد و رنج‌های فراوانی است که ایشان و بسیاری از یاران امام خمینی (ره) در جریان فعالیت‌های انقلابی متحمل شدند. لذا این کتاب، کتابی مهم و مبارک است. □

البته در این کتاب سخنی از مراحل مابعد از پیروزی انقلاب اسلامی به میان نیامده است. ایشان، این خاطرات را با یک زبان عربی زیبا و بدیع، روایت کرده‌اند. من پیش‌تر با رهبر انقلاب دیدار کرده و با ایشان به زبان عربی سخن گفته بودم و از نوع سخن گفتن ایشان به زبان عربی آگاه بودم؛ کما این که تدریس‌های ایشان به زبان عربی را نیز پیشتر شنیده بودم. اما زمانی که کتاب «ان مع الصبر نصراً» را خواندم، از بلاغت، طراوت، زیبایی و متانت در زبان عربی ایشان غافلگیر شدم. این ویژگی‌ها به ویژه در مقدمه کتاب نمایان‌تر است؛ مقدمه‌ای که رهبر انقلاب آن را با دست چپ و به زبان عربی نگاشته‌اند. امیدوارم که این کتاب را مطالعه کنید و مورد توجه همگی شما قرار گیرد، چرا که رهبر

تمدنی که همان زبان عربی است، انگشت بگذارد.

□ ماجرای «ان مع الصبر نصراً»

با این مقدمه‌ای که گفتم، آیت‌الله... خامنه‌ای سال‌ها پیش جلساتی داشتند که در آن به زبان عربی صحبت می‌کردند؛ جلساتی درباره ادبیات عرب قدیم و معاصر. گاهی در لایه‌های صحبت‌ها خاطراتی هم بیان می‌کردند. به ایشان در آن جلسات گفتیم که شما که دارید به زبان عربی صحبت می‌کنید، امکان دارد که خاطراتتان را از ابتدا بیان کنید تا این خاطرات تدوین و منتشر بشود و درس باشد برای دیگران؟

ایشان هم گفتند با کمال میل و همان لحظه بسم‌الله... الرحمن الرحیم گفتند و شروع کردند به گفتن خاطرات؛ از کودکی تا دوران مبارزه، از مجاهدت‌ها و زندان‌ها و تبعید و شکنجه‌ها گرفته تا کارهای میدانی و درس‌ها و نویسندگی‌شان. همین‌طور ادامه دادند تا خاطرات رسید به آغاز انقلاب اسلامی. این خاطرات تدوین شد و شد کتاب «ان مع الصبر نصراً». □

الساقی ادر کاساً و...» رامی بینید؛ یعنی هیچ‌گاه ادبیات عربی از ادبیات فارسی جدا نیست. علاوه بر این‌ها زبان عربی فقط زبان عرب‌ها نیست، بلکه زبان تمدن اسلامی است. هر جای دنیا که مسلمان ببینید، کم‌وبیش آشنایی با زبان عربی از نظر قرائت یا تلاوت یا استماع وجود دارد. هر جایی که تمدن اسلامی وجود دارد، زبان عربی هم هست. ایران گهواره تمدن اسلامی است، در عین حالی که گهواره زبان و ادبیات عرب است؛ بزرگ‌ترین نحوی دانان عربی ایرانی‌اند، بزرگ‌ترین بلاغیون زبان عربی ایرانی‌اند، بزرگ‌ترین مفسرینی که به زبان عربی تفسیر نوشته‌اند ایرانی‌اند.

بنابراین زبان عربی هیچ‌وقت از زبان فارسی جدا نبوده است، بلکه هرچه یک ادیب فارسی زبان آشنایی بیشتری با زبان عربی داشته باشد، ادبیات فارسی‌اش هم قوی‌تر است. زبان عربی و زبان فارسی هر دو زبان تمدن اسلامی است؛ مثلاً اقبال لاهوری یک روز هم به ایران نیامده، ولی تمام دیوان‌های شعرش به زبان فارسی است. این نشان می‌دهد که زبان فارسی چون با زبان قرآن پیوند خورده یکی از زبان‌های تمدن اسلامی شده است. پس هیچ‌گاه زبان عربی یک زبان بیگانه از زبان فارسی نبوده است.

در دانشگاه و دانشکده ادبیات هم در دسته‌بندی‌ها، تمام زبان‌های خارجی را به دانشکده زبان‌های خارجی بردند، اما زبان عربی در دانشکده ادبیات ماند، چون این زبان یک زبان خارجی نیست؛ این زبان تمدن اسلامی و مکمل زبان فارسی است. اساس عشق و علاقه رهبر انقلاب به زبان عربی، به خاطر فقهت ایشان، ادیب بودن ایشان، ناقد بودن ایشان و داعیه ایشان بر تمدن اسلامی است. چون هر کس داعیه تمدن اسلامی دارد باید روی مهم‌ترین عامل ایجاد وحدت

نویسنده کتاب «نعلین‌های آلبالویی»:

«گفتگو» در ترسیم آینده مطلوب، نقش کلیدی دارد

محمد قائم خانی

سؤال بعدی من این است که حضور پررنگ قصه در این کتاب، باعث نشده است که شما از فرم غافل بشوید. جابه‌جا مواردی یافت می‌شود که تلاش شما را برای شکستن فرم‌های مألوف داستان‌های قصه‌گو نشان می‌دهد. از نظر شما فرم چقدر برای نوشتن داستان مهم است و نویسنده به چه اندازه باید به آن اهمیت بدهد؟

حتماً که فرم برای همه نویسندگان مهم است و من هم سعی می‌کنم هم به آن وفادار باشم و هم فرم‌های جدید را تجربه کنم. فرم یا ساختار، چیزی است که وابسته به خلاقیت نویسنده است و اتفاقاً در جذابیت داستان هم می‌تواند مؤثر باشد، اما انتخاب فرم و طراحی آن برای خود من چیزی مستقل از نوشتن داستان نیست. یعنی ماهیت خود داستان است که فرم را تشکیل می‌دهد و به پیش می‌برد.

یادم هست یک بار خانم «فریبا وفی» حتی این را مطرح کردند که خودشان هنوز تعریف درست و دقیقی از عناصر داستان نمی‌دانند و تفکیک آن‌ها از هم برایشان سخت است، چرا که در فرآیند نوشتن، همه این‌ها به شکل ناخودآگاه شکل می‌گیرد و قوام پیدا می‌کند و نویسنده نمی‌تواند فرم و محتوا را دیگر عناصر داستان را به شکل جدا از هم ببیند و برایش تصمیم بگیرد.

ضمناً به نظر من یافته‌ها و تجربه‌های جمعی ما از ساختار و فرم داستان، کمی غیرمنطقی و حتی به ضرر کلیت داستان بوده است. از منظر تاریخی هم به قول «حمیدرضا شاه‌آبادی»، اگر نویسندگان ما بیش از «هدایت» به سمت «جمال‌زاده» توجه می‌کردند و قصه‌گویی در داستان اهمیت بیشتری پیدا می‌کرد، شاید داستان امروز ما وضعیت بهتری داشت. سعی من به عنوان نویسنده‌ای که بیشتر دنبال طرح معانی است، این بوده که فرم را هماهنگ با کلیت داستان به کار ببرم و اصطلاحاً دچار «فرم‌زدگی» نشوم.

جایی هم اگر بتوانم از الگوهای مرسوم و کلیشه‌ای در فرم و ساختار داستان عبور کنم و قالبی نو برای قصه‌گویی داستان طراحی کنم، حتماً این کار را می‌کنم. البته این ریسک دوسر است و احتمال عدم موفقیت هم وجود دارد. در این مجموعه داستان، یکی از جنبه‌های ساختاری که برای خود پررنگ تر است، فاصله گرفتن از قواعد رئالیسم محض است. یکی - دو داستان این مجموعه در فضایی شبیه داستان‌های «رئالیسم جادویی» روایت شده است که تجربه جدید و لذت بخشی برای خودم بود. جالب است که همین یکی دو ماه قبل که کتاب «رئالیسم عرفانی» جناب محمد رودگر را می‌خواندم، بیش از پیش متوجه شدم که این سبک داستانی، ظرفیت‌های خوبی برای طرح در ادبیات ما دارد و باید بیشتر به آن توجه کنم.

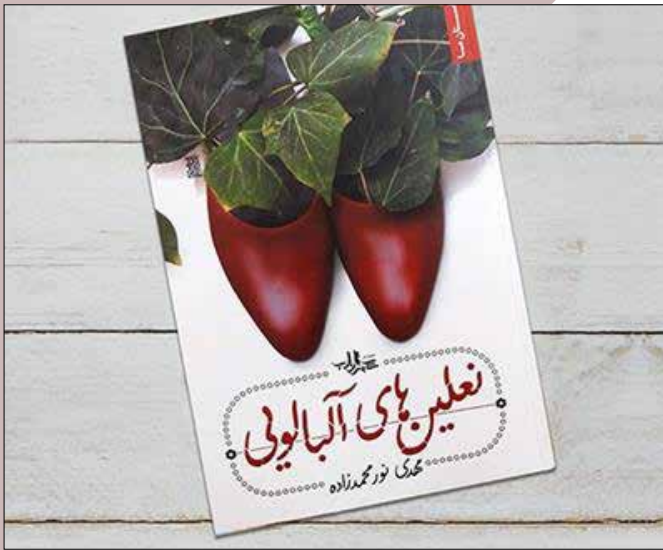
همین‌طور اشتراک داستان‌ها در اهمیت دادن و روایت «موقعیت»‌های داستانی مختلف و متفاوت، دیگر ویژگی ساختاری برخی داستان‌های این مجموعه است که امکان و فرصت قضاوت خوانندگان در مورد شخصیت‌های داستان را به شکل بهتری فراهم می‌کند.

مجموعه داستان «نعلین‌های آلبالویی» در ۱۰۷ صفحه منتشر شده و شامل ۸ داستان کوتاه است. هر داستان ما را بر سر دوگانه‌های اساسی زندگی انسان ایرانی در قرن حاضر قرار می‌دهد و از چگونگی حل مسائل می‌پرسد. شاید در ابتدا به نظر برسد که «نعلین‌های آلبالویی» برای پاسخ به این سؤالات نوشته شده، ولی آنچه که خواننده پس از خواندن مجموعه همراه خود می‌برد، چالش‌هایی بسیار جدی پیش روی زندگی در دنیای امروز است، هر چند داستان‌های این مجموعه هیچ‌گاه از امید خالی نیست. «نعلین‌های آلبالویی» نوشته مهدی نورمحمدزاده است. او متولد ۱۳۵۸ تبریز و مهندس الکترونیک مخابرات است. برای داستان «عشق روزهای آپولو» برگزیده پنجمین جشنواره داستان انقلاب در بخش داستان کوتاه شد که در مجموعه «نعلین‌های آلبالویی» چاپ شده است.

ابتدا بابت انتشار کتاب تبریک می‌گویم. امیدوارم راه خود را میان اهالی ادبیات باز بکنند. شاید خوب است برای سؤال اول برویم سراغ قصه. داستان‌های این کتاب، توجه ویژه‌ای به قصه دارند و کشش خوبی در روایت ایجاد می‌کنند. به همین دلیل مشکل چندانی هم برای ایجاد تعلیق ندارند. این جایگاه ویژه قصه در کتاب، به موضوع شما در مورد قصه بازمی‌گردد یا مناسب حال و هوای این کتاب است؟ به عبارت دیگری می‌توان پرسید آیا شما اساساً خودتان را نویسنده‌ای قصه‌گو می‌دانید، یا بسته به فضا و ایده داستان در این باره تصمیم می‌گیرید؟

من هم خدمت شما عرض سلام و تشکر دارم و امیدوارم ما محصل حرف‌ها بمانم در مورد کتاب «نعلین‌های آلبالویی»، برای مخاطبان هم مفید باشد. واقعیت این است که سال‌های اول که سراغ داستان نویسی رفتم، قصه‌گویی در داستان را چندان مهم نمی‌دانستم و تمرکز بیشتر روی طراحی فرم و ساختارهای متفاوت در داستان بود. اما چندسالی می‌شود که موضوع من در خصوص اهمیت قصه‌گویی در داستان تغییر کرده است. راستش حالا معتقدم هر داستانی حتماً باید قصه‌ای جذاب برای روایت داشته باشد، وگرنه به سختی می‌تواند مخاطب را با خود همراه کند. در این مجموعه هم این دیدگاه حاکم است و داستان‌ها از همان شروع، قصه‌ای خاص را روایت می‌کنند، هر چند که به تناسب فضای داستان‌ها تأکید بر قصه هم در آن‌ها متفاوت است.

سیر تحول داستان و سینما در سال‌های اخیر تقریباً متمایل به قصه‌گویی بوده است. تحلیل چرایی این موضوع، بحث مفصلی است که بماند، اما شخصاً دوست دارم بتوانم طوری داستان بنویسم که یک مخاطب عمومی داستان را هم جذب کند. البته این به معنی بی‌توجهی به محتوای جدی و قابل تأمل در داستان نیست، اما سعی می‌کنم در لایه اول داستان که همان قصه و روایت است، جذابیت و سادگی را حفظ کنم. مثلاً داستان «آشنوگل» این مجموعه، در ظاهر قصه‌ای معمایی و پلیسی دارد، اما برای مخاطبی که اهل تأمل است، یقیناً جنبه‌های محتوایی قابل توجه هم می‌تواند پیدا کند. با همه این‌ها هنوز هم بعضی وقت‌ها با برخی دوستان و آشنایان روبه‌رو می‌شوم که به خوبی نمی‌توانند با داستان‌هایم ارتباط بگیرند و معتقدند داستان‌های من کمی پیچیده هستند.



است و البته داشته‌های اصلی ما هم در آن است. وضعیت امروز هم در مخاطره افتاده هرچند سیاه نیست. ولی آینده در ابهام فرورفته است. حرکت رو به جلو هست، فضای کتاب ایستا و بی حرکت نیست، ولی توان لازم هم برای پیش رفتن وجود ندارد. انگار انرژی مان ته کشیده و نیاز داریم برای حرکت به چیزی متوسل شویم که در یکی دو داستان یک چیزهایی از گذشته پیدا می شود، ولی در بقیه نه. چقدر موافقید که رنگ آینده در این کتاب، کمی مات و تصویرش مبهم است؟

اتفاقاً من هم با شما موافقم. در داستان های من، آینده تعریف شفاف و روشنی ندارد. چون خودم هم هیچ تعریف دقیقی و خوشایندی از آینده ندارم. اصلاً به نظرم غالب نویسندگانی که علاقمند طرح «معنا» در داستان‌شان هستند و در فضای ایران امروز می نویسند، چنین وضعیتی دارند. مشکل اصلی این است که هویت ما به عنوان ایرانی مسلمان پس از انقلاب، در جهان امروز به صورت دقیق و شفاف تعریف نشده است. البته ریشه این مشکل هم فلسفی است. متفکران بزرگ ما در دوره اخیر، برخلاف سال های اول انقلاب که فکر می کردند در همه حوزه های فکری و عملی پاسخ و راهکار دارند و تمدن غرب را به چالش خواهند کشید، حالا دچار تردید هستند و باور چندانی به امکان تحقق شعارها و رجزهای آن دوران ندارند. به عنوان نمونه می توانم به نامه ها و صحبت های اخیر دکتر داوری اردکانی اشاره کنم که از منتقدان اصلی غرب بوده و هستند.

با این وضع آشفته و مبهم چطور باید از آینده حرف بزنیم؟! در علم «آینده پژوهی» صحبت از آینده محتمل و آینده مطلوب است و تلاش برای سوق دادن آینده محتمل به سمت آینده مطلوب. مشکل ما این است که تعریف شفاف و عمیقی از آینده مطلوب نداریم و در فضای رسانه ای هم بیشتر دنبال طرح اتوپیا یا همان آرمان شهر بوده ایم که شعار است و نسبتی با جهان داستان ندارد. از طرفی آینده های محتمل ما هم، وضعیت خوشایندی نیستند که برای رسیدن به آن و طرح ابعاد آن دست و پا بزنیم!

بنابراین فارغ از آموزه های دینی و اعتقادی که به آن ها باور دارم، در نگاه تحلیلی، آینده برای من نویسنده هرچند سیاه سیاه نیست، اما مبهم است! آینده برای من، شاید چیزی مثل «حال غلیظ شده» است، مگر این که اتفاق های دیگری در عالم بیفتند. من به جای روایت آینده مبهم، گذشته پرنگ و حال پرچالش و گاهی کسل کننده امروز را روایت می کنم تا شاید حواسمان ناخواسته به سمت آینده مطلوب و تعریف آن متوجه شود. یک چیزی را هم مطمئن هستم، این که در ترسیم آینده مطلوب و گذر از آینده های محتمل ناخواستیند، «گفتگو» نقش کلیدی دارد و باید بیش از پیش به آن بها بدهیم. در داستان های این مجموعه هم گفتگو عنصر مهمی است و چالش برخی شخصیت های داستان، ناتوانی در پیش بردن گفتگو است. در کار بعدی ام که آن شا... یک رمان خواهد بود، به این موضوع ها بیشتر پرداخته ام. □

دو عنصر خیلی نیرومند در این کتاب هست؛ یکی جنگ هشت ساله و دیگری آموزش و علم و تکنولوژی. انگار دو قطب هستند که مضامین کتاب راتحت تأثیر قرار می دهند و هرکدام هم ویژگی های خاص خود را دارند. برای داستان های معطوف به جنگ، گذشته سنگین تر است و امروزه روز به خاطر خبط و خطاها دچار چالش شده؛ و برای داستان های دسته دوم، همیشه یک چیزی هست که نمی گذارد همه چیز سر جای خودش باشد، مثل داستان نعلین های آلبالویی یا داستان آخر. انگار وضعیتی از خودمان را پیش چشم ما قرار داده اید که متوجه شویم، ناقص هستیم و از هر طرف می رویم، یک جای کارمان می لنگد. نظرتان در این باره چیست؟

در مراحل نوشتن این کتاب، موضوع جنگ یا علم و تکنولوژی، موضوعیت اصلی برای من نداشته است؛ یعنی قصدم این نبوده که این موضوع ها را محور داستان هایم قرار دهم، بلکه این موضوع ها صرفاً بستر روایت داستان را شکل می دهد. نکته مهم برای من ترسیم موقعیت هایی بود که شخصیت ها در این بسترها با آن روبه رو می شوند. مثلاً در داستان «قوس قزح مجاز»، هرچند بحث تلگرام و چت مطرح است، اما مضمون اصلی، چالش های عمیق فضای مجازی است که همه با آن به نوعی درگیر هستیم. من سعی کرده ام محتوای داستان، ارتباط مستقیم و محکم با خود تلگرام نداشته باشد، تا ارزش و جایگاه آن با رفتن تلگرام و آمدن یک پیام رسان دیگر دچار خدشه نشود. از این جهت نگاه داستان ها به ماهیت تکنولوژی است نه صرفاً مظاهر آن!

با این توضیح، بله تا حدی با حرف شما موافقم. مخصوصاً در خصوص روایت هایی که از دوران جنگ می شود و کفه روزهای گذشته در آن ها سنگین تر است. به هر حال جنگ، معنای عمیق و بزرگی برای همه ما دارد و هنوز هم یکی از مضامین خوب و پرچاذه برای طرح داستان است. نگاه داستانی من به موضوع جنگ، از دو زاویه متفاوت است. نگاه اهالی جنگ و به تعبیر خودم «اصحاب جنگ» که به آرمان ها و ارزش های اخلاقی و معنوی آن دوران، اعتقاد دارند و جنگ را به منزله مکاشفه جمعی و تاریخی برای ملت ما می بینند و از آن یاد می کنند، و نگاه آن هایی که در بحران مسائل نبوده و نیستند و از تبعات تلخ جنگ متأثر شده اند؛ اتفاقاً همین گروه در حقیقت آسیب دیدگان واقعی جنگ هستند! سعی من این بوده و هست که نگاه هر دو بخش را در داستان هایم روایت کنم، چون شرایط واقعی زندگی خودم هم طوری بوده که هر دو دیدگاه را از نزدیک لمس و تجربه کرده ام. تا حد امکان سعی می کنم از کلیشه و شعارهای رایج در داستان های جنگ فاصله بگیرم و حتی مضامین فضای جنگ را به شرایط، چالش ها و مشکلات جامعه امروزمان پیوند بزنم.

به عنوان سؤال آخر، به نظر نمی رسد وزن آینده در داستان های این کتاب کم باشد؟ گذشته، سنگین

درباره معنا و مفهوم هستی در «نعلین‌های آلبالویی»

رازهای دیدنی جهان

| مهدی طهماسبی

برای منی که تشنه دیدن آوای نی ای هستم که در عین تشویش، آرامش بخش و دستگیر آدمیان است، این کتاب نوید تولدی دیگر بود؛ نگفتم نشان تولد یک نوای ماندگار، بلکه نوید تولد بود. باید دید که این نوید تولد در سالیان آینده چه در خود خواهد داشت. اولین نکته که می‌توانم درباره کتاب «نعلین‌های آلبالویی» مطرح کنم، نثر متین و پالایش‌کننده کتاب است. برای توضیح بیشتر اجازه بدهید از اشعار حافظ یادی کنم؛ به عنوان مثال، دوبیت زیر را ببینید:

بیاتاکل برفاشانیم و می در ساغر اندازیم / فلک راسقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم
اگر غم لشکر انگیزد و خون عاشقان ریزد / من و ساقی به هم سازیم و بنیادش بر اندازیم

صحنه ترسیم شده در این دوبیت، بسیار شورانگیز و شلوغ است و در خود عناصر تشویش‌زایی همچون لشکر غم‌رانیز جای داده است؛ اما بر ایند کُل شعر، در پایان، نه تنها منجر به مشویش شدن قلب و دل خواننده نمی‌شود، بلکه دل را از تشویش‌ها و توجه‌های ناسوتی پالایش می‌کند و لحظاتی آن را تهی از تمناها و مشتتهای می‌گرداند. لحظاتی، سکوت، ثبات، و آرامش، در عین تجربه حسی شورانگیز و والا. این متناقض‌نمایی برخی شاعران که خصوصاً در حافظ به اوج می‌رسد، نشان از این دارد که این گروه از شعرها همه بیت الغزل معرفت‌اند و خاصیت معرفت، می‌تواند رفع حجب باشد، نه تشویش و حجاب اندر حجاب بر دیده دل انداختن. اگر هنر، محاکات حقیقتی متعالی و آسمانی است، هر قدر هم که ظاهر و قالبش شلوغ و پراز داستان و پراز تپش باشد، نتیجه نهایی اش بر روح انسان، آرامش و زلالی تهی شدن از تشویش‌ها، و البته آمادگی برای چشیدن حقایق متعالی است، و این خصیصه نوشته‌های اندکی است.

برخی از داستان‌ها، هر قدر هم که کم‌کارا کتر باشند یا اساساً داستان پرتنشی را نیز به خواننده عرضه نکنند، در خود نشان روح خسته و مشویش‌نویسنده را به عیان دارند، و گویی اساساً برای حکایت چیزی جز نفس مشویش‌نویسنده نوشته نشده‌اند. و چه کم‌متون و داستان‌هایی از قلم‌ها بروز می‌کنند که در عین طرح موضوع خود، چنان صلابتی داشته باشند که خود را بی‌نیاز از تشویش و تذبذب انداختن دل خواننده خود بدانند. این خصیصه که اثر هنری غیر از نقل حکایت خاص خود، می‌تواند پالایش‌کننده روح باشد و هدیه‌کننده آرامش، به نظر نگارنده از خصوصیات اصلی یک اثر اصیل هنری است.

نعلین‌های آلبالویی، اتفاقاً کتابی است که مشخصاً دغدغه درونی نویسنده را با مخاطب به اشتراک می‌گذارد؛ اما تقریباً در هیچ‌جا، در عین طرح عمیق مسئله خود، روح را آلوده به حجاب‌های تشویش‌آفرین نمی‌کند و پالایش‌گری خود را در سطح کتاب، به نظر می‌رسد که انجام می‌دهد، و این به‌نظم خاصیت قلم نویسنده اثر است که استواری و متانت خاصی در کنار شیرینی کاملاً محسوس و سلامت خود دارد؛ از این جهت، به نظر می‌رسد این متن، نشان تولد نویسنده‌ای را در خود دارد، که می‌تواند اهل پالایش‌گری روح باشد؛ چیزی که در این ایام تکثری بینی دیده‌ها، به شدت به آن نیاز داریم؛ اما جالب این جاست که موضوعات داستان‌های این کتاب، اتفاقاً بیشتر آرامش‌زدا هستند، نه آرامش‌زا! و باز با این حال، پالایش‌کننده هستند نه تشویش‌ساز.

به نظر می‌رسد سؤال محور بودن را می‌توان به مجموعه داستان‌ها نسبت داد؛ یعنی این‌که در دوره‌های زندگی که دو چارچوب شناختی و هنجاری معارض، دو پیشینه‌های متفاوت برای عمل پیش روی انسان قرار می‌دهند، چگونه باید عمل کرد؟ به کدام چارچوب باید متعهد ماند؟ چارچوبی نتیجه‌گرا که ممکن است در اغلب اوقات، مرز اخلاق، انسانیت و معنویت را ببرد؛ یا چارچوبی اخلاق‌گرا و خدامحور، که ممکن است تا زمان رسیدن به نتیجه، نشانی از نتایج خوب دنیایی نداشته باشد؟

به نظر می‌رسد پاسخ نویسنده ریزه‌کاری‌های زیادی در پنهان دارد؛ پاسخ شیوای او در همان داستان اول کتاب، کاملاً واقع‌گرایانه و دلنشین، بیان می‌کند که غایت اندیشی دنیایی، گاه

خودش اساساً غایت همین دنیا را ویران می‌کند؛ آن‌جا که مردی از ترس پدیر شدن و مصائبش، ترک خانواده می‌کند و روزی بعد، زندگی‌اش را با مرگ عوض می‌کند؛ اما او این پاسخ را کامل نمی‌داند و آن را با داستان‌های دیگر تکمیل می‌کند. سه داستان اول و داستان پنجم، تقریباً در حال توصیف دقیق‌ترین پاسخ هستند؛ اما سه داستان پایانی این مجموعه هشت داستانی، تقریباً به ملاحظاتی مهم در باب مکافات عمل می‌پردازند. هسته این ملاحظات این است که گاهی همین تکیه بر چارچوب خدامحوری، گاه منجر به چالش‌هایی درونی می‌شود که شاید تا پایان عمر، در نفس انسان پیکاری درونی ایجاد می‌کند که نکند اشتباهی در علمم بوده است! نویسنده در پی بیان آن نیست که سرکنگبین در این جاصفر می‌فرزاید و عمل ذیل سنت الهی، پشیمان‌کننده است؛ بلکه در حال بیان این است که قلب انسان گاهی در هضم نتایج یک عمل در سنت غیر نتیجه‌گرا، لزوماً موفق نمی‌شود و باید دانست که امکان دارد گاهی قلب گنجایش رنج‌ها و نتایج برخی تصمیمات را نداشته باشد و این هم خود متناقض‌نمایی دیگری از ذات انسان است.

انسان اگر دلی زنده نداشته باشد، اساساً امکان به تشویش دچار شدن را ندارد و هر میزان که زنده‌دل‌تر، حساسیت‌دل هم در قبال اتفاقات و نیک و بد روزگار، بیشتر؛ اما از طرف دیگر، دل زنده، ثمره زندگی در چارچوبی است که دل را جلا می‌دهد؛ چارچوبی اخلاق‌مدار و خدامحور. پس به نحوی، عمل خدایی، می‌تواند لرزاننده دل باشد، و شاید بتوان گفت، این لرزش‌ها یا امکان لرزش‌ها، خود محمل تولد ابتلایی الهی است، و ابتلا، گذرگاهی برای خدایی تر شدن است، نه جایگاهی برای رحل اقامت افکندن و مذبذب ماندن، که البته این نکته، به این شکل در داستان‌ها برآیم دیده نشد؛ اما خود داستان نعلین‌های آلبالویی، به نحوی به نکته‌ای دیگری می‌پردازد. حقیقت به همه نشان داده می‌شود؛ به هر کس هم به شکلی که خود آن فرد می‌خواهد؛ اما این بدان معنا نیست که حقیقتی ناب وجود ندارد؛ حقیقت ناب برای کسی که خواهان آن است، در همین جهانی که دیگران، چیزی دیگر از آن می‌فهمند، قابل دستیابی است، و البته بیان آن برای دیگران گاهی درد خاصی را دوانمی‌کند.

چند روزی است که به «تماشاگه راز» فکر می‌کنم. وه که چه ترکیبی! جهان، رازهایی مگو دارد؛ اما این بدان معنا نیست که رازهای معنوی اساساً قابل دسترسی نیستند. برخی رازها شنیدنی نیستند، ولی دیدنی‌اند و برای دستیابی به آن‌ها، راهی جز دیدن نیست؛ تشخیص تفاوت این رازها و مرز میان آن‌ها، برای نویسندگان خوش ذوق و چشنده‌ای مثل مؤلف این کتاب، از واجبات است. ما نیاز داریم تا کسی رازهای مگورا به ما نشان دهد و کسانی به ما بگویند که کدامین رازها مگو هستند و نباید با حرف زدن درباره‌شان، مغشوش و مخدوش‌شان کرد؛ کسانی که تلخ و شیرین زندگی‌شان محمل درک امری متعالی شده و بخشی از شیرینه‌های جان‌شان، راه‌گشای این مسئله باشد.

در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام □



«فرار از شب»

سفر پسر صحرا

داستان «فرار از شب» در صدر اسلام می‌گذرد؛ دورانی که شهرت رسول... هنوز سراسر جزیره‌العرب را فرا نگرفته بود. داستانی تاریخی در ژانر سفرنامه که اتفاقاتی از جنس عشق، خرافه و جهل اساس آن را می‌چیند و ایمان و مهربانی آن را به اوج می‌رساند. ■

حسین اسدی زاده در نقد «فرار از شب» گفته است که یکی از نکات مهم که در این رمان باید مورد توجه قرار گیرد، موقعیت جغرافیایی و فرهنگی قصه است؛ این که در این کتاب از اعراب، آن هم عرب ۱۴۰۰ سال پیش سخن گفته می‌شود و فرهنگ آن‌ها به میان می‌آید، کار نویسنده را سخت کرده است. این منتقد ادبی نمره عالی را به اثر داده و تأکید دارد: بررسی تعریف‌ها و توصیفات داستان برای نمره دادن به اثر بسیار مهم است، اما نمره‌ای که نویسنده برای این اثر دریافت می‌کند، نه خوب است و نه قابل قبول، بلکه عالی است، چرا که نویسنده به خوبی از پس تضاد فرهنگی و تاریخی برآمده است. اسدی زاده به نویسندگان مذهبی پیشنهاد داد که باید دقت کنند و بدانند که در چه حیطه‌ای قدم می‌گذارند. نوشتن در مورد مفاهیم دینی بسیار سخت است و باعث برانگیختن منتقدان می‌شود. وی از نگارش رمان با موضوع پیامبر ابراز خوشحالی کرد و گفت: تصویری که نسل بعدی برای پیامبر (ص) رمان بنویسند، اما این اتفاق در دوران ما رخ داد، با این حال رمان نویسی مکتبی آفتی دارد که انتظار می‌رود رمان نویسان مکتبی درگیر دغدغه‌های فروش نشوند و به حرف دلشان گوش دهند. یک شخص مکتبی و مذهبی باید دغدغه محتوا داشته باشد و بانه گفتن به حرف بازار، سوار بر موج پرفروشی نشود. ■

رمان «فرار از شب» روایت داستان زندگی زن و مردی است که یکی از بادیه و دیگری از شهر به رسم عشق با هم آمیخته‌اند. ادامه روزهای عاشقانه‌شان مصادف است با آخرین روزهای حضور رسول خدا در مکه. زن به انتظار تولد نوزادی بی‌قرار است و مرد که پسر صحراست، مهارتی در رد زدن دارد. طفل و ردی که مرد باید برای پیدا کردن رسول خدا بزند، مرد و زن را با یکی از مهم‌ترین فصل‌های زندگی پیامبر گره می‌زند و سفر ناگزیری که برایشان پیش می‌آید، داستان پرفراز و نشیبی از زندگی‌شان برایمان می‌سازد.

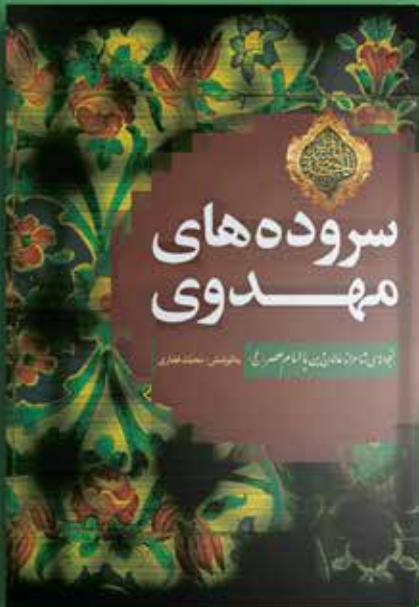
رمان «فرار از شب» زبانی تصویری و ضرباهنگی تند دارد تا بتواند فرار و تعقیب و گریز را به درستی به تصویر بکشد و به مخاطب انتقال دهد، رمان روایت مردانی است که در تاریکی شب راه را گم کرده‌اند. در واقع «فرار از شب» ضمن روایت سفر، دو گزاره خواندنی تعقیب و گریز را چاشنی خود کرده تا شخصیت‌ها را بیشتر در معرض کنش قرار دهد. کنش‌هایی که هر کدام گام جدیدی برای شناخت خود و کسی است که همه از او حرف می‌زنند. در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم که آفتاب در حال غروب است و گرد و غبار پراکنده در هوا، با تاریکی کمتر به چشم می‌آید. در خانه مجلل و زیبای ابوسفیان، حارث کنار خالد روی تشکچه‌ای رویه‌روی بزرگان مکه نشسته است. ابوسفیان و عتبه بن ربیع و امیه بن خلف و چند نفر دیگر از بزرگان مکه به بالش‌های نرم تکیه داده‌اند و برده‌ها مشغول پذیرایی از آن‌ها هستند. داخل ظرف‌های بزرگی شراب و میوه‌های رنگارنگ قرار دارد.

«فرار از شب» داستانی خوشخوان و خوش‌آهنگ است که خواندن آن شما را با فضای خرافی عرب جاهلی و رسم زنده به‌گور کردن دختران آشنا می‌سازد. آنچه پیامبر مهربانی‌ها با آن مواجه بود و با خلق عظیم خود تغییرش داد.

اکرم صادقی، نویسنده این کتاب بوده و انتشارات کتاب جمکران فرار از شب را در ۱۶۶۶ صفحه رقعی روانه بازار کرده است.

«سروده‌های مهدوی»

نجوای عالمان با امام زمان (عج)



محمد غفاری نجوای شاعرانه عالمان دین با امام عصر(عج) را در قالب «سروده‌های مهدوی» منتشر کرده است. در این کتاب با ۳۲ شعر فارسی که چهره‌های شاخص و مراجع بزرگ تاریخ شیعه از قرن دهم تا به امروز درباره حضرت مهدی(عج) سروده‌اند روبه‌رو هستیم. این کتاب به همت نشر باهوش وابسته به مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث روانه بازار شده است. چینش اشعار بر اساس تاریخ قمری ولادت این عالمان دینی و صرفاً به موضوع و مضامین مرتبط با حضرت مهدی(عج) توجه شده و هیچ‌گونه انتخابی از نظر قالب، شاعرانگی و... مدنظر نبوده است. ■

آخرین آن، رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت... سیدعلی خامنه‌ای است. هرچند از شیخ بهایی نیز شعر زیبایی در این موضوع به جای مانده، اما با توجه به این که شعر به زبان عربی سروده شده، از آوردن آن صرف نظر شده است. غزل آیت... سیدمحمد هادی حسینی میلانی نیز به همین دلیل منتشر نشده است.

همچنین فرصتی برای رشد شاعران جوان کشور، با توجه به الگوهای متعهد و عالم، فراهم می‌شود، چرا که با عنایت به این که اشعار این کتاب، سروده عالمان و فقیهان تراز اول است، طبیعتاً از بسیاری از آسیب‌ها به دور است و می‌تواند نقش مؤثری در شناساندن صحیح امام مهدی(عج) و تاریخ زندگی ایشان به شاعران جوان داشته باشد. از طرف دیگر، آسیب‌هایی که نحله‌های فکری نوظهور به شعر فارسی و در پی آن به شعر آیینی وارد نموده‌اند و طرح مباحثی چون فرهنگ ضد انتظار و ایجاد شبهه‌های مختلف، معرفی و انتشار آثار برتر و سالم تاریخ ادبیات شیعی، به ویژه ادبیات مهدوی، می‌تواند در برابر آن‌ها اثر درخور توجهی بر جای بگذارد. ■

این کتاب اهداف متعددی چون احیای میراث مکتوبی شیعه در عرصه شعر مهدوی، زنده نگه داشتن آن برای نسل‌های آینده، آشنا کردن شاعران و هنرمندان جوان با پیشینه ارزشمند شعر مهدوی، زمینه‌سازی برای پژوهش‌های کاربردی و عمیق در این عرصه، بسترسازی برای رشد شاعران جوان کشور با توجه به الگوهای متعهد و عالم را دنبال می‌کند. در مقدمه این کتاب تأکید شده است در عصری به سر می‌بریم که شاعران و محققان، دسترس آسانی به منابع و آثار درخشان گذشتگان دارند، اما فاصله آن‌ها با ادبیات کلاسیک، هر لحظه بیشتر و دورتر می‌شود. شاید بتوان سرعت تغییرات اجتماعی و فرهنگی را عامل این فاصله دانست، اما از طرف دیگر اثبات شده است که آن دسته از شاعران و نویسندگانی که پیوند محکمی با آثار درخشان گذشتگان برقرار کرده‌اند، توانسته‌اند درس‌های بزرگی از تجربیات آنان بگیرند و راه موفقیت در خلق آثار جدید را زودتر بیابند.

با وجود این که سرودن در موضوعات مرتبط با امام زمان (عج) مورد توجه شاعران است، اما شاهدیم که اشعار این حوزه دچار یکنواختی و یکسانی شده است، بنابراین نیازمند تنوع و تغییر در قالب‌ها هستیم. در این میان شاعران گذشته در این عرصه، تجربیات بسیار موفق و بدیعی داشته و آثار درخشانی از خود به یادگار گذاشته‌اند. در کتاب سروده‌های مهدوی، تلاش شده است اشعار آیات عظام و مراجع بزرگ تاریخ شیعه درباره حضرت صاحب الزمان (عج) گردآوری شود تا رجوع به شعر گذشتگان، در دو وجه محتوایی و هنری صورت پذیرد.

نخستین شاعر این مجموعه، میر بهران الدین محمد باقر استرآبادی معروف به میرداماد و



«گاجوی پوشالی»

بازی رؤیا

نشر فرهنگ عامه در دی ماه سال جاری مجموعه داستان «گاجوی پوشالی: قصه‌هایی از بچه‌های دیروز» اثر علی اکبر کرمانی نژاد را منتشر کرده است. این مجموعه چهارده داستان کوتاه دارد که هنجارشکنی، کوتاهی، صراحت در عین رمزگونی و تنوع موضوعی از ویژگی‌های این داستان‌هاست. از آنجایی که شخصیت‌های این مجموعه داستانی کودک و نوجوان هستند، این کتاب در حوزه کودک و نوجوان طبقه‌بندی می‌شود.

تجاوز به کودکان و سوءاستفاده جنسی را مطرح می‌کند. آخرین داستان کتاب، یعنی «توبه» ستم آموزشی به کودکان را در مکتب‌های قدیمی با زبانی آهنگین و نمادپردازی در زیرساخت به چالش می‌کشد و ایستادگی کودک و البته بی‌دفاعی‌اش را در این نظام نشان می‌دهد. همه داستان‌ها در لایه‌های مختلف بحث برانگیز و معنا سازند و صمیمت و تعلیق روایت‌ها خواننده را به دنبال خود می‌کشاند. این مجموعه را می‌توان همه سالان در نظر گرفت و طیف گوناگون خوانندگان را به خود جلب می‌کند. نشر فرهنگ عامه، مجموعه داستان «گاجوی پوشالی: قصه‌هایی از بچه‌های دیروز» را با شمارگان هزار نسخه و قیمت ۲۲۰ هزار ریال منتشر کرده است.

پیش از این مجموعه داستان، کرمانی نژاد رمان «جادوی هزار پرنده» را در آذرماه منتشر کرد که حال و هوای متفاوتی دارد، چرا که این کتاب داستانی فانتزی است که در کویر اتفاق می‌افتد. نویسنده از جادوگری می‌نویسد که آب‌های زیرزمینی را در جایی جمع کرده و خشکسالی به وجود آورده است. اما قهرمان نوجوان داستان به جنگ جادوگری می‌رود و در این بین اتفاقات جالبی رخ می‌دهد.

جادوی هزار پرنده در گونه فانتزی نوشته شده و از افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی هم در نگارش آن استفاده شده است. □

کرمانی نژاد در این مجموعه داستان تلاش کرده است که نگاهی جامع و جهان‌شمول به زندگی روزمره داشته باشد و لحظه‌های ناب را به تصویر بکشد. در همین راستا شاهدیم که در داستان‌ها موقعیت‌های ویژه و آشنازدایانه خلق می‌کند که خواننده را با تجربه‌ای غریب مواجه می‌سازد. دوران مایه‌های این مجموعه داستان کودک و نوجوان فقر، مرگ، جنگ، تنهایی، مبارزه، بی‌دفاعی در برابر تقدیر و تلاش برای به دست آوردن لذت‌های هرچند کوچک زندگی است که مخاطب می‌تواند با خواندن داستان‌ها تجربه متفاوتی داشته باشد.

داستان «شاه‌ماهی‌ها» یا زبانی سراسر تصویر، کشمکش کودک با طبیعت را در تلاشی بی‌وقفه برای زنده ماندن نشان می‌دهد. اصغر به پایاب می‌رود، پیراهن مندرسش را در مسیر آب قرار می‌دهد تا ماهی به درون آن برود. ماهی بزرگی به درون پیراهن می‌لغزد، اما... «اصغر اول مثل مرده‌ها ساکت بود. بعد مثل این که روحش برگشته باشد، زنده شد. جیغ زد. فحش داد. با پیراهن به هوا پرید. آب، از سوراخ‌های پیراهن روی سر و تنمان پاشید.

بعد، پیراهن را بالای سرش برد و مثل سرخ پوست‌ها رقصید. پیراهن مثل مَشک به هم می‌خورد و هیکل سنگین ماهی، به این طرف و آن طرف می‌افتاد. ما می‌خندیدیم، سوت می‌زدیم و همراه اصغر و ماهی به این طرف و آن طرف می‌افتادیم. پیراهن یک دفعه وارفت و ماهی و آن همه آب، روی سرما و پله‌ها خالی شد.»

داستان «گاجوی پوشالی» که نام کتاب وام‌دار آن است، تقابل نگاه و ذهنیت کودک و بزرگ‌سال را در رویارویی با موقعیتی واحد نمایان می‌کند. کودکان داستان به سختی و مشقت بسیار، گهواره‌ای (گاجویی) از آب دریا می‌گیرند و به خیال خودشان لطفی در حق نوزاد خانه کرده‌اند، اما پدر خانواده چنین نظری ندارد.

«بادبادک» تجربه جسورانه کودکان در بازی است، «تخم مرغ کفتر» روایت کفتر بازی و تعامل کودک و پرنده است که از رفتار بزرگسالان تأثیر پذیرفته است. «خطی به نام خواندن» هنجارشکنانه با بیانی نامستقیم در روایتی موازی با داستان نادرشاه، مسئله

شهر و سفر

«سه‌شنبه»



خود درباره دوشنبه چنین می‌نویسند: «دوشنبه، پخته‌ترین اثر نویسنده‌اش به‌شمار می‌رود؛ اثری که با تغییراتی در فرم نسبت به کارهای قبلی بارسقیان منتشر شده و به نظر می‌رسد بیشترین تغییرات نیز در نهایت به اعتلای روایت کمک کرده‌اند. همان‌طور که از نام اثر می‌توان حدس زد، این کتاب یک روز از زندگی راوی‌اش در گوشه‌ای از تهران را روایت می‌کند. برخلاف اثر قبلی نویسنده، این بار تم تنهایی کمتر در کار به چشم می‌خورد، اما دوشنبه سرشار از درگیری‌های روزمره‌ای است که با پیشرفتن ماجرا و بیشتر دیده‌شدن شخصیت‌ها، بیشتر و بیشتر نمایان می‌شوند. نوع روایت در «دوشنبه» تا حدودی می‌تواند یادآور فیلم «به همین سادگی» رضا میرکریمی هم باشد، با این تفاوت که این جاکش‌کش‌ها، به همان سادگی‌ها هم نیستند!»

در جلسه رونمایی کتاب «دوشنبه»، حسین سنایپور، رمان‌نویس و استاد داستان‌نویسی، از این رمان چنین یاد کرد: بارسقیان قصد دارد روابط میان آدم‌های امروزی دوروبر خودش را نشانمان دهد و خیلی خوب از هم‌گسیختگی روابط میان این آدم‌ها را در مانش می‌سازد. پیش از این رمان «پل» که حاصل نویسندگی مشترک آراز بارسقیان و غلامحسین دولت‌آبادی است، توسط نشر اسم در پاییز ۹۷ منتشر شد و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت. نشر اسم فعالیت خود را از سه سال پیش آغاز و در این مدت حدود ۳۰۰ عنوان کتاب وارد بازار نشر کرده است. جدیدترین کتاب این انتشارات با عنوان «سه‌شنبه»، از بهمن‌ماه ۹۷ در کتاب‌فروشی‌های سراسر کشور در دسترس علاقه‌مندان به کتاب و کتاب‌خوانی قرار گرفت. □

آراز بارسقیان، بعد از گذشت ۵ سال رمانی به سبکی متفاوت به بازار کتاب داده است. او نویسنده و مترجم بیش از ده رمان و نمایش‌نامه و برنده جایزه کتاب سال ۱۳۹۲ در بخش تئاتر است که کتاب «سه‌شنبه» را ۵ سال بعد از دوشنبه نوشته و انتشارات اسم آن را منتشر کرده است. رمان «سه‌شنبه» در جریان سفر شخصیت اصلی داستان به شهرهای اصفهان، شیراز، اهواز، آبادان و بوشهر روایت می‌شود و به گفته نویسنده‌اش تجربه سفر در کنار هم قرار گرفته‌اند. □

آراز بارسقیان در کلاس‌های داستان‌نویسی میرصادقی آموزش دیده است و بعد از بردن جایزه هدایت، اثری نیافرید تا این‌که در سال ۱۳۸۷ با کارگاه‌های داستان‌نویسی محمدحسن شهسوارآشنا شد و در آن جا داستان بلند «یکشنبه» را نگاشت که در سال ۱۳۸۹ توسط نشر چشمه منتشر شد. این نویسنده اولین مجموعه داستان خود را به نام «باسگا» در سال ۸۸ روانه بازار کرد که احمد بیگدلی، نویسنده، در وصف آن، در روزنامه فرهیختگان نوشت: «همه داستان‌ها در «زبان» یگانه‌اند، اما در «آن» داشتن یا نداشتن با هم فرق می‌کنند. در این داستان‌ها یا «آنی» وجود ندارد، یا اگر هست، مثل آفتاب پیش از طلوع است. به همین دلیل است که من گام اول این نویسنده ارمنی را که به راستی جنس زبان فارسی را به خوبی می‌شناسد، تردیدآمیز تلقی می‌کنم. نه تا بدان حد که ناامید باشم.» داستان بلند یکشنبه که یک سال بعد از انتشار مجموعه داستان باسگا منتشر شد، داستان پسر جوانی است به نام «آربی آراکلیان» که به صورت اول شخص روایت می‌شود و ما از طریق راوی با دنیای پیرامون او و آدم‌های زندگی‌اش آشنا می‌شویم. این رمان توانست سال ۱۳۹۰ در یازدهمین دوره جایزه بنیاد گلشیری نامزد نهایی بخش «رمان اول» این جایزه شود.

بارسقیان در ادامه مسیر نویسندگی خود رمان «دوشنبه» را نوشت. این رمان هم ادامه داستان زندگی آربی آراکلیان بود و به یک روز دوشنبه از زندگی او می‌پرداخت. این داستان در روز دوشنبه شانزدهم ۱۳۹۱ می‌گذرد و م‌تمام روز را با آربی (شخصیت اصلی داستان) هستیم. او را در خلال یک روز بلند و گرم تابستانی می‌بینیم. روزنامه هم‌شهری در بخش چهار پیشنهاد



«خلوت مدیر»

گل‌های شوره‌زار

اندیشه‌ای پشت آن نباشد در این اثر وجود ندارد، بلکه هرچه می‌خوانیم برای ایجاد جذابیت است. قفل و بست خلوت مدیر به گونه‌ای است که صحنه‌ها در این رمان مرتبط هستند و همدیگر را تفسیر می‌کنند. او می‌گوید که بارها و شاید صدها بار عبارات را می‌خوانده تا چیزی اضافی نباشد.

وی از انتشار سه‌گانه خلوت مدیر خبر داد و گفت: خلوت مدیر سه‌گانه خواهد شد و در محیط دانشگاه و احزاب ادامه پیدا می‌کند. من اوضاع دانشگاه را در آن زمان دیدم و اتفاقات را در یک فضای پرفراز و نشیب و ملتهب در این سه‌گانه آورده‌ام. در گام سوم نیز به دهه هفتاد به بعد می‌پردازد که موضوع انتخابات در آن وجود دارد.

غلامرضا امامی، منتقد ادبی، با اشاره به این‌که «خلوت مدیر» متعلق به قبل از انقلاب است، گفت: در این کتاب مدرسه پزشکیان نمادی از ایران قبل از انقلاب و هر جامعه‌ای است که به فساد، ستم و استبداد آلوده شده باشد. وی با بیان این‌که نباید از کتاب انتظار راه‌حل داشت ادامه داد: ارائه راه‌حل کار هنرمند و نویسنده نیست. در کشورمان به خاطر این‌که سابقه حزب نداریم، روشنفکران بار تحولات اجتماعی را به دوش گرفتند؛ اما در کشورهای دیگر احزاب بیانگر خواسته‌های اجتماعی و سیاسی مردم هستند. هر حزبی تجلی بیشتری در خواسته‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داشته باشد، پیروز و در غیر این صورت با شکست روبه‌رو خواهند شد. این منتقد ادبی افزود: آنچه برای ما برخلاف سایر داستان‌های انقلاب در این کتاب جالب بود، دوری اثر از ادبیات رئالیسم سوسیالیستی و شعار بود. □

رمان «خلوت مدیر» اثر علی اکبر والایی، به دسرهای یک مدیر مدرسه پسرانه در جنوب شهر تهران در میانه سال‌های ۵۵ تا ۵۷ می‌پردازد. نویسنده در این رمان داستان شخصی به نام حمید مهران را روایت می‌کند که حکم مدیریتش بر یکی از مدارس پسرانه جنوب شهر تهران در سال ۱۳۵۵ صادر می‌شود. این مدرسه پیش‌تر در فاصله کوتاهی چهار مدیر عوض کرده است و او اکنون پنجمین مدیر آن مدرسه است. ■

«خلوت مدیر»، بیش از هر چیز، اثری انسانی و به شدت عاطفی است. فضایی که در خلوت مدیر ترسیم شده، نمادی از فضایی سخت فسادآلود و مسموم است. اخلاق و ارزش‌های انسانی در آن رنگ باخته است و در دورنمای زمانه، تنها یک راه باقیست. قدم‌گذاران در مسیری که افق روشن نجات را نوید می‌دهد. خلوت مدیر، روایت سرگشتگی هاست، و حدیث‌سالیان سال جراحت روح و رنج‌تلهایی آدمیان است. روایت شوره‌زاری است که از میان گل‌های شرافت و پاکی سر بر آورده‌اند. روایت آدم‌هایی است که از زخم زمانه به تنگ آمده‌اند و به دنبال مفری برای رهایی‌اند.

علی اکبر والایی، داستان‌نویس، فیلمنامه‌نویس و نمایشنامه‌نویس معاصر است. او نیمه اول دهه شصت را در آموزش و پرورش به عنوان مربی هنری به قصه‌گویی و تدریس داستان و نمایشنامه پرداخت و داستان‌نویسی را نیز از سال ۱۳۶۴ به طور جدی آغاز کرد. از سال ۱۳۶۵ نیز به عنوان نویسنده همکاری‌اش را با برنامه قصه ظهر جمعه رادیو آغاز کرد و نزدیک به ۱۲ سال این همکاری را ادامه داد. والایی درباره این کتاب می‌گوید: این کتاب رضایت خاطر خود مرا جلب کرده است. این‌که نویسنده در قدم اول از اثر رضایت خاطر داشته باشد، یک شاخص و معیار برای قضاوت است.

این نویسنده با بیان این‌که تاریخ همواره تکرار می‌شود، مطرح کرد: هر نظامی خودش را از آلودگی دور نکند، فساد در آن، نظام مندترین می‌شود. وضعیت امروز اقتصادی نیز زنگ خطر و هشدار برای مسئولین است که چاره‌ای اندیشه شود. والایی با بیان این‌که این کتاب یک اثر خوش‌خوان و روان است تأکید دارد که یک جمله و حتی یک عبارت کوتاه بدون این‌که



«آمولانس پنج ضلعی» راننده بهشت

انقلاب اسلامی و دفاع مقدس گنجینه‌های تمام نشدنی و ظرفیت‌های عظیمی هستند که باید از آن‌ها برای نشر و گسترش فرهنگ و ارزش‌های دینی و انقلاب اسلامی در جامعه و جهان حداکثر استفاده را کرد. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند، دفاع مقدس گنجینه‌ای است که با وجود گذشتن دو دهه از آن، همچنان حقایق جدیدی از آن رونمایی می‌شود. کتاب «آمولانس پنج ضلعی» به نویسندگی قدیسه پایینی، خاطرات داستانی حمید بوربور را از امدادسانی در عملیات کربلای پنج روایت می‌کند. ■

خواندنی کتاب هستند.

این نویسنده به مهم‌ترین رویدادی که در جنگ روی داده و در این کتاب به آن اشاره شده است پرداخت و گفت: جالب‌ترین بخش این کتاب اعزام سراسری و تشکیل سپاه محمد رسول... (ص) است چرا که یک سری افراد در سنین جوانی و نوجوانی در کنار هم قرار می‌گیرند، سپاهی متشکل از چند هزار نفر که عظمت این اتفاق و پایداری این افراد بسیار چشمگیر است و احساس عزت و قدرت برای هر فرد یا هریرانی ایجاد می‌کند.

نویسنده کتاب «آمولانس پنج ضلعی» در خصوص این که قلم روان یک نویسنده تا چه اندازه مخاطب امروزی را به آثار دفاع مقدس جذب می‌کند، بیان کرد: من خواننده ادبیات این نسل هستم و زبان نوشتن من زبانی نزدیک به مفاهیم است. کتاب «آمولانس پنج ضلعی» زبان راحتی دارد و سعی شده روایات و ماجراها طوری بیان شود که مخاطب به آن نزدیک و بتواند آن را مجسم کند. پایینی در خصوص تازه‌ترین اثر خود گفت: اکنون در حال نوشتن یک کتاب درباره شهدای کربلا هستم که تقریباً رو به پایان است و به زودی آماده چاپ می‌شود. ■

عملیات کربلای پنج یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های رزمندگان در طول جنگ تحمیلی بود که در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۶۵ با رمز مبارک «یا زهراس» در منطقه شلمچه و شرق بصره آغاز شد. قدسیه پایینی در خصوص دلیل نگارش خاطرات حمید بوربور بیان کرد: کتاب‌های دفاع مقدس یا فضای بسیجی و پاسدار دارند یا فضای ارتشی. این دو فضا اختلافات جالبی با هم دارند، با وجود این که پایان و اهداف هر دو مسیر یکی بوده ولی روحیه و محیط هر دو متفاوت است. وی ادامه داد: دلیل اصلی برای نگارش این کتاب این بود که خاطرات دوران بسیجی و ارتشی حمید بوربور را به صورت همزمان و یک جا گرد هم آورم. این تقابل از نظر من فضای جالبی داشت. در خاطراتی که تاکنون از افراد منتشر شده معمولاً این دو فضا از هم مجزا هستند و شیوه‌ها فضا سازی‌ها، ظرفیت‌ها و اتفاقات از دو جنس متفاوتند در حالی که در این کتاب این‌گونه نیست. نکته جالب برای من این بود که یک نفر هر دوی این فضا را تجربه کرده که می‌توان با زاویه دید اول شخص به هر دو فضا نگاه کرد. کتاب را در سال ۱۳۹۵ آغاز کردم که تا نیمه‌های سال ۱۳۹۶ به طول انجامید.

پایینی با اشاره به قسمت شاخص کتاب گفت: قسمت شاخص کتاب اتفاقاتی بود که در کربلای ۵ می‌افتد. حمید بوربور آن جا راننده آمبولانس بوده و مجروحان را از خط مقدم به بیمارستان صحرایی می‌رسانده است. این نقل و انتقال از ابتدا تا انتهای عملیات فضای جالبی را ایجاد کرده است. وی بیان داشت: همچنین جالب‌ترین قسمت کتاب از نظر من بعد از عملیات مرصاد است که عراق به ایران مجدداً حمله می‌کند و تا نزدیک آبادان پیش می‌آید. در این میان بخش‌هایی، چون شب عملیات کربلای ۵ که شب پرفشاری بوده و در بخش دیگری از کتاب که به اتفاقاتی که در کردستان رخ داده اشاره دارد از جمله خاطرات



۷۹-۹۹۲

خبرهایی از اجلاس سراسری مدیران هلال احمر سراسر کشور، بازدید رئیس دفتر مقام معظم رهبری از کلبه امداد استان قم، المپیاد ورزشی هلال احمر، گفتگو با رییس مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر و گزارش عملکرد دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان های هرمزگان، خراسان رضوی، گیلان، چهارمحال و بختیاری، همدان بخشی از مطالب این شماره هستند.

« هلال



امانتدار اعتماد مردم هستیم

خدمت شما به مردم عبادتی بزرگ است

المپیاد فرصتی است که استعدادها را کشف کنیم

مرور گذشته؛ چشم انداز آینده

اجلاس سراسری مدیران و

روسای شعب جمعیت هلال احمر

تهران / ۲۵ و ۲۶ دی ۱۳۹۷



نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر

در اجلاس سراسری مدیران هلال احمر سراسر کشور:

امانتدار

اعتماد مردم

هستیم

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر در اجلاس سراسری مدیران هلال احمر سراسر کشور گفت: پایش، نگهداری و حفاظت از ارزش‌های هلال احمر از وظایف اصلی مدیران این مجموعه است. ■

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت‌الاسلام والمسلمین معزی با حضور در اجلاس سراسری مدیران عامل و رؤسای شعب جمعیت هلال احمر سراسر کشور در تهران، با ابراز خرسندی از فرصت حضور در جمع مدیران این مجموعه عام المنفعه و خدمت‌رسان گفت: مرور تاریخ نشان می‌دهد در دورانی که بیش از ۲ دهه از قرن بیستم باقی مانده بود و اساساً ایدئولوژی‌های دین ستیز و دین‌گریزی چون مارکسیسم و لیبرالیسم در دنیا حاکم شده بودند، انقلاب اسلامی با تکیه به دین اسلام و وحدتی بی‌نظیر و مثال‌زدنی به پیروزی رسید.

نماینده ولی فقیه در هلال احمر با تشریح ابعاد گسترده موفقیت‌های انقلاب اسلامی در

کشور، حضور امام خمینی (ره) به عنوان شخصیتی فقیه و فیلسوفی برجسته را بسیار مهم دانست و خاطر نشان کرد: در مهرماه سال ۱۳۴۱، امام خمینی (ره)، مقدمات حرکت بزرگ خود علیه حکومت ظالمانه ستمشاهی را آغاز کردند و در برابر تفکرات غلط آنان در خصوص حاکمیت دینی ایستاد.

وی با تبیین فعالیت‌های صورت‌گرفته در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در حالی که در دنیا و از سوی برخی از قدرت‌ها به منظور تقویت مارکسیسم و لیبرالیسم تلاش و برنامه‌ریزی می‌شد افزود: در حالی که بسیاری از حکومت‌ها مخالف حاکمیت دینی بودند و بلکه دین را افیون توده‌ها می‌دانستند، این همدلی، وحدت و یکپارچگی ملت در پرتو رهبری بی‌نظیر امام‌راجل (ره) و با تکیه بر دین، اسلام و مذهب شکل گرفت و انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی خاطر نشان کرد: اکنون نیز علی‌رغم تلاش‌های دشمن برای متوقف کردن پیشرفت‌های روزافزون این نظام مقدس، ایران اسلامی توانسته است با رهبری دایمانه و مدبرانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در آستانه برگزاری جشن ۴۰ سالگی خود قرار بگیرد و یقیناً به فضل الهی سال‌ها در مسیر تعالی و رشد حرکت کند.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر در ادامه به تلاش‌های بی‌نتیجه معاندین نظام و همچنین استکبار در ۴۰ سال پیروزی انقلاب اسلامی اشاره و تشریح کرد: در موضوع تحمیل ۸ سال جنگ به کشوری که تنها دو سال از رویداد انقلاب آن می‌گذرد، همه دنیا دیدند که چگونه ظالمان و زورگویان در برابر یک کشور متحد شده، صف‌آرایی کرده و بلکه از فروش ملزومات اولیه دفاعی نیز به ایران دریغ کردند، لیکن اراده پولادین و سرشت الهی ملت همیشه بیدار این مرز و بوم سبب شد تا پس از ۸ سال جنگ، این کشور به پیروزی رسیده و در سراسر دنیا سر بلند باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در بخش بعدی سخنان خود، چند موضوع مهم و راهبردی را نیز برای مدیران هلال احمر در سراسر کشور یادآور شد. وی پایش، نگهداری و حفاظت از ارزش‌های هلال احمر را از وظایف اصلی مدیران این مجموعه دانست و افزود: اعتماد مردم به این مجموعه بزرگ و عام‌المنفعه بسیار ارزشمند است که باید بیش از پیش تلاش کرد تا به این مسئله ضربه‌ای وارد نشود.

وی سپس با یادآوری این نکته که ارزش فعالیت‌های عام‌المنفعه، خیریه و انسان‌دوستانه در هلال احمر جمهوری اسلامی ایران به الهی بودن آن است تصریح کرد: مدیران این نهاد مردمی باید با ایجاد شرایطی مناسب، امید و خودباوری را در اعضای جوان و امدادگر تقویت کرده و از ظرفیت‌های فکری آنان در تصمیم‌گیری‌ها و انجام فعالیت‌های هلال احمر استفاده کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در پایان با بیان این‌که مسئولیت‌های نظارتی و ارتقای فرهنگ دینی از مهم‌ترین وظایف حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر است، گفت: ابلاغ نظام‌نامه این حوزه از سوی دفتر مقام معظم رهبری در حقیقت نقشه راه دستیابی به اهداف تعریف شده آن است. ■

رئیس دفتر مقام معظم رهبری در بازدید از اکیپ امداد استان قم: خدمت شما به مردم عبادتی بزرگ است

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه، آیت‌الله محمد محمدی گلپایگانی در بازدید از اکیپ امداد و در جمع امدادگران در قم عنوان کرد: جوانان هلال احمر با جانفشانی‌های خود در خط مقدم خدمت هستند. رئیس دفتر مقام معظم رهبری افزود: ایران منطقه‌ای حادثه خیز است و در معرض انواع حوادث و خطرات قرار دارد. در این شرایط تعداد زیادی از جوانان به مردم آسیب دیده خدمت رسانی می‌کنند، خدمت خالصانه جوانان هلال احمر به مردم در هنگام حوادث عبادتی بزرگ و ارزشمند است.

وی گفت: کار جمعیت هلال احمر عبادت است و این خدمت با هیچ عبادتی قابل مقایسه نیست و البته قصد قربت مهم‌ترین اثر را در خدمت به مردم دارد قصد هر انسان از خدمت فقط خدا باشد و فقط برای خدا گام بردارد تا در روز میاد با به درد او بخورد.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) گفت: هر فردی که از دنیا برود فقط خود و اعمالش باقی است و هیچ‌کس نمی‌تواند به او کمک کند. خدمت انسان در زندگی دست او را در آخرت می‌گیرد و او را نجات می‌دهد؛ باید در این زمینه هر انسانی برای آخرت خود توشه‌ای از خدمت بیندوزد. □



رئیس دفتر مقام معظم رهبری گفت: خدمت خالصانه جمعیت هلال احمر به مردم در هنگام حوادث عبادتی بزرگ و ارزشمند است. □

در آئین‌های اداری، برگزاری مسابقات فرهنگی در قالب کتابخوانی، مسابقه آشنایی با فضایل اهل بیت (ع) و حفظ قرآن با شکلی متفاوت و نو که مورد توجه اعضا به ویژه جوانان قرار بگیرد از مباحث مورد بررسی در این جلسه بود. همچنین بر ادامه قوی و اثرگذار فعالیت‌های فرهنگی و معنوی در محور تاب‌آوری تأکید شد. ارتباط مستمر نماینده ولی فقیه جمعیت هلال احمر استان با اعضا و حضور در فعالیت‌های جمعی و اجتماعات داوطلبان و جوانان هلال احمر، حضور روحانی در اردوهای معاونت‌ها با هدف برگزاری مسابقات و برنامه‌های فرهنگی و برپایی نماز جماعت از دیگر مطالب مطرح شده در این نشست به شمار می‌رود.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قم ضمن تقدیر از همکاری بخش‌های مختلف هلال احمر گفت: با توجه به اهمیت فعالیت فرهنگی از هر نوع تولید فکری که موجب ارتقای بهره‌مندی اعضا از برنامه‌های فرهنگی و معنوی شود استقبال می‌کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین علامه با تأکید بر اهمیت ارتقای فرهنگ امر به معروف در جمعیت تصریح کرد: استفاده از ابزارهای نوین، جذاب و اثرگذار با هدف جذب اعضای داوطلب به مشارکت و حضور در فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی و به ویژه جوانان مورد نظر است، که باید در برنامه‌ها این هدف را پیش‌بینی و دنبال کنیم. □

برپایی نشست شورای رابطین نمایندگی ولی فقیه جمعیت هلال احمر استان قم



سومین نشست شورای رابطین نمایندگی ولی فقیه جمعیت هلال احمر استان قم با حضور نمایندگان معاونت‌ها و حوزه‌های مختلف در جمعیت هلال احمر برگزار شد. در این نشست مصوبات جلسه قبل مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه در زمینه هماهنگی‌های لازم مباحث مطرح و مورد رایزنی شورای رابطین نمایندگی ولی فقیه قرار گرفت.

تهیه و ساخت نماهنگ و گردآوری احادیث و آموزه‌ها در موضوع تاب‌آوری برای نمایش در داروخانه هلال احمر، بهره‌مندی از پتانسیل فضای مجازی و ظرفیت‌های الکترونیک



دکتر پیوندی:

المپیاد فرصتی است که استعدادها را کشف کنیم

رئیس جمعیت هلال احمر در اختتامیه نخستین المپیاد ورزشی کارکنان و اعضای جمعیت هلال احمر گفت: زمان زیادی نخواهد برد که المپیاد ورزشی میان همه امدادگران و نجاتگران در سطح کشورهای عضو فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر برگزار شود. همچنان که آتش‌نشانان سیزدهمین سال برگزاری مسابقات خود را در کره دنبال کرده و آتش‌نشانان کشور ما هم مدال‌های ارزشمندی گرفتند. ■

رئیس جمعیت هلال احمر به اهداف برگزاری این المپیاد اشاره کرد و گفت: دنبال کردن ورزش از جهات مختلفی اهمیت دارد و یکی از مواردی که برای ما اهمیت دارد این است که امدادگران، نجاتگران و داوطلبانی که می‌خواهند در صحنه‌های خطرآفرین در کنار مردم باشند، باید از آمادگی جسمانی خوبی بهره‌مند باشند و ورزش کمک می‌کند علاوه بر سلامت روح و روان، آمادگی جسمانی آن‌ها در مواقع خطر افزایش پیدا کند.

وی به ایجاد نشاط در میان کارکنان جمعیت هلال احمر در کشور اشاره و اظهار کرد: ورزش یکی از ابزارهای نشاط است و ما می‌خواهیم در جمعیت هلال احمر و در میان مردم نشاط را افزایش دهیم و با این روحیه خدمت‌بهتری می‌توان به دیگران ارائه کرد. پیوندی افزود: همچنین ما می‌خواهیم روحیه اخلاق و جوانمردی، شهامت و معرفت را افزایش دهیم و یکی از مکان‌هایی که می‌تواند این روحیه جوانمردی را بالا ببرد مسابقات ورزشی است.

رئیس جمعیت هلال احمر افزود: درست است که هلال احمر، وزارت ورزش و یا کمیته المپیک نیستی و یک نهاد عام‌المنفعه فرهنگی، اجتماعی و امدادی است، اما افرادی در جمعیت هلال احمر حضور دارند که فرصت بروز خلاقیت هایشان در دیگر صحنه‌ها کمتر نصیبشان می‌شود و این المپیاد فرصتی است که استعدادها را خوب را در رشته‌های مختلف کشف کنیم و دیگران از این توانمندی‌ها استفاده کنند.

وی با ابراز امیدواری نسبت به گسترش این المپیاد گفت: امیدوارم با کمک مسئولان نظام و حمایت مسئولان دولت، این المپیاد را از ملی به منطقه‌ای و کشورهای اسلامی و سپس در سطح جهان برسانیم و این کار نقطه عطفی در تاریخ ۹۵ ساله پرافتخار جمعیت هلال احمر بشود. □

دکتر علی اصغر پیوندی با اشاره به دشواری‌های هماهنگی و برگزاری چنین المپیادی گفت: این اتفاق به خوبی رخ نمی‌داد، مگر با همدلی، رفاقت و دوستی و همین‌طور تلاش معاونت پشتیبانی و امور رفاهی که دست به دست هم دادند و این رویداد خوب را بعد از سال‌ها فراموشی، دوباره در خاطره کارکنان و اعضا متجلی کردند. خوشحالم در نخستین المپیاد ورزشی در خدمت شما عزیزان هستم. امیدوارم برگزاری این المپیاد به همه ما کمک کند و روحیه خدمت‌گزاری به مردم را افزایش دهد و بتوانیم در حوادث و غیر حوادث، خدمتگزاران خوبی برای مردم باشیم و به کمک شما در داخل خانواده بزرگ جمعیت و حمایت همه ارگان‌ها و نهاد‌های ورزش دوست این مسابقات را استمرار بخشیم و در ادامه بتوانیم این المپیاد را گسترش دهیم و در سطح کشورهای اسلامی، و با توکل به خدا پس از آن در سطح جهانی برگزار کنیم.

مسئول تربیت بدنی هلال احمر:

اهداف ورزش و هلال احمر هم سو هستند

وجه تمایزی که جمعیت هلال احمر با دیگر نهادها و سازمان‌ها دارد، بحث اهداف و چشم‌اندازهایش است، یک تیم رسمی ورزشی چقدر می‌تواند پیام‌رسان هلال احمر باشد؟

پرچم هلال احمر در دنیا یک نماد خاص دارد و پیام‌رسان صلح است؛ بدون شک اگر این نماد صلح و دوستی در ورزش هم وارد شود، کاری بسیار خوب است و اهداف عالی در دل ورزش نشان داده می‌شود. وقتی اهداف هلال احمر نزدیک اهداف ورزش باشد و بخواهیم این‌ها را همسو کنیم، کاری بسیار ارزشمند را رقم می‌زند. زمانی که کشورهای دیگر وارد این موضوع شوند، قطعاً می‌تواند پیام‌رسان مهم برای اهداف ما باشد و می‌توان در مسابقات هم این نمادها را به نوعی نشان داد تا در قالب ورزش بگوییم هدف‌هایمان چیست.

مهم‌ترین شعار یا نمادی که هلال احمر در قالب ورزش می‌تواند به جامعه نشان دهد، چیست؟

من در این روزها چیزی که در این مسابقات و فضای حاکم بر آن دیدم، تنها چیزی به عنوان پیام یا شعار دوستی، سلامتی، رفاقت و رقابت بود که در چارچوب اهداف جمعیت هلال احمر هم می‌گنجد. تنها نکته‌ای که برای ما اهمیت دارد این است که همه کسانی که در این مسابقات شرکت کرده‌اند، از ما تقاضا دارند در ادامه راه منسجم‌تر و جدی‌تر و با تنوع رشته‌ای بیشتر المپیک را داشته باشیم. این نشان می‌دهد که ما توانسته‌ایم این دوستی و رفاقت را در قالب رقابت نشان دهیم. □



اسفند ۱۳۹۷ | شبا

حسین باقری برومند، مسئول تربیت بدنی هلال احمر در گفتگو با «شهروند» از این دوستی‌های نزدیک به عنوان سرمایه‌های ارزشمند یاد می‌کند و امیدوار است جمعیت هلال احمر ایران بتواند ایده‌پرداز حرکتی نو در عرصه‌های بین‌المللی صلح و بشردوستی در قالب ورزش باشد. ■

برگزاری المپیک برای کارکنان و اعضای هلال احمر اساساً بچه‌هدفی صورت گرفته است؟

مسابقات ورزشی کارکنان از سال‌ها قبل وجود داشت، اما به صورت تک‌رشته‌ای. مثلاً بیشتر مسابقات فوتبال برگزار می‌شد که تا سیزدهمین دوره هم ادامه پیدا کرد. در حال حاضر با توجه به سیاست‌ها و رهنمودهایی که مدیران وقت جمعیت داشتند، قرار شد مسابقات را خیلی منسجم‌تر برگزار کنیم و با توجه به علاقه مندی‌ها و استقبال که از سوی اعضا و کارکنان دیده شد، تصمیم گرفتیم رشته‌هایی برای حضور بانوان هم در نظر بگیریم. در ادامه برنامه‌ریزی‌ها انجام شد و حمایت‌ها صورت گرفت و این روزها شاهد برگزاری دور پایانی مسابقات بعد از گذشت چهار دوره در استان‌های مختلف هستیم.

این‌گونه مسابقات چقدر در روحیه کارکنان هلال تأثیر می‌گذارد و چطور می‌تواند حس مشارکت و همبستگی را در جمعیت هلال احمر بیشتر کند؟

از نخستین دوره یا حتی زمانی که مسابقات قبلی هم انجام می‌شد، رقابت‌های ورزشی با وجود فشرده‌گی و تنش‌ها و آنچه داخل زمین داشت، دوستی و رفاقت عمیقی بین بچه‌ها ایجاد کرده است؛ به طوری که طبق نظرسنجی‌های ما از چهار مرحله قبل، همه استان‌ها خوشحال بودند از این‌که این مسابقات به این حالت منسجم و گسترده برگزار می‌شود. این مسابقات باعث آشنایی کارمندان قدیمی و جدید شد و دوستی خوبی بینشان برقرار کرد. الان هر ورزشکاری از هر استانی جای دیگر برود، شاید تنها کسی که از همکاران بشناسد، دوستی است که در این مسابقات با او آشنا شده است. به طور کلی، هم از لحاظ اداری و هم شخصیتی، این ارتباطات نزدیک‌تر برای جمعیت هلال احمر بسیار مؤثر است. اتفاق جالب‌تر در این میان، علقه دوستی بین اعضا و کارکنان جمعیت هلال احمر است؛ شاید برخی از اعضا پیش از این اگر وارد حیطه کاری کارمندان می‌شدند، احساس کسی را داشتند که اضافه است و باید کنار بایستند؛ اما این بازی‌ها باعث شد نزدیک‌تر شوند به همدیگر و این اعضا به بدنه جمعیت نزدیک‌تر شدند، شاید با ادامه دار شدن این المپیک، اعضا و داوطلبان هم به طور دایم عضوی از جمعیت هلال احمر شوند. قطعاً این اتفاق باعث می‌شود همه نیروهای انسانی بهره‌وری بهتری داشته باشند.

در چشم‌انداز آینده، می‌توان حضور در حوزه بین‌الملل را هم پیش‌بینی کرد؟

با تدبیری که مدیران جمعیت اندیشیده‌اند، قرار بر این شد که یک نام‌کن ممکن شود؛ این‌که ماتیمی داشته باشیم که از بین اعضا و جمعیت انتخاب شود و به واسطه آن فرشاد پیوس برای استعدادیابی در کنار ما حضور دارد. این موضوع باعث می‌شود تیم منتخبی داشته باشیم که با حمایت وارد عرصه‌های بین‌المللی شود. همان‌طور که می‌دانید هلال احمر خیلی بزرگ‌تر از دستگاه‌هایی است که تیم رسمی دارند؛ قطعاً داشتن یک تیم رسمی برای هلال احمر که با حمایت مسئولان بتواند در عرصه بین‌المللی حضور داشته باشد، بسیار مورد استقبال ماست. ما حتی می‌توانیم ایده‌پرداز این کار باشیم، به طوری که یک کار جدید و نو در عرصه بین‌المللی انجام دهیم و به دیگر کشورها پیشنهاد دهیم که یک دوره مسابقات بین‌المللی داشته باشیم. امیدواریم این اتفاق هم مثل کاری که امروز شاهدش هستیم و تصور می‌کردیم نام‌کن است، ولی به این منسجمی و گستردگی برگزار می‌شود، در آینده نزدیک بیفتد.

رئیس مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر:

آموزش، بهترین روش برای پیشگیری است

دکتر محمدتقی حلی ساز، رئیس مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر در گفتگو با مجله مهر و ماه با اشاره به مأموریت جمعیت هلال احمر، اظهار داشت: مجلس در مجوزی مسئولیت درمان خارج از کشور را به جمعیت هلال احمر واگذار کرده است، از این رو درمان زائران سفرهای زیارتی عراق و سوریه از جمله وظایف جمعیت هلال احمر در قالب مرکز پزشکی حج و زیارت تعریف می‌شود.

رئیس مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر ادامه داد: ارائه خدمات درمانی به زائرین در مدتی که در کشورهای مقصد حضور دارند با این مرکز است که بر حسب حجم زائران، پزشکان و امدادگران در مجتمع‌های پزشکی حضور پیدا کرده و ارائه خدمات می‌دهند.



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه هلال احمر هرمزگان خبر داد

برگزاری دوره توانمندسازی رابطین فرهنگی و ائمه جماعات استان هرمزگان

هلال در زلزله سال ۸۴ جزیره قشم را یادآور شد و ادامه داد: هلال احمر با برگزاری دوره‌های مختلف امداد و نجات برای اقشار مختلف به ویژه نسل جوان، سطح آمادگی جامعه در مقابله با بلایای طبیعی و بحران‌ها را افزایش می‌دهد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان هرمزگان گفت: هلال احمر ارگانی غیرانتفاعی و مردمی است که در کنار کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) به جامعه نفع‌رسانی می‌کند و علاقه‌مندان می‌توانند خیر جمعیت هلال احمر باشند.

حجت الاسلام شهبانی اظهار داشت: هلال احمر توانسته است با اقدامات فرهنگی، ابعاد مختلف معارف اسلامی را در افراد جذب شده به این ارگان که شامل اعضای از مهدهای کودک، مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه هستند، تقویت کند. □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر هرمزگان گفت: امروزه فعالیت هلال احمر به حوزه‌های پزشکی، بهداشتی، امدادی، فرهنگی و آموزشی گسترش یافته است. حجت الاسلام هادی شهبانی در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه شهرستان قشم اظهار داشت: امروزه فعالیت جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های ارائه خدمات پزشکی، بهداشتی، امدادی، فرهنگی و آموزشی گسترش یافته است.

وی با بیان این‌که فعالیت هلال احمر در چارچوب اصول بین‌المللی و ارزش‌های اسلامی نظیر خودشناسی و خدامحوری انجام می‌شود، افزود: کاهش آلام بشری و محافظت از جان و سلامتی انسان‌ها از جمله اهدافی است که جمعیت هلال احمر دنبال می‌کند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان هرمزگان، تضمین کرامت انسان‌ها را از دیگر اهداف این جمعیت برشمرد و تصریح کرد: اهمیت توجه به این مسئله که از اهداف قرآنی نیز هست، در زمان بحران و بلایای طبیعی مضاعف می‌شود. حجت الاسلام شهبانی اضافه کرد: ایمان به خدا و خیررسانی به مردم به عنوان بالاترین فضیلت انسانی، محور فعالیت‌های هلال احمر را تشکیل می‌دهند.

وی با اشاره به داوطلبانه بودن فعالیت‌های جمعیت هلال احمر، نقش آفرینی امدادگران

محسوب می‌شوند، متخصص زنان، داخلی و... حضور دارند و خدمات پرستاری ارائه می‌شود، مجتمع‌های پزشکی ۲۴ ساعته یا در برخی مواقع تنها در روز خدمات درمانی ارائه می‌کنند.

وی با اشاره به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای حضور پزشکان در مراسم اربعین حسینی سال ۹۸، اظهار داشت: در مسیر نجف به کربلا درمانگاه‌های متعددی برپا می‌شود و اگر جمعیت زوار برای حضور در راهپیمایی اربعین زیاد شود، در کنار درمانگاه ثابت، درمانگاه‌های دیگری برپا می‌کنیم. وی تأکید کرد: در این درمانگاه‌ها امکان جراحی فراهم است و در صورتی که حجم زائرین زیاد شود بر تعداد درمانگاه افزوده می‌شود.

حلی‌ساز، مسئول مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر با بیان این‌که آموزش درمانی جزو پروتکل همکاری مرکز پزشکی حج و زیارت با سازمان جمعیت هلال احمر است، بیان داشت: برای زائرین سرفصل‌های آموزشی در حداقل سه جلسه پیش، حین و پس از سفر ارائه می‌شود، چرا که اعتقاد داریم این آموزش‌ها بهترین روش برای پیشگیری است و تأثیرگذارتر و مهم‌تر از برپایی درمانگاه‌ها در کشورها میزبان است. □

وی با بیان این‌که درمانگاه‌های مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر در کشورهای عراق، عربستان و احتمالاً سوریه تشکیل می‌شود، تأکید کرد: در حال حاضر برنامه‌ریزی برای ایجاد درمانگاه‌ها در شهرهای کربلا، نجف و کاظمین نسبت به ارائه خدمات پزشکی برای حج تمتع سال آینده با همکاری سازمان حج و زیارت انجام شده است.

حلی‌ساز، درباره اظهارات مطرح شده پیرامون احتمال آغاز سفر رسمی زائران ایرانی به سوریه و اقدامات مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر در این خصوص، گفت: مرکز پزشکی حج و زیارت هلال احمر در همکاری با سازمان حج و زیارت مسئولیت ارائه خدمات بهداشتی و درمانی زائران ایرانی در سه کشور عربستان، عراق و سوریه را بر عهده دارد، اما با توجه به این‌که اعزام زائر به سوریه انجام نمی‌شود، ما نیز در حال حاضر مرکز درمانی در این کشور نداریم.

وی با اشاره به احتمال از سرگیری اعزام زائران ایرانی به کشور سوریه، خاطر نشان کرد: صحبت‌هایی درباره از سرگیری اعزام زائران مطرح شده و بنابراین در صورتی که سفرها به شکل رسمی آغاز شود ما نیز آمادگی داریم که در کوتاه‌ترین زمان ممکن مراکز درمانی خود را در دمشق و زینبیه راه‌اندازی کنیم تا نسبت به ارائه خدمات به زائران اقدام شود.

مسئول مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر، با اشاره به چارت‌های تعیین شده برای برگزاری مراسم حج تمتع بیان داشت: ما برای این مراسم دو بیمارستان در مکه و مدینه در نظر داریم، علاوه بر آن براساس جمعیت زوار در هتل‌ها مجتمع‌های درمانی را تعریف می‌کنیم تا زوار با راهنمایی پزشک کاروان برای دریافت خدمات درمانی به این مجتمع‌ها مراجعه کنند و اگر نیاز به جراحی داشته باشند توسط پزشکان مسلط به زبان عربی به بیمارستان کشور میزبان منتقل می‌شوند. در این مجتمع‌ها که در واقع پلی کلینیک



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه هلال احمر استان زنجان:

ارتباط انسان با خدا یکی از لوازم ضروری مدیریت است

اگر کسی غیر از اسلام دینی را اختیار کند، پذیرفته نیست و از زیانکاران است. سیاق آیه دال بر اهمیت پژوهش در خصوص اعتقادات را نمایان می‌سازد.

همچنین حجت الاسلام والمسلمین جواد نصیری در جلسه هیئت مدیره جمعیت هلال احمر استان زنجان حضور پیدا کرد. وی در این جلسه به تفسیر آیه ۳۸ سوره بقره پرداخت و اظهار داشت: توسل به پنج تن آل عبا و البته عمل به فرامین اهل بیت (ع)، موجب نجات انسان است. همچنین انسان اگر از اولیای الهی باشد نه خوفی و نه حزن خواهد داشت. یکی از لوازم ضروری مدیریت ارتباط انسان با خداست و طبق آیات مبارکه قرآن هر کس از خدا بترسد تمامی موجودات از او خوف خواهند داشت، مصداق بارز آن امام و رحل و عظیم الشان ماست. □

به گزارش مجله مهر و ماه، حجت الاسلام والمسلمین نصیری، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان، ضمن حضور در جلسه کمیته تخصیص بودجه هیئت مدیره جمعیت استان پیشنهاد تبدیل مرکز علمی کاربردی به آموزش‌های پودمانی و تشکیل کمیته برنامه‌ریزی با محوریت درآمدزایی در کلیه حوزه‌های جمعیت اعم از توانبخشی و کتابخانه ارائه کرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه جمعیت استان زنجان همچنین با حضور در جلسه شورای مدیران سخنانی در خصوص استغفار بیان داشت و گفت: توبه از گناهان و آموزش خواهی از خداوند، امری است که بسیار مورد تأکید قرآن و پیشوایان دین قرار گرفته است. در کلام پیشوایان معصوم (ع) استغفار به عنوان بهترین دعا و عبادت و ارزشمندترین توسل و مؤثرترین سلاح گناهکاران و نجات‌بخش‌ترین شفیع به گونه‌ای کم‌نظیر مورد تأکید واقع شده و آثاری برای آن ذکر شده است.

وی همچنین در جلسه آموزش و پژوهش استان زنجان حضور پیدا کرد و ضمن سخنرانی در خصوص اعتقادات به تفسیر آیه ۸۵ سوره آل عمران پرداخت و گفت: این آیه می‌فرماید

اردوی فرهنگی - آموزشی یاوران نماز در نیشابور برگزار شد

نماینده ولی فقیه در هلال احمر خراسان رضوی از اهتمام در راه اقامه و توسعه فرهنگ نماز تقدیر کرد.

منادیان ارتباط با خدا

مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان رضوی گفت: کارمندان اهل نماز، اغلب تعهد و مسئولیت پذیری بیشتری نسبت به کار دارند. به گزارش روابط عمومی هلال احمر خراسان رضوی، دکتر سید مجتبی احمدی در گردهمایی یاوران نماز (ائمه جماعات و رابطان فرهنگی هلال احمر استان) که به میزبانی نیشابور در اردوگاه کشوری باغرود برگزار شد، افزود: صلاح و فلاح در جامعه در گرو پایبندی به فرایض دینی و از جمله نماز است و در نهادها و اداره ها نیز افراد نماز خوان معولا از نظر کمی و کیفی عملکردشان شایسته تر است.

وی با اشاره به شعری از مولانا درباره تأثیر عبودیت و اخلاص در نماز و ترکیه روح و روان سالک به سوی خدا، آیه ۴۵ سوره عنکبوت را نشانه دوری نمازگزاران حقیقی از فحشا و منکر دانست. مدیرعامل هلال احمر خراسان رضوی همچنین از اهتمام دفتر نمایندگی ولی فقیه، شورای اقامه نماز و هلال احمر نیشابور در برگزاری این همایش معنوی و آموزشی، تقدیر کرد.

نماز به عنوان نشانه حکومت صالحان از مهم ترین شاخص های مؤثر بر کیفیت امور کارکنان یک دستگاه اداری است. از آن جا که نماز بزرگ ترین ذکر الهی است (اقم الصلوه لذكوری) و ذکر و یاد خداوند آرامش بخش دل های مضطرب است (الا بذكر الله تطمئن القلوب) طبعاً برنامه ریزی جهت گسترش فرهنگ نماز، نشست ها، همایش ها و اردوها بهترین فرصت برای ارتقای تأثیرات نماز در بین کارکنان از جنبه های امیدبخشی، آرامش بخشی، ایجاد فضای همدلی و صمیمیت، وجدان کاری، معنویت گرایی و در مجموع مصونیت بخشی به امور اداری خواهد بود. بنابراین علاوه بر گردهمایی های سالانه ائمه جماعات و رابطین فرهنگی و خادمان نماز این بار در جلسه ۱۰۸ شوراهای سه گانه جمعیت هلال احمر استان پیرو تهفیدات قبلی مصوب شد که با محوریت یاوران نماز یعنی همکاران عزیز که در جهت اقامه و اجرای نماز فعالیت می کنند و در حقیقت سفره داران نماز هستند اردویی فرهنگی آموزشی در اردوگاه شهید رجایی باغرود نیشابور برگزار شود که با حداقل هزینه با شناسایی و دعوت قبلی حدود ۶۰ نفر به صورت استانی در فضای کاملاً معنوی متناسب با نماز برگزار شد. ■

راز خدمت مسئولانه

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی گفت: گسترش فرهنگ نماز، بزرگترین راز خدمت و رمز خدمت صادقانه و مسئولانه از سوی کارکنان یک نهاد و دستگاه اجرایی است و همواره یاد خدا بهترین پشتوانه انگیزه های کاری و خدمت در هلال احمر بوده است.

حجت الاسلام والمسلمین اسد... اسدی در همایش یاوران نماز هلال احمر استان که در اردوگاه کشوری باغرود برگزار شد، هدف از برگزاری این گردهمایی را تشویق یاوران نماز به خدمت رسانی بهینه در این عرصه و هم افزایی و همدلی بیشتر دانست. وی افزود: شیوه های جذب حداکثری به نماز در این اردو مورد بحث و توسط یکی از مدرسان ستاد اقامه نماز استان تدریس شد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خراسان رضوی همچنین خواستار حضور منظم ائمه جماعات و خادمان و یاوران نماز در نماز جماعت و همراهی در مجموعه ماموریت های هلال احمر شد. وی با معرفی کتاب غنی «مفاتیح الحیات» اثر آیت... جوادی آملی به عنوان یکی از منابع اصلی سخنرانی ائمه جماعات، تأکید کرد: بدیهی است هر چه نماز به عنوان یکی از نشانه های حکومت صالحان در مجموعه های اداری رونق بیشتری داشته باشد آفات و آسیب های آن نهاد به برکت نماز کاهش می یابد و خدمت توأم با سلامت و صداقت با انگیزه های معنوی بیشتر خواهد بود. حجت الاسلام والمسلمین اسدی همچنین حضور دبیر ستاد اقامه نماز خراسان رضوی و مدیر عامل هلال احمر استان را در این اردوی فرهنگی و آموزشی، حائز اهمیت و بشارت بخش خواند. ■

به گزارش مجله مهر و ماه اهداف برگزاری این برنامه اجرای مفاد تفاهنامه منعقد مابین جمعیت هلال احمر و ستاد اقامه نماز کشور در جهت تعمیق و گسترش فرهنگ نماز بود. حرکت به سمت مدیریت تعاملی در فعالیت های فرهنگی دینی با توجه به مشارکت ستاد اقامه نماز استان و آموزش و پرورش شهرستان نیشابور در واگذاری اردوگاه باغرود نیشابور و تکریم و تجلیل از همکارانی است که بستر ساز اقامه نماز جماعت در شعب و مراکز اداری بوده و با پخش اذان، اقامه، تعقیبات، سجاده و غیره در مجموع نماز اداره را مدیریت می کنند. هدف دیگر این برنامه آموزشی ایجاد فضای همفکری و همدلی و هماهنگی و انسجام یاوران نماز و هم افزایی جهت اهتمام به امر نماز و خدمت داوطلبانه و مخلصانه و شناسایی نقاط ضعف و قوت و بایسته های اقامه نماز باشکوه با توجه به اظهارات ائمه محترم جماعات و یاوران نماز بود. براساس این گزارش اهم برنامه های اجرا شده استفاده از دیدگاه ها و نظریات ستاد اقامه نماز و آخرین سیاست ها و دستاوردهای ستاد با حضور حجت الاسلام والمسلمین سبحانی نیادبیر ستاد و ایراد سخنرانی در بخشی از جلسه بود. همچنین دو کارگاه ویژه در خصوص مسائل تربیتی نماز و راه های جذب به نماز توسط ستاد حجت الاسلام مجتبی داودی معرفی شده از سوی ستاد اقامه نماز استان برگزار شد. رئیس ستاد اقامه نماز خراسان رضوی در این همایش با ابراز رضایت از عملکرد هلال احمر استان در زمینه توسعه و ترویج فرهنگ نماز، خواستار تدوین مسائل مرتبط با دین و کاربردی عمومی برای مواقع بحرانی و حوادث شد.

حجت الاسلام والمسلمین امرا... سبحانی نیا تأکید کرد: آگاهی عمومی از مسائل کاربردی دینی در هنگام بروز حوادث و بحران ها پایین است و می بایست پیش از هر حادثه ای اطلاع رسانی لازم صورت پذیرد. وی افزود: موارد آرامش بخش برای مردم در بحران ها را باید مشخص کرد و بایسته های آموزشی و فرهنگی امدادی، آمادگی لازم را در همه عرصه ها برای چنین مواقعی ایجاد کرد.

رئیس ستاد اقامه نماز خراسان رضوی خاطر نشان کرد: گاهی اوقات با یک حادثه و سانحه، شیطان در ذهن و دل برخی حادثه دیدگان، تخم تردید و شک و شبهه ایجاد می کند که پاسخگویی به این سئوالات هم نوعی کمک و مدد رسانی است. وی همچنین در خاتمه این همایش با اهدای لوح های تقدیر ویژه ای خطاب به دکتر سید مجتبی احمدی مدیرعامل و نیز حجت الاسلام والمسلمین اسد... اسدی مسئول دفتر



تقویت شود.

نماینده ولی فقیه در هلال احمر سپس با تشریح عملکردهای ۴ سال اخیر حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به بررسی نقاط قوت و ضعف این فعالیت‌ها پرداخت و افزود: حضور در استان‌ها و دیدار با کارکنان و اعضای هلال احمر در اقصی نقاط کشور، تهیه نظام‌نامه حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، ایجاد کانون‌های طلاب در حوزه‌های علمیه سراسر کشور از طریق انعقاد تفاهم‌نامه با مدیریت حوزه‌های علمیه و همچنین تلاش در جهت ارتقای فرهنگی از مهم‌ترین فعالیت‌های این مجموعه در هلال احمر بوده است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه خاطر نشان کرد: در سال‌هایی که گذشت، استکبار و دشمنان این ملت و نظام هرگز دست از توطئه علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی برنداشته و همواره با تفکر براندازی این نظام مردمی فعالیت کردند، لیکن ایران اسلامی با رهبری داهیانه و مدبرانه امام راحل (ره) و پس از ایشان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی (مدظله العالی) و همچنین انسجام وحدت، یکپارچگی و بیداری ملت همیشه در صحنه، مانع از رسیدن آن‌ها به مقاصد شومشان شد.

در ابتدای این دیدار معاونین حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، مشاور نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر و مدیرکل حوزه نمایندگی به ارائه گزارش مهم‌ترین اقدامات و فعالیت‌ها پرداختند. □

هلال احمر ظرفیتی وسیع برای خدمت به آحاد جامعه است

در چهارمین سالگرد انتصاب حجت الاسلام والمسلمین معزی، نماینده ولی فقیه در هلال احمر، معاونین، مدیران و کارکنان این حوزه با نماینده رهبر معظم انقلاب در این جمعیت و در فضایی صمیمانه دیدار و گفتگو کردند. □

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، در این دیدار که در سالن جلسات حوزه نمایندگی برگزار شد، حجت الاسلام والمسلمین معزی با قدردانی از فعالیت‌های بی‌شائبه همکاران، فعالیت در هلال احمر را ظرفیتی وسیع برای ارائه خدمات به آحاد جامعه دانست و گفت: حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر نیز در این مسیر علی‌رغم کمبودهای موجود توانسته است به بسیاری از اهداف تعیین شده خود دست یابد، هر چند که برای دستیابی به اهداف، فعالیت‌های گسترده در این زمینه باید پیش از پیش

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گیلان به اقدامات این حوزه اشاره کرد

ترویج آرمان‌های فرهنگی و دینی

حجت‌الاسلام والمسلمین امیر چهری، مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گیلان را برعهده دارد. ایشان در گفتگو با مجله مهر و ماه به دستاوردهای



حوزه نمایندگی ولی فقیه اشاره کرد و گفت: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن سال ۱۳۵۷ به رهبری معمار کبیر انقلاب اسلامی در کشور و پایه‌گذاری حکومت دینی، جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت و آن‌گاه ضرورت ایجاد نهادها و ارگان‌هایی که بتوانند هر یک به نوعی مروج آرمان‌های فرهنگی و دینی و باورهای فکری رهروان امام و پیروان اسلام در جامعه اسلامی باشند به صورت بی‌وقفه مدنظر مقامات ارشد کشور قرار گرفت.

وی ادامه داد: از این رو تأسیس حوزه‌های نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر یکی از اقدامات جدی بود که در بسیاری از نهادهای کلیدی و حساس کشور به وجود آمد. حجت‌الاسلام والمسلمین امیر چهری به مهم‌ترین دستاوردهای اثرگذار حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر اشاره کرد و گفت: نظارت بر روند جذب، برنامه‌ریزی، هدایت و سازماندهی کمک‌های مردمی، نظارت بر موقوفات و احیای آن دسته از موقوفاتی که از راه‌های غیر متعارف به تصرف افراد یا بعضاً نهادهای غیر متولی و سودجو درآمده است، از جمله وظایف دفاتر نمایندگی این حوزه محسوب می‌شود.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گیلان اظهار داشت: همچنین زمینه‌سازی برای حضور نیروهای داوطلب مؤمن و پیدایش تشکلهای مردم نهاد و جمعیت‌های مشابه و نظارت بر فعالیت آن‌ها، تشکیل کانون‌های طلاب جهت کمک در حوادث، بحران و سوانح احتمالی و ارتباط مؤثر و سازنده با شاخه جوانان جمعیت، بررسی‌های کاربردی در زمینه نیازهای فرهنگی اعضای جمعیت به ویژه جوانان و ارائه برنامه‌های فرهنگی و مذهبی و اصلاح و احیای روش‌های سنتی در ترویج فعالیت‌های بشردوستانه از دیگر اقدامات حوزه نمایندگی ولی فقیه است که از سوی دفاتر نمایندگی در استان‌های سراسر کشور انجام می‌گیرد.

وی با بیان این‌که تدوین و انتشار کتب و نشریات مناسب و ضروری به منظور معرفی فعالیت‌های عام‌المنفعه نیز از جمله اقدامات حوزه است، ادامه داد: انجام پژوهش‌های لازم به ویژه در زمینه تأکیدات دین مبین اسلام در زمینه کمک‌های بشردوستانه و حمایت از محرومان نیز در برنامه دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر قرار دارد. ایشان تأکید کرد: برنامه‌ریزی، نظارت، هماهنگی و همکاری با رؤسای سازمان‌های جمعیت هلال احمر برای برگزاری هرچه بهتر مراسم و شعائر انقلابی و دینی به منظور تقویت باورها و ارزش‌های دینی در بین اعضای جمعیت هلال احمر با مشارکت کلیه نهادهای مردمی و استانی در مناسبت‌های حماسی و انقلابی صورت می‌گیرد.



چراغ راه

حجت الاسلام والمسلمین چهری در ادامه چهار گام برجسته حوزه نمایندگی ولی فقیه در چهل سال گذشته را تشریح کرد و گفت: نقشه کلی راه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران توسط علمای اعلام به‌ویژه بنیانگذار انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) و سپس رهبری عالمانه و حکیمانه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، از جمله اصلی‌ترین مواردی بود که توسط نمایندگان ایشان در سطح کشور به عنوان چراغ راه انقلاب برای غاطبه ملت بزرگ تبیین و بازگوشد و نظارت‌های لازم جهت انجام آن توسط دستگاه‌های ذی‌ربط به عمل آمد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گیلان افزود: تلاش برای کسب رضایت خداوند متعال و حرکت در مسیر الهی طهارت روح و جان و پرهیز از خطاها و لغزش‌ها، رعایت تقوی الهی و عمل به دستورات الهی و ممارست در به‌دست آوردن سلامت روح، مهم‌ترین مواردی بود که همواره رهبران جامعه برای داشتن نظامی سالم و خدایسند بر آن اصرار دارند و مسئولین نظام را بر آن تشویق می‌کنند.

حجت الاسلام والمسلمین چهری با بیان این‌که جهش‌های علمی که امروزه ما در عرصه‌های مختلف از قبیل هسته‌ای، نانو، دانش ژنتیک، هوا و فضا به دست آورده‌ایم و در رتبه‌های جهانی جزو کشورهای برتر قرار گرفته‌ایم خود دلیلی بر این مدعاست.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گیلان عنوان کرد: توجه به اقشار محروم و مستضعف جامعه به‌ویژه رسیدگی به حال اقشار کم‌برخوردار و ضعیف جامعه خود گواه دیگری بر رفع محرومیت است، حمایت و تأسیس تشکلهای مردم‌نهاد، نهادهای جدید بسنج سازندگی برای رفع فقر، عمران و آبادانی مناطق محروم و دورافتاده همواره در رفتار و گفتار علمای و به‌ویژه مقام عظامی ولایت همواره رهنما و چراغ راهی برای مسئولان است.

وی در ادامه این بحث اظهار داشت: توجه به رشد و توسعه مراکز خدمات‌رسان جامعه که جمعیت هلال احمر یکی از آنان است و توصیه‌های شخص مقام معظم رهبری و نماینده معظم‌له بر نحوه نظارت و جلب اعتماد مشارکت مردم و اجرای برنامه‌های دینی، مذهبی و رسیدگی به طبقه دردمند و ضعیف جامعه مصداق روشن دیگری بر این گفته است.

امیدواری

ایشان گسترش روحیه مقاومت و پرهیز از یأس و ناامیدی را یکی از دستورات مهم رهبر عالی قدر نظام و علمای اعلام و نمایندگان آن حضرت در دستگاه‌ها دانست و گفت: آیه شریفه «فاستقم كما أمرت و من تاب معك» اشاره دارد به این‌که در راه آرمان‌خواهی و رسیدن به آمل و آرزوهای بزرگ در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها باید مقاومت کرد، همواره باید کلید و نقشه‌های دشمنان را فهمید و برای آن چاره‌اندیشید. حجت الاسلام والمسلمین چهری با تأکید بر این‌که روحیه ظلم‌ستیزی و مقاومت در این عرصه یکی دیگر از این



توجه به اقشار

محروم و

مستضعف جامعه

به‌ویژه رسیدگی

به حال اقشار

کم‌برخوردار و

ضعیف جامعه

خود گواه دیگری

بر رفع محرومیت

است، حمایت

و تأسیس

تشکلهای

مردم‌نهاد، نهادهای

کردن بسنج

سازندگی برای

رفع فقر، عمران

و آبادانی مناطق

محروم و دورافتاده

همواره در رفتار و

گفتار علمای

و به‌ویژه مقام

عظامی ولایت

همواره رهنما و

چراغ راهی برای

مسئولان است

دستاوردهای بزرگ و ارزشمند است، توضیح داد باید بدانیم که در این راه اگر یک لحظه غفلت شود و یک لحظه خواب به چشم ما بیاید، بدخواهان از این فرصت استفاده خواهند برد. این‌ها موارد مهمی بودند که پیروزی‌های بعدی در لوی آن به دست آمدند این موارد در نهادهای آرمان‌ها و عقاید مثمر‌تر بودند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گیلان به دستاوردهای بین‌المللی و جهانی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: با وجود گذشت بیش از ۱۵ سال از برنامه‌ریزی مدرن و همه‌جانبه علیه اسلام و کم‌رنگ و کم‌رونق جلوه دادن فضای اسلامی و با تمامی ضربه‌هایی که می‌توانستند بر پیکره نظام وارد کنند، دشمنان موفق نشدند. وی ادامه داد: هدف دشمنان این بود که اسلام ناب محمدی را که با استکبارگری و قدرت‌طلبی زیاده‌خواهان در تضاد بود در نطفه خفه کنند و صدای غربت اسلام را کسی نشنود، اما به برکت انفاست قدسیه بنیانگذار انقلاب و اتحاد ملت فداکار و مؤمن این نظام شکوهمند اسلامی نه‌تنها در کشور، بلکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امروز در تمام جهان یک موج عظیم اسلام‌خواهی را به وجود آورده است که به موجب آن اسلام در آفریقا، آسیا و حتی در قلب اروپا جای خودش را پیدا کرده و مسلمانان به شخصیت، هویت و قدرت واقعی‌شان پی برده‌اند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گیلان با تأکید بر این‌که پیش‌بینی فروپاشی شوروی سابق و نظام کمونیستی سابق را نیز باید یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی دانست، افزود: با وجود این‌که هیچ‌کدام از تحلیل‌گران سیاسی دنیا فروپاشی این قدرت سیاسی را پیش‌بینی نمی‌کردند، امام خمینی (ره) با شناختی که از قدرت اسلام داشتند این پیش‌بینی دقیق را کردند و در پیامی به رهبر شوروی سابق جناب گورباچف اعلام فرمودند که صدای شکستن استخوان‌های کمونیسم به گوش می‌رسد و از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخی و سیاسی جهان بررسی کرد.

حجت الاسلام والمسلمین چهری با بیان این‌که به صدور فرمان حضرت امام (ره) درباره سلمان رشدی مرتد به خاطر توهین به مقدسات اسلام، یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران است، تأکید کرد: این اقدام شجاعانه باعث تحقیر شدید دنیای غرب و سربلندی برای اسلام شد و رهبری انقلاب ثابت کردند که هر جا به مقدسات مسلمانان توهین شود، با همه توان و علی‌رغم اصول حاکم بر روابط بین‌الملل در مقابل آن تمام قد خواهند ایستاد.

اکنون سربازان گمنام امام زمان و مدافعان حریم ولایت با خلق رشادت و جان‌فشانی داعش و داعشی را در فراسوی این مرز و بوم دلیرانه به عقب راندند و چنان رعب و وحشتی به چشم دشمنان زبون آوردند که سردمداران زور و تزویر مجبور به عقب‌نشینی و ترک سوریه و عراق شدند. وی تأکید کرد: فرزندان دلیر این کشور اسلامی نه‌تنها در ایران، بلکه در هر جایی از دنیا که نیاز باشد زیاد خواهند و متجاوزین به هر ملت مسلمانی را سر جایش خواهند نشاند.

۱ شروع دگرگونی‌های بزرگ

ایشان با اشاره مهم‌ترین دستاوردهای داخلی و ملی انقلاب اسلامی ایران، تشریح کرد: در سال ۱۳۵۷ نظامی مقتدر در ایران بر پایه‌های قوانین مقتدر اسلامی شکل گرفت که به فرمان امام به فراندوم گذاشته شد، از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی رأی و نظر مردم در چارچوب حاکمیت دین محترم شمرده شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین چهری با مقایسه ایران قبل و بعد پیرزوی انقلاب اسلامی گفت: این مقایسه واقعیت‌های مهمی را برای ملت و نسل‌های آینده آشکار کرد. جمهوری اسلامی ایران را می‌توان شروع دگرگونی‌های بزرگ و بنیادی در ایران و منطقه دانست.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گیلان با بیان این‌که دومین موضوع استقلال و خودکفایی است، ادامه داد در عرصه سازندگی، در حوزه‌های دفاع و پشتیبانی فرزندان این مرز و بوم توانستند به نتایج چشمگیری دست پیدا کنند. مسئله آزادی در ابراز عقاید و گفتمان و روحیه مطالبه‌گری از مسئولین باعث شده که نسل‌های سوم و چهارم در بسیاری از موارد از نسل‌های اول و دوم پرشورتر، با نشاط‌تر و انقلابی‌تر در صحنه‌ها ظاهر شوند. وی اظهار داشت: حضور نسل جدید در میدان دفاع از امت اسلامی در سوریه، عراق و محافلی

چون اعتکاف نشان از دشمن‌شناسی، بصیرت، شجاعت و معنویت نسل جدید است. ایشان با اشاره به نفوذ بالای انقلاب اسلامی در ملت‌های آزاد جهان، گفت: این نفوذ باعث شده بسیاری از ملت‌ها با تأسی از انقلاب اسلامی مؤلفه‌هایی چون استقلال طلبی، آزادی خواهی و عدالت خواهی را مطالبه کنند. دشمن در طول چهل سال گذشته تمام توان خود را بر تأثیرگذاری و توقف تأسیس، تثبیت و عدم توسعه نظام داشته، اما امروزه خود با مشکلات جدی روبه‌روست.

ایشان به مهم‌ترین دستاوردهای معنوی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: اگر ما بخواهیم ثمرات انقلاب اسلامی را به رشته تحریر در بیاوریم یا پیرامون آن به مذاکره و بحث بنشینیم، باید ثمرات مکتب اسلام اولیه را مد نظر قرار دهیم و اگر بخواهیم دوران پس از پیرزوی انقلاب اسلامی با دوران قبل از اسلام مقایسه کنیم، فقط می‌توانید آن را با

گزارش عملکرد دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری

تولید محتوای کارشناسی در حوزه‌های مختلف جمعیت هلال احمر

برپایی جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری با حضور مرتضوی فرد، مدیر عامل جمعیت استان، حجت‌الاسلام والمسلمین جعفری، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و معاونین جمعیت استان، برپایی برنامه تجلیل از پرستاران عضو داوطلب جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری و برگزاری دوره آموزشی امنیت ملی از جمله فعالیت‌های دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر این استان در ماه گذشته است. ■

به گزارش مجله مهر و ماه، برنامه تجلیل از پرستاران عضو داوطلب جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب (س) در شهرستان‌های شهرکرد و بروجن با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین جعفری و سید سیفعلی درگاهی معاون داوطلبان و پزشکان و پرستاران داوطلب جمعیت استان برگزار شد. در این برنامه حجت‌الاسلام والمسلمین جعفری با اشاره به سخن حضرت زینب (س) که فرمودند «و ما رأیت الا جمیلاً»، گفت: هرچند که حضرت زینب (س) در شرایط سختی قرار گرفته بودند، ولی وقتی که این مصائب را از نگاه رضایت و خشنودی خداوند ارزش‌سنجی می‌کند، در حقیقت چیزی جز زیبایی به نظر ایشان نمی‌آید. همچنین شما پرستاران عضو جمعیت داوطلبان هلال احمر نیز با توجه به نیات الهی سختی‌های بسیاری را با الگو گرفتن از حضرت زینب (س) تحمل و رضایت الهی را کسب می‌کنید. همچنین در شعبه شهرستان بروجن با حضور مسئول داوطلبان و کارکنان جمعیت شهرستان در بیمارستان حضرت ولیعصر (عج) شهرستان بروجن از پرستاران داوطلب جمعیت در این روز تقدیر شد.

۱ شورای فرهنگی

جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری با حضور مدیرعامل، مسئول دفتر نماینده ولی فقیه و اعضای شورای معاونین پیرامون مسائل و موضوعات حوزه فرهنگی جمعیت هلال احمر استان برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت‌الاسلام والمسلمین جعفری در این جلسه با تأکید بر پیشبرد اهداف عالی جمعیت هلال احمر بر اساس مبانی دینی تصریح کرد: تقویت بنیه اعتقادی و فرهنگی با رویکرد قرآنی از اولویت‌های جمعیت هلال احمر بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام است. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان



همین دستاوردهای معنوی انقلاب اسلامی است که در جای جای عالم اسلام، مسلمانان حق طلب و مظلوم با توکل و ایمان به خداوند متعال، آماده هرگونه ایثار و فداکاری هستند.

ایشان با اشاره به اتحاد و اخوت اسلامی توضیح داد: تأکیدات امام راحل عظیم الشان (ره) بر ضرورت ایجاد وحدت و همدلی در جامعه و پرهیز از اختلاف خود دلیلی محکم برای گفته است که اختلافات موجب بیرون رفتن قوت ایمانی می شود و کسی که در این میان اختلاف ایجاد می کند از جمع مسلمین و اسلامی بودن خارج می شود اگر چنانچه بین مسلمین باشد. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان گیلان اظهار داشت: بارها و بارها امام عظیم الشان و همچنین مقام معظم رهبری به خاطر اهمیت این موضوع، بر حفظ وحدت تأکید داشتند. □

وی با اشاره به اهداف برگزاری این دوره آموزشی گفت: ارتقای سطح دانش، توانایی و مهارت های همکاران در سطوح مختلف جمعیت و افزایش دانش و تجربه برای مدیریت هوشمندانه در این خصوص از جمله اهداف برگزاری این دوره آموزشی است.

حجت الاسلام والمسلمین جعفری، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری نیز با تأکید بر اهمیت برگزاری این دوره آموزشی تصریح کرد: امنیت یکی از مهم ترین عوامل پیشبرد اهداف هر کشوری است و این موضوع از زمان صدر اسلام تاکنون مورد توجه بوده است آن گونه که امیر مؤمنان حضرت علی (ع) در این مورد فرموده اند: امنیت آن چیزی است که عامل بهتر زندگی کردن قشر ضعیف جامعه است.

سید احمد مرتضوی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان هم با اشاره به اهمیت حضور معاونین و کارشناسان استانی و شهرستانی حوزه امنیت در این دوره آموزشی گفت: جمعیت هلال احمر مشابه دولت کوچکی است که با وجود جوانان، امدادگران و داوطلبان شایسته است؛ در موضوع استفاده درست از فضای مجازی، امنیت را به طور کامل مورد توجه قرار دهند، زیرا وجود یک اشتباه کوچک می تواند بسیاری از مشکلات ناخواسته را به ما تحمیل کند. □



دوران آغاز رسالت نبی مکرم اسلام و آن هم تحت عناوین مختلفی مقایسه کنیم. ما می توانیم بگوییم که این انقلاب به رهبری امام خمینی (ره) نیز سه نتیجه مهم برای جامعه انسانیت در برداشت؛ و جامعه اسلامی از این نتایج بهره مند شد. یکی از این نتایج، احیای انسانیت است. این روحانی با تأکید بر این که از دیگر نتایج این انقلاب، احیای احکام اسلام و دین است، گفت: احیای اسلام ناب محمدی (ص) و قرآن کریم صورت گرفت و مردم، احکام اسلامی را در زندگی اجتماعی و سیاسی خود به کار بردند. آنان در سایه این احکام، نه تنها فرایض و عبادات خود را به انجام رسانیدند؛ بلکه برای حل مسائل سیاسی و اقتصادی خود، سعی و تلاش گسترده ای را شروع کردند.

وی تأکید کرد: در کشور ایران قبل از حاکمیت اسلام واقعی و پیروزی انقلاب اسلامی، دین در جامعه و اجتماع جایگاهی نداشت؛ ولی انقلاب اسلامی، جامعه را آگاه ساخت و مردم را با مذهب و گرایش به علم و نیز اصلاح جامعه، آشنا ساخت.

حجت الاسلام والمسلمین چهری ادامه داد: یکی دیگر از نتایج و دستاوردهای این انقلاب، این است که با هدایت و راهنمایی افراد عالم و عادل، جامعه اسلامی مبتنی بر وحی الهی به وجود آمد؛ و انسان به واسطه آن توانست به تعلیم و تربیت صحیح دست یابد. به خاطر

چهارمحال و بختیاری در خصوص اهمیت تشکیل شورای فرهنگی گفت: این شورا با هدف استفاده از نظرات و تجربیات معاونین و کارشناسان مربوطه در عرصه فعالیت های فرهنگی، در جمعیت هلال احمر تشکیل شد و می تواند رویکرد مثبت خود را با همفکری و تولید محتوای کارشناسی در حوزه های مختلف جمعیت هلال احمر در استان تهیه و تدوین کند.

وی در همین زمینه ادامه داد: دوره های آموزشی برگزار شده توسط معاونت آموزش و پژوهش در حوزه فرهنگی بسیار خوب و مفید بوده که قابل تقدیر و تشکر است. جعفری با اشاره به مراسم تجلیل از داوطلبان نمونه گفت: تجلیل از داوطلبان نمونه به خصوص امام جمعه شهرستان کوهرنگ که یکی از داوطلبان خوب در گسترش اهداف عالی جمعیت هلال احمر استان است، اشاعه فرهنگ مثبت در جمعیت هلال احمر است.

در ادامه این جلسه سید احمد مرتضوی فرد، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان، با اشاره به برگزاری جلسات شورای فرهنگی و لزوم استفاده از آن گفت: شورای فرهنگی شأن والایی داشته و نباید مصوبات این جلسات صرفاً معطوف به مصوبات اجرایی شود که در این زمینه پیشنهاد می شود در این نشست، در کنار فعالیت های اجرایی سیاست گذاری در حوزه فرهنگ نیز مورد توجه قرار گیرد. برنامه ریزی دقیق و منسجم در طراحی و اجرای فعالیت های فرهنگی می بایست در راستای حل مشکلات و تسکین آلام دردمندان باشد. تسکین آلام بشری و وظیفه و رسالت اصلی جمعیت هلال احمر است که باید به دور از هرگونه تعلق خاطر و تمایل فکری یا سیاسی در جهت رسیدن به این هدف بزرگ تلاش کرد.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری و وظیفه بعدی این جمعیت را مقابله با آسیب های ناشی از این مشکلات دانست که می تواند تأثیرات اجتماعی با دامنه وسیعی ایجاد کند که این مسئله موجب دلسردی جوانان و زمینه ساز رکود در راه پیشرفت کشور است. ارائه گزارش عملکرد ۴ ساله انقلاب در بخش فرهنگی در جمعیت هلال احمر می تواند به دنیا نشان دهد که این جمعیت علاوه بر امداد رسانی در حوادث و بلایا، در بخش فرهنگی هم حرف های زیادی برای گفتن دارد.

□ دوره آموزشی

دوره آموزشی - حفاظتی با موضوع امنیت ملی سطح ۱ با حضور مدیرعامل، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه، معاونین و رؤسای شعب جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، شیرین کوهی معاون آموزش و پژوهش جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری با اعلام این خبر گفت: هدف از برگزاری این دوره، شناسایی مشکلات ناشی از نحوه های جاسوسی ازاره های مختلف است.

به همت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت
هلال احمر استان همدان برگزار شد

مانور زلزله در حوزه‌های علمیه با کمک کانون طلاب

شهرستان همدان | مانور آمادگی در برابر زلزله در حوزه‌های علمیه شهرستان همدان از جمله در حوزه علمیه آخوند همدانی، حوزه علمیه حضرت رسول اکرم (ص) شهر میانه و سفیران هدایت (آیت... دامغانی) با حضور استاد غروی پیشکسوت امداد و نجات برگزار شد. در این برنامه اعضای ابتدایی در خصوص پناه‌گیری و خروج ایمن، آموزش‌های لازم را فراگرفتند و با هم مانور فرضی و عملی زلزله را انجام دادند. در این برنامه مسئول امور فرهنگی طلاب و دانش‌آموختگان استان حجت‌الاسلام قراخانی و مدیر حوزه‌های علمیه‌های مذکور نیز حضور داشتند. همچنین آموزش امداد و کمک‌های اولیه در حوزه علمیه آخوند همدانی شهرستان همدان جهت اعضا کانون طلاب برگزار شد و استاد غروی با حضور در این حوزه مباحث امدادی در خصوص خفگی‌ها، حمل مصدوم، خونریزی و... را آموزش دادند. استاد غروی در این کارگاه به نقش ویژه روحانیت در آگاه‌سازی مردم نسبت به آموزش امداد و کمک‌های اولیه اشاره و ابراز امیدواری کرد با توجه به تفاهم‌نامه سازمان جوانان و حوزه علمیه حرکت عظیمی در این مورد صورت گیرد.

شهرستان نهاوند

به منظور آمادگی و بالا بردن سطح آگاهی و دانش افراد جامعه در خصوص چگونگی روبرویی با حوادث طبیعی خصوصاً زلزله، آموزش نحوه پناه‌گیری و خروج ایمن مانور مقابله با زلزله در حوزه علمیه امام خمینی (ره) با حضور ۳ نفر از طلاب و مسئولین حوزه برگزار شد.

شهرستان فامنین

برای انجام مانور زلزله ضمن هماهنگی قبلی با مسئولین حوزه علمیه امیرالمؤمنین (ع) آموزش‌هایی در خصوص نقاط امن، نحوه پناه‌گیری، خروج اضطراری و روش‌های حمل مصدوم توسط کارشناسان هلال احمر به طلاب داده شد و سپس با صدای آژیر مانور زلزله شروع و اعضای کانون آموزش‌های داده شده را تمرین کردند. در این برنامه حجت‌الاسلام والمسلمین عبدی مدیر حوزه علمیه امیرالمؤمنین (ع) با تشکر از همکاران هلال احمر بر لزوم یادگیری آموزش‌های امدادی تأکید کرد. رئیس جمعیت احمر شهرستان فامنین نیز در جمع طلاب گفت: در آیه شریفه ۳۲ سوره مائده اشاره شده نجات یک انسان، نجات یک جامعه است لذا، ما باید در راستای تحقق اهداف خود کوشا بوده و در انجام مسئولیت‌های انسانی خود کوتاهی نکنیم.

شهرستان رزن

مطابق با درخواست حوزه علمیه امیرالمؤمنین (ع) قروه در جزین شهرستان رزن مانور زلزله با آموزش اولیه اعضای جوانان و کانون طلاب اجرا شد. در این مانور تعداد ۳۱ نفر از طلاب با نحوه پناه‌گیری درست در هنگام زلزله و خروج اضطراری آشنا شده و آن را به صورت عملی در قالب

کانون‌های طلاب استان همدان پس از هماهنگی‌های لازم با مدیران مدارس حوزه علمیه استان و با همکاری معاونت جوانان در تمامی شهرستان‌های این استان فعال شده‌اند. به گزارش دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان همدان، پس از ابلاغ آیین‌نامه کانون‌های طلاب مانور زلزله و کلاس‌های آموزشی در این خصوص در سطح استان برگزار شد. در نخستین اقدام با توجه به لرزه‌خیزی کشور ایران و لزوم آمادگی در برابر زلزله و بنا به استقبال حوزه‌های علمیه مانور ایمنی در برابر زلزله در مدارس و حوزه‌های علمیه سراسر استان به منظور ارتقای دانش و مهارت طلاب در برخورد اصولی و صحیح هنگام بروز زلزله و کاهش تلفات و آسیب‌های ناشی از زلزله برگزار شد. این مانور که به منظور آماده‌سازی بیشتر اعضا در مواجهه با احتمالات و بروز حوادث طبیعی و غیر طبیعی بود، با حضور اعضای کانون طلاب و اساتید حوزه‌های علمیه برگزار شد. در این مانور اعضای کانون‌های طلاب با آموزش‌های عملی برای پیشگیری از صدمات در هنگام زلزله آشنا شدند و مانور ایمنی و خروج اضطراری را تمرین کردند. هدف از برگزاری این مانورها ارتقای سطح آموزش‌های امدادی اعضای طلاب جوان و تقویت مهارت‌های امدادی بود. این برنامه در ۱۳ حوزه علمیه دارای کانون و یک حوزه علمیه فاقد کانون به شرح زیر انجام شد. ■



آموزش نحوه صحیح پناه‌گیری در نقاط امن حوزه‌های علمیه مذکور با اعلام آژیر، اعضای کانون‌های طلاب طبق آموزش‌های قبلی اقدام به پناه‌گیری و سپس خروج اضطراری کردند.

شهرستان اسدآباد

به منظور ارتقای سطح آگاهی اعضای کانون طلاب و در راستای پیشگیری از آسیب‌ها و بلایای طبیعی مانور آمادگی در برابر زلزله در خصوص پناه‌گیری، نحوه خروج اضطراری و ایمن و انجام کمک‌های اولیه به مصدومین مانور آمادگی در برابر زلزله در حوزه علمیه صاحب‌الزمان (عج) شهرستان اسدآباد برگزار شد. در این برنامه آموزش‌های لازم توسط مربیان امداد و نجات به طلاب ارائه شد و سپس مانور با پناه‌گیری و خروج ایمن و حمل صحیح مصدومین فرضی برگزار شد. در این برنامه فرماندار اسدآباد و همراهانشان از مدیریت بحران فرمانداری، رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان، مدیر حوزه علمیه و اساتید حوزه نیز حضور داشتند. در پایان مانور فرماندار با تشکر از اعضای کانون طلاب به اهمیت یادگیری و ارتقای سطح دانش روحانیت در برخورد با حوادث و نیز بالابردن سطح آگاهی مردم نسبت به یادگیری کمک‌های اولیه، اشاره کرد.

شهرستان کیودرآهنگ

مانور زلزله با کمک کانون طلاب حوزه علمیه برادران حضرت مهدی (عج) پس از آموزش نقاط ایمن، نحوه خروج اضطراری، حمل مصدوم و پانسمنان بانداژ با حضور ۳۰ نفر از اعضای برادر کانون طلاب در این حوزه اجرا شد و طلاب به صورت عملی مطالب ارائه شده توسط کارشناسان هلال احمر را تمرین کردند. در این برنامه رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان کیودرآهنگ به همراه جمعی از همکاران و نیز مدیر حوزه علمیه حضرت مهدی (عج) حضور داشتند.



به منظور آمادگی و بالا بردن سطح آگاهی و دانش

افراد جامعه

در خصوص

چگونگی

رویارویی با

حوادث طبیعی

خصوصاً زلزله

آموزش نحوه

پناه‌گیری و خروج

ایمن مانور

مقابله با زلزله در

حوزه علمیه امام

خمینی (ره) با

حضور ۳۰ نفر از

طلاب و مسئولین

حوزه برگزار شد

مانور اجرا کردند. در پایان مانور کارشناسان هلال احمر به سوالات طلاب در زمینه زلزله و راه‌های برخورد با آن پاسخ دادند. همچنین با توجه به درخواست مدیر حوزه علمیه امیرالمؤمنین (ع) کلاس‌های آموزشی امداد و کمک‌های اولیه نیز در حوزه علمیه مذکور برگزار شد.

شهرستان بهار

به مناسبت هفته ایمنی در برابر زلزله و کاهش اثرات بلایای طبیعی و بنا به استقبال کانون طلاب هلال احمر (حوزه علمیه آیت ا... بهاری) آموزش‌های لازم در خصوص چگونگی مواجهه با زلزله، پناه‌گیری، خروج اضطراری و نحوه صحیح حمل مصدوم با حضور ۶ نفر از طلاب برگزار شد. سپس مانور پیشگیری و ایمنی در برابر زلزله برگزار و جزوه‌های آموزشی در خصوص مقابله با زلزله بین طلاب توزیع شد.

به منظور فعال‌سازی کانون‌های طلاب ضمن هماهنگی قبلی مسئول امور جوانان شهرستان بهار با استاد غروی پیشکسوت امداد و نجات به همراه مسئولین حوزه علمیه شهرستان بهار کارگاه‌های آموزشی امداد و کمک‌های اولیه در چندین نوبت با آموزش پانسمنان بانداژ، کنترل خونریزی، بررسی علائم حیاتی، احیای قلبی ریوی، خفگی‌ها، حمل مصدوم شکستگی‌ها و مباحث ایمنی در برابر زلزله و نحوه پناه‌گیری صحیح و خروج اضطراری جهت طلاب برگزار شد.

شهرستان تویسرکان

با توجه به آموزش‌های امدادی در کانون طلاب و حساس‌سازی در خصوص زلزله و لزوم آشنایی با آموزش‌هایی در جهت کاهش اثرات آسیب‌های مخاطرات طبیعی ضمن هماهنگی‌های با حوزه علمیه شیخ علیخان زنگنه و ارائه آموزش‌هایی در خصوص نقاط ایمن نحوه پناه‌گیری، خروج اضطراری و حمل مصدوم، مانور پناه‌گیری و تخلیه اضطراری توسط اعضای کانون طلاب حوزه علمیه اجرا شد. در این مانور امام جمعه شهرستان تویسرکان، مدیر حوزه علمیه و رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان تویسرکان حضور داشتند. همچنین مرکز امور جوانان جمعیت هلال احمر شهرستان تویسرکان ضمن هماهنگی قبلی با حوزه علمیه شیخ علیخان زنگنه نسبت به برگزاری کلاس آموزش امداد و کمک‌های اولیه اقدام کرد و اعضا با مباحث امدادی آشنا شدند.

شهرستان ملایر

پس از تعیین اعضای شورای اجرایی کانون‌های طلاب از حوزه‌های علمیه ولیعصر (عج)، امام رضا و علی ابن ابیطالب (علیهم‌السلام) واقع در شهرستان ملایر، اسامین و روستای جوراب بازدید به عمل آمد و با حضور مسئولین حوزه‌ها توضیحاتی پیرامون اهداف کانون و فعالیت‌های آن ارائه شد و مقرر شد با تعامل و جدیت بیشتری بتوان در فعالیت‌های امدادی و بشردوستانه جمعیت هلال احمر وارد شد. در ادامه با اهدای کیف کمک‌های اولیه و

بیش از ۳۷ سال از حضورتان در جمعیت می‌گذرد. چه چیزی باعث تداوم حضور و همراهی شما با هلال احمر شده است؟

سال ۱۳۶۰ بود که به جمعیت پیوستم؛ بلافاصله بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه. آن زمان کار ما در هلال احمر، آموزش امداد و کمک‌های اولیه به افرادی بود که به جبهه اعزام می‌شدند. جنگ که تمام شد اتفاق‌های دیگری رخ داد که باعث شد من به فعالیت در جمعیت ادامه دهم. در طول این سال‌ها همواره سمت‌های مختلفی داشتم و هم‌زمان چند مسئولیت برعهده من بود. اما تلاش می‌کردم از آموزش و حضور در اتفاق‌های بزرگ فاصله نگیرم. هیچ سیل و زلزله و جنگ و حادثه بزرگی در ایران نیست که من در آن حضور نداشته باشم. من کار و فعالیت در هلال احمر را چیزی به جز عشق نمی‌دانم و هیچ وقت نتوانستم از آن فاصله بگیرم. قهرمانان ورزشی ما در تمام رشته‌ها کمابیش دیده می‌شوند و مورد تقدیر جامعه و مسئولان هستند. اما هلال احمر، خانه قهرمانان گمنام است که بدون چشمداشت مشغول فعالیت هستند و نجات جان دیگران افتخارشان است. اعضای جمعیت مظلومیت زیادی دارند. آن‌ها نخستین افرادی هستند که در تمام بحران‌ها حاضر می‌شوند و آخرین افرادی که با پایان بحران، به خانه خود برمی‌گردند. مثل زلزله کرمانشاه که با کم شدن التهاب روزهای اول، همه آن‌جا را ترک کردند اما اعضای هلال احمر هنوز هم آن‌جا حضور دارند.

یکی از جدی‌ترین فعالیت‌های شما در جمعیت، آموزش کمک‌های اولیه و دوره‌های امداد و نجات بوده و هست. علت توجه شما به این موضوع چیست و در چه دوره‌هایی این آموزش‌ها بیشترین کاربرد را داشته است؟

شروع فعالیت در هلال احمر با دوران جنگ همراه بود. هم‌زمان با این‌که مدیریت بیمارستان کاشانی چهارمحل و بختیاری را برعهده داشتم، به رزمندگانی که باید به جبهه اعزام می‌شدند آموزش امداد و کمک‌های اولیه می‌دادم. این آموزش‌ها برای کسانی که به مناطق جنگی اعزام می‌شدند خیلی مفید بود. یک آگاهی جزئی می‌توانست جان افراد زیادی را نجات بدهد. یکی از اتفاق‌های رایج در جبهه، اصابت ترکش و گلوله بود. بسیاری از سربازها نمی‌دانستند که فقط با بستن محل اصابت ترکش و جلوگیری از خونریزی، می‌توانند تارسیدن به مرکز درمانی جان سالم به در ببرند. خوب یادم است یکی از مجروحانی که به بیمارستان منتقل کرده بودند، جوانی بود که گلوله به او اصابت کرده بود. یکی از شاگردانم که دوره امداد و نجات دیده بود چون می‌دانست گلوله به رگ اصابت کرده و با وجود این‌که حرارت گلوله رگ‌ها را سوزانده بود، آن‌را از بدن مجروح خارج نکرده بود تا باعث خونریزی بیشتر نشود. خونریزی زیاد بر اثر اصابت گلوله، جان رزمنده‌های زیادی را گرفته بود در حالی که با اقدامی ساده می‌شد تا حد زیادی جلوان را گرفت. آموزش‌ها بعد از دوره جنگ هم همچنان ادامه پیدا کرد. سال ۱۳۷۸ بود



هلال احمر؛ خانه قهرمانان گمنام است

مریسه موسوی

سومین ایرانی که تاکنون موفق به دریافت مدال «فلورانس ناپیتنگل» شده، پزشک داوطلبی از استان چهارمحال و بختیاری است. دکتر «بهزاد نقوی چالشتری» را سربازان جبهه و جنگ می‌شناسند، جنگ‌زده‌های افغان و سوریه، زلزله‌زده‌های شهرهای جنوبی و شمالی و غربی می‌شناسند. مدیریت بیمارستان آیت... کاشانی شهرکرد، مدیریت بیمارستان امام خمینی تهران و مدیریت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی سایر استان‌های کشور را در کارنامه کاری اش دارد. ۸ بیمارستان را در شهر خود تجهیز کرده و تجهیز بیمارستان‌هایی در لبنان و سوریه را برعهده داشته است. پزشک داوطلب جمعیت، مهم‌ترین کار خود به عنوان نیروی داوطلب را آموزش کمک‌های اولیه و امداد و نجات می‌داند؛ کاری که از ابتدای ورودش در هلال احمر یعنی در سال ۱۳۶۰ آغاز کرده و تا همین حالا هم ادامه دارد. او می‌گوید: «چه در دوره جنگ و چه دوره‌های بعد از آن، و بعد از بازنشستگی، تدریس امداد و نجات را رها نکردم. آموزش کمک‌های اولیه و امداد و نجات برای هر کسی یک ضرورت است و به دلیل اهمیتی که من برای آن قائل هستم در هیچ دوره‌ای از زندگی آن‌را رها نکرده‌ام.» از عشق و علاقه خود به هلال احمر می‌گوید و کار داوطلبانه، که تمام زندگی او را احاطه کرده و به بزرگ‌ترین افتخارش در زندگی تبدیل شده است: «هلال احمر، خانه قهرمانان گمنام است که بدون چشمداشت مشغول فعالیت هستند و نجات جان دیگران افتخارشان است. اعضای جمعیت مظلومیت زیادی دارند. آن‌ها نخستین افرادی هستند که در تمام بحران‌ها حاضر می‌شوند و آخرین افرادی که با پایان بحران، به خانه خود برمی‌گردند.»

پزشکی و دیگر داوطلبان بودم. من در میان نخستین تیم امدادی که بعد از زلزله رودبار در منطقه حضور داشت بودم؛ زلزله بم و کرمانشاه و تبریز و هر جای دیگری که فکر می‌کنم ممکن است مردم به تخصص و حضور من نیاز داشته باشند. کار داوطلبانه، کاری است که اگر به آن عشق داشته باشی و آغازش کنی، دیگر نمی‌توانی از آن فاصله بگیری.

در طول سال‌ها حضورتان در جنگ و زلزله‌ها و حوادث بزرگ کشور به عنوان پزشک داوطلب، خانواده تا چه حد با شما همراه بوده است؟

حتماً نگرانی‌هایی برای خانواده وجود داشته، اما آن‌ها همیشه صبر به خرج داده‌اند و مانعی برای فعالیت‌های داوطلبانه من نشده‌اند. حتی گاهی با پیگیری‌های شان من را به این کار تشویق کرده‌اند. در طول فعالیت‌های داوطلبانه در جنگ، افغانستان، رودبار، بم و ورزقان و... همواره با صحنه‌های تلخ و غم‌انگیزی روبه‌رو بوده‌ام. در دوران جنگ، مادر بیمارستان در اتاق عمل، چکمه‌های ساق بلند به پای کردیم، چون کف اتاق عمل غرق در خون بود. یکی از شب‌هایی که در جبهه بودیم، منطقه ما بمباران شد و ترکش خمپاره و گلوله‌های زیادی به بچه‌ها اصابت کرد. بعد از پایان حمله و رسیدگی به مجروحان، خسته به سمت سنگرمی‌رفتم که دیدم عده زیادی از بچه‌های رزمنده بیرون از سنگر، در کانالی خوابیده‌اند. صبح که از خواب بیدار شدیم، در روشنائی روز دیدیم که همه آن بچه‌ها در حمله دیشب شهید شده بودند و ما فکر می‌کردیم در حال خوابیدن هستند. صحنه‌هایی از این دست و اتفاق‌های تکان‌دهنده زیادی در تمام دوران فعالیت‌م شاهد بودم. هنوز هم وقتی از تلویزیون صحنه‌ای از جنگ می‌بینم، ذهنم آشوب و آشکم بی اختیار سرازیر می‌شود. اما اول خودم و در درجه بعدی خانواده‌ام همه این سختی‌ها را تحمل می‌کنیم چون هدفمان کمک به هم‌نوعانمان است. سال‌ها قبل برای سفر زیارتی به سوریه رفته بودیم، قرار بود ۱۰ روز آنجا بمانیم. اما به من اعلام کردند که قرار است بیمارستانی در آنجا به سنگ شکن برای بیماران کلیوی تجهیز شود. از من خواسته بودند تا بمانم و آن بیمارستان را تجهیز کنم. سفر ۱۰ روزه من بیش از یک ماه به طول انجامید و در این مدت خانواده‌ام با صبوری دوری من از خانه را تحمل می‌کردند.

این مدال یکی از شاخصه‌های ارزشمند دنیا برای پرستاران است و آرزوی هر پزشک و پرستاری، دریافت این جایزه است. سال گذشته بود که به پیشنهاد دوستان رزومه من به عنوان نامزد دریافت این جایزه از ایران فرستاده شد. مدتی پیش خانمی با من تماس گرفت و گفت آیا اطلاعی از این که موفق به کسب این مدال ارزشمند شده‌اید دارید؟ تا آن لحظه خبری نداشتم. افرادی که موفق به اخذ این مدال به عنوان مدال فداکاری می‌شوند، شخصاً به سازمان ملل می‌روند و این جایزه و مدال را دریافت می‌کنند. اما متأسفانه برای من چنین امکانی فراهم نشد. با این حال این مدال به دستم رسید که یکی از ارزشمندترین دستاوردهای من از سال‌ها کار داوطلبانه است. □



کار و فعالیت
در هلال احمر
را چیزی به جز
عشق نمی‌دانم
و هیچ وقت
نتوانستم از آن
فاصله بگیرم.
قهرمانان ورزشی
ما در تمام رشته‌ها
کمابیش دیده
می‌شوند و مورد
تقدیر جامعه
و مسئولان
هستند. اما
هلال احمر، خانه
قهرمانان گمنام
است که بدون
چشمداشت
مشغول فعالیت
هستند و نجات
جان دیگران
افتخارشان است

که به تهران آمدم و مدتی مدیر بیمارستان امام خمینی (ره) بودم. چه در آن دوره و چه دوره‌های بعد از آن و بعد از بازنشستگی، تدریس امداد و نجات را رها نکردم. آموزش کمک‌های اولیه و امداد و نجات برای هر کسی یک ضرورت است و به دلیل اهمیتی که من برای آن قائل هستم در هیچ دوره‌ای از زندگی آن را رها نکردم.

یا تاکنون در موقعیتی قرار داشتید که یادگیری امداد و نجات و اصول کمک‌های اولیه و اقدامات اضطراری شخصاً جان خودتان را نجات دهد؟

فردی که این آموزش‌ها را ببیند، شرایط بحران و خطرات را می‌شناسد و سعی می‌کند خود را از موقعیت خطر دور کند. یکی از مشکلاتی که من در جنگ با آن روبه‌رو شدم، حمله شیمیایی در سال ۶۴ بود. در بیمارستان مشغول کار بودیم که حمله شیمیایی آغاز شد. کاری که توانستم انجام بدهم این بود که چفیه‌ای را مدام خیس می‌کردم و جلوی صورتم می‌گرفتم. حوض آبی در بیمارستان بود که سریع به داخل آن پریدم و تا پایان حمله شیمیایی در آن ماندم و فقط برای تنفس، لحظه‌ای از آن بیرون می‌آمدم. با این حال بعد از پایان حمله، دچار گیجی شده بودم و فهمیدم شیمیایی شده‌ام. همان موقع یک آمپول آتروپین هم به خودم تزریق کردم. با این حال تا حدودی دچار عارضه شدم. اما همکاران دیگر که در بیمارستان حضور داشتند و این اقدامات را انجام نداده بودند، عارضه‌شان شدیدتر از من بود. اگر آن اقدامات را انجام نمی‌دادم در آن حمله شیمیایی لطمه بسیار بیشتری می‌خوردم.

بعد از جنگ، با وجود این عارضه، فعالیت‌های شما به عنوان پزشک داوطلب در هلال احمر ادامه پیدا کرد و مأموریت‌های مختلفی از جمله حضور در افغانستان و... را در کارنامه داوطلبی خود ثبت کردید.

نه فقط در دوره جنگ، بعد از آن هم در هر موقعیتی که به حضورم نیاز بود، حضور داشتم. معتقدم داوطلب بودن کار هر کسی نیست. کافی است هر داوطلب یک بار حس کمک به هم نوع را تجربه کند؛ می‌بیند که چنین حسی در هیچ چیز دیگری تکرار و پیدانمی‌شود. زمان حمله نظامی آمریکا به افغانستان بود که به مدت یک ماه در بیمارستانی در تیمروز افغانستان مستقر بودم. یادم است یک روز خانم بارداری را به بیمارستان منتقل کرده بودند که دچار عفونت بعد از زایمان شده بود و اگر همان موقع اقدامی انجام نمی‌شد، خطر مرگ آن زن را تهدید می‌کرد. برای این که بتوانیم به او اکسیژن برسانیم تجهیزات کافی نداشتیم. تمام داروخانه را زیر و رو کردیم اما نتوانستیم چیزی پیدا کنیم. دست آخر، از دیگر تجهیزات که وجود داشت چیزی شبیه به آنچه می‌خواستیم تراش دادیم و شیلنگی برای عبور اکسیژن ساختیم و بعد از اکسیژن‌رسانی او را راهی زاهدان کردیم. آن روز اگر آن اقدام را انجام نمی‌دادیم آن زن جان خود را از دست می‌داد. تمام دوران فعالیت‌م در هلال احمر شاهد چنین خلایق‌هایی از سوی تیم‌های

نویسنده هلال احمری کتاب «دستان خدا» در گفتگو با مهر و ماه:

مصدوم تنها خدا را فریاد می زند



عنوان داوطلب چه به عنوان کارمند است. تمام این سال ها جای مجموعه داستانی «دستان خدا» را خالی می دیدم. جمعیت هلال احمر از ظرفیت بالایی برای آموزش امداد و نجات برخوردار است. سعی کردم این کتاب مجموعه باشد و در عین حالی که نقاشی و نثر شعرگونه ای دارد و برای مخاطب جذاب است در راستای فرهنگ سازی در زمینه امداد و نجات قدم بردارد. این کتاب روایت ایجاد عشق و علاقه و کمی ترس است. اگر کتاب را مطالعه کنید متوجه می شوید چرا از ترس صحبت می کنم. کتاب مخاطب را مجاب به تقویت خود برای مواجهه با محیط های پر استرس و آموزش کمک های اولیه می کند. اگر بخواهیم تقسیم بندی انجام دهیم این کتاب در بخش فرهنگ سازی قرار می گیرد. مسئله دیگری که وجود دارد این است که داوطلبان بدنه اصلی جمعیت هلال احمر را تشکیل می دهند. به عبارتی در حوادث مختلف، هلال احمر جزو ارگان هایی است که از نیروهای داوطلب بسیار استفاده می کند، اما احساس می کنم داوطلبان آن گونه که شایسته آن هاست دیده نمی شوند. در مقدمه کتاب به این موضوع اشاره شده و گفته ام این کتاب فریاد کسانی است که به صورت داوطلب برای نجات انسان ها فعالیت می کنند. این کتاب از ۲۰ فصل کوتاه و ۱۵ نقاشی که کار خود بنده است تشکیل شده، تنها دغدغه من دیده شدن این کتاب است. کتاب «دستان خدا» می تواند در بحث فرهنگ سازی و جذب و سازماندهی نیروی داوطلب در هلال احمر خیلی کمک کند، تمام مطالبی که در کتاب آمده است واقعیت دارد زیرا

تازه از مأموریت امداد و نجات برگشته بود که پاسخ تماس تلفنی مرا داد، با وجود این که تمام شب را نخوابیده است با انرژی تلفن را بر می دارد، فرامرزی که به تازگی وارد دهه ۳۰ سالگی شده است، با صبوری به تمام سؤالاتم پاسخ می دهد، این امدادگر، برای نشان دادن واقعیت های امداد و نجات و تشویق دیگران برای حضور داوطلبانه در این عرصه کتابی به نام «دستان خدا» نوشته است که تلاش دارد این کتاب دیده شود و تأثیر مناسبی روی جامعه و جوانان داشته باشد. در ادامه گفتگوی مجله مهر و ماه با میثم فرامرزی، نویسنده کتاب دستان خدا را می خوانید

در ابتدای برای آن که مخاطبان با شما بیشتر آشنا شوند، لطفاً خودتان را معرفی کنید.

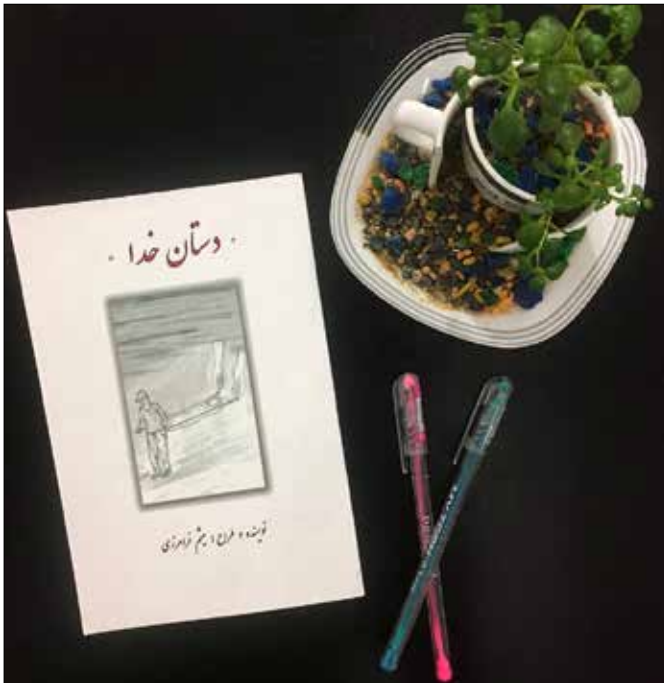
متولد آبان سال ۶۶ هستم، از سال ۸۰ با جمعیت هلال احمر همکاری دارم، ۱۰ سال به صورت داوطلبانه و از سال ۹۰ به عنوان نجاتگر در جمعیت هلال احمر استخدام شده ام. استان مأموریت بنده استان مرکزی - اراک است، از زمانی که وارد هلال احمر شده ام در مأموریت هایی چون زلزله بم، زلزله بروجرد، زلزله آذربایجان و این اواخر زلزله کرمانشاه حضور داشته ام. بیش از ۱۰ سال است که تدریس انجام می دهم و هم در حوزه های مختلف امداد و نجات فعالیت می کنم. تحصیلات بنده کارشناسی امداد و نجات است.

چرا امدادگر شدید؟

زمانی که محصل بودم دوستی داشتم به نام رضا ترکی، او مرا با هلال احمر آشنا کرد. در حال حاضر بهترین دوست، برادر و همکارم است. علاوه بر این که رضا را در هلال احمر الگوی خود قرار داده ام، در زندگی شخصی و از نظر اخلاقی برای من الگو بوده است.

ایده کتاب «دستان خدا» از کجا در ذهن شما شکل گرفت؟

سالی که پیش روست، سال ۹۸ دهمین سال حضور من در جمعیت هلال احمر چه به



تمام تجربه‌هایی را که لمس کرده‌ام در این کتاب آورده‌ام.

مخاطب کتاب دستان خدا چه گروهی هستند؟

هر کسی که خواندن و نوشتن می‌داند مخاطب این کتاب است اما این کتاب برای افراد جدیدالورود به جمعیت هلال احمر می‌تواند جذاب‌تر باشد، آن‌ها با خواندن این کتاب متوجه می‌شوند که وارد چه مجموعه‌ای شده‌اند. در واقع کتاب «دستان خدا» به سؤالات متعددی پاسخ می‌دهد، سؤالاتی مانند این که این شغل چه خطرهایی دارد؟ عشق و علاقه به این کار کجا حس می‌شود؟ اهمیت امداد و نجات چیست؟ این شغل چه جایگاهی در جامعه دارد؟

آیا در کتاب «دستان خدا» با مطالب آموزشی برای امداد و نجات روبه‌رو می‌شویم؟

با توجه به این که بیش از ۱۶ سال است که در کار آموزش و تدریس امداد و نجات هستم، می‌توانستم به این حوزه ورود کنم، اما رسالت کتاب چیزی دیگر بود و سعی کردم در خصوص فرهنگ‌سازی در این کتاب صحبت کنم. خدا را شکر جمعیت هلال احمر در زمینه آموزش امداد و نجات مشکل و کمبودی ندارد. سایت‌های مختلف و سامانه‌های مختلف وجود دارد که علاقمندان به راحتی می‌توانند به دریایی از اطلاعات دسترسی داشته باشند. در زمینه آموزش اساتید بسیاری کتاب نوشته‌اند. بنابراین در کتاب «دستان خدا» هیچ آموزشی داده نمی‌شود، اما مخاطب تشویق و مجاب می‌شود که کمک‌های اولیه را یاد بگیرد. فکر نمی‌کنم لازم باشد مردم جامعه ما از زندگی روزمره امدادگران اطلاع داشته باشند، در این کتاب اهمیت کار امدادگران پررنگ شده است با وجود این که دغدغه‌های زیادی در زندگی شخصی دارند، اما با عشق و علاقه بسیار کار امداد و نجات را انجام می‌دهند.

نام کتاب زیبا است، کمی در باب انتخاب نام آن برای مان بگوئید.

فردی را در نظر بگیرید که در محیط بسته مثل ساختمان یا خودروی واژگون شده گیر کرده است. این فرد فارغ از هر دین و مذهبی برای نجات جاننش تنها خدا را فریاد می‌زند. چه کسانی بالای سر این افراد برای امداد و نجاتشان حاضر می‌شوند؟ تعبیر بنده به این شکل است؛ تمام افرادی که به کمک افراد محبوس می‌روند همان دستان خدا هستند. شما این‌گونه تصور کنید از خدا کمک می‌خواهد، خدا به عنوان یک فرمانده به افرادی که کار نجات انجام می‌دهند، دستور می‌دهد که یکی از بندگان را نجات دهند، تصور می‌کنم این تعبیر قشنگ است، شخصاً این تعبیر و عنوان کتاب را خیلی دوست دارم.

طرح روی جلد کتاب و تمام نقاشی‌های داخل آن نیز کار خودتان است؟

مأموریتی داشتیم، که برای رسیدن به مصدوم باید مسافت بسیار زیادی را در منطقه کوهستانی طی می‌کردیم، زمانی

که به سمت مصدوم می‌رفتیم، من از نظر بدنی خالی شده بودم و احساس ضعف داشتم، وقتی به مصدوم رسیدیم، کارهای پزشکی و شرایط تثبیت را انجام دادیم. من همان موقع نگران بودم که در زمان برگشت از نظر قوای جسمانی کم بیآورم، با خدای خودم صحبت می‌کردم تا بتوانم از عهده حمل مصدوم با آمبولانس بر بیایم، آن زمان می‌دانستم که در مسیر برگشت به دلیل خستگی زیاد از عهده کار بر نمی‌آیم، هنوز هم برای خودم سؤال است که چطور توانستم مصدوم را بدون ذره‌ای ضعف و خستگی تا مقصد حمل کنم. همان زمان طرح کتاب به ذهنم آمد و «دستان خدا» را کاملاً حس کردم که در حمل مصدوم به ما کمک کرد. خدا برای ما حکم لیدر و فرمانده تیم امداد و نجات را داشت که علاوه بر حمل برانکار، مراقب حال مصدوم هم بود، این اتفاق را با نام کتاب در کنار هم قرار دادم و در نهایت طرح روی جلد این مجموعه داستانی در ذهنم شکل گرفت.

در حوزه امداد و نجات، تا چه اندازه به چنین کتاب‌هایی احساس نیاز می‌شود؟

بسیار زیاد! در بحث فرهنگ‌سازی در سطح جامعه کمبود زیادی داریم. لازم است مردم ارگان‌های مختلفی را که پاسخگوی امداد و نجات هستند بهتر بشناسند. وقتی سر صحنه حادثه می‌رویم، به دلیل عدم اطلاع از وظایف نیروهای امداد رسان، آن‌ها را مقصر حادثه می‌دانند، اگر حادثه منجر به فوت شود، شاهد درگیری‌های متعدد می‌شویم. به نظر من توجه به مسائل فرهنگی امداد و نجات اهمیت زیادی دارد که در سال‌های اخیر کم به آن پرداخته شده است. می‌توان بیش از این‌ها در این زمینه کار کرد. □



کتاب، مخاطب را مجاب به تقویت خود برای مواجهه با محیط‌های پراسترس و آموزش کمک‌های اولیه می‌کند. تمام مطالبی که در کتاب آمده است واقعیت دارد زیرا تمام تجربه‌هایی را که لمس کرده‌ام در این کتاب آورده‌ام



حجت الاسلام والمسلمین معزی

در نشست هیئت مدیره هلال احمر استان خراسان رضوی:

فعالیت ما می بایست مؤمنانه، مجاهدانه و صادقانه باشد

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر با تأکید بر ظرفیت جوانان در هلال احمر و استفاده از توانمندی های آنان و با تأکید بر وجدان و توجه به حضور پروردگار در کلیه امور خاطرنشان کرد: با استفاده از این سرمایه عظیم و با انگیزه انسانی ضمن پای بندی به آرمان های انقلاب، امام (ره) و شهدا می توانیم برای پیشبرد اهداف بشردوستانه هلال احمر بکوشیم و خدمت صادقانه ارائه کنیم.

دکتر سید مجتبی احمدی مدیرعامل هلال احمر خراسان رضوی نیز در آغاز این نشست گفت: استفاده از بیانات حجت الاسلام والمسلمین معزی به عنوان نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر می تواند در خدمت رسانی بهتر در برنامه ها و به خصوص طرح هایی مانند طرح نوروزی راهگشا باشد.

وی همچنین با اشاره به دستور جلسه مشترک هیئت مدیره و شورای معاونان هلال احمر خراسان رضوی، گفت: طرح نوروزی اوج خدمات هلال احمر خراسان رضوی است که در آن بالغ بر هفت میلیون نفر زائری که وارد مشهد مقدس باید مورد توجه و خدمت رسانی قرار گیرند.

مدیرعامل هلال احمر خراسان رضوی ضمن تبریک انتصاب استاندار خراسان رضوی گفت: استفاده از ظرفیت استانداری به عنوان رئیس شورای مدیریت بحران استان بسیار ارزشمند است و استفاده از این توان می تواند دستگاه های خدمت رسان را برای ارائه خدمات بهتر و بیشتریاری کند.

همچنین حجت الاسلام والمسلمین اسدا... اسدی، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خراسان رضوی، به ارائه گزارشی از عملکرد این حوزه در برگزاری دوره آموزشی یاوران نماز پرداخت و گفت: فرمایشات نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر مهم ترین شاخصه کاری در همیاری برنامه های هلال احمر استان بوده و اعضای هیئت مدیره نیز در پیشبرد مسائل فرهنگی همواره یاریگر ما هستند. در این جلسه همچنین معاونت های امداد و نجات و جوانان و رئیس هلال احمر چناران به ارائه گزارشی از عملکرد این واحدها و نیز برنامه های مرتبط با ستاد دهه فجر و طرح زمستانی پرداختند. □

حجت الاسلام والمسلمین معزی، نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، با اشاره به مردمی و عام المنفعه بودن نهاد هلال احمر، تأکید کرد: خدمت صادقانه به انسان ها اصلی ترین مسیر خدمت بی منت در هلال احمر است که همه مردم و بشریت از آن منتفع می شوند. ■

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به نقل از تارنمای روابط عمومی هلال احمر خراسان رضوی، حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین معزی نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر در نشست صمیمانه اعضای هیئت مدیره و شورای معاونان و مدیران هلال احمر خراسان رضوی در مشهد مقدس اظهار کرد: حرکت و فعالیت های هلال احمر باید صادقانه باشد چرا که صدق و کذب فقط در گفتار نیست، بلکه در رفتار و فعالیت ها هم هست.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، فکر کردن و اندیشیدن را برای استفاده از زمان و فرصت ها بسیار حایز اهمیت دانست و افزود: فعالیتی مفید است که از روی فکر و با اندیشه و صادقانه باشد و بتواند برای مردم مفید واقع شود. وی همچنین به تبیین شاخص ها و معیارهای اساسی فعالیت در جمعیت هلال احمر پرداخت و یادآوری کرد: فعالیت ما می بایست مجاهدانه و حرکتی مؤمنانه و صادقانه باشد، به گونه ای که فرد با تمام وجود وارد میدان شود و بتواند بیشترین و بهترین خدمت را ارائه کند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی اظهار کرد: تلاش با نیت خدمت صادقانه به انسان ها از طریق کمک به رفع آسیب های اجتماعی، ناهنجاری های جامعه و همچنین حضور مؤثر در فعالیت های امدادی، اجتماعی و فرهنگی از اصلی ترین مسیرهای خدمت بی منت جمعیت هلال احمر در جامعه است.

بزرگ هم جایگاه ویژه‌ای داشته که باید مورد توجه باشد. به گزارش دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خراسان رضوی، دکتر سید مجتبی احمدی با اشاره به اشعار حافظ شیرازی درباره نماز گفت: حافظ نماز را با خون جگر و آب دیده درست می‌داند و شرط نماز بندگان خدا را عشق می‌داند، وگرنه به فتوای حافظ، براو نمرده باید نماز کرد. وی همچنین بر اهمیت پای بندی کارکنان ادارات به مناسک دینی و برپایی شعائر تأکید کرد.

حجت الاسلام والمسلمین اسدا... اسدی، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر خراسان رضوی نیز در این نشست گفت: آرامش بخشی، امید آفرینی و ایجاد فضای همدلی و صمیمیت میان کارکنان از جمله برکات نماز است. وی افزود: این دوره آموزشی به صورت علمی کاربردی و ضمن خدمت برای معاونان و مدیران جمعیت هلال احمر خراسان رضوی پیش بینی شد.

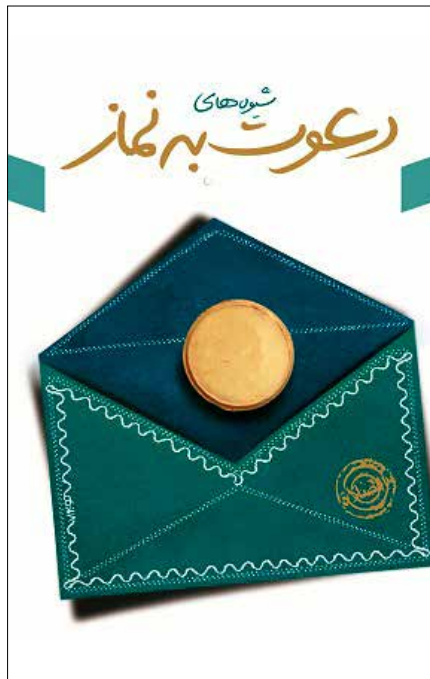
مدرس این دوره آموزشی علمی کاربردی نیز با اشاره به مخاطرات فضای تکنولوژیک امروز اظهار تأسف کرد: از ابر مصیبت های دنیای امروز گرفتاری مخدرهای دیجیتال است از موسیقی مخدر گرفته تا عکس و فیلم های نامناسب که همگی چنین حالتی دارند.

وی افزود: دکترین براندازی مازک پالموسوم به دلنا اعم از مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی های مدنی و با استفاده از چهار مؤلفه بوش شامل ماهواره، اینترنت و شبکه های اجتماعی، بازی های رایانه ای و فیلم و سریال است.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر کاظمی افزود: یکی از فراگیرترین بیماری های امروز جهان، طبق تحقیقات موبوفوبیا یا بیماری اعتیاد به گوشی است و بنابراین ۶۶ درصد مردم با قطع شارژ گوشی شان دچار استرس می شوند. وی افزود: آموزش منهای عشق، تربیت سوز است نه تربیت ساز و اشکال ساختاری مادر تربیت دینی این است که آموزش دینی دادیم، ولی حس دینی ایجاد نکردیم. وی با اشاره به آیه ۵۹ سوره مبارکه مریم گفت: زمینه شهوت گرایی و حتی ارتکاب به جرم ترک نماز است به شرط آن که نمازمان از سر صدق و حقیقی باشد.

دکتر کاظمی در ادامه گفتاراش، با اشاره به ظرفیت های هلال احمر در امر دعوت جوانان به نماز تأکید کرد: ادبیات انتقال مفاهیم دینی را باید آموخت که هلال احمر به سبب ویژگی های ذاتی کارش مبتنی بر شعار «بنی آدم اعضای یک پیکرند» است و نیز فضای بشردوستانه و نیکوکارانه و بین المللی و غیرسیاسی دارد که خود بهترین بستر برای جذب و دعوت به نماز و انتقال مفاهیم دینی است. هلال احمر از بهترین دروازه های دعوت به دین و نماز است و فعالیت فرهنگی برای قشر خاکستری می تواند توسط این مجموعه انجام شود.

به گفته وی پرسش اصلی هر فرد در فعالیت های فرهنگی را در مرحله نخست باید این خواند که چگونه می توان کاری کرد که انواع مخاطبان پیام ما را ببینند، بشنوند، بپسندند، سپس بپذیرند و در آن ها نهادینه شود. □



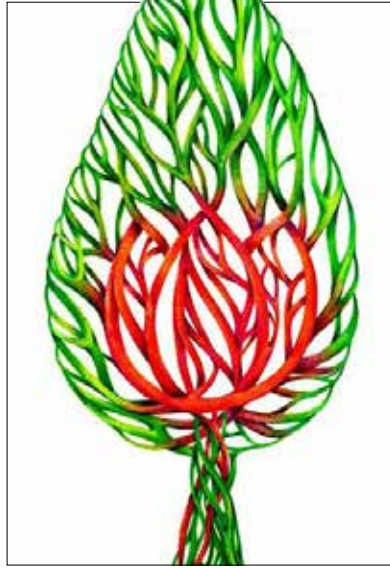
در استان خراسان رضوی برگزار شد

دومین دوره آموزش علمی کاربردی شیوه های نوین دعوت به نماز

نماز بزرگ ترین ذکر الهی است و ذکر و یاد خداوند آرامش بخش دل های مضطرب است. با عنایت به ارتباط تنگاتنگ جمعیت هلال احمر با جوانان برنامه ریزی جهت گسترش فرهنگ نماز و دوره های آموزشی، بهترین فرصت برای ارتقای کیفیت ارتباط معنوی با اعضای جوان و کارکنان به لحاظ امیدبخشی، آرامش بخشی، ایجاد فضای همدلی و صمیمیت، وجدان کاری، معنویت گرایی و در مجموع مصونیت بخشی به امور اداری خواهد بود. ■

بنابراین علاوه بر گردهمایی های سالانه ائمه جماعات و رابطین فرهنگی و خادمان نماز، در جلسه ۱۰۹ شوراهای سه گانه جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی پیرو تمهیدات قبلی مصوب شد که دومین دوره آموزش علمی کاربردی این بار ویژه مدیران و معاونین جمعیت استان و با حضور یکی از اساتید مجرب و صاحب نام در حوزه نماز از سوی ستاد اقامه نماز برگزار شود که با همکاری معاونت آموزش و پژوهش استان و با حضور مدیرعامل و معاونین محترم برگزار شد.

مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان رضوی در افتتاحیه دوره آموزشی «شیوه های نوین دعوت به نماز» اظهار داشت: نماز بالاترین ذکر است و حتی در ادبیات فارسی و نزد شعرای



ایشان تأکید کرد: تنها نمونه‌ای که براساس آیات قرآن کریم می‌توان از آن یاد کرد حکومت حضرت سلیمان (ع) است. با این وجود بسیاری از ما، همانند ماهی در آب که از اهمیت آب غافل است و از وجود چنین نعمت بزرگی غافلیم که البته باید با توجه به توصیه قرآن به بیان عظمت این انقلاب پرداخت تا همگان نسبت به نعمتی که به آنان عطا شده، از آگاهی لازم برخوردار شوند.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن‌آبادی با بیان این‌که تلاش خواهد شد به بخشی از این دستاوردها اشاره شود تا نسل سوم و چهارم انقلاب، که نیازمند تصویر صحیحی از دوران پیش و پس از انقلاب است به درک این حرکت اجتماعی نایل آیند اظهار داشت: دستاوردهای انقلاب اسلامی را می‌توان در در حیطه داخلی و خارجی مورد بررسی قرار داد که به زوایای مختلف آن اشاره می‌کنم، اما در ابتدا باید گفت که دستاوردهای کلی نعمت انقلاب اسلامی ایران در یک نگاه معرفت‌دینی، معرفت‌سیاسی و معرفت‌اخلاقی است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کرمانشاه گفت: در دستاوردهای داخلی انقلاب اسلامی ایران نمی‌توان از حاکمیت اسلام و ارزش‌های دینی و معنوی چشم‌پوشی کرد که این دستاورد بخش‌های متعددی دارد از جمله نظام دین‌مداری و نظام مبتنی بر تعالیم و هدایت اسلام و تحقق آرمان‌های والای اسلامی.

وی با تأکید بر این‌که با وقوع انقلاب اسلامی، زمینه‌ای فراهم شد تا به ارزش‌ها و احکام اسلامی جامه عمل پوشانیده و جامعه اسلامی رنگ الهی به خود بگیرد، بیان داشت: این دستاورد عظیم، حرکت چندین هزار ساله انبیا و اولیای الهی را در جهت استقرار حکومت دینی بارهبری ولایت و فقاہت بر مسیل استمرار حرکت انبیا در عصر غیبت حجت‌خدا (عج) به ثمر نشانند. به برکت ولایت فقیه و هدایت و رهبری امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و مجاهدت عالمان دین و لیبک ملت و حضور و توسعه فعالیت نیروهای عالم فرهیخته و بصیراً گاه به مقتضیات زمان و مکان در سطوح مختلف جامعه در راستای رسالت اسلامی و الهی حکومت اسلامی حوزه‌های نمایندگی ولی فقیه با محورهای مختلف شکل گرفت.

تعمیق روحیه انقلابی

ایشان به وظایف حوزه نمایندگی ولی فقیه اشاره کرد و گفت: حفظ اسلامیت نظام در عرصه‌های اجرایی کشور، هدایت و نظارت جهت ایجاد بستر مناسب برای مدیریت فرهنگی و دینی و تطبیق فعالیت‌ها با احکام دین، تبیین و ترویج معنویت در سایه سار دین مبین اسلام و احکام نورانی شرع مقدس، تبیین، ترویج و تعمیق روحیه انقلابی و جهادی با انتقال مفاهیم و بیان جایگاه ولایت‌مداری و مطالبات رهبر و ولی امر، تبیین نقش وفاق، همدلی و دعوت به انسجام با محوریت ولایت، حراست از دستاوردهای انقلاب و پاسداری از حدود و ارزش‌های والای دینی و انقلابی، تبیین نظر دین در عرصه ترویج بشر دوستی و

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان کرمانشاه:

پیشرفت‌های فرهنگی از برجسته‌ترین دستاوردهای انقلاب است

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد رضا حسن‌آبادی در گفتگو با مجله مهر و ماه اظهار داشت: پیروزی انقلاب اسلامی که مرهون رهبری‌های مدیرانه امام خمینی (ره) حضور یکبارچه مردم متدین و آموزه‌های پویای دین مقدس اسلام و مکتب تشیع است، تأثیر فراوانی در تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی داشته است به طوری که با اندک تأملی می‌توان به این دستاوردها پی برد. ■

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کرمانشاه گفت: انقلاب اسلامی آن چنان قدرت‌های جهانی را در حیرت فرو برد و بر صورت ستمگرات سیلی نواخت که برخی از آن‌ها هنوز هم نتوانسته‌اند تعادل خود را به دست آورند. به همین مسئله از روی سرگردانی و حیرت، گاهی نعره مستانه به سر داده و تهدید به جنگ می‌کنند و گاهی از روی عجز و ناتوانی تقاضای مذاکره و سازش می‌کنند.



وی با بیان این‌که باید سال‌ها و شاید قرن‌ها بگذرد تا بتوان این حادثه عظیم تاریخی را به طور کامل تبیین و بازشناسی کرد ادامه داد: برای فراهم ساختن زمینه تحقق چنین جامعه‌ای هزاران پیامبر از جانب خداوند متعال مبعوث شدند و در جهت ابلاغ رسالتشان تلاش‌های فراوانی کردند، ولی در ایجاد جامعه ایده‌آل چندان موفقیتی نداشتند.



روحیه تحقیق و شکوفایی استعداد های انسانی از جمله دستاوردهای این بخش است.

۱- حکومت مردم سالار

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کرمانشاه به دستاوردهای بین المللی انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد و بیان داشت: اثرگذاری بر مسائل عمده منطقه، عزت نفس در دنیا، شکسته شدن هیبت استکبار، ایجاد موج اسلام خواهی در دنیا از جمله گرایش به اسلام، شکست نظام مارکسیستی، مایوس شدن از دموکراسی غربی، استقلال سیاسی، پیدا کردن جرأت مقابله با قدرت های دنیا، در هم شکستن خط کشی سلطه گرو سلطه پذیر، بیداری دنیای اسلام، معرفی ارزش های اسلامی و احکام الهی به دنیا، رونق دین و دینداری در دنیا، شکل گیری هویت اسلامی برای ملت های مسلمانبرافراشتن پرچم اخلاق و معنویت در دنیا، سخن گفتن از عدالت و مظلومیت در مراسم های عظیم جهانی و زنده شدن امیدها در دل جوامع تأثیر انقلاب در عرصه خارجی است.

و یادامه داد: دستاورد انقلاب اسلامی از زاویه آینده نگری تأسیس و استقرار حکومت مردم سالار، ایجاد موج اسلام خواهی در دنیا و حکومت اسلامی است و فرصت های به وجود آمده به واسطه آینده نگری در پیروزی انقلاب اسلامی تأسیس و استقرار حکومت مردم سالار، زایل شدن حکومت فردی، تصمیم ساز شدن مردم درباره مسائل کشور، دست به دست شدن قدرت اجرایی، خروج مردم از وضع بی توجهی به حال و آینده و سرنوشت خود و کشور و آشنا شدن ملت با حقوق شان محسوب می شود.

ایشان اظهار داشت: فرصت دوم بر اساس ایجاد موج اسلام خواهی در دنیا، افزایش گرایش به اسلام، مایوس شدن از لیبرالیسم غربی و فرصت سوم بر اساس استقرار حکومت اسلامی، ترویج ارزش های دینی و معنوی در جامعه، شکل گیری نظام مبتنی بر تعالیم اسلامی، توجه به کرامت انسان، ایجاد جو قرآنی و زایل شدن افسانه جدایی دین از سیاست است.

حجت الاسلام والمسلمین حسن آبادی با بیان این که انقلاب اسلامی در عرصه های داخلی و بین المللی دستاوردهای فراوانی را به همراه داشته است که شناخت آن ها می تواند حقایق پیش و پس از انقلاب را بهتر نمایان سازد گفت: در عرصه داخلی، انقلاب اسلامی موجب تحقق آرمان های اسلامی شد و اختناق را از سراسر اکثریت مردم کشور برطرف ساخت.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کرمانشاه با بیان این که از مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، دستاوردهای فرهنگی بوده است، تأکید کرد: از این رو در ارزیابی پیشرفت انقلاب بیش از هر چیز باید به عوامل فرهنگی و فکری توجه داشت و رشد انسان ها در حوزه های گوناگون را نیز باید در سایه رشد فرهنگی و پای بندی به باورها و ارزش های اسلامی، مورد تحلیل و ارزشیابی قرار داد. □

دستاورد انقلاب

اسلامی از زاویه

آینده نگری

تأسیس و

استقرار حکومت

مردم سالار، ایجاد

موج اسلام خواهی

در دنیا و حکومت

اسلامی است و

فرصت های به

وجود آمده به

واسطه آینده نگری

در پیروزی انقلاب

اسلامی تأسیس

و استقرار حکومت

مردم سالار، زایل

شدن حکومت

فردی، تصمیم ساز

شدن مردم درباره

مسائل کشور،

دست به دست

شدن قدرت

اجرایی، خروج

مردم از وضع

بی توجهی به

حال و آینده و

سرنوشت خود

و کشور و آشنا

شدن ملت با

حقوق شان

محسوب می شود

جایگاه خدمت به انسان و کرامت انسان روز به روز به رشد و بالندگی و پیشرفت جامعه برخوردار می شوند، و در سایه لطف الهی و حاکمیت دین اسلام و پیروزی انقلاب و توسعه عدالت بیش از هر زمان دیگری، مورد توجه قرار می گیرد و از وجود تبعیض های ناروا کاسته می شود، شایسته سالاری از امور جامعه اسلامی حکم فرما می شود و روحیه ایثار و فداکاری ترویج می شود.

حجت الاسلام والمسلمین حسن آبادی گفت: در سایه این دستاورد و رحمت الهی بود که در صحنه دفاع مقدس ما شاهد جانفشانی ها و ایثار و از خود گذشتگی های کسانی بوده ایم که از اتمام زندگی مادی خود چشم پوشی کرده، قدم در راهی گذاشتند که جز سختی، مرارت و محرومیت دنیوی چیز دیگری را به همراه نداشت.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کرمانشاه تأکید کرد: آن ها با پیروی از انبیا ی الهی سعادت معنوی و اخروی را دنبال می کنند و از بهره های مادی و رفاه این جهان می گذرند و در این راه نه تنها اهمیتی به زندگی مادی نمی دهند، بلکه عاشقانه زندگی دنیوی خود را به عنوان هدیه کوچکی به پیشگاه محبوب خویش تقدیم می دارند. این امر ناشی از اثر تربیتی حرکت انبیا در میان آنان است که چنین شیفته شهادت شده اند.

وی بیان داشت: لذت های دنیا برای آن ها ارزشی ندارد و این جاست که نقش حوزه های نمایندگی ولی فقیه و عالمان ربانی و سنگربانان دین و شریعت مشخص می شود و به سبب، هم تفکرات و اندیشه ها بود که آنان ره صد ساله را در یک شب پیمودند و خود را به درجه ای رساندند که اولیای الهی پس از سال ها ریاضت به آن دست یافتند.

حجت الاسلام والمسلمین حسن آبادی با اشاره به سایر دستاوردهای داخلی انقلاب اسلامی ایران، گفت: توحید به معنای عمیق، دقیق و همه جانبه آن، توجه به کرامت انسان، اهتزاز پرچم اسلامی در کشور، ایجاد جو قرآنی در کشور، زایل کردن افسانه جدایی بین دین از سیاست، تبدیل نماز جمعه به سنتی پایدار از دستاوردهای داخلی است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان کرمانشاه با اشاره به مردم سالاری و حکومت متکی به مردم، ادامه داد: نهادینه سازی استقلال و آزادی اسلامی از کشور، عزت ملی و از بین رفتن خود کم بینی، اعطای باور ما می توانیم، رشد سیاسی زنان، گسترش کمی و کیفی خدمات به ملت و شکل گیری حرکت های پر جوش و خود جوش دینی و علمی از دستاوردهای داخلی این پیروزی به شمار می رود.

وی با اشاره به دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی ایران، اظهار داشت: ایجاد انقلاب علمی، رشد و توسعه علم و فناوری در کشور، فناوری هسته ای، علوم هوا فضا، علوم پزشکی، زیست فناوری، نانوفناوری، سلول های بنیادی، شبیه سازی، ساخت ابر رایانه ها، فناوری انرژی های نو، رادیوداروهای مهم، داروهای ضد سرطان، ایجاد زیر ساخت های فنی و مهندسی و صنعتی، ارتقای کمی و کیفی حوزه ها و دانشگاه ها، خودباوری علمی، گسترش

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت الاسلام و المسلمین معزی در مراسم بزرگداشت ۴ سالگی پیروزی انقلاب اسلامی در سالن اجتماعات معاونت توانبخشی جمعیت هلال احمر انقلاب اسلامی را برگرفته از راه و رسم پیامبر (ص) و خاندان عصمت و طهارت دانست و گفت: انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران به پشتوانه مذهب و دین در شرایطی شکل گرفت که در اقصی نقاط جهان اندیشه های مادی و ضد دینی حاکم بود و هرگز برپایی حکومت دینی تصور نمی شد.

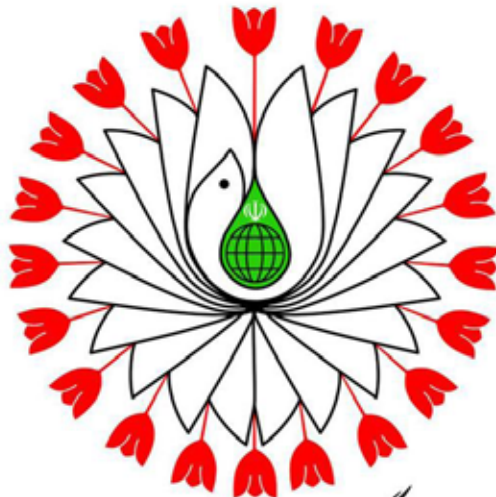
نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر اراده الهی و خاص ملت بیدار و هوشیار ایران را از مسائل مهم پیروزی انقلاب در کشور دانست و افزود: مطابق کلام الهی اگر انسان تغییری در وجود خود ایجاد کند، پروردگار متعال نیز زندگی و وجود او را تغییر خواهد داد.

وی با یادآوری سلطه استکبار بر سراسر کشور به واسطه رژیم شاهنشاهی خاطر نشان کرد: ایستادگی و مقاومت مثال زدنی انقلابیون زیر شکنجه های سخت ساواک و نیروهای امنیتی رژیم طاغوت برگرفته از سیره اهل بیت (ع) در برابر سختی ها بود.

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر با بیان اینکه باور لزوم تغییر در تک تک مردم ایران به وجود آمده بود و مردم اسلام را فریاد می زدند افزود: زنان و مردان بودند که در آن روزها قرآن را کتاب نجات بخش خود دیدند و در برابر ظلم به پا خواستند. در آن ایام امام امت (ره) نیز از وجود آن همه ظلم و ستم آرام نگرفت و بر اساس کلام معصومین (ع) مبنی بر عدم سکوت در برابر ظلم، ستم و بی عدالتی، نهضت خویش را آغاز کرد.

وی با بیان اینکه امام خمینی (ره) با وجود مشکلات و کمبودها همچون نبود وسایل ارتباطی با دیگران، بدون هیچ ترس و هراسی در برابر ظلم ستمشاهی ایستاد تصریح کرد: این حرکت الهی امام سبب ایجاد روحیه مضاعف در ملت شد تا برای رسیدن به هدف از پای ننشینند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر سپس به اتحاد یکپارچه ملت ایران در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد و افزود: هوشیاری ملت در برابر رنج ها، توطئه ها و دسیسه هایی که از همان روزهای اول پیروزی تاکنون از سوی دشمنان این نظام مقدس به وجود آمده سبب شده است تا امسال چهلمین بهار پیروزی را جشن بگیریم. حجت الاسلام و المسلمین معزی بار دیگر به بیداری و مقاومت مردم در تمامی شرایط سخت کشور اشاره و با تاکید بر اینکه دشمن همواره در کمین است خاطر نشان کرد: وجود رهبر معظم انقلاب اسلامی بعد از امام خمینی (ره) ذخیره ای برای مدیریت کشتی بزرگ انقلاب در تلاطم های گوناگون شد. تغییر در درون جامعه و حرکت به سوی الهی شدن، برای پیروزی و تعالی، پایان بخش سخنان نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر بود. حجت الاسلام و المسلمین معزی با اشاره به اینکه برای پیروزی باید در درون تغییر ایجاد کنیم افزود: گذشت، ایثار، فداکاری، هوشیاری، بصیرت، دشمن شناسی و متحد بودن سبب حفظ نظام خواهد بود. ■



چهلیمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
« افتخار به گذشته - امید به آینده »

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر:

گذشت، فداکاری و اتحاد سبب حفظ نظام خواهد بود

نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر تغییر در درون جامعه و حرکت به سوی الهی شدن را از مهمترین مسائل برای رسیدن به پیروزی و تعالی دانست و گفت: گذشت، ایثار، فداکاری، هوشیاری، بصیرت، دشمن شناسی و متحد بودن سبب حفظ نظام خواهد بود. ■

شخصیتی، معنوی، اجتماعی و سیاسی درس های بزرگی به بشریت می آموزد و امروز بانوان شاغل در جمعیت هلال احمر نیز با تاسی از این بانوی بزرگ و با عظمت علاوه بر قبول مسئولیت های مختلف همچون همسر داری و مادری در خانواده، در مسیر خطیر کمک به نیازمندان و مصیبت زدگان در عرصه امداد و نجات، سیاست و علم حضوری مؤثر و کارآمد داشته که موجب افتخار است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با تشریح و نفی نگاه کالایی بودن زن از سوی جوامع غربی، زنان را مظهر مقاومت، توانمندی و ایستادگی دانست و گفت: امروز در صحنه های علمی و دانشگاهی کشور ما، بانوان بیش از مردان حضور داشته و در کنار نقش مادری و تربیتی خود، به ایفای نقش های اجتماعی و سیاسی نیز می پردازند.

نماینده رهبر معظم انقلاب اسلامی در هلال احمر سپس با جمع بندی این بخش از سخنان خود عدم وجود نگاه معنوی و شناختی به زن در جوامع اروپایی را در تضاد با کرامت انسانی دانست و خاطر نشان کرد: تا یک قرن پیش در آن جوامع که همواره ادعای رعایت حقوق و شخصیت انسان ها را می کنند، به یک زن اجازه دست زدن به کتب مقدس داده نمی شد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در بخش بعدی سخنان خود به برخی از افتخارات زنان در ایران اسلامی اشاره کرد و افزود: زنانی که دلاورانه و ایثارگرانه به درجه رفیع شهادت نائل شدند، آنها که جانباز و یا اسیر شدند و آن ها که در برابر شهادت رسیدن همسر و فرزندان خود صبوری کردند تنها نمونه هایی از نقش آفرینی بانوان اسلامی در عرصه های مختلف است.

وی با تأکید بر اینکه باید برای شکوفایی استعداد های زنان و رشد حقیقی آنان برای رسیدن به کمال وجودی تلاش کرد افزود: برای تحقق این مهم بهره مندی و الگوپذیری از سیره فاطمی بسیار مهم و ضروریست.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر ادامه داد: از همان روزهای شکل گیری انقلاب اسلامی تاکنون حضور زنان فعال، مؤثر و کارآمد در کنار مردان همواره راهگشا بوده است چرا که بانوان این سرزمین در کنار مادری و تربیت فرزند، ایستادگی و مقاومت در برابر سختی را نیز به تاسی از حضرت فاطمه زهرا (س) در صحنه های مختلف از خود به نمایش گذاشتند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در بخش پایانی سخنان خود با تشریح بیانیه مهم رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر گام دوم انقلاب خاطر نشان کرد: جوانان این مرز و بوم برخود ببالند که خطاب مستقیم رهبر معظم انقلاب اسلامی در این بیانیه قرار گرفته اند.

وی با ابراز امیدواری از آینده درخشان ایران اسلامی با حضور پرنرنگ و با بصیرت زنان و مردان و به خصوص جوانان در ساختن ایرانی سرافراز و سربلند، خطاب به همه بانوان گفت: به خود افتخار کنید که هم در نقش مادر، خانه را آباد می کنید و هم در عرصه های مختلف اجتماعی خانه ایران را آباد خواهید کرد. □



نماینده رهبر معظم انقلاب در هلال احمر:

باید برای رشد حقیقی زنان تلاش کرد

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر با اشاره به بیانیه مهم رهبر انقلاب مبنی بر آغاز گام دوم انقلاب اسلامی و با یاد آوری نقش موثر زنان در پیشبرد اهداف و به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب گفت: از همان روزهای شکل گیری انقلاب اسلامی تاکنون حضور زنان فعال، مؤثر و کارآمد در کنار مردان همواره راهگشا بوده است. ■

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین معزی در مراسم جشن میلاد با سعادت حضرت فاطمه زهرا (س) و روز زن در اجتماع بانوان امدادگر، نجاتگر و داوطلب جمعیت هلال احمر و همچنین بانوان شاغل در این نهاد مردمی در سالن آمفی تئاتر سازمان حج و زیارت با تبریک فرارسیدن این روز فرخنده، به تبیین شخصیت و مقام والای زن در اسلام پرداخت و گفت: بر اساس مفاهیم عمیق اسلام، زنان نیز در پرتو بندگی و عبودیت الهی می توانند رشد کرده و به درجات رفیع کمال دست یابند.

نماینده ولی فقیه در هلال احمر در این مراسم که به همت جمعیت هلال احمر استان تهران و معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر برگزار شد با بیان برخی ویژگی های مهم و والای زنان عقیفه تاریخ بر اساس آیات قرآن کریم همچون آسیه همسر فرعون، مریم (س) و خدیجه، اسوه تمام زنان عالم را فاطمه زهرا (س) دانست و افزود: بانوان باید به وجود چنین بانویی به خود بالیده و منش آن بزرگوار را سرلوحه کار خویش قرار دهند و حقیقتاً حضرت فاطمه زهرا (س) در تمام ابعاد



در استان از دیگر دلایل انتخاب استان میزبان بوده است و نهایتاً ۷ استان به عنوان منطقه و دیگر استان‌ها که در چارچوب عوامل مذکور قرار نگرفتند به عنوان استان مستقل و یا استان مهمان دسته‌بندی شدند.

استان‌های منطقه‌ای (میزبان): اردبیل، اصفهان، خراسان شمالی، فارس، قم، کرمان، کرمانشاه
 استان‌های مستقل: هرمزگان، لرستان، گیلان، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، بوشهر

زمان دوره

پس از مشخص شدن استان‌های برگزارکننده مقرر شد همه استان‌ها این دوره را تا پایان دی ماه برگزار کنند تا داخلی با زمان آزمون‌های پایان نیم‌سال مدارس علمیه ایجاد نشود و نیز فرصت برای تکمیل و ارسال گزارش جامع دوره و انعکاس آن به ستاد اقامه نماز کشور تا پایان سال فراهم باشد. لذا دوره مذکور از نیمه دی ماه و عمدتاً در ایام پایان هفته به مدت ۲ روز در اکثر استان‌ها برگزار شد. البته ۵ استان نیز به دلیل عدم آمادگی در هفته اول بهمن ماه برگزار نمودند. زمان شروع کلاس‌ها نیز از ساعت ۸ صبح تا ۱۵ و جمع ساعات آموزشی ۱۶ ساعت و بدون احتساب فعالیت‌های جانبی بود.

انتخاب اساتید

بر اساس دستورالعمل اجرایی دوره، اساتیدی بایست بومی شهر میزبان باشند تا ضرورتی برای دعوت و انتقال استاد از مرکز تخصصی نماز (قم) وجود نداشته باشد و چنانچه استاد مربوطه در آن شهر وجود نداشته و یا امکان تدریس در زمان دوره برای وی میسر نبود می‌بایست از اساتید استان‌های همجوار دعوت به عمل آید. اگرچه طی هماهنگی با ستاد اقامه نماز استان‌ها غالباً اساتید بومی در استان‌های میزبان وجود داشتند و از این حیث مانعی برای اجرای دوره پیش نیامد. از نکات قابل توجه در این شیوه دعوت از اساتید، صرفه‌جویی در هزینه‌های اجرایی از جمله ایاب و ذهاب اساتید بود. □

دوره آموزشی ائمه جماعات استان‌ها در سراسر کشور برگزار شد

ترویج فرهنگ اقامه نماز

یکی از اهداف اصلی ستاد اقامه نماز بر اساس دستورالعمل این ستاد تعمیق فرهنگ و معارف نماز در بین همه سطوح جمعیت از جمله ائمه جماعات است. در این راستا ستاد اقامه نماز جمعیت به منظور اجرای برنامه‌های آموزشی با همکاری ستاد اقامه نماز کشور نسبت به برگزاری اولین دوره استانی اقدام کرد که طی آن ۱۲ استان شامل ۷ استان منطقه‌ای و ۵ استان مستقل دوره را برگزار کردند. ■

اولویت‌های میزبانی

در انتخاب استانی که به عنوان میزبان منطقه تعیین شده است عوامل متعددی مدنظر قرار گرفت. در اولین اولویت فعال بودن دفتر نمایندگی (حضور و اشتغال مسئول دفتر در استان) و نیز اعلام آمادگی میزبانی توسط آن دفتر بوده است. همچنین با توجه به ضرورت صرفه‌جویی و رعایت صرفه و صلاح جمعیت، استان‌هایی که دارای امکانات اسکان و پذیرایی بودند در اولویت بالاتری قرار داشتند. در مراحل بعدی تعداد ائمه جماعات بیشتر، بعد مسافت تا استان‌های دیگر منطقه، وجود استاد مسلط به تدریس سرفصل‌های ابلاغی





مجموع تعداد نفرات شرکت کننده و تاریخ برگزاری به تفکیک استان های منطقه ای					
ردیف	استان های منطقه ای		تاریخ برگزاری	تعداد شرکت کنندگان	
	میزبان	مهمان		میزبان	مهمان
۱	کرمانشاه	کردستان	۹۷/۱۰/۲۴ لغایت ۹۷/۱۰/۲۵	۱۱ نفر	۷ نفر
۲	کرمان	سیستان و بلوچستان	۹۷/۱۰/۲۲ لغایت ۹۷/۱۰/۲۳	۸ نفر	۲ نفر
		یزد			۳ نفر
۳	قم	البرز	۹۷/۱۱/۳ لغایت ۹۷/۱۱/۴	۴ نفر	۴ نفر
		ایلام			۲ نفر
		زنجان			۱ نفر
		سمنان			۴ نفر
		قزوین			۴ نفر
		مرکزی			۱ نفر
۴	فارس	کهگیلویه و بویر احمد	۹۷/۱۰/۲۶ لغایت ۹۷/۱۰/۲۵	۱۰ نفر	۳ نفر
۵	خراسان شمالی	گلستان	۹۷/۱۱/۷ لغایت ۹۷/۱۱/۸	۸ نفر	۹ نفر
۶	اصفهان	چهارمحال و بختیاری	۹۷/۱۱/۴ لغایت ۹۷/۱۱/۵	۱۵ نفر	۳ نفر
۷	اردبیل	آذربایجان شرقی	۹۷/۱۱/۸ لغایت ۹۷/۱۱/۷	۸ نفر	۱ نفر
		آذربایجان غربی			۵ نفر
جمع شرکت کنندگان				۱۱۳ نفر	

مجموع تعداد نفرات شرکت کننده و تاریخ برگزاری به تفکیک استان های مستقل			
ردیف	استان های مستقل	تاریخ برگزاری	تعداد شرکت کنندگان
۱	هرمزگان	۹۷/۱۰/۲۶ لغایت ۹۷/۱۰/۲۷	۱۲ نفر
۲	مازندران	۹۷/۱۱/۳	۱۱ نفر
۳	لرستان	۹۷/۱۰/۲۶ لغایت ۹۷/۱۰/۲۷	۱۱ نفر
۴	گیلان	۹۷/۱۰/۲۰ و ۹۷/۱۱/۹	۱۲ نفر
۵	خراسان جنوبی	۹۷/۱۰/۱۹ لغایت ۹۷/۱۰/۲۰	۱۶ نفر
۶	بوشهر	۹۷/۱۰/۱۹ لغایت ۹۷/۱۰/۲۰	۳۰ نفر
جمع شرکت کنندگان			۹۲ نفر

وی در همین زمینه به خطبه ۱۵۲ نهج البلاغه اشاره کرد و گفت: امام (ع) فرمودند با بصیرت کسی است که بشنود و بیندیشد؛ نگاه کند و ببیند؛ از عبرت‌ها پند بگیرد و آن‌گاه راه روشنی را می‌پیماید که در آن از افتادن در پرتگاه‌ها در امان و به دور است.

حجت‌الاسلام والمسلمین نصیری در ادامه با تأکید بر لزوم وحدت و رشد بصیرت در جوانان تصریح کرد: از جمله مسائل حائز اهمیت که در ایجاد بصیرت در بین جوانان افراد جامعه مؤثر است جهاد داخلی با نفس است که باید در عمل کرد داشته باشد و این مسئله قطعاً با سفارش، توصیه و موعظه ایجاد نمی‌شود.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان با اشاره به لزوم گسترش بصیرت در میان جوانان از طرق مختلف گفت: منابع اصلی جوانان برای تحقیق و رشد فکری باید قرآن و اهل بیت (ع) باشد و این موضوع قطعاً با بصیرت و محاسبه‌گری در نفس آغاز می‌شود و جوانی که به این مرحله از یقین برسد قطعاً هیچ شبهه‌ای او را متزلزل نخواهد کرد. در احادیث به صورت متواتر آمده مردم را به غیر از زبانتان دعوت کنید که از آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت آنچه در عمل و زبان عمل می‌تواند مؤثر باشد با گفتن مؤثر نیست و اگر جوانی ببیند که الگوهای جامعه دنیا پرست نیستند او نیز درس گرفته و الگوپذیری خواهد کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین نصیری با تأکید بر پایه‌گذاری مبانی دینی و قرآنی در مدارس و دانشگاه‌ها تصریح کرد: آموزش‌های اصولی و اعتقادی با شیوه‌های جدید امروزی، عقلانیت و احساس در مسیر هدایت به سمت قرآن، می‌تواند در بصیرت‌افزایی جوانان و جهاد با نفس، محاسبه‌گری و رشد اعتقادی تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان با اشاره به اقتضای دوران جوانی بر رشد فکری بیان کرد: باید آرامش را برای این دوران، از منبع اصلی قرآن و اهل بیت (ع) و ترویج فرهنگ دینی به صورت اصول و عقلانیت به جوانان آموزش داد.

وی با اشاره به این‌که جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران یک نهاد جوان محور است، گفت: باید از این فرصت و پتانسیل موجود بهره‌گیری کرد و با آموزش‌های اصولی و اعتقادی جوانانی پرورش داد که خدا محور و انسان دوستانه فعالیت کنند و به طور قطع اگر جوانی در هلال احمر به این نقطه برسد که بتواند در کنار احساس آرامش، مبانی اعتقادی را در وجودش رشد دهد؛ در رشد جامعه به سمت موفقیت مؤثر خواهد بود.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان در پایان به مسئولیت بزرگ مدیران و معاونان در حوزه‌های معاونت امور جوانان و کارشناسان ستادی اشاره کرد و گفت: با درک درست از روحیات مقتضی دوره جوانی و همچنین با آموزش‌های اصولی و مورد نیاز، ارزش و شخصیت حقیقی جوانان را نمایش دهند تا جوانانی پاک در جامعه‌ای مهدوی حضور داشته باشند. □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر استان زنجان بیان کرد

هلال احمر نهاد جوان محور



حجت‌الاسلام والمسلمین نصیری، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان زنجان، با تأکید بر آیات و احادیث در زمینه بصیرت بیان کرد: پیامبر عظیم‌الشان اسلام در حدیثی فرمودند، کور شخصی نیست که چشمش نابینا باشد، بلکه کور واقعی کسی است که دیده بصیرتش نابینا باشد و در واقع این نگاه و مصداق در آیات قرآن چنین آمده که خداوند می‌فرماید «قل هل یستوی الاعمی والبصیر» آیا کسی که نابینا باشد با کسی که در ضمیر درونی روشن دارد یکسان هستند.



تأمین معنویت، ایجاد همبستگی، ایجاد اطمینان اجتماعی و ظهور و بروز بشردوستی اسلامی از برجسته‌ترین فعالیت‌ها و اثرگذاری‌های نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر محسوب می‌شود

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر سیستان و بلوچستان به دستاوردهای این حوزه اشاره کرد

تأمین معنویت و ظهور بشردوستی اسلامی



حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا اصغری حسامیه در گفتگو با مجله مهر و ماه ضمن اشاره به دستاوردهای حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گفت: پس از پیروزی انقلاب و شکل‌گیری نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، معنویت در بین همکاران، امدادگران و جوانان تأمین شد و همبستگی و همگرایی در کلیه اقدامات ارگان‌های مرتبط با جمعیت هلال احمر ایجاد شد. نظارت بر اقدامات و تطبیق با اصول شرعی و فقهی و ایجاد اطمینان در بین آحاد جامعه نسبت به اقدامات جمعیت هلال احمر در راستای امانت‌داری و وصول خدمات به نیازمندان از دیگر اقدامات این حوزه نمایندگی است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان سیستان و بلوچستان چهار گام مهم و برجسته حوزه نمایندگی ولی فقیه را تشریح کرد و گفت: تأمین معنویت، ایجاد همبستگی، ایجاد اطمینان اجتماعی و ظهور و بروز بشردوستی اسلامی از برجسته‌ترین فعالیت‌ها و اثرگذاری‌های نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر محسوب می‌شود.

وی با اشاره به اثرات انقلاب اسلامی بر مسائل و فضای داخلی کشور، بیان داشت: دستاوردهای داخلی از پیروزی انقلاب اسلامی متعدد است، اما اگر بخواهیم خلاصه‌وار بیان کنیم باید به استقلال توأم با قدرت و قدرت توأم با حمایت از مظلوم اشاره کرد. عمومی شدن رشد علمی، اقتصادی، سیاسی برای آحاد جامعه و ایجاد فرصت برای کارآمدن افراد عادی جامعه دارای شرایط لازم در مجامع اصلی تصمیم‌گیری مملکت از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی در داخل کشور است.

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا اصغری با بیان این‌که انقلاب اسلامی ایران دستاوردهای بین‌المللی نیز داشته است، اظهار داشت: از مهم‌ترین دستاوردهای بین‌المللی انقلاب می‌توان به برخورداری از توان نظامی برای دفاع، نمایش مردم‌سالاری دینی، بیان قدرت مدیریت بالای اسلام و فقه اسلامی، و تحقق شعار حقوق بشر بدون طبقه‌بندی بشریت یاد کرد. مقابله آشکار و علنی با استکبار و ظلم، نفی مظاهر فرهنگی معیوب غربی و ارائه الگوی اسلامی و ایجاد روحیه انقلابی‌گری و معنویت‌گرایی و اصلاح‌گری در دنیا از دیگر اثرات برجسته انقلاب بر فضای بین‌المللی است.

وی با اشاره به اهمیت جایگاه زن، بیان داشت: با پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه حقیقی و انسانی زن به دنیا و نقد عملی نگاه مکاتب به زن تبیین و همچنین وحدت و اخوت اسلامی در بین فرق اسلامی و معرفی اسلام ناب محمدی به مردم دنیا و ایجاد علاقه به اسلام در سطح جهان ایجاد شد.

وی به تشریح دستاوردهای دینی و معنوی انقلاب اسلامی ایران پرداخت و گفت: این پیروزی در حوزه‌های مختلف دستاوردهای متعددی داشت که در حوزه دینی و معنوی که یکی از حوزه‌های قابل توجه می‌توان به ارائه معنویت بدون خرافه و بیان قدرت مدیریتی بالای اسلام و فقه اسلامی اشاره داشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا اصغری با بیان این‌که ایجاد روحیه انقلابی‌گری و معنویت‌گرایی و اصلاح‌گری در دنیا از دستاوردهای دینی و معنوی انقلاب است، اظهار داشت: مطرح شدن قرآن به عنوان کتاب معارف جوامع، تکریم و تجلیل جایگاه زن به



عنوان یک انسان در خانواده و در جامعه از دیگر اثرات انقلاب در این حوزه است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان سیستان و بلوچستان گفت: اثبات بی‌نیازی مکاتب بشری بدون دین برای مدیریت جامعه و ارائه سبک زندگی اسلامی از آثار برجسته و قابل لمس پیروزی انقلاب اسلامی است. □



رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر تأکید کرد

ضرورت الحاق پیوست داوطلبانه برای تمامی برنامه‌های عام‌المنفعه

که می‌تواند این ظرفیت قانونی را با دیگر سازمان‌های اجتماعی و سمن‌ها در جهت ایجاد فرصت ارائه خدمت داوطلبانه برای تمامی قشرهای جامعه و رفع اصلی‌ترین نیازهای جامعه به اشتراک گذارد.

محمود فاضل، عضو شورای عالی جمعیت هلال احمر نیز در این جلسه با بیان این‌که این سازمان می‌بایست بیش از گذشته از ضریب نفوذ بالایی در جامعه برخوردار باشد، افزود: لازمه تحقق این هدف، بازنگری در شیوه‌های جذب داوطلبان در شعب و اصلاح برخی از مفاد اساسنامه جمعیت هلال احمر است تا از این طریق بتوان اقدامی ریشه‌ای انجام داد.

فریدون نوری، دیگر عضو شورای عالی جمعیت هلال احمر نیز با اشاره به ماده ۲۲ اساسنامه جمعیت و نیز اصول نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر که تأکید بر داوطلبانه بودن فعالیت‌ها دارد، خاطرنشان کرد: نگاهی فراسازمانی به فعالیت‌های عام‌المنفعه یکی از ضرورت‌هایی است که باید به آن پرداخته شود.

همچنین در این جلسه، حسن علایی، مشاور و رئیس حوزه ریاست جمعیت هلال احمر و نماینده رئیس در کمیسیون تخصصی شورای عالی جمعیت هلال احمر نیز به لزوم بازتعریف ساختار سازمانی بر اساس منشور جهانی و اصول هفت‌گانه جمعیت هلال احمر و نیز واژه‌های عضو و داوطلب جمعیت و به علاوه فرآیند ورودی آن‌ها به سازمان جهت ارائه خدمات انسان‌دوستانه اشاره کرد. □

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر با تأکید بر این‌که الحاق پیوست داوطلبانه برای برنامه‌های عام‌المنفعه و انسان‌دوستانه از سیاست‌های مهم جمعیت هلال احمر خواهد بود، افزود: این سازمان دارای بزرگ‌ترین شبکه داوطلبی است که می‌تواند این ظرفیت قانونی را با دیگر سازمان‌های اجتماعی و سمن‌ها برای ارتقای سرمایه اجتماعی به اشتراک بگذارد. ■

به گزارش روابط عمومی سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر، نهمین جلسه کمیسیون تخصصی مشورتی بررسی سیاست‌های کلان جمعیت هلال احمر با حضور حسن علایی، مشاور و رئیس حوزه ریاست جمعیت هلال احمر و جمعی از اعضای شورای عالی، رؤسای کمیسیون‌های برنامه و بودجه و سیاست‌های کلان و همچنین مدیرکل هماهنگی مجامع و امور استان‌ها با موضوع بررسی رویکردها، شیوه‌های اجرایی، حمایت‌ها، زیرساخت‌ها و بایسته‌ها در زمینه فعالیت‌های داوطلبانه در این سازمان برگزار شد.

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر، توسعه فعالیت‌های داوطلبانه را یکی از راهبردهای مهم و باارزش جمعیت هلال احمر دانست و عنوان کرد: تقویت حوزه مددکاری اجتماعی در شرایط عادی و بحران، تمرکززدایی و تفویض اختیار به سازمان‌ها و مراکز استان، توسعه خانه‌های هلال، تعریف برنامه‌های آموزشی گوناگون بر اساس تخصص و علاقه‌مندی داوطلبان، ضرورت حمایت از خدمات اجتماعی داوطلبانه، بهره‌گیری بیش از گذشته از توان سمن‌ها و به اشتراک‌گذاری ظرفیت‌ها و ضرورت بازنگری در اساسنامه و اسناد بالادستی به منظور گسترش فعالیت‌های داوطلبی و ساختار سازمانی کارآمد را از مهم‌ترین عناوین برنامه‌های آتی سازمان متبوعش خواند و ابراز امیدواری کرد تا با همراهی و ارائه راهکارهای روزآمد و قانونی از سوی شورای عالی و نیز کمیسیون‌های تخصصی جمعیت هلال احمر، این مهم در آینده‌ای نزدیک محقق شود.

محمد نصیری با اشاره به ضرورت دارا بودن برنامه‌های عام‌المنفعه جمعیت هلال احمر از پیوست داوطلبانه، خاطرنشان کرد: این سازمان دارای بزرگ‌ترین شبکه داوطلبی است

نماینده ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر:

شفافیت از ضرورت‌های سازمان داوطلبان است

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، استفاده صحیح از ظرفیت داوطلبان با توجه به مهارت‌های آنان، شفافیت و اطمینان بخشی در فعالیت‌ها با توجه به فضای ارتباطات کنونی را از مهمترین اقدامات سازمان داوطلبان عنوان کرد و افزود: باید تلاش کرد تا با اجرای دقیق برنامه‌ها و پرهیز از حاشیه به جذب حداکثری خیرین و نیکوکاران به منظور استفاده از توان آن‌ها پرداخت. ■

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین معزی در دیدار با رئیس و معاونین سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر در ساختمان صلح این نهاد مردمی گفت: سازمان داوطلبان باید با برنامه‌ریزی مدون و منسجم علاوه بر جذب عضو برای حفظ و نگهداشت داوطلبان نیز تلاش کند.

تأکید بر اجرای طرح نیابت؛ (دیدار اعضای داوطلب هلال احمر با سالمندان و دستگیری از آنان) و همچنین اعلام آمادگی کانون‌های طلاب هلال احمر برای همکاری با سازمان داوطلبان و حضور در فعالیت‌های بشردوستانه در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی مباحث دیگری بود که نماینده رهبر انقلاب در جمعیت هلال احمر به آن‌ها پرداخت.

نماینده ولی فقیه در هلال احمر با تأکید بر انجام دقیق، صحیح و در زمان مقرر برنامه‌های تعیین شده، ضرورت اجرای فعالیت‌ها را یادآور شد و تصریح کرد: این‌که حوزه کاری گسترده‌ای فراهم کرده اما نتوانیم به همه آن‌ها رسیدگی کنیم صحیح نیست، اما باید در نظر داشت فعالیت‌هایی را در اولویت کاری قرار دهیم که منطبق با اهداف و اصول اساسی جمعیت هلال احمر است.

وی با انتقاد از نبود هماهنگی و ارتباط مؤثر و کارآمد سازمان‌های داوطلبان، جوانان و امداد و نجات هلال احمر بر لزوم شکل‌گیری اینگونه روابط به منظور توسعه و رشد همه جانبه در مسیر اهداف مشخص شده تأکید و خاطرنشان کرد: تعیین خط مشی‌ها و تدوین راهکارهای اساسی می‌تواند سبب ارتباط بیشتر سازمان‌ها با یکدیگر شود.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر سپس با اشاره به این‌که برای ارائه خدمات بهتر و مناسب‌تر در جامعه، باید در راستای وظایف و همچنین رفع نیازهای موجود، به ویژه در زمان بحران اقدام کرد، افزود: برای دستیابی به این مهم سامانه‌ای نیاز است که بتوان به راحتی در مواقع بحران اعضای داوطلب را بر اساس نوع فعالیت‌شان فراخواند.

وی اظهار کرد: شکل‌گیری این سامانه از حیث برگزاری انتخابات شفاف، دقیق و بی‌نقص مجامع جمعیت هلال احمر نیز ضروری است. حجت الاسلام والمسلمین معزی در پایان از تلاش‌های محمد نصیری رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر در مدت کوتاه انتصاب ایشان و همچنین مدیران و کارکنان این سازمان قدردانی کرد.

جذب و نگهداشت داوطلبان تخصصی

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر در دیدار با نماینده ولی فقیه در هلال احمر گفت: بزرگ‌ترین سرمایه این سازمان، ظرفیت قانونی استفاده از داوطلبان است و برنامه‌های متنوعی پیش‌بینی شده تا از تخصص و توانایی قشرهای مختلف مردمی برای مشارکت در این سازمان عام المنفعه بهره‌مند شویم.

محمد نصیری رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر با بیان اینکه فعالیت‌های داوطلبانه، مقوله‌ای اجتماعی با اثرگذاری بسیار در جمعیت هلال احمر ایران است که خدمات درمانی، بهداشتی، آموزشی، امداد و نجات و فرهنگی قابل توجهی را به جامعه ارائه می‌کند، افزود: بزرگ‌ترین سرمایه این سازمان، ظرفیت قانونی استفاده از داوطلبان است که برنامه‌های متنوعی پیش‌بینی شده تا از تخصص و توانایی قشرهای مختلف مردمی برای مشارکت در این سازمان عام المنفعه بهره‌مند شویم.

دکتر نصیری در دیدار با حجت الاسلام عبدالرحمن معزی، نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با مرور اثربخشی خدماتی که در قالب فعالیت‌های داوطلبانه برای تسکین آلام بشری و رفع اصلی‌ترین نیازهای افراد محروم در سراسر کشور به ویژه مناطق دورافتاده صورت می‌گیرد، خاطرنشان کرد: تأمین دارو، توسعه و تجهیز مراکز توانبخشی و پایگاه‌های امداد جاده‌ای با مشارکت خیرین از رویکردهای اصلی برنامه‌های این سازمان است.

وی برقراری ارتباط مستمر با بنگاه‌های اقتصادی و سمن‌هایی که دارای سرمایه انسانی بالایی هستند را به عنوان راهبرد موفقیت‌آمیز این سازمان برای خلق فرصت‌ها و افزایش بهره‌وری طرح‌ها و برنامه‌ها عنوان کرد و تأکید کرد: تمامی طرح‌ها و برنامه‌های داوطلبانه، پس از نیازسنجی در استان‌ها به اجرا درمی‌آید.

رئیس سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر گفت: موضوع تنوع برنامه‌ها می‌تواند حضور فعال‌تر علاقمندان به خدمات انسان‌دوستانه را افزایش داده و ابزارهای تعامل میان جمعیت و آن‌ها را مهیا سازد به نحوی که در آینده‌ای نزدیک برنامه‌هایی برای حضور و مشارکت تمامی قشرهای جامعه اعم از تخصص‌های گوناگون و زنان خانه‌دار به عنوان ظرفیتی عظیم با اختصاص ساعاتی از اوقات فراغت‌شان در برنامه‌های انسان‌دوستانه و عام المنفعه جمعیت هلال احمر تعریف می‌شوند.

دکتر نصیری تقویت چارت سازمانی برای ارائه خدمات بیشتر و افزایش تعاملات سازمانی با سمن‌ها و همچنین حوزه مددکاری برای مداخله موثر در بحران‌ها، راه‌اندازی سامانه عضویت، شفاف‌سازی نقش مشارکت داوطلبان در برنامه‌ها و طرح‌ها و بهره‌گیری از موفقات را به عنوان امری مهم برای افزایش میزان بهره‌وری و پیگیری هدف‌اشاعه و ترویج فرهنگ داوطلبی عنوان کرد. ■

خصوصاً شهرهای کوچک حل می شود، به همین منظور هم در پویش شهرزیبا شرکت کردم و تشویق به حضور داوطلبانه دارم.

در NGO «سازمان مردم نهاد» هم فعالیت دارید؟

با توجه به فعالیت ائمه جمعه و اصولاً وظایف ذاتی روحانیت، بسیاری از فعالیت ها در طول در راستای فعالیت های خیرخواهانه و نوع دوستانه است، همچنین در جلسات مجمع خیرین شهرساز و مجمع خیرین سلامت شهرستان حضور دارم. اما در کنار این موضوعات در کمپین های مردمی نیز سعی می کنم مشارکت داشته باشم؛ کمپین های همچون پویش شهرزیبا، تهیه بسته های غذایی برای مستمندان و... ما در پویش زیباسازی شهر از مردم خواستیم در حد رنگ زدن در خانه هایشان هم شده در این طرح مشارکت داشته باشند. طرح های خیرخواهانه دیگری هم بود مانند «پویش خالی کردن انباری ها» که در آن توصیه می شد مردم لوازم غیرنیاز خود را به نیازمندان هدیه دهند.

در جوانی هم در فعالیت داوطلبانه مشارکت داشته اید؟

بله، آن دوران در جمعیت هلال احمر فعالیت داشتم، در زلزله و بلاهای طبیعی نیز سعی می کردم حاضر شوم. یکی دیگر از عرصه های حضور داوطلبانه در دوران جوانی مادفاع مقدس بود که در آن عرصه سعی کردم حضور داشته باشم.

نگاه اسلام به موضوع داوطلبی چگونه است؟

اسلام به فعالیت داوطلبانه و مشارکت جمعی و خیرخواهانه تأکیدهای بسیاری دارد، خدمت به خلق یکی از توصیه های مهم دین اسلام است، این حدیث را حتما شنیده اید که مسلمان نیست فردی که همسایه اش گرسنه باشد و او سیر بخوابد.

چطور یک طلبه داوطلب شویم؟

کانون های طلاب برای جذب، آماده سازی و به کارگیری طلبه های مدارس و حوزه های علمیه تشکیل شده اند. اعضای کانون های طلاب مثل اعضای دیگر سازمان ها در طرح های مختلف مانند کاروان های نیکوکاری و اردوهای آموزشی و امدادی شرکت می کنند. اعتماد و اقبال عمومی مردم نسبت به طلاب باعث می شود این اعضا بتوانند در دورترین نقطه کشور و روستاها اندیشه نوع دوستی و خدمات بشر دوستانه را ترویج دهند. اعضای کانون های طلاب بعد از ۲۹ سالگی می توانند بر اساس نیاز با سازمان امداد و نجات همکاری کنند و مهارت و آمادگی لازم برای حضور در حوادث را به دست آورند. در حوادثی مثل سیل و زلزله حضور روحانیون در منطقه باعث قوت قلب بازمندگان و اطمینان خاطر آن ها نسبت به خاکسپاری صحیح عزیزانشان می شود. امدادگران طلبه علاوه بر انجام احکام شرعی مورد نیاز در زمان بحران می توانند در ارائه خدمات امداد و نجات با سازمان همکاری کنند. در حال حاضر بیش از ۲۰ کانون طلاب در مدارس و حوزه های علمیه کشور تأسیس شده است. □

حجت الاسلام اسماعیل آذری نژاد:

رمز شکوفایی کشور توسعه فعالیت های داوطلبانه است

ترویج فرهنگ داوطلبانه در مشارکت های اجتماعی نیازمند الگوسازی صحیح بومی است که باید با توجه به فرهنگ ملی و دینی در آن مسیر حرکت کرد. حضور و فعالیت روحانیت در عرصه فعالیت داوطلبانه می تواند در شکل گیری این مهم نقش بسزایی داشته باشد؛ موضوع مهمی که در ماه های اخیر در جمعیت هلال احمر به عنوان بزرگ ترین سازمان مردم نهاد پیش از گذشته نمایان شده است. ■

حجت الاسلام اسماعیل آذری نژاد متولد سال ۵۸ و ساکن شهر

دهدشت استان کهگیلویه و بویراحمد یکی از روحانیون داوطلب جمعیت هلال احمر است که با هدف فعالیت نوع دوستانه با این جمعیت همکاری دارد. طلبه داوطلب جمعیت هلال احمر پیر از ایده های نو برای کمک به بالابردن دانایی کودکان روستاهای محروم استانش است و زاویه دید متفاوتی دارد. پیام رسانی صلح و دوستی یکی از همکاری های حجت الاسلام اسماعیل آذری نژاد با سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر است که به تازگی آغاز شده است. قرار است این روحانی نوع دوست پیام صلح و دوستی را به قلب تک تک روستاها و نقاط دور افتاده استان کهگیلویه و بویراحمد برسد تا آن ها نیز در آینده به این جمع نوع دوست بپیوندند.

کمیل نطافتی دیگر روحانی است که از زلزله بم به عضویت جمعیت هلال احمر درآمد و فعالیت داوطلبانه خود را انجام داد. علاوه بر این، او در طول سال های اخیر به صورت خودجوش فعالیت های مختلفی را انجام داد که حوزه های مختلفی را شامل می شود، از جمله آن ها فعالیت در حوزه محیط زیست و همراهی با کمپین نذر آب جمعیت هلال احمر است. نطافتی برای رسیدگی به نیازمندان و بیماران اغلب به استان های مختلف سفر می کند. او با استفاده از ظرفیت فضای مجازی کمک های مردمی را برای فعالیت های خیرخواهانه جمع می کند.

اماسومین روحانی که در هفته اخیر فعالیت داوطلبانه و خیرخواهانه او با باز خورد بسیاری در فضای مجازی روبه رو شده، حجت الاسلام والمسلمین اصغر جدایی، نماینده ولی فقیه و امام جمعه شهر بیله سوار است. مشارکت این روحانی در پویش زیباسازی شهر یکی از فعالیت های او در حوزه داوطلبی به شمار می آید. «شهروند» در گفتگویی کوتاه به بررسی این فعالیت با این روحانی پرداخته است.



در مورد اهمیت کار داوطلبی در توسعه شهری حرف بزنیم؛ به طور مثال شما در پویش زیباسازی شهر که به صورت داوطلبانه در بیله سوار انجام شد، مشارکت داشتید، این قبیل فعالیت ها را چگونه می بینید؟

من به جای عبارت کار داوطلبی از واژه مشارکت مردمی استفاده می کنم. مشارکت مردمی نیاز جامعه ما است. امروز زمانه ای است که باید فرهنگ کارهای داوطلبانه و فعالیت اجتماعی را توسعه دهیم. رمز شکوفایی کشور توسعه فعالیت های داوطلبانه است، ما اگر مردم را به گونه ای عادت دهیم که در توسعه شهری مشارکت داشته باشند، بسیاری از مشکلات شهرها

برندگان شماره ۳۹

انیس عطاریان، فارس	۹۹۱۹۱۸۲ **۵
خدیجه مسگر، البرز	۹۱۱۳۹۴۳ **۷
کلتوم سلیمی، البرز	۹۱۲۵۰۱۲ **۵
شهربانو رضائی، خراسان جنوبی	۹۱۵۱۳۷۲ **۲
حسین ابراهیمی، آذربایجان غربی	۹۱۴۴۴۴۹ **۳
فریده کنگانی، خراسان جنوبی	۹۱۵۵۳۴۳ **۳
ابراهیم ستمدیده، آذربایجان غربی	۹۱۴۹۴۴۹ **۰
سعدون عزیزی، آذربایجان غربی	۹۱۴۷۲۸۵ **۷
فایق عبدالله زاده، آذربایجان غربی	۹۱۴۴۴۴۸ **۴
ایلیامرادی، چهارمحال و بختیاری	۹۳۸۱۱۳۲ **۵
مرتض مندلی، بوشهر	۹۱۷۹۷۲۸ **۰
فاطمه خواجه محمدی، تهران	۹۱۲۳۹۳۶ **۹
ملوک جهانی، تهران	۹۱۲۴۱۹۳ **۷
نرگس کسرائیان، بوشهر	۹۱۷۷۷۶۲ **۳
فانزه زینالی، آذربایجان غربی	۹۱۴۵۵۴۹ **۰
علی نادریگی، همدان	۹۱۸۵۰۶۳ **۴
مسعودشاملو، همدان	۹۰۳۳۱۰۰ **۸
علی اکبر جعفری، همدان	۹۱۸۸۱۹۸ **۱
محمد مولوی، چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۹۸۵۷ **۱
فاطمه اسحاقی، کرمان	۹۱۳۹۹۴۵ **۷
زهره اسحاقی، کرمان	۹۱۳۰۶۴۸ **۱
مانی قربانزاده، آذربایجان غربی	۹۳۹۱۴۶۹ **۳
مینا ماهوتی، آذربایجان غربی	۹۱۴۱۴۶۹ **۳
طاهره بزدی، قزوین	۹۱۲۷۸۱۳ **۸
منصوره فلاحی، آذربایجان غربی	۹۱۴۷۱۵۵ **۶
مریم دیلمقانی، آذربایجان غربی	۹۱۴۵۵۴۹ **۰
آراز معماری، آذربایجان غربی	۹۳۰۳۸۹۷ **۴
زهرا غفارتزاد، آذربایجان غربی	۹۱۴۳۴۵۶ **۵
فیروز معصومی، قزوین	۹۱۲۸۸۲۳ **۹
مهدی هادی پور، قزوین	۹۱۹۱۸۱۴ **۵
عفت درویشی، تهران	۹۱۲۵۰۴۲ **۷
اکرم سلطانی، تهران	۹۱۲۵۰۳۹ **۱
سید ابراهیم جمشیدی، بوشهر	۹۱۷۳۷۳۰ **۹
علی علایی، بوشهر	۹۱۷۰۸۶۲ **۴
ایرج حیدری، بوشهر	۹۱۷۴۹۴۳ **۳
زهرا ایزدجو، بوشهر	۹۱۷۹۶۱۵ **۶
ملیحه ترکمن، قزوین	۹۱۹۵۹۹۳ **۳
مهدی آشوری، قزوین	۹۱۲۶۸۲۸ **۰
الهام معروف مشاط، قزوین	۹۱۲۷۸۹۴ **۹
فاطمه سکاک، قزوین	۹۱۰۹۵۸۸ **۶
علی کریمی، قزوین	۹۳۵۱۳۹۷ **۵
محمد ملاحسنی، قزوین	۹۳۵۲۹۷۶ **۹

برندگان شماره ۳۸

حانیه توانگر، خراسان جنوبی	۹۰۱۰۹۸۱ **۱
ساراسورگی، خراسان جنوبی	۹۰۳۰۵۸۹ **۶
حجت هادی، خراسان رضوی	۹۰۳۳۷۹۲ **۲
فریبا مددی، آذربایجان غربی	۹۰۵۷۲۴۶ **۱
سکینه رضائی، گیلان	۹۱۱۱۴۰۱ **۸
فاطمه محمدی، گیلان	۹۱۱۳۳۳۱ **۷
زهرا بهاری دلیوند، گیلان	۹۱۱۳۳۷۵ **۱
نرجس خاتون آقایی، گیلان	۹۱۱۸۱۷۸ **۴
فاطمه قلی پور، گیلان	۹۱۱۸۱۷۶ **۴
مریم شهبازی، گیلان	۹۱۱۹۳۲۱ **۴
کوشابهودی، گیلان	۹۱۱۹۸۳۱ **۸
اکبر صمدی، تهران	۹۱۲۶۷۹۶ **۱
سجاد برادری، تهران	۹۱۲۸۰۸۱ **۰
علی رضاشجاعی، کرمان	۹۱۳۳۹۸۱ **۳
مهدی دهقانی، کرمان	۹۱۳۵۸۲۵ **۲
مریم محمدزاده، آذربایجان غربی	۹۱۴۴۶۲۹ **۴
علی محمدزاده، آذربایجان غربی	۹۱۴۹۶۰۰ **۳
مریم آقازاده، آذربایجان غربی	۹۱۴۹۶۳۶ **۵
معصومه احتشام هروی، خراسان رضوی	۹۱۵۱۱۰۵ **۴
ژیل سلیمانی، خراسان رضوی	۹۱۵۱۱۷۴ **۵
علیرضا زنگنه زوزنی، خراسان رضوی	۹۱۵۱۳۶۳ **۲
مژگان اصلی، خراسان رضوی	۹۱۵۱۴۱۵ **۷
محمد حسن مالکی مود، خراسان جنوبی	۹۱۵۱۶۳۸ **۰
فاطمه ذبیحی، خراسان رضوی	۹۱۵۳۱۲۸ **۶
حجت قاسمی، خراسان رضوی	۹۱۵۳۴۰۲ **۲
علیرضا سببانی، خراسان رضوی	۹۱۵۳۵۱۲ **۲
علیرضا سبزه کار، خراسان جنوبی	۹۱۵۳۶۳۶ **۶
حجت الله هادی، خراسان رضوی	۹۱۵۳۷۵۱ **۶
علیرضا فضلیانی، خراسان رضوی	۹۱۵۵۱۶۴ **۳
عزیز الله جعفری پور، خراسان جنوبی	۹۱۵۵۶۱۵ **۱
اسماعیل رازقی، خراسان جنوبی	۹۱۵۵۶۱۵ **۸
فاطمه سلمانی، خراسان جنوبی	۹۱۵۵۶۲۲ **۴
محمد رضائیکاری، خراسان جنوبی	۹۱۵۵۶۵۹ **۲
طیبه علیزاده، خراسان جنوبی	۹۱۵۶۶۸۹ **۱
زهرا هاشم زهی، خراسان جنوبی	۹۱۵۷۲۱۷ **۵
کوثر درزی، خراسان جنوبی	۹۱۵۷۴۰۳ **۱
سمیه رضایی، خراسان جنوبی	۹۱۵۸۶۲۵ **۷
سعید دوراندیش، خراسان جنوبی	۹۱۵۹۶۱۱ **۲
مهدی حسین زاده، بوشهر	۹۱۷۱۳۳۰ **۹



زمان ارسال پیام تا ۳۰ فروردین

مسابقه پیامکی مروان

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهرماه می توانند با مطالعه سؤالات زیر، پاسخ آن را در بخش های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۰۴۸۶۶۴۴۳۰۰۰ ارسال کنند.

پاسخ شما باید یک عدد ۸ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سؤالات است. به طور مثال: در سوال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سوال ۲ گزینه شماره ۴ و در سوال ۳ گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰
ضمناً همراه عددهای ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت تان را قید کنید.

به برگزیدگان جوایزی اهدا می شود.



طبق نظر رهبر معظم انقلاب، موتور محرک انقلاب چیست؟

الف) جوانان ب) امید به آینده ج) توسعه فرهنگی د) توسعه اقتصادی

۵۱

بیانیه «گام دوم» به چه مناسبتی صادر شد؟

الف) پیروزی برداعش ب) چهل سالگی انقلاب ج) پیروزی جبهه مقاومت د) خروج آمریکا از سوریه

۵۲

از نظر آیت الله جوادی آملی با چه نوع شعری می توان انقلاب را تبیین کرد؟

الف) آیینی ب) حماسی ج) تعلیمی د) اجتماعی

۵۳

محور اصلی داستان هدهد، بلقیس و سلیمان نبی چیست؟

الف) توحید ب) معاد ج) عدل د) ولایت

۵۴

کدام فیلم درباره دفاع مقدس است؟

الف) قسم ب) شبی که ماه کامل شد ج) قصر شیرین د) بیست و سه نفر

۵۵

کدام شاعر ایرانی لقب «حکیم» دارد؟

الف) حافظ ب) سعدی ج) فردوسی د) خیام

۵۶

کتاب «ان معر الصبر نصر» شامل خاطرات چه کسی است؟

الف) رهبر معظم انقلاب ب) سید حسن نصرالله ج) امام خمینی (ره) د) علامه طباطبایی

۵۷

مجموعه داستان «نعلین های آلبالویی» درباره چیست؟

الف) دوگانه های زندگی انسان ایرانی ب) امید ج) چالش های زندگی مدرن د) هر سه مورد

۵۸